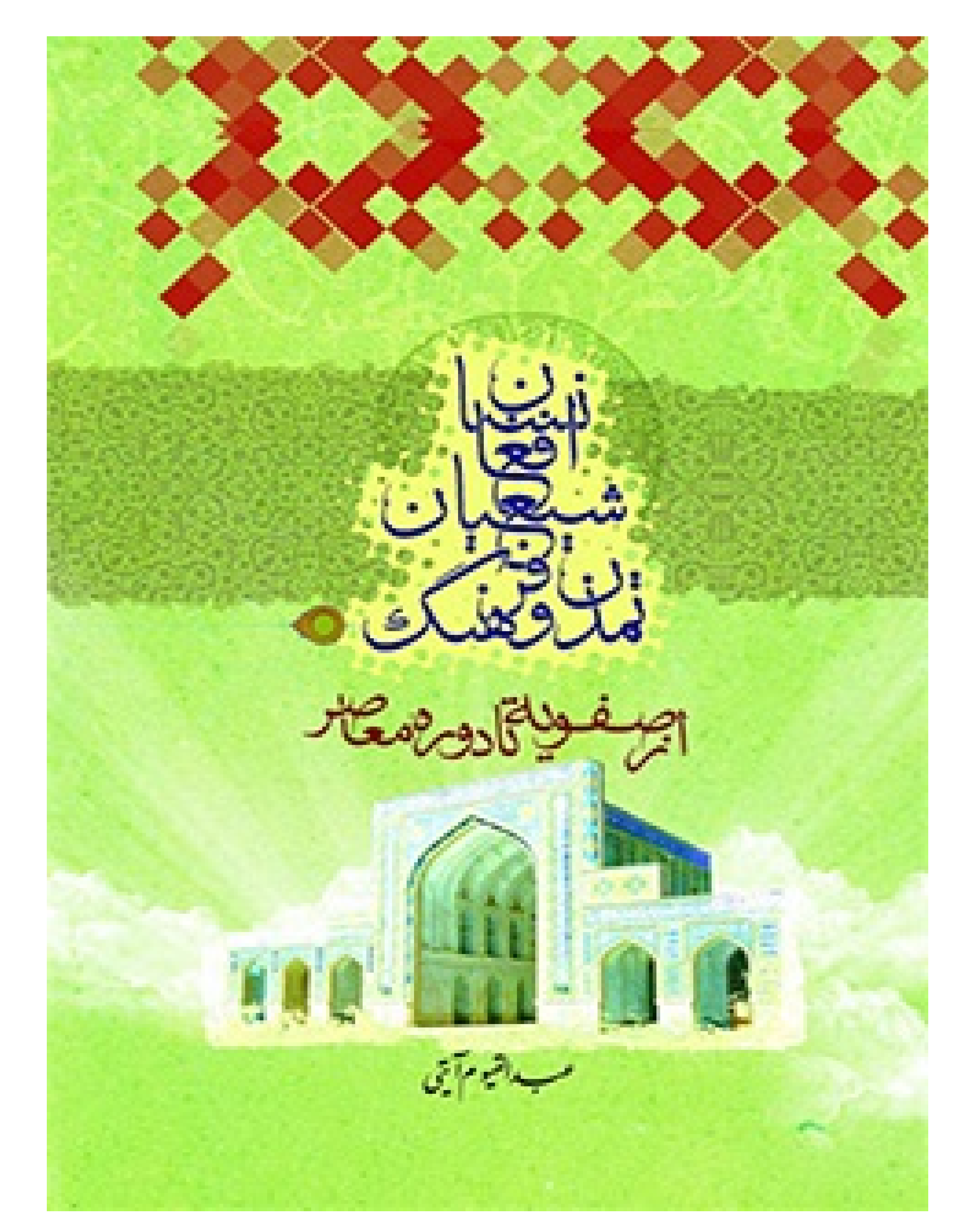

از صفویه تا دوره معاصر


بسم الله الرحمن الرحیم

تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان (از صفویه تا دوره معاصر)

نویسنده:

عبدالقیوم آیتی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان (از صفویه تا دوره معاصر)

مشخصات کتاب

سرشناسه: آیتی، عبدالقیوم، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان (از صفویه تا دوره معاصر)

نویسنده: عبدالقیوم آیتی.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله ، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۸۰ص.

شابک: ۹-۱۳۳-۱۹۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شیعه - - افغانستان - - تاریخ - - قرن ۱۰ق - ۱۴

موضوع: شیعه - - افغانستان - فعالیت های سیاسی

موضوع: اسلام - - افغانستان - - تاریخ - - قرن ۱۰ق- ۱۴

موضوع: افغانستان - - آداب و رسوم دینی

موضوع: افغانستان - - زندگی فرهنگی

شناسه افزوده: جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸ت ۹آ/۲۳۹ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۳۰۹۵۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۱۷۵۹۱

تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان(از صفویه تا دوره معاصر)

مؤلف: عبدالقیوم آیتی

چاپ اول: ۱۳۹۰ش / ۱۴۳۲ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

ناظر چاپ: نعمت الله یزدانی

چاپ: زلال کوثر قیمت: ۴۴۰۰۰ ریال شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

مراکز پخش:

قم، چهارراه شهدا، خیابان حجتیه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله .

تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله .

تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

www.miup.ir , www.eshop.miup.ir

E-mail: admin@miup.ir, root@miup.ir

ص :۱

اشاره

تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان (از صفویه تا دوره معاصر)

عبدالقیوم آیتی

ص :۳

سخن ناشر

(الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی أَنْزَلَ عَلی عَبْدِهِ الْکِتابَ وَ لَمْ یَجْعَلْ لَهُ عِوَجاً) والصلوه والسلام علی النبی الأمین محمدٍ وآله الهداه المهدیّین وعترته المنتجبین واللعنه علی اعداء الدین، إلی قیام یوم الدین.

حوزه کهن علوم اسلامی در زمینه علوم پایه، مانند: فقه، کلام، فلسفه، اخلاق و علوم ابزاری، مانند: رجال، درایه و حقوق در طول چهارده قرن فرازها و فرودهای بسیاری داشته است.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، سؤال ها و چالش های جدیدی به ویژه در حوزه علوم انسانی فراروی اندیشمندان اسلامی قرارگرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛دورانی که پایبندی به دین و سنت، در مدیریت همه جانبه کشورها بسیار چالش برانگیز می نماید.

از این رو مطالعات و پژوهش های به روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس سنجه های معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان گذاران این شجره طیّبه، به ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری دام ظله العالی می باشد.

در این راستا «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمّدی صلی الله علیه و آله «مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله » را تأسیس کرده است.

اثر حاضرکه به همت فاضل گرامی عبدالقیوم آیتی می باشد، تلاشی است در به ثمر رساندن گوشه ای از این اهداف متعالیه.

در پایان لازم می دانیم از همه عزیزانی که در مسیر نشر این کتاب سهمی داشته اند تقدیر و تشکر نموده و تمامی ارباب فضل و معرفت را به یاری خوانده تا ما را از نظریات سازنده خویش بهره مند سازند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

ص:۶

فهرست

ج) مشارکت شیعیان درحکومت های مرکزی افغانستان (از قرن دهم تا دوره معاصر) ۶۶

ص:۷

چکیده

این پژوهش بـا موضوع تمـدن و فرهنگ شـیعیان افغانسـتان, از صـفویه تا دوره معاصـر، در شـش بخش تـدوین شـده است که عبارت اند از:

بخش اول – کلیات و مفاهیم: ارایهٔ مفاهیم و تعاریف کلیـد واژه های مهمی مانند: تمدن، فرهنگ، افغانسـتان، تشیع و موقعیت جغرافیای انسانی شیعیان را در بر می گیرد.

بخش دوم – شـیعیان و سـیاست: مطـالب این بخش شامـل چهـار محـور اساسـی می شود: در آغـاز، به عملکرد حکومت هـای مرکزی و چگـونگی تعامـل و برخـورد آن هـا در برابر شـیعیان افغانسـتان، همچنین به مشـارکت شـیعیان در حکومت هـای این سرزمین می پردازد؛ سـپس جنبش های رهایی بخش شـیعیان، و سرانجام، سازمان ها و تشکیلات سیاسی آنها را به طور فشرده بررسی می کند.

بخش سوم – وضـعیت فرهنگی و علمی شـیعیان: در این بخش به وضعیت فرهنگی و تعلیم وتربیت آنها پرداخته شده است. در پایان نیز، وضعیت علمی و نقش آنها را در شکوفایی و توسعه دانش بررسی می کند.

بخش چهارم – آداب و رسوم شیعیان: به نمادهایی از آداب و رسوم شیعیان اشاره شده است.

بخش پنجم – نهادهـای مـدنی اجتمـاعی شـیعیان: این بخش، نهادهـاییماننـد: سازمان روحانیت و کارکرد عالمان دینی را در جامعه مطرح می کند؛ سپس درباره نظام قضایی شیعیان بحث می شود. در آخر نیز، معیشت و درآمد آنان را بررسی می کند.

ص:۱۱

بخش ششم - هنر و معماری شیعیان: در آغاز این نوشتار، به آفرینش های هنری افغان ها، در زمینه های موسیقی، خط، بافندگی و ریسندگی، همچنین صنعت فلزکاری و نجاری، توجه می کند؛ پس از آن، به سبک معماری و شیوه ایجاد بناهای تاریخی و مذهبی؛ مثل: مدارس، مساجد، حسینیه، تکایا و راه سازی و پل سازی بررسی می شود.

مقدمه

درباره سرگذشت شیعیان افغانستان، نانوشته های بسیاری وجود دارد؛ البته دلیل آن، به این باز می گردد که شیعیان در گذشته های تاریخی این سرزمین مورد ستم حکومت های آن روزگار قرار گرفته اند و با آنها برخوردهای ناعادلانه ای شده است. بیش از همه، تاریخ، تمدن و فرهنگ پیروان مذهب تشیع انکار می شود و در برخی موارد سکوت مورخان را در پی دارد؛ درحالی که این جامعه، دارای تمدن کهن و فرهنگ غنی بوده که به صورت آثار مکتوب گردآوری نشده است.

شگفت انگیزتر اینکه، هویت تاریخی و تمدنی این فرقه، آگاهانه انکار شده است؛ در حالی که شیعیان افغانستان یکی از مولفه های مهم و تاثیرگذار در تمدن و فرهنگ این کشور به شمار می آیند؛ ازاین رو، این نوشتار تاثیرات آنها را در حوزه های علمی، اجتماعی و سیاسی تحت عنوان: «تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان، از صفویه تا دوره معاصر» بررسی می کند. کشور افغانستان در جغرافیای جهان اسلام جایگاه ویژه ای دارد و تنوع مذهبی و اقوام گوناگون آن، سبب دگرگونی ها و تاثیرات مهمی در این سرزمین شده است. شیعیان نیز در این گونه تحولات، نقش بسزایی داشته اند؛ ازاین رو، به گوشه هایی از مشارکت آنان در زمینه های فرهنگ و تمدن، همچنین حوزه های نقش آفرینی آنها اشاره می شود. با توجه به اهمیت موضوع، مطالبی درباره شیعیان و حوزه های فرهنگ و تمدن آنها از منابع معتبر و متعدد گردآوری شده است تا به منظور اعتلای این فرهنگ غنی و نقش آنها در این غنی سازی، گام هایی هرچند کوچک برداشته شود. برای تدوین

موضوعی که بتواند تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان را برجسته کند، ضرورت دارد که از سوی دلسوزان، گام های جدی تری برداشته شود. این امر، می تواند خالی گاه پیش آمده را تا حدودی جبران کند و دستاوردهایی، از قبیل احیای هویت شیعیان و بیان جایگاه و منزلت آنها را در تمدن افغانستان به دنبال داشته باشد.

دغدغه اصلی پژوهشگر کتاب، پاسخ به این پرسش است که تاثیرات تمدنی و فرهنگی شیعیان افغانستان در چه زمینه هایی بوده است؟ و در چه حوزه هایی بیشترین تاثیر را داشته اند؟

با جست وجوی های به عمل آمده، نوشته مستقلی تحت عنوان «تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان، از صفویه تا دوره معاصر» مشاهده نشده، ولی در لابه لای منابع تاریخ عمومی و کتاب هایی که درباره افغانستان به نشر رسیده، مطالب پراکنده و ارزنده ای وجود دارد که این پژوهش از آنها بهره گرفته است. در این نوشتار، از منابع و مآخذ فراوانی استفاده کرده ایم که در نگاهی کلی به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) تاریخ عمومی افغانستان: برای تکمیل و تدوین این پژوهش، از کتب تاریخ عمومی افغانستان، همانند: سراج التواریخ؛ ملافیض محمدکاتب، تاریخ ملی هزاره؛ تیمورخانوف (دانشمند روسی)، تاریخ تشیع در افغانستان؛ پژوهشی در تاریخ هزاره ها؛ حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، افغانستان در پنج قرن اخیر؛ میرصدق فرهنگ، سرزمین و رجال افغانستان؛ حسین نایل، تاریخ تشیع در افغانستان (قرن اول تا پایان قرن هفتم هجری قمری)؛ مشاهیر تشیع در افغانستان؛ عبدالمجید ناصری و شیعیان افغانستان و از آثار محمد عزیز بختیاری استفاده شده است.

ب) دانش نامه ها و دایره المعارف ها: در این نوشتار، از برخی دانش نامه ها در قسمت ادبا و شعرای سرزمین افغانستان؛ مانند: دانش نامه ادب فارسی در افغانستان، به اهتمام حسن انوشه و دایره المعارف آریانا، چاپ کابل و... بهره برده شده است.

ج) مجلات و شبکه های اطلاع رسانی: برای پژوهش مطالب، از مجلات و نشریات داخل و خارج کشور استفاده شده، همچنین سایت های مطالعاتی و خبری برای کامل کردن این کتاب به کار برده شده است. در این پژوهش برای دست یافتن به اهداف زیر تلاش می شود:

۱. هدف نهایی این کتاب، بررسی تمدن شیعیان افغانستان خواهد بود.

۲. تاثیر اندیشه ها و باورهای شیعی در فرهنگ حاکم بر جامعه افغانستان، از قرن دهم هجری و پس از آن را نشان می دهد.

۳. حداقل زمینه پژوهش را در حوزه های تمدن و فرهنگ شیعیان، برای دیگر پژوهشگران جامعه شیعه فراهم کند تا برای تکمیل این گونه موضوعات دست به قلم ببرند.

نوآوری این کتاب در دو محور خلاصه می شود:

۱. موضوع و ساختار این کتاب، نو است؛ زیرا تحت این عنوان، تا کنون یک مقاله چند صفحه ای هم منتشر نشده است.

۲. در این کتاب علاوه بر استناد به داده ها، از ابزارهای نوین پژوهشی، مثل جداول و تصاویر به کار گرفته شده است.

با توجه به موضوع و محتوای علمی، تاریخی و اجتماعی کتاب از دو روش نقلی و تحلیلی برای نگارش آن بهره گیری شده است. بیشتر مطالب از منابع مکتوب، به روش کتابخانه ای و به صورت تهیه فیش تحقیقاتی، اطلاعات تاریخی و اجتماعی گردآوری شده، در برخی موارد، مشاهدات و یادداشت های نگارنده و نیز مراجعه به افراد خبره و جست وجو در پایگاه های اطلاع رسانی کشور افغانستان، از دیگر منابع پژوهش این کتاب بوده است.

محتوای این کتاب را نگارنده آن در قالب مقالات گرد آوری کرده، هرچند این امر نقش موثری در تکمیل مباحث کتاب داشته، باعث خالی بودن آن از نقصان نشده است؛ از این رو، ارائه پیشنهادها از سوی اندیشمندان که درحوزه تاریخی و تمدنی افغانستان پژوهش کرده اند، برای تکمیل این اثر سبب امتنان و خرسندی نگارنده خواهد بود. در پایان این مقدمه لازم است از حمایت های بی دریغ جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، به ویژه از معاونت محترم پژوهش، که زمینه پژوهش هایی در راستای رشد و شکوفایی استعدادهای نهفتهٔ دانش پژوهان این جامعه را فراهم کردند، تشکر کنم. همچنین از زحمات و راهنمایی های اساتید محترم که در راستای تدوین و ارزیابی این نوشتار نقش داشتند، مراتب سپاس و امتنان را دارم.

عبدالقیوم آیتی

جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه

خردادماه۱۳۸۸

ص:۱۵

۱–کلیات و مفاهیم

اشاره

در این بخش به بیان مفاهیم و واژگان کلیدی کتاب پرداخته می شود، در آغاز واژه هایی مانند: تمدن، فرهنگ، افغانستان، تشیع و جغرافیای انسانی شیعیان در این سرزمین بررسی می شود.

۱– تمدن

(۱)

واژه تمدن به برداشت های گوناگون از حالت های جامعه انسانی می پردازد. اشاره به تکامل و شکل گیری روابط بشری یکی از جنبه های رایج این واژه است.

تمدن « Civilization » برابر واژه لاتینی « Civilis » و معادل یونانی قدیم « Poleis »، اسم مصدر « Civilser »، به معنای «متمدن کردن» است. یونانی های باستان که شهر را مجموعه ای از نهادها و روابط اجتماعی می دانستند که سازنده شکل برتری از زندگی است، این کلمه را به کار می برند. در ادبیات فارسی علاوه بر تعریف یاد شده، تمدن به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... استفاده می شود. در جای دیگر، تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان نیز آمده است. (۲)

کارال نورته چیکو تمدن را این گونه تعریف می کند: «در ساده ترین حالت تعریف ادبی

ص:۱۷

۱– (۱) . Civilization.

۲– (۲) . محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران: ج۱، ص ۱۱۳۹.

کلمه، تمـدن به معنای یک جامعه ترکیبی و پیچیـده است.» از نظر فنی، انسان شـناس ها مفهوم تمـدن را در انبوده مردمانی که در شهرها زندگی و غذا و خوراک خود را از راه کشاورزی تهیه می کنند؛ در جامعه های به هم پیوسته با افرادی که در گروه هـای نمـاد (شـاخص) زنـدگی می کننـد؛ در جـامعه هـای قبیله ای بـا مردمـانی که در گروه هـا و محل های کوچک عمر می گذرانند؛ همچنین در مردمان وابسـته به هم و بیابانگرد (کوچ نشین) که با شکارکردن و جمع آوری مواد غذایی و نیز در قبیله هایی که با کارکردن در باغ های تولیـد گل و میوه و سبزیجات امرار معاش می کننـد، می دانند. البته هنگامی که این کلمه به صورت صفت استفاده می شود، فقط برخی گروه های بشری را در برمی گیرد و شامل جوامع و مردمان دیگر نمی شود.

بایـد در نظر داشت که از ارتباط مفهومی تمدن با مدینه(شهرنشـینی) نباید تصور کرد که تمدن به معنای شهرنشـینی نیز، به آن شکل از زنـدگی انسان ها گفته می شود که درست در برابر چادر نشـینی یا بیابانگردی قرار دارد، چنین پیونـدی میان تمـدن و مـدینه را نمی توان برابری داد با آنچه در کاربرد اصـطلاحی این واژه مورد نظر اندیشـمندان و مورخان است. درواقع می توان چنین تصور کرد که «تمدن» به طور عمده از زمانی پدید می آید که انسان مرحله زندگی بدوی را سپری وشهرنشـینی را آغاز کرده است؛ اما تعبیر تمدن صـرفا به «شـهر نشـینی» درست نیست. به بیان دیگر، تمدن، شهرنشینی نیست؛ اما انسان متمدن وارد مرحله شهرنشینی شده است، در واقع رابطه میان شهر و تمدن، رابطه جزء و کل است، نه رابطه ظرف با مظروف. (۱)

جان برنال از مشاهیر تمدن شناسـی، معتقد است که واژه (Civilization) ، از مدینه به معنای شـهر ریشه می گیرد؛ ولی شهر در اصل، معلول تمدن بود، نه علت آن؛ یعنی به واقع شهر جزء تمدن است. (۲)

برای تمدن تعریف های گوناگون وجود دارد؛ از جمله:

«تمـدن»، مجموعه اعمـال و آرایی است که در هر جـامعه، افراد انسـانی از بزرگترهـا فرا می گیرنـد و به نسل جوان تحویل می دهند. (۳)

۱- (۱) . جان برنال، علم در تاریخ، ص ۸۶.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . رالنیتون، سیر تمدن، ص۳.

ویل دورانت در تعریف تمدن می گوید:

«نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره گیری از اندیشه ها، آداب، رسوم و هنر دست به ابداع و خلاقیت می زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، آن را نگاه می دارد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید پایدار خواهد ماند.» (۱)

دکتر چنگیز پهلوان درباره واژه تمدن می نویسد:

«حاصل و نتیجه معرفت ها و مهارت هایی است که نسل های مختلف در گذر از شرایط بدوی به شرایط طبیعی گرد آورده، حفظ کرده و در زندگی عملی خود به کار بسته اند.» (۲)

مجموعه پدیده های اجتماعی که وابسته به ارگانیسم اجتماعی خاص نیست. این پدیده ها در فضایی جریان دارند که از مرز اصلی در می گذرند و در مقاطعی از زمان تحول می یابند که فرا سوی تاریخ یک جامعه معین جریان می یابد. (۳)

برآیند شناخت ادراکی (تفکر) و عاطفی (هنر) انسان است؛ (۴) تشکل هماهنگ انسان ها درحیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی در همه ابعاد مثبت. (۵)

مفهوم تمدن، پیوند ناگسستنی با اندیشه پیشرفت اجتماعی داشته و به معنای پیروزی عقلانیت بر دین، زوال راه و رسم های علمی و خاص و محدود و اعتلای علوم طبیعی بوده است؛ (۶) تمدن به معنای محدود آن، یعنی فقط افزایش دادن آنچه انسان مصرف می کند و تجملات ظاهری که به ضرورت های روزانه زندگی اضافه می شوند. تمدن به معنای گسترده آن، یعنی نه فقط رفاه در زمینه ضرورت های روزانه، بلکه پالایش معرفت و پرورش فضیلت به گونه ای که زندگی بشری را به مرتبه ای بالاتر بکشد. (۷)

۱- (۱) . ویل دورانت، درآمدی بر تاریخ تمدن، ص۲۵۶.

۲- (۲) . چنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، ج۱، ص ۴۹۰.

۳- (۳) . همان، ص ۶۹.

۴- (۴) . یوسف فضایی، بنیان های اجتماعی دین، ص۵۳.

۵- (۵) . محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج۵، ص ۱۶۱.

۶- (۶) . استفن هیل و دیگران، فرهنگ جامعه شناسی، ص۶۶.

۷- (۷) . فوکوتساویوکیچی، نظریه تمدن، ص ۱۱۹.

«تمـدن شامل مجموعه پیچیـده ای از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، جهات مذهبی، اخلاقی، زیبایی شـناختی، فنی و علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع، یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است.» (۱)

تعریف برگزیده تمدن: «تمدن»، مجموعه دسـتاوردها و اندوخته های مادی و معنوی بشـر است که دستاوردهای فرهنگی را نیز در برمی گیرد، و می توانـد توصـیف کننـده فرهنگ یک جامعه پیچیده و بزرگ، یا فقط توصـیف کننده یک جامعه باشد. هر جامعه دارای تمـدن، یا فاقد مجموعه بخصوصـی از عقاید و آداب و رسوم است، یا مجموعه خاصـی از این ویژگی ها و هنرها را دارد که آن را منحصـر بفرد می سازد. تمـدن ها بیشتر بر فرهنگی تاکید دارند که در برگیرنده ادبیات، هنرهای تخصصـی و حرفه ای، معماری، مـذهب سازمان یافته، رسوم و سـنت های پیچیـده ای است و همه اینها در خـدمت توسـعه جامعه ای خاص هستند. طبیعت تمدن چنان است که همواره می خواهد گسترش بیابد و افراد بیشتری تابع آن شود.

۲- فرهنگ

در واژه شناسـی، بسیاری از واژگان کلیدی که هر کدام درهای فراوان دیگری را می گشاید، دچار نوسان در تعریف و تشریح اند.آزادی، اسـتقلال، مدیریت، تکنولوژی، حقوق و سیاست، واژه هایی از این قبیل اند که به بررسی های عمیق و عالمانه نیاز دارند. «فرهنگ، از آن جمله و یا یکی از پر دغدغه ترین واژه هایی است که در عین کوتاهی، معانی متفاوت و بسیار گسترده ای برای آن گزارش شده، ولی تا کنون تعریف اجماعی، برای آن به دست نیامده است.» (۲)

واژه «فرهنگ» (۳) در زبان فارسـی با مفهوم « Culture » در زبان انگلیسـی و فرانسه شباهت نزدیک دارد. (Culture) ، از فعـل لاتینی « Culere »، به معنای «پرورانـدن» گرفته شـده است. (۴) این واژه در لغت نـامه علامه دهخـدا چنین آمـده است: «فرهنگ» در فارسی

ص:۲۰

۱- (۱) . آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۷.

۲- (۲) . محمد رضا کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۸.

۳- (۳) . Culture.

۴- (۴) . چنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، ج۱، ص ۳ و ۴.

از «فر» و «هنگ» ترکیب یافته، «فر» پیشوند است، به معنای جلو، پیش، بالا و «هنگ» از ریشه اوستایی است به معنای کشیدن؛ بنابراین، فرهنگ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.» (۱)در «دایره المعارف فارسی» آمده است:

«مفهوم فرهنگ چندان سودمند بوده است که آن را توسعه داده، در سایر علوم اجتماعی، ادبیات و علوم زیستی نیز به کار می برند. از آغاز پیدایش نوع بشر، فرهنگ مایه تمایز انسان از گروه های حیوانی بوده است، آداب، عادات، اندیشه ها و اوضاعی که گروهی در آن شرکت دارند، از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابند و این انتقال، بیش از آنکه از راه وراثت باشد، از راه آموختن است، پیروی از این آداب و عادات با نظام پاداش و کیفر مخصوص به هر فرهنگ انتظام پیدا می کند.» (۲)

تعریف برخی دانشمندان علوم اجتماعی درباره فرهنگ چنین است:

فرهنگ عبارت است از: «مجموعه کلی دانش، شناخت و باور، هنر، اخلاقیات، قانون، سنت و ظرفیت ها و عادت هایی که فرد به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند.» (۳)

یکی از نویسندگان، فرهنگ را چنین تعبیر می کند:

«وجه معنوی تمدن را فرهنگ می گویند، پدیده های معنوی، پدیده هایی اند که نیازهای غیر حیاتی آدم را برآورده می کنند. لباس پوشیدن، مادی است؛ ولی مد و رنگ لباس، جزو پدیده های معنوی است.» (۴)

فرهنگ عبارت است از آنچه در یک جامعه معین کسب می کنیم و می توانیم آن را انتقال دهیم، پس در فرهنگ مجموع حیات اجتماعی، از زیربناهای فنی و سازمان های نهادی تا اشکال و صور بیان حیات انسان را مد نظر قرار می دهند و تمامی آنان همچون یک نظم ارزشی تلقی می شوند و به گروه، کیفیت و تعالی انسانی می بخشند.

دانشمندان آنگلوساکسون تمایل دارند واژه فرهنگ را در معنای وسیع و شامل

۱- (۱) . علی اکبر دهخدا، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، ج۳، ص ۲۲۷.
۲- (۲) . دایره المعارف فارسی، به سرپرستی غلام حسین مصاحب، ج۲، ص۱۸۹۵.
۳- (۳) . تی. اس. الیوت، درباره فرهنگ، و ص سایمون کولمن و هلن و اتسون، درآمدی بر انسان شناسی، ج۱، ص۵.
۴- (۴) . علی شریعتی، تاریخ تمدن، ج۱، ص۷.

تمدن به کار برند. آلمانی ها، به ویژه پس از «هردر»، مفاهیم فرهنگ و تمدن را برابر هم قرار دادند و تمدن را مجموع عناصر مادی، آثار فنی و اشکال سازمان اجتماعی می دانند که امکان بروز تجلی یک جامعه را فراهم می کند. از نظر آنها فرهنگ عبارت است از: مجموع مظاهر معنوی، آفرینش های ادبی، هنری و ایدئولوژی های مسلطی که واقعیتی بدیع و خاص از مردمی در یک دوران را تشکیل می دهد. (۱)

محور چرخش فرهنگ بسیار گسترده است و شامل: دانش و علم، ارزش و باورها، هنر و فنون، آداب و رسوم، اخلاق و قانون، سنت و ظرفیت ها و توانمندی ها و شیوه های زندگی انسانی می شود. واژه فرهنگ، کاربردهای فراوانی در بسیاری از حوزه های علمی، تمدنی، صنعتی و... دارد.

تعریف برگزیده فرهنگ: همه فرآورده های مشترک معنوی و مادی بشر؛ از جمله: عقاید، باورها، تعصبات، زبان، هنجارها، آداب و قوانین، مهارت ها، هنرها و مصنوعاتی که محصول فرهنگ غیر مادی است.

۳- افغانستان

اشاره

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان، کشوری است که در مرکز قاره کهن آسیا قرار دارد. این کشور، نقطه اتصال سه حوزه شبه قاره هند، ایران و آسیای مرکزی است. این ویژگی، افغانستان را از نگاه سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی، اهمیت فوق العاده ای داده است. (۲) در گذشته، این سرزمین چهارراه تجاری مهمی در منطقه بود و چون «جاده ابریشم» از میان آن می گذشت، اهمیت اقتصادی بسزایی داشت.

مساحت این کشور، به طور دقیق روشن نمی باشد، بدین جهت در مورد وسعت افغانستان، ارقام گوناگونی در منابع ذکر شده است. (۳) ولی در بیشتر منابع، مساحت این سرزمین را حدود ۶۵۰,۰۰۰ هزار کیلومتر مربع ذکر کرده اند. (۴) در همسایگی افغانستان

۱- (۱) . آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص۷۸-۷۷.

۲- (۲) . میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص۸.

۳- (۳) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۱۶۵.

۴- (۴) . سید مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص ۵۹ و میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص ۴.

شش کشور قرار دارد، از طرف شمال با جمهوری های تازه استقلال یافته آسیای میانه (تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان) همجوار می باشد و حدود ۲۳۸۴ کیلومتر مربع مرز بین المللی دارد. در قسمت شمال شرق، از طریق قله پامیر و تنگه واخان با کشور چین، حدود ۴۰ کیلومتر هم مرز است. در غرب با جمهوری اسلامی ایران، ۸۵۰ کیلومتر مربع مرز مشترک دارد. در شرق و جنوب با کشور پاکستان،۲۲۴۰ کیلومتر مربع مرز مشترک دارد. (۱) افغانستان سرزمینی کوهستانی است که بخش بزرگی از آن را کوه های سر به فلک کشیده و برف گیر، همراه با دره های عمیق تشکیل می دهد. (۲)

افغانستان از چهار سمت در خشکی محصور است، بدین لحاظ برخی از نویسندگان آن را به سرزمین «بن بست» تعبیر کردند. (۳) کشور افغانستان به آب های آزاد راه ندارد، نزدیک ترین نقطه آن، مرز جنوبی از طریق پاکستان است که پانصد کیلومتر فاصله دارد تا به آب آزاد برسد. (۴) این کشور دارای رودخانه های مهم و بزرگی است.

افغانستان، از لحاظ آب و هوا خشک و بری است. (۵) با وجود این، تنوع آب و هوایی زیادی دارد؛ به طور کلی می توان این کشور را به سه منطقه آب و هوایی تقسیم کرد:

۱. مناطق گرمسیر: جلگه های مجاور سیستان و نواحی شرق، مثل جلال آباد، تابستان بسیار گرم و زمستان معتدل دارد.

۲. مناطق شمالی: مانند مزارشریف، به دلیل انعکاس اشعه نور خورشید بر روی ماسه ها، تابستان سوزان و تحمل ناپذیر و زمستان ملایمی دارد.

۳. مناطق کوهستانی: کوهساران (هزاره جات)، بدخشان، نورستان، که زمستان های

۱- (۱) . عزت الله عزتی، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، ص ۱۲۰ و میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص ۳.

۲- (۲) . الیور روآ و بریگو آندره، جنگ افغانستان، ص۲۷.

۳- (۳) . جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج۳، ص ۱۵۰ و سید مهدی علیزاده موسوی، افغانستان ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، ص۱۱.

۴- (۴) . سیدمحمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص۳۹ و الیور روآ و برنگوآندره، جنگ افغانستان، ص۲۷.

۵- (۵) . میر غلام محمدغبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵ و میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ص۴.

بسیار سرد و طولانی دارنـد، مـدت چهار ماه از سال پوشیده از برف است. (۱) و راه هـای ارتبـاطی به دلیل برف و یخبنـدان مسدود می گردد، این مناطق تابستان های معتدل دارند. (۲)

کشور افغانسـتان، از لحـاظ معادن یک کشور غنی است؛ (۳) امـا به دلایل و شـرایط نامناسب این کشور، معادن دست نخورده باقی مانده، حتی از معادن کشف شده، بهره برداری های اندک شده است. (۴) معادن استخراج شده عبارت اند از: نقره، مس، آهن، زغال، نفت و گاز، سنگ (قیمتی)، نمک، طلا، کروم، گوگرد، لاجورد، سرب، آلومینیوم، اورانیوم و.... (۵)

افغانسـتان، از نظر تقسـیمات اداری دارای ۳۴ ولاـیت است که عبارت انـد از: ارزگان، بادغیس، بامیان، بلـخ، بغلان، بـدخشان، پکتیا، پکتیگا، پروان، تخار، جوزجان، خوست، زابل، سرپل، سمنگان، غور، غزنی، فاریاب، فراه، قندوز، قندهار، کابل، کاپیسا، کنر، لغمان، لوگر، میـدان، ننگرهار، نیمروز، نورسـتان، هرات، هلمنـد، دایکنـدی و پنجشـیر. (۶) ایـن دو ولاـیت آخر در دوره ریاست جمهوری آقای کرزی تاسیس گردید که در مجموع، ولایات افغانستان به ۳۴ ولایت (استان) رسیده است. (۷)

الف) جمعیت

در گذشـته، حاکمان افغانسـتان بنا بر مسائل سیاسـی، از روشن شدن واقعیت نفوس در این کشور هراس داشـتند، لذا حاضـر به سرشـماری واقعی جمعیت (نفوس) نشـده انـد، به این دلیـل هر مؤسـسه و نویسـنده، خود آمـار تقریبی ارائه داده انـد. (۸) آمار دقیقی از میزان

۱- (۱) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص ۱۲۴.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . سیدمهدی علیزاده موسوی، افغانسـتان ریشه یـابی و بـازخوانی تحولات معاصـر، ص ۱۱ و الیـور روآ و برنگوآنـدره، جنگ افغانستان، ص ۳۵.

۴- (۴) . میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص۴.

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۹ و مجله سـراج، شماره ۱۹، ص ۱۸۸ و سیدمحمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی افغانستان، ص ۴۱.

۷- (۷) . ولایات دایکندی و پنجشیر افتتاح شد، هفته نامه اقتدار ملی، ص۶.

۸- (۸) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسـنامه افغانستان، ص ۳۳؛ دلایـل دیگری نیز دارد ماننـد: عـدم بودجه لازم، بی ثباتی، و جنگ های مکرر در سه دهه اخیر و...

جمعیت ساکن افغانستان در دست نیست، ولی به چند مورد از مواردی اشاره می شود که در برخی منابع آمده است:

جدول شماره (۱) جمعیت افغانستان در دوره های مختلف

ردیف تاریخ منبع و مؤسسه اعلام کننده آمار

۱۳۶۵ ۱ دولت مارکسیستی، جمعیت کشور ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ نفر اعلام شد. (۱)

۱۳۷۹ ۲ دایره المعارف بریتانیکا، جمعیت را ۲۵،۸۸۹،۰۰۰ نفر اعلام می کند. از این شمار، ۲,۳۰۰,۰۰۰مهاجرانی هستند که در کشورهای ایران و پاکستان زندگی می کنند. (۲)

۱۳۸۱ ۳ یک منبع خارجی که اطلاعات جمعیت کشورهای جهان را درج کرده است، جمعیت افغانستان را ۷۷۵، ۷۵۵، ۲۷ نفر اعلام می کند. (۳)

۱۳۸۵ ۴ برپایه سرشماری مقدماتی کمیته ملی احصائیه کشور، جمعیت افغانستان ۲۴،۰۰۰،۰۰۰ نفر اعلام شد(این آمار، شامل میلیون ها مهاجر افغانی مقیم ایران، پاکستان و کشورهای دیگر نمی شوند) از این تعداد ۱۲,۳۰۰,۰۰۰ نفر مرد، و ۱۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر، زن هستند. ۲۱/۷ درصد نیز شهرنشین می باشند. (۴)

۱۳۸۷ ۵ قرار بود مرحله اصلی سرشماری جمعیت افغانستان، در ماه سنبله ۱۳۸۷ صورت بگیرد. سازمان ملل پیش از این، جمعیت آن را ۲۹،۰۰۰،۰۰۰ میلیون نفر تخمین زده. و آخرین آمار از کل جمعیت افغانستان، در ویکی پدیا، در فهرست جمعیت کشورها بر پایه جمعیت (نفوس) افغانستان، ۲۹،۸۶۳،۰۰۰ ثبت شده است.

آمار وضعیت سنی (آمار تقریبی).

۰ تا ۱۴ سال: ۴۴،۶ درصد/ مرد ۷۰۹۵۱۱۷/ زن ۶۷۶۳۷۵۹

۱۵ تا۶۴ سال: ۵۳ درصد/ مرد ۸۴۳۶۷۱۶ /زن ۸۰۰۸۴۶۳

۶۵ سال به بالا: ۲،۴ درصد/ مرد ۳۶۶۶۴۲ / زن ۳۸۶۳۰۰

متوسط سن: ۴۳ سال

نرخ رشد جمعیت: ۲،۶۷ درصد

نرخ تولد:۴۶،۲۱ کودک در هر هزار نفر

نرخ مرگ و میر: ۱۹،۹۶نفر در هر هزار نفر

نرخ مهاجرت: صفر (میزان کوچ به بیرون مرزها با بازگشت افغان ها برابر بوده است، بنا به آمار سال ۲۰۰۷).

نرخ مرگ و میر کودکان (زیر ۷ سال):۶۴، ۶ در هر هزار کودک (بنا بر آمار سال ۲۰۰۷)

امید به زندگی:

در مردان: ۴۳، ۷۷ سال

در زنان: ۴۳، ۹۶ سال (۵)

۱- (۱) . Richard F. Nyrop and Donald M. Seekins, Afghanistan a Country, Study Foreign Area Studies Of the American University,۱۹۸۵, Population (digital Version), Op. Cit

۲- (۲) . Britannica Encyslopedia ۲۰۰۲editin, CD.

۳- (۳) . www.Countryreport.org.

۴- (۴) . www.af.wipidia.com.

۵- (۵) . همان.

سرشماری جمعیت در یک کشور، می تواند برای پیش بینی برنامه های کاری دولت مفید باشد؛ از این رو ضرورت دارد تا از کل جمعیت افغانستان به طور دقیق آمارگیری شود.

ب) اقوام افغانستان

این کشور گروه های قومی متعددی دارد که هنوز برخی از اقوام آن، ناشناخته است. البته مردم شناسان با تلاش های فراوان، نتایج خوبی را در این زمینه به دست آوردند. (۱) از جمله مردم شناسان، «اروین اورال و همکارانش» ۵۵ قوم را در افغانستان شناسایی کرده اند. از اقوام مهم افغانستان، می توان پشتون ها، تاجیک ها، هزاره ها، ازبک ها، ترکمن ها، ایماق ها و... را نام برد. (۲)

افغانستان، به علت تکثر و تنوع اقوام و طوایف، موزه بزرگی از نژادها و ملل گوناگون توصیف شده است. (۳) متناسب با این بحث، برخی اقوام عمده و تاثیرگذار بر زندگی اجتماعی و قدرت سیاسی، معرفی و از طرح تفصیلی اقوام کوچک و غیر تاثیرگذار پرهیز می شود.

یک) پشتون: پشتون ها، بزرگ ترین قوم ساکن در افغانستان هستند. این تبار، به طور عمده در شرق و جنوب و برخی نیز، در شمال و غرب کشور زندگی می کنند؛ جمعیت آنان حدود ۳۰ درصد کل جمعیت افغانستان برآورد شده و زبان این قوم، پشتو (از شاخه های زبان هند و اروپایی) است. این طایفه، بیشتر پیرو مذهب حنفی، از مذاهب اهل سنت هستند؛ پشتون ها از نظر ساختار درون قومی به دو طایفه (قبیله) بزرگ «غلزایی» و «درانی» منشعب می شوند. از گذشته های دور، میان این دو طایفه بر سر قدرت سیاسی رقابت وجود داشته، همین امر سبب جنگ های قومی متعددی شده است. از تاسیس حکومت پشتون ها که در سال ۱۱۲۶ش به دست احمدخان ابدالی اتفاق افتاد، حکومت افغانستان تحت سلطه درانی ها اداره می شد. (۴) بدین ترتیب، ساختار

۱- (۱) . گلاتزر برنت، آیا افغانستان در آستانه تجزیه قومی قرار گرفته است؟، هفته نامه وحدت، ش ۲۷۰.

۲- (۲) . جمعی از نویسندگان، جریان پرشتاب طالبان، ص۹.

۳- (۳) . سید عبدالقیوم سجادی، جامعه شناسی سیاسی افغانستان، ص۹۱.

۴- (۴) . مری لوئیس گلیفورد، سرزمین و مردم افغانستان، ص۵۳.

قدرت سیاسی، فقط خود را در برابر مطالبات قبیله رقیب، از اقوام پشتون پاسخگو می دانست و نوعی انحصار سیاسی را شاهد بود که بر اساس آن، اقوام غیر پشتون از مشارکت سیاسی در این ساختار محروم بودند.

دو) هزاره : این تبار، یکی از اقوام عمده افغانستان به شمار می آیند. از گذشته های بسیار دور تا کنون، جمعیت اصلی افغانستان شامل این اقوام (پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک) می شود؛ هزاره ها، که تقریبا ۲۵ درصد از کل جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند، طبق نظریه های محققان و خاورشناسان، از بومیان اصلی این سرزمین هستند. آنها پیش از این در افغانستان می زیستند و در بسیاری از مناطق این کشور زندگی می کردند. (۱)

صرف نظر از ریشه های تاریخی آن و مباحث مربوط به تبارشناسی، هزاره ها عمدتا پیرو مذهب اثناعشری هستند و تعدادی از آنها مذهب حنفی دارند؛ عده انگشت شماری نیز از فرقه اسماعیلیه پیروی (۲) و به زبان فارسی (دری) تکلم می کنند. (۳) مهاجران این قوم که به دلیل بیدادگری امیر عبدالرحمان خان، در سال های (۱۲۸۰- ۱۲۷۵ش) از وطن خویش به سوی کشورهای همسایه مهاجرت کرده اند، در خراسان فعلی و بلوچستان پاکستان اقامت کردند. از نظر ساختار سیاسی، هزاره های شیعی، در انزوای سیاسی قرار داشتند، تا اجلاس «بن» که در سال ۱۳۸۰ برگزار شد؛ پیش از این اجلاس، در برخی دوره ها، سهم اندکی به هزارها سپرده می شد؛ از این رو نقش آنها در ساختار سیاسی این کشور، کمرنگ بوده است. البته در دوره حکومت کمونیستی در افغانستان، تا حدودی به مناصب و رده های بالایی حکومتی راه یافته اند؛ از جمله: صدارت اعظمی(نخست وزیری) سلطان علی کشتمند می توان نام برد، حضور شیعیان پس از نشست «بن» بهتر شده و در مقام معاون دوم ریاست جمهور در مقام سرپرست چهار وزارتخانه و رئیس گماشته شده اند، ولی آن گونه که باید، از افراد شایسته برای اداره کشور استفاده نشده است. در بعضی وزارت خانه ها تا کنون جایگاه ویژه ای برای شیعیان

۱- (۱) . سید عسکر موسوی، هزاره های افغانستان در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست، ص ۱۵.

۲- (۲) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص ۱۴۲.

۳- (۳) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۳۵.

مشخص نکرده اند؛ مثل وزارت امورخارجه افغانستان که عده ای انگشت شمار به صورت کارمند رتبه پایین در آن مشغول به کارند. در سفارت خانه های دولت افغانستان نیز، از مجموع ۱۸۰ پست سفارت خانه ها و جنرال قونسل های افغانی مقیم کشورهای خارجی، فقط یک پست سفارت به هزاره ها رسیده بود که آن هم از کار برکنار شد. در بعضی سفارت خانه ها چند نفر کارمند استخدام کردند که این تعداد، با توجه به نسبت جمعیت این گروه قومی، ناکافی به نظر می رسد. در قانون حکومت فعلی افغانستان، مشارکت اقوام در دولت براساس نفوس و درصد جمعیت به طور عادلانه آمده است؛ ولی هزاره ها برای حضور در اداره های دولتی با نگاهی بسیار خوش بینانه ۵/۲۹ درصد سهم داده شدند. در حالی که تاجیک ها ۵۲/۹۵ درصد، پشتون ها ۳۴/۶۳ درصد، ازبک ها ۳/۶۳ درصد در دولت سهیمند. مجموع سهم دیگر اقوام، به درصدنمی رسد. (۱)

هزاره ها در برابر تهاجم های خارجی، همواره از افغانستان دفاع کردند و تا کنون هیچ نیروی استعماری نتوانسته است قلب کشورشان را تسخیر کند؛ مبارزات این مردم علیه استعمار انگلیس در گذشته و مبارزات امروزی شان علیه نیروهای متجاوز روسی، گواه بر این حقیقت است، حتی از دورترین زمان ها تا جایی که تاریخ به یاد دارد، هزاره ها سد استواری در برابر تهاجم های خارجی بوده اند، چنانچه در برابرحملات کوروش، اسکندر، چنگیز، تیمور و شیبانی، از خود مقاومت های چشم گیری نشان داده اند. (۲)

در جامعه هزاره، چهار طبقه با نقش های اجتماعی و سیاسی وجود دارند که عبارت اند از:

۱. میرها: قدرت اقتصادی محل برای آنها بوده است و در قدرت سیاسی، با کارمندان پشتون مشارکت داشتند. گرچه داوودخان با هزاره ها روابط چندان مناسبی نداشتند، در دوره های قبل امان الله و ظاهرشاه می کوشیدند تا برخی نخبگان و ریش سفیدان هزاره را جذب دستگاه دولت کنند. به این ترتیب، در انتخابات سال ۱۹۶۵ م، غالب نمایندگان هزاره از این طبقه بوده اند.

۱- (۱) . مصاحبه آقای محمد سرور جوادی نماینده محترم بامیان، مجله سراج، سال چهاردهم، شماره۲۷، بهار۱۳۸۶، ص۱۳.
۲- (۲) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص ۱۴۲.

۲. روحانیت: تاثیراتی مثبت و منفی در میان جامعه هزاره داشته اند و در مقاومت های ضد بیگانگان همیشه در راس روحانیت بوده اند، همچنین پیروان خوبی از تاثیرات و جنبش های آزادی خواهی در جهان به شمار می آیند و در بعضی فعالیت های سیاسی و اجتماعی مردم هزاره، بسیار خوب ظاهر شدند.

۳. سادات: محبوبیت بیشتری در میان مردم هزاره دارند و توانستند از یک نظام دورنی را پیروی کنند؛

۴. عامه مردم هزاره: پیروان خوبی برای این سه طبقه بوده اند، در مبارزه علیه استعمارگران فرمان های این سه را با جان و دل می پذیرفتند. (۱)

سه) تاجیک: سومین گروه قومی در افغانستان هستند که ۲۰/۶ درصد جمعیت آن را تشکیل می دهند. به زبان فارسی تکلم می کنند و از اقوام آریایی به شمار می آیند که دیر زمانی است در مناطق مختلف کشور؛ به ویژه شمال و شمال شرقی افغانستان، ساکن هستند و به گویش تاجیکی که از گویش های زبان فارسی، سخن می گویند؛ بیشتر آنها اهل سنت و از فرقه حنفی هستند، به رغم انحصار در ساختار سیاسی، این تبار به طور محدود، در دوره مجاهدین در ساختار قدرت سیاسی سهیم بوده اند و توانستند به حکومت برسند. (۲) پس از حکومت آقای ربانی، در عرصه سیاسی و اجتماعی، بسیار گسترده حضور پیدا کرده اند و در بسیاری مشاغل و ادارت دولتی مشغول به کار شده اند. در صورت محاسبه درصد، از هزاره ها بالاترند. گاهی فراتر از پشتون ها در اداره ها مشغول به کارند.

چهار) ازبک: این اقوام، ترک تبارند؛ در نواحی شمال افغانستان زندگی می کنند و به طور عمده در شهرهای مزارشریف، شبرغان، میمنه، خان آباد، قندوز و... سکونت دارند؛ جمعیت آنان با دیگر اقوام ترک، ۲۰ درصد کل جمعیت کشور برآورد شده است. ازبک ها، از اعقاب ترکان زرد پوست آسیای مرکزی هستند. (۳)ایشان، به زبان

۱- (۱) . اولیور روآ، افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی، ص۲۲۳.

۲- (۲) . علیرضا علی آبادی، افغانستان، ص ۲۲- ۲۳.

۳- (۳) . همان، ص ۲۰.

ازبکی سخن می گویند، که زبان مادری این قوم؛ ترکیبی از واژه های ترکی است. از نظر سیاسی، آنها نیز چون دیگر اقوام، از حکومت محروم بوده، همواره تحت فشار قرار داشته اند؛ بیشتر این قوم، سنی مذهبند. (۱)

پنج) دیگر اقوام: سادات، ترکمن ها، قزلباش ها، قرقیزها، بلوچ ها و... از دیگر اقوام ساکن در افغانستان هستند؛ در حالی که قزلباش ها بیشتر در شهرهای غزنی، کابل، هرات، قندهار، متمرکزند، ترکمن ها در طول کرانه های «آمودریا» و مرزها شمال غربی افغانستان سکونت دارند و اغلب به دامداری مشغولند. قرقیزها، در ناحیه شمال شرقی کشور و در منطقه «واخان» زندگی می کنند. بلوچ ها نیز در جنوب غربی کشور در مجاورت با بلوچستان ایران و پاکستان ساکن هستند. (۲) آقای ملافیض محمد کاتب، درباره تعدد طوایف در افغانستان، این گونه می نویسد: «تعداد اقوام و طوایف ساکن در افغانستان، با شعب و زیر مجموعه های خود، تقریبا به ۱۳۸ قوم و طایفه می رسند.» (۳)

آنچه در بحث آرایه قومی به اختصار ذکر شد، تکثر و تنوع ساختار اجتماعی جامعه افغانستان و ناهماهنگی اجتماعی در این کشور بود. اگر مطالعه و پژوهش همه جانبه، درباره اقوام و ملیت های ساکن در افغانستان موضوع مستقل می طلبد، از توان این بحث خارج است.

ج) ساختار مذهبی

اشاره

افغانستان، کشوری است که ۹۹ درصد مردم آن مسلمانند. از نظر مذهبی و نحله های دینی، این جمعیت به دو شعبه تشیع و تسنن تقسیم می شوند. بیشتر مردم افغانستان، سنی مذهب و یک سوم آنها شیعه اند. (۴) دیگر اقلیت های دینی در افغانستان؛ هندو، سیک و یهود هستند. سیک ها به زبان پنجابی، دری و پشتو سخن می گویند و در شهرهای کابل و جلال آباد زندگی می کنند. یهود در ولایت بلخ و

۱- (۱) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۳۶.

۲- (۲) . علیرضا علی آبادی، افغانستان، ص ۲۳.

۳- (۳) . ملافیض محمد کاتب، نژادنامه افغان، ص ۲۱.

۴- (۴) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۳۹ و ۴۰.

هرات ساکنند و به زبان عربی، دری و پشتو تسلط دارند. (۱)

اگر برداشت ها و تقسیم های متفاوتی را که از شریعت، مظاهر و دستورهای مذهبی وجود دارد در کنار زیر مجموعه ها قرار دهند، تنوع مذهبی و گوناگونی شدیدی در اندیشه های مذهبی جامعه افغانستان می بینند. یافته ها و تفسیرهایی که هر کدام، نحله فکری خاصی با خویش دارد و زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین، توصیفی اجمالی از ساختار مذهبی جامعه افغانستان بدین شرح است:

یک) حنفی

غالب مردم مسلمان افغانستان، پیرو مذهب حنفی هستند، گرچه در این زمینه، آمار دقیق رسمی وجود ندارد، آمار تقریبی ارائه شده از سوی پژوهشگران، پیروان این مذهب را بین۶۵ تا۷۰ درصد از کل جمعیت افغانستان اعلام می کند (۲) که از اقوام پشتون، تاجیک، ترکمن، عرب، بلوچ، ایماق، قرقیز، قزاق، نورستانی، هزاره و...ترکیب یافته اند. از پیروان مذاهب دیگر اهل سنت؛ مثل: شافعی، حنبلی و مالکی اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ تا کنون افرادی به پیروی از این گونه مذاهب، شهرت نیافته اند. (۳)

دو) مذهب تشیع

این مذهب از نظر جمعیت، دومین مذهب مردم افغانستان به حساب می آید. شیعیان افغانستان از دید تبار شناسی به اقوام گوناگونی؛ چون: هزاره، قزلباش، بلوچ، ترکمن، سادات، تاجیک، ترک تباران و پشتوهای خلیلی تقسیم می شوند. غالب جمعیت شیعیان افغانستان را هزاره ها تشکیل می دهند؛ از این رو نام هزاره و شیعه در افغانستان باهم پیونده خورد است، از ذکر نام هزاره، شیعه در ذهن تداعی می شود. البته در این زمینه،

۱- (۱) . علیرضا علی آبادی، افغانستان، ص ۱۳.

۲- (۲) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۴۰.

۳- (۳) . همان.

آمار دقیق و متفق علیه از تعداد پیروان این مذهب وجود ندارد. نکته مورد توجه این است که اهل سنت، مجموعه شیعیان را از هر قوم و نژاد، هزاره می گویند و کلمه هزاره را مترادف با شیعه می گیرند.

دایره المعارف بریتانیکا، نگارش سال ۲۰۰۲م جمعیت شیعیان را ۱۵ درصد اعلام می کند. (۱) رهبران جهادی که در سال های پس از جهاد با سران شیعیان، بر سر حکومت اختلاف داشتند جمعیت این مذهب را بسیار ناچیز دانسته اند. حکمت یار ۱۰ درصد، عبدالرسول سیاف۸ درصد و یونس خالص۶ درصد، جمعیت کل شیعیان را اعلام کردند. (۲) ولی بیشتر پژوهشگران شیعی، طی آماری تقریبی، ۳۰ تا ۳۵ درصد کل جمعیت افغانستان را پیروان این مذهب به شمار می آورند. (۳) آمار دقیق از کل جمعیت افغانستان وجود ندارند، تا چه رسد به جمعیت شیعیان، ولی آنچه این آمار را تایید می کند گزارش های مطرح شده از سوی صاحب نظران شیعه است. گرچه در گذشته های تاریخی، پیروان شیعه اثناعشری در افغانستان، از سوی حکام و دولت مردان آن- همان طوری که اشاره شد تا دوره تدوین قانون اساسی جدید- با تبعیض و اجحاف در حقوق شهروندی روبه رو بوده اند؛ شیعیان با پشت سرگذاشتن اسف بارترین شرایط اجتماعی و تحت فشارهای گوناگون مذهبی، توانسته اند پای بندی خود را به مذهب حقه جعفری «تشیع» حفظ کنند.

شیعیان افغانستان با اینکه آزادی عمل نداشتند، به طور پنهانی آداب و رسوم و شعایر مذهبی خویش را انجام داده اند و به رغم فشارها و شکنجه ها، از اصول مذهبی خود پاسداری کرده، از دستورهای مذهبی درگذشته های دور و نزدیک منصرف نشده اند. «به دلیل مهمل بودن آزادی مذهبی، آنان در قوانین اساسی گذشته و در روش نظام های ظالمانه حاکم، تا حد مقدور به وظایف مذهبی خود عمل کرده اند، در مواردی نیز، عبادات خود را از قبیل: مسح پا در وضو، دست باز در نماز، سجده بر تربت متبرکه و امثال آن، در خفا به جا آوردند.» (۴)

۱- (۱) . Britannica Ensyclopedia, ۲۰۰۲ edition, op. Cit.

۲- (۲) . سید محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۱۵۴- ۱۵۵.

۳- (۳) . علیرضا علی آبادی، افغانستان، ص ۲۷ و بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۴۰.

۴- (۴) . محمد آصف محسنی، شیعیان افغانستان چه می خواهند؟، پشاور، ۱۳۶۱، ص ۹.

فرقه اسـماعیلیه، از فرقه های مهم مـذهب تشیع است که پس از مـذهب اثنی عشـری، بیشترین پیروان را در میان شـیعیان جهان دارند؛ اسـماعیلیان، پس از شهادت امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ه.ق. بر سر جانشینی ایشان، از دیگر شیعیان جدا شدند. از اواسـط قرن سوم هجری که داعیـان و مبلغـان مـذهبی این فرقه، در سـرزمین های اسـلامی ظهور پیـدا کردنـد، اسـماعیلیه، با سرعت به ترویج عقاید مذهبی، فلسفی و انقلابی خود پرداختند و سرانجام توانستند حکومت مستقلی را در سال ۲۹۷ ه- ق، در شمال آفریقا تأسیس کنند. (۱) بعدها در رقابت با عباسـیان، بر سر جانشینی هشتمین خلیفه عباسی «المنتصر بالله» درگیر و به دو شعبه «مستعلوی» و «نزاری» تقسیم شوند؛ شعبه دوم، بعدها به رهبری حسن صباح (۵۱۸) و جانشینان او، دولت مقتدری در قلب قلمرو سـلجوقیان بنیاد نهاد، و نیز اصـلاحات مهمی را در عقاید مذهبی خود ایجاد کردند. (۲)در حال حاضر، این شعبه از فرقه اسـماعیلیه، عمدتا در هند و پاکستان و سواحل شرقی آفریقا (که در قرن نوزدهم میلادی به آنجا مهاجرت کردند) زندگی می کننـد و گروه هـای کوچک تری نیز در کشورهـای یمـن، سـوریه، ایران و افغانســتان و نـواحی گونـاگون آسـیای مرکزی؛ به خصوص پامیر و بدخشان سـکونت دارند. شـیعیان اسماعیلیه منطقه آسیای مرکزی؛ به ویژه پامیر غربی، بیشتر، از شاخه «نزاری» هستند و به زبان فارسی و لهجه تاجیکی صحبت می کنند.

برخی پژوهشـگران، ترویج فرقه اسماعیلیه در آسیای مرکزی و افغانستان را به دست فردی به نام «غیاث» می دانند و می گویند: «غیـاث» در حـدود قرن سوم هجری، اهـالی طالقان، میمنه، هرات، غرجسـتان و غور را با مـذهب اسـماعیلی آشـنا کرد. (۳) در افغانستان، پیروان مذهب اسماعیلیه که عده اندکی هستند، در نواحی دوشی، کیله گی و بخش هایی از دره صوف، بدخشان و در مناطقی از بامیان، شـیبر، شـنبل، عراق و دره میدان، در نواحی سـیاه سـنگ و کالو در پروان، منطقه شـیخ علی و سرخ پارسا زندگی می کنند. یکی از رهبران این فرقه در افغانستان، سید منصور نادری، معروف به سید کیان

۱- (۱) . کتاب آگاه، مجموعه مقالات درباره ایران و خاورمیانه، ص۱۰۴

۲- (۲) . سید محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۸۴.

۳- (۳) . کتاب آگاه، مجموعه مقالات در باره ایران و خاور میانه، ص۱۲۶.

است که در دره ای به نام «کیان» زندگی می کند؛ از این رو اسماعیلی ها به «کیانی ها» نیزمشهورند. (۱)

۴- شیعیان

اشاره

«تشیع» در لغت، عبارت است از پیروی کردن، یاری رساندن و ولایت داشتن، (۲)و در اصطلاح برخاسته از نگرشی است که امامت را منصب الهی می داند و اعتقاد دارد که امام از طریق نص (۳) و از سوی خداوند منصوب، و به تصریح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معرفی می شود.

«شیعه» در لغت عرب، به پیروان و یاری دهندگان شخصی بر می گردد. صاحب قاموس، (۴)جوهری، (۵) راغب اصفهانی، (۶) فیومی، (۷) ابن منظور، (۸) ابن خلدون (۹) و... همین معنا را متذکر شده اند. این کلمه، در قرآن کریم نیز به همین معنا آمده است. علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر آیه کریمه (وَ إِنَّ مِنْ شِیعَتِهِ لَإِبْراهِیمَ ۱۰) می فرماید: «از ظاهر آیه بر می آید که ضمیر (شیعته) به حضرت نوح علیه السلام بر می گردد و معنایش این است که حضرت ابراهیم علیه السلام ، یکی از شیعیان حضرت نوح علیه السلام بوده، چون موافق دین او؛ یعنی توحید بود.» (۱۰)

شیخ مفید «ره»، می فرماید:

«لفظ شیعه، در اصطلاح به کسانی گفته می شود که امامت و خلافت بلافصل علی بن ابی طالب علیه السلام را پذیرفته اند و بر این عقیده اند که امامتِ آن بزرگوار، از طریق نص جلی یا خفی ثابت شده و حق وی و فرزندان اوست.» (۱۱)

۱- (۱) . سید محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی افغانستان، ص ۷۲.

۲- (۲) . اسماعیل بن حماد جوهری، صحاح اللغه، ج۳، ص ۱۳۴۰.

۳- (۳) . محمد جواد مغنیه، شیعه فی المیزان، ص ۳۳.

۴- (۴) . محمد بن یعقوب فیروز آبادی، القاموس المحیط، ج۳، ص ۶۷.

۵- (۵) . اسماعیل بن حماد جوهری، صحاح اللغه، ج۳، ص ۱۲۴۰.

۶- (۶) . راغب الاصفهانی، مفردات، ص ۴۷۰.

۷- (۷) . احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۳۲۹.

۸- (۸) . محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج۸، ص ۱۸۸.

۹- (۹) . عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمه، ج۱، ص۷۶.

۱۰- (۱۱) . محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۷، ص ۲۲.

۱۱- (۱۲) . محمد بن محمد مفید، اوائل المقالات، ص ۳۸، ۴۰.

شیعه، خود به فرقه هایی تقسیم می شود؛ چنان که بغدادی در تاریخ مذاهب اسلام (۱) و محقق طوسی در قواعد العقاید، (۲) فرقه های اصلی شیعه را زیدیه، کیسانیه و امامیه دانسته اند، اما علامه طباطبایی؛ اثنی عشریه، اسماعیلیه و زیدیه را سه فرقه اصلی می داند. (۳)

ذکر این نکته لازم است که در سرزمین افغانستان، از فرقه های اصلی شیعه، فقط امامیه و اسماعیلیه وجود دارد و در حوزه پژوهش این کتاب، شیعیان امامی (اثنی عشری) و در برخی موارد شیعه اسماعیلیه مورد نظر هستند.

الف) ورود تشیع

ورود تشیع به شهرهای گوناگون افغانستان، در دوره های متعددی صورت پذیرفته است؛ از جمله، نخستین نقطه ورود این مذهب در افغانستان، غور به شمار می آید. ورود تشیع به این کشور، همزمان با خلافت حضرت علی علیه السلام در قرن اول هجری قمری آغاز شده است. بر اساس بعضی گزارش های تاریخی، یکی از حاکمانی که در سال های اولیه ورود اسلام به خراسان، شیعه شد، حاکم غور- مرکز افغانستان کنونی- بود.

منهاج سراج، مورخ دربار غوریان می نویسد:

«غالب ظن آن است که سلطان غور در عهد امیر المومنین، علی علیه السلام بر دست علی- کرم الله و جهه- ایمان آورد و از وی عهد و لوایی بستد و هر که از آن خاندان به تخت نشستندی، آن عهد و لوای بدو دادندی و محبت ائمه و اهل بیت مصطفی علیهم السلام در اعتقاد ایشان راسخ بود.» (۴) این گزارش تاریخی پذیرش تشیع حاکم غور را با اسلام آوردن او در عصر خلافت حضرت علی علیه السلام نشان می دهد؛ در ادامه با بیان اینکه محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان آنها و اعتقاد ایشان راسخ است، نشان داده که خاندان غوری اسلام را با محبت اهل بیت علیهم السلام در هم آمیخته بوده اند و نسل ها، آن را با خود داشته اند؛ چنان که انتقال میثاق نامه و پرچم (لوا)، خود، نماد تداوم محبت و تشیع آنها شمرده می شود. (۵)

۱- (۱) . ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، تاریخ مذاهب اسلام، ص ۱۱.
۲- (۲) . علی ربانی گلپایگانی، فرق مذاهب کلامی، ص۶۱. نقل از: طوسی، نصر الدین، قواعد العقائد، ص ۱۱۰.
۳- (۳) . محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۶۴.
۴- (۴) . قاضی منهاج سراج جوزجانی، طبقات ناصری، (تاریخ اسلام و ایران) ص ۳۱۹- ۳۲۰.
۵- (۵) . ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۵۴۳.

تشیع در آغاز، جز محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و بیزاری از دشمنان آنها، چیز دیگری نبود. همان طور که حاکمان و مردم غور، از دشمنان اهل بیت؛ به ویژه بنی امیه بیزاری می جستند. (۱)

گزارش جوزجانی را محققان دیگر نیز، تأیید کرده اند و در منابع دیگر با تفصیل بیشتر آمده است.

«مرکز شیعیان غور یا مسلمین غور، اولین تمرکز شیعه در بلاد غور بوده است؛ زیرا بین سنوات ۳۵ و ۴۰ هجری مسلمان شده اند و در زمان خلافت حضرت علی، جعده بن هبیره المخزومی که خواهر زاده آن حضرت بود، از طرف وی به حکومت خراسان منصوب شد. به خاطر رفتار شایسته جعده، مردم غور از جان و دل به علی محبت می ورزیدند. امرای غور که رفتار را کاملا انسانی می یابند، بدون جنگ، سر برخط فرمان علی گذارده، به دین اسلام مشرف شدند و به پیشنهاد جعده، فرمانروای کل خطه خراسان، حضرت علی علیه السلام فرمان حکومت سرزمین غور را به خاندان شنسب که امرای قبل آن سامان بودند، صادر فرمودند و این فرمان نامه، قرن ها در آن خاندان محفوظ بود و مایه مباهات آن دودمان به شمار می آمد.» (۲)

پس از ایالت غور، ورود تشیع به سیستان است که تمایل مردم آن را به تشیع، با واکنش آنها به جنگ معاویه با امیرالمؤمنان علیه السلام نشان می دهد. مولف تاریخ سیستان نوشته است:

«چون عبدالرحمان خواست که به سیستان نشیند، مردمان سیستان جمع شدند؛ علما و بزرگان و سالاران سیستان و گفتند ما را باید که امامی به حق باشد؛ چنان که سنت مصطفی و اکنون علی بن ابی طالب برجای است و معاویه تو را اینجا فرستاده است و هزار و هزار مرد از اهل تهلیل میان ایشان کشته شده؛ باید که این خطبه و نماز به حق باشد. بر این جمله که هست رضایت ندهیم.» (۳)

۱- (۱) . میرخواند، روضه الصفا، ج۴، ص ۹۹.

۲- (۲) . علی اکبر تشید، هدیه اسماعیل یا قیام السادات، ص۴۵ و سعید نفیسی، در پیرامون تاریخ بیهقی (آثار گمشده ابو الفضل بیهقی و تاریخ غزنویان)، ج ۱، ص ۳۴۵، ۳۴۶ و ۴۴۵.

۳- (۳) . تاریخ سیستان، ویرایش جعفر مدرس صادقی، ص ۴۸؛ سیستان که مراجع قدیم عرب آن را سجستان نامیده اند و از کلمه فارسی سکستان ماخوذ گردیده، نام جلگه ای است که در اطراف دریاچه زره می ریزند. ارتفاعات ولایت قندهار که در امتداد هیرمند علیا واقعند، معروف بود به زابلستان، سیستان به فارسی، نمیروز هم نامیده می شد که به معنای سرزمین جنوبی است و چون در جنوب خراسان

ایستادگی پیروان امام علی علیه السلام ، در برابر فرستادگان معاویه مبنی براین که در ساحت آن حضرت دشنام دهند و عدم پذیرش آنها از این فراز تاریخی می توان استفاده کرد که مردمان سیستان به مذهب تشیع علاقه مند بودند.

در زمان زمامداری معاویه که دشنام امام علی علیه السلام را در مساجد، از اعمال رسمی و جزء عبادات می شمردند، غوریان تنها کسانی در دنیای اسلام بودند که از این عمل سرباز زدند. «در زمان بنی امیه در جمیع ممالک اسلامی بر سر منبرها، براهل خاندان رسالت لعنت کردند، مگر غوریان.» (۱)

علاقه مندی به حضرت علی علیه السلام و مخالفت با اموی ها منحصر به منطقه غور نبود، بلکه همه جغرافیایی افغانستان کنونی را فرا گرفته بود:

«خراسان، در قرن اول و دوم هجری بزرگ ترین کانون ضدیت با اموی ها بود و پناهگاه امن برای هاشمیان محسوب می شد... در مناطقی چون بلخ، بامیان، بدخشان، طالقان، فراه، غور، مرو رود، کابل و هرات، هواداران خاندان رسالت علیهم السلام ، جمعیت قابل توجهی را تشکیل می دادند.» (۲)

حاکم شیعی بست: حاکم اموی شهر بست سیستان – حسین بن عبدالله نیشابوری – نیز، شیعه بود. وی از شیعیان حضرت امام جواد علیه السلام بود که دورن دستگاه عباسی نفوذ پیدا کرده و مقام حساسی داشت. (۳) حضور حاکم شیعی، از زمینه تشیع در آن دیار حکایت دارد و در گسترش آن، نقشی مثبت ایفا می کند؛ چنان که رفت و آمد شیعیان بست، به عراق و مدینه و خدمت امام جواد علیه السلام ، قدرت و نفوذ اهل بیت در سیستان را گواهی می دهد.

تشیع دوازده امامی در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری قمری در قندهار وجود دارد. گزارش افراد رخجی به حضرت علی بن موسی علیه السلام که مهم ترین آنها محمد بن فضل رخجی (قندهاری)، معروف به کرخی است، تشیع را

۱- (۱) . معین الدین اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج۱، ص ۲۵۵.

۲- (۲) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص ۶۵.

۳- (۳) . جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص۷۹؛ به نقل از: تاریخ تشیع، عبدالمجیدناصری، ص ۱۲۴.

درقندهار همزمان با امام رضا علیه السلام ، نشان می دهد. (۱)

کابل، به عنوان آخرین نقطه از سیستان در قرون اولیه اسلام، ارتباط تنگاتنگی با شیعه امامیه برقرار ساختند؛ از جمله ذکر لقب کابلی برای برخی از اصحاب ائمه؛ همانند: هارون بن ابی خالد کابلی، وردان ابوخالد کابلی الاصغر و مشهورتر از همه، وردان ابوخالد کابلی که از یاران محمد حنفیه بوده است و پس از آن، خدمت امام سجاد علیه السلام می رسد و از یاران خاص ایشان می شود. (۲) اهل کابل، یا نواحی آن، در خدمت ائمه علیهم السلام بودند؛ از آن جمله «ابوخالد کابلی» از یاران امام محمد باقر علیه السلام و حواریون چهارگانه امام سجاد علیه السلام ، که نام اصلی آن «وردان»، ملقب به «کنکر» (۳) بود و نیز، «اردشیر کابلی ابن ماجد کابلی» و «بشیر کابلی»، هر دو از راویان حدیث و اصحاب ائمه اثنی عشری بودند. در میان اقلیت مسلمان، تعداد بسیاری شیعه وجود داشت؛ حتی ذکر لقب کابلی ها برای برخی اصحاب ائمه، نشان از حضور تشیع دارد. (۴) این گونه مطالب، بر وجود تشیع در قرن اول اسلامی در این سرزمین دلالت دارد.

بنا بر منابع تاریخی و روایی، سرزمین بلخ در قرن اول اسلامی، پذیرای تشیع - آن هم از نوع امامیه - بوده است. شیعیان بلخ نه تنها به آیین تشیع عمل می کردند، همواره با مدینه و رهبر شیعیان، حضرت زین العابدین علیه السلام نیز ارتباط دائمی داشتند. در یکی از منابع روایت شده است:

یکی از بزرگان شیعه شهر بلخ، سال ها به حج مشرف می شد. پس از انجام اعمال حج، برای زیارت مرقد مطهر پیامبر اکرم به مدینه می رفت و بیشتر سال ها این کار را انجام می داد؛ همچنین علی بن الحسین علیه السلام را ملاقات می کرد و هدایایی را برای ایشان، از بلخ می برد و درباره تکالیف و امور دینی اش از او می پرسید و پس از کسب وظیفه به سرزمین خود باز می گشت. (۵) حضور تشیع در بلخ به دوره ائمه علیه السلام باز می گردد، زیرا

۱- (۱) . محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۶۷.

۲- (۲) . همو، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی، ص ۱۲۰.

۳- (۳) . ابن جعفر محمد بن حسین بن علی طوسی، اختیار المعرفه الرجل المعروف برجال کشی، ص ۲۰۴.

۴- (۴) . محمد رضا جباری، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵- (۵) . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۴۶، ص۴۷.

عـده ای از اصـحاب آن بزرگواران راویان احادیث انـد که به لقب «بلخی» خوانـده شـده اند؛ این نشان از حضور تشـیع در این سرزمین، و اصـحاب و راویانی؛ ماننـد: «ابوعبدالله بلخی» و «نصـر بن صـباح بلخی» است. (۱) در بلخ جمعیت زیادی از شـیعیان زنـدگی می کردنـد؛ این شـهر، از لحـاظ فرهنگی در جهـان اسـلام جایگـاهی منحصـر به فرد داشت و می توان گفت که مهد عرفان، اندیشـمندان، شاعران و بزرگان بوده است؛ مانند: ابوالقاسم ضـحاک بلخی، برجسـته ترین فرد از یاران امام سـجاد علیه السـلام که در زمان امام باقر علیه السلام نیز چندین سال زنده بود. از دیگر بزرگان شـیعه، می توان به ابوعلی شقیق بن ابراهیم علی بلخی اشـاره کرد که اصالتا بلخی بوده و از یاران امام صادق علیه السـلام به شـمار می آمـده است. حاتم اصم، محمـد بن ابان بلخی، حسین بن داوود بلخی، ابراهیم بن ادهم، (۲) جلال الدین محمد بلخی (معروف به ملای رومی) صاحب مثنوی، ابن سینا، شاگردش جوزجانی و ناصرخسر و بلخی و... همه از این شهر برخاسته اند. (۳)

بلخ، پناهگاه هاشـمیان و علویان شده بود؛ برای نمونه، حضـرت یحیی بن زید بن زین العابدین علیه السـلام به این سرزمین پناه آورد؛ و مدتی در بلخ، جوزجان و طالقان به سـر برد و هواخواهان بسیار یافت و به فکر تهیه تجهیزات قیام افتاد؛ هنوز آمادگی کامل پیدا نکرده بود که نصـر بن سـیار، والی بنی امیه، از مخفی گاه «یحیی» آگاه شد و ناگهان بر سر وی یورش برد. یحیی با هفتصـد تن از همراهان و شـیعیانش (۴) در قریه «ارغوی» جوزجـان، در سـال ۱۲۵ هجری قمری قیام کرد و به شـهادت رسـید. محبت وی چنان بر قلب مردم آن سامان قرار گرفته بود که در سال شـهادتش پس از تولد هر نوزاد پسر، اسمش را «یحیی» می گذاشـتند؛ همچنین زنجیری که به دست و پای او بود، شـیعیان به بیست هزار درهم خریدنـد و قطعه قطعه کردنـد بین خودشان تقسیم کردند؛ هر کس سهم خود را برای تبرک، نگین انگشتر ساخت. (۵)

۱- (۱) . ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۴۱ و ۴۸۸.

۲- (۲) . شمس الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، ج۱۳، ص۲۲۸ و همو، سیر النبلاء، ج۹، ص۳۱۳.

۳- (۳) . فاروق انصاری، اوضاع سیاسی اجتماعی جغرافیایی تاریخی قندهار، ص ۱۵۵.

۴- (۴) . ابو العباس بن اعثم، الفتوح، ج ۸، ص۳۳.

۵- (۵) . ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۸- ۱۵۷.

ابومسلم با لقب (امین آل محمد) - قیام خود را در سال ۱۲۹ هجری، از شمال افغانستان آغاز کرد. در ابتدا نصر بن سیار، قاتل حضرت یحیی علیه السلام را شکست داد. (۱) در سال ۲۱۹ هجری قمری، مردم خراسان، محمد بن قاسم، یکی از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام را به خراسان دعوت کردند، تا زیر پرچم او جمع شوند و علیه دستگاه بنی عباس قیام کنند. او دعوت مردم را پذیرفت و در طالقان و جوزجان ارادتمندان بسیار یافت؛ وی، مردم را پنهانی به آل محمد صلی الله علیه و آله دعوت می کرد، عده زیادی او را در این امر همراهی می کردند. عبدالله بن طاهر، از طرف بنی عباس حاکم خراسان بود، که با «محمد بن قاسم» جنگید. شیعیان چون از نظر دفاعی در مضیقه بودند، شکست خوردند. (۲) بلخ، پناهگاه دیگر شیعیان جهان بود، شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، از علمای بزرگ شیعه است. چون زندگی در قم برایش مشکل می گردد، به یکی از روستاهای بلخ که ساکنان آن همه شیعه بودند، پناه می برد و شیعیان با گرمی از او استقبال می کنند و در این قصبه، کتاب معروف «من لایحضره الفقیه» را به خواهش یکی از شیعیان آنجا تالیف نموده است. (۳)

نخستین فردی که از اهالی هرات در خدمت امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفت، صامت بیاع هروی، از اصحاب امام باقر علیه السلام بوده است. دومین فرد، از یاران امام صادق علیه السلام ، ابراهیم بن میمون بیاع هروی نام دارد. چند تن دیگر از این گونه افراد که یا از شاگردان امام علیه السلام ، یا از یاران آن حضرت بودند می توان حسن بیاع هروی، سیف بیاع هروی و عائذ بن انباته احمسی کوفی بیاع هروی را نام برد. (۴)

در هرات نیز، تعداد زیادی شیعه زندگی می کردند. در منطقه برناباد و هرات، همگی شیعه بودند. «محمد دیباج»، پسر امام صادق علیه السلام در آخر عمر به هرات آمد و میان شیعیان آنجا با احترام می زیست. مشهورترین و معروف ترین اصحاب امام

۱- (۱) . احمدبن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج۵، ص ۳۱۷.

۲- (۲) . ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج۱۳، ص ۵۸۰.

۳- (۳) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص ۷۱؛ به نقل از: مجلسی اول، شرح من لایحضره الفقیه، ج۲، ص ۸۰،

۴- (۴) . محمدبن حسن طوسی، رجال الطوسی، ص ۱۳۸.

رضا علیه السلام ، «عبدالله بن صالح، اباصلت هروی» می باشد. (۱) از دیگر یاران امام هشتم، می توان به احمد بن عبدالله هروی شیبانی و محمد بن قاسم پوشنگی اشاره کرد. (۲) این گونه مطالب، همگی به تشیع مردم هرات اشاره دارد.

بنا بر گواهی منابع تاریخی ورود تشیع به سرزمین افغانستان در اوایل قرن های اول، دوم و سوم هجری قمری بوده است.

ب) جغرافیایی انسانی شیعیان

شیعیان افغانستان، از نظر جغرافیای انسانی به دو بخش تقسیم می شوند:

شیعیان هزاره جات عبارت اند از: اقوام صدها شاخه هزاره، که در نواحی مرکزی افغانستان همراه با قوم های سادات، قزلباش، ترکمن و... زندگی مسالمت آمیز دارند و از همه آنها به نام هزاره و از وطنشان با نام هزاره جات یاد کنند. هزاره جات در قلب افغانستان، شامل ولایت های: بامیان، غزنی، ارزگان، دایکندی، پروان، غور، بلخ، جوزجان، سمنگان، بغلان، میدان و کابل می شود.

هزاره جات از نظر جغرافیایی، طوری قرار گرفته که استان بامیان در مرکز واقع شده و نواحی شیعه نشین در اطراف این ولایت (استان)، در ولایت های مجاور پیش رفته است.

یک) موقعیت جغرافیای انسانی در هزاره جات

هزارستان از نظر موقعیت کنونی اداری، به گونه ای قرار گرفته است که در قسمت مرکزی آن، بامیان، تا حدودی به طور کامل هزاره و شیعه سکونت دارند وبقیه هزاره جات در ده استان اطراف بامیان ضمیمه شده است. این استان ها عبارت اند از:

میدان وردک، عزنی، غور، دایکندی، ارزگان، جوزجان، سمنگان، بغلان، بلخ، پروان و بامیان. توضیح این ولایات در جدول شماره ۲ آمده است.

۱- (۱) . ابی جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، رجال کشی، ص ۶۵۱، رقم ۱۱۴۸.

۲- (۲) . محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، ص ۱۳۸.

شماره ولایت موقعیت جغرافیای طبیعی و انسانی

۱ میدان وردک ولایت وردک که گاهی به نام ولایت میدان هم یاد می شود، از شرق با ولایت کابل و لوگر، از غرب با ولایت بامیان، از شمال با پروان و بامیان و از جنوب با غزنی در ارتباط است. مساحت این ولایت، ۸۲۰۰ کیلومتر مربع است و مرکز آن «میدان شهر» بوده که از کابل در حدود ۴۵ کیلومتر فاصله دارد (۱) و فرمانداری های حصه اول و دوم بهسود، دایی میرداد و جلریز از هزاره جات به آن ضمیمه شده است.

۲ غزنی غزنه یا غزنین، از شرق با ولایات لوگر، پکتیا و پکتیکا، از غرب با ارزگان و زابل، از شمال با میدان و بامیان و از جنوب با کشور پاکستان در ارتباط است. مساحت این ولایت، ۳۱۴۰۰ کیلومتر مربع و مرکز آن، شهر غزنی، تا کابل، ۱۳۵ کیلومتر فاصله دارد. (۲)

۳ غور این ولایت، از شرق با بامیان و دایکندی، از غرب، با هرات و فراه، از شمال با ولایات جوزجان، سرپل، فاریاب و بادغیس و از جنوب با ولایات دایکندی و هلمند در ارتباط است. مساحت این ولایت، ۳۵۱۰۰ کیلومتر مربع و مرکز آن چغچران، از کابل ۴۱۲ کیلومتر فاصله دارد. (۳)

۴ دایکندی

این ولایت جدید که در مرکز افغانستان واقع شده است از شمال با غور و بامیان و از جنوب با ارزگان همسایه است و مساحت این ولایت، حدود ۱۶۳۹۷ کیلومتر مربع و مرکز آن، شهر نیلی تا کابل ۴۱۰ کیلومتر فاصله دارد. از فرمانداری های این ولایت، شیخ میران، بندر، خدیر، شهرستان، کتی، میرامور، کجران و گیزاب و نیلی می باشد. (۴)

۵ ارزگان این ولایت در مرکز افغانستان قرار گرفته و از شمال با دایکندی، از جنوب با قندهار و زابل، از شرق با غزنی و از غرب با ولایت هلمند در ارتباط است. مساحت آن، حدود ۱۴۱۲۹ کیلومتر مربع و فاصله آن تا کابل ۴۷۰ کیلومتر می باشد. (۵)

۶ جوزجان این ولایت، از شرق با ولایت بلخ، از غرب با فاریاب، از شمال با ترکمنستان و از جنوب با ولایت غور و بامیان در ارتباط است. مرکز آن، شبرغان و حدود ۲۴۷۰۰ کیلومتر مربع بوده و فاصله آن تا کابل ۵۸۶ کیلومتر است. (۶)

۷ سمنگان از شرق با ولایت قندوز و بغلان، از غرب با بلخ و سرپل، از جنوب با بامیان و از شمال با ازبکستان و تاجیکستان در ارتباط است. مساحت این ولایت، حدود۱۶۰۰۰کیلومتر مربع و مرکز آن شهر ایبک است که با کابل ۳۱۳ کیلومتر فاصله دارد. (۷) فرمانداری ها و بخشداری های دره صوف و روی دو آب از هزاره جات به آن ملحق شده است. (۸)

۱- (۱) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۲۵۶.

۲- (۲) . همان، ص ۱۸۹.

۳- (۳) . همان، ص ۱۹۴.

۴- (۴) . همان، ص ۱۲۷- ۱۲۸ و هفته نامه اقتدار ملی، شماره ۶۳، ص ۶.

۵- (۵) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۱۲۷- ۱۲۹.

۶- (۶) . همان، ص ۱۷۵.

۷- (۷) . همان، ص۱۸۵.

۸- (۸) . سید محمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص۷۷.

۸ بغلان فرمانداری های پلخمری، دهنه غوری، دوشـی و تاله و برفک را از شـمال شـرق هزاره جات با خود برده است. گرچه، تاله، برفک و دوشی از مناطق شیعه نشین اسماعیلیه است. (۱)

۹ بلخ فرمانداری ها و بخشداری های چارکنت، شولگره، کشنده، نهر شاهی و چمتال را از شمال هزاره جات شامل شده است. (۲)

۱۰ پروان فرمانداری ها و بخشداری های شیخ علی سرخ و پارسا را از شمال شرق هزاره جات در برگرفته است. (۳)

۱۱ بامیان این اسـتان، مرکز هزاره جات واقع شده است و فرمانداری های کهمرد و سـیغان که اغلب سـنی نشین هستند، در این استان شیعه نشین قرار گرفته اند؛ بدین ترتیب یازده ولایت نام برده که مناطقی از هزاره جات را شامل شده، در مرکز افغانستان جای گرفته است.

جدول شماره (۲) جغرافیای انسانی شیعیان - هزاره جات

۱- (۱) . همان، ص۷۷.

۲- (۲) . همان، ص۷۸.

۳- (۳) . همان.

نقشه شماره(۱) پراگندگی جمعیت شیعیان هزاره جات (۱)

دو) موقعیت جغرافیای انسانی شیعیان در دیگر ولایات

به این دسته از شیعیان، که از لحاظ سکونت در میان دیگر مذاهب و اقوام قرار گرفته اند، معمولاً هزاره جات نمی گویند، گرچه خودشان هزاره شیعه نامیده می شوند. این عده از شیعیان، از ساکنان اصلی قوم هزاره هستند که پس از نقل مکان کردن دیگر هزاره ها در میان اهل سنت باقی مانند، یا مهاجرانی که از هزاره جات به آن جا آمده اند و

۱- (۱) . محمدعیسی غرجستانی، تاریخ نوین هزاره جات، پاکستان - کویته.

ساکن شده باشند، یا از اقوام دیگر غیر هزاره، مثل: قزلباش، پشتون، بلوچ و تاجیک باشند که هویت مذهبی شیعی دارند.

دسته ای از شیعیان که در ولایات گوناگون افغانستان سکونت دارند بنا بر گزارش برخی مورخان، محل زندگی آنها در ورای هزاره جات است، بیشتر استان های غیر هزاره جات را شامل می شود که عبارت اند از: هرات، تخار، کنر، لغمان، کاپیسا، ننگرهار و زابل. شرح این ولایات، به اختصار در جدول شماره ۳ آورده شده است:

ردیف ولایت موقعیت جغرافیایی طبیعی و انسانی

۱ هرات این ولایت، از شرق با ولایت غور، از غرب با کشور ایران، از شمال با بادغیس و ترکمنستان و از جنوب با ولایت فراه در ارتباط است. مساحت این ولایت، ۴۱۵۰۰ کیلومتر مربع بوده است. مرکز آن شهر باستانی هرات می باشد و فاصله ای آن تا کابل ۱۰۷۵ کیلومتر است. (۱) شیعیان در مناطقی؛ مانند: کرخ، پشتون رزغون، غوریان، فرمانداری و شهر هرات زندگی می کنند. طبق آمار سال ۱۳۴۸ ش، ۶۵ درصد مردم شهر هرات را شیعه گفته اند. (۲) در این اواخر، مهاجرانی که از ایران بازگشته اند، در شهرک هایی چون جبرییل و منطقه بابوچی ساکن شده اند و بیشتر از برادران شیعه هستند.

۲ هلمند این ولایت، از شرق با قندهار و ارزگان، از غرب با فراه و نیمروز، از شمال با غور و ارزگان و از جنوب با کشور پاکستان مرتبط است. مساحت آن، ۵۹۷۰۰ کیلومتر مربع است و مرکز آن، شهر لشگرگاه (بست) از کابل حدود ۶۷۱ کیلومتر فاصله دارد. (۳) گرچه در گذشته اقوام زیادی از شیعیان در مناطق مهم این ولایت زندگی می کردند که به دست حاکمان ظالم نابود شده اند، حتی نام بعضی محله های شیعه نشین تاکنون مرسوم است، مانند «نادعلی» که یکی دیگر از فرمانداری های مهم این ولایت به شمار می رود. «موسی قلعه» از فرمانداری هایی است که به نام یکی از سرداران شیعه که در جنگ با انگلیس افتخار آفرید و مشهور شد نامگذاری شده است. در حال حاضر، شیعیان در مناطق باغران «نوزاد» عینک و شهر لشکرگاه و مناطق چناران، درویشان و آب بازان گرشک زندگی می کنند. (۴)

۳ نیمروز و فراه شیعیان، در مناطق مختلف این دو ولایت زندگی می کنند. هزاره های نیکو دری که در این دو مکان زندگی می کنند هر کدام در دوره اشغال شوروی سابق از خود، پایگاه های مستقل داشتند. علاوه بر هزاره ها، بلوچ ها نیز حضور دارند که شیعه مذهبند. (۵)

۴ ننگرهار در شهر جلال آباد، مرکز این ولایت در دوره ظاهرشاه، عده ای از مردم شهر کابل، سخنران و مداح در ایام محرم دعوت می کردند.

ص:۴۵

۱- (۱) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۴۶۰.

۲- (۲) . سید محمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص۶۸.

۳- (۳) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص۲۴۶.

۴- (۴) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۴۰-۴۴.

۵- (۵) . ارگان نشراتی بلخی، ماهنامه حبل الله، شماره ۹۱، ص ۴۷.

۵ قندهار از میان تحولات، گوشه ای از حقایق تلخ زندگی هزاره ها و فاجعه سرکوبی آنها مشاهده می شود؛ به استثناء برخی از منابع، در قندهار، طوایف متعدد هزاره زندگی می کردند، اما در ناحیه فقیرنشین آن (توپخانه) خانواده های بسیاری از هزاره ها زندگی می کنند و در جهاد علیه رژیم کمونیستی شرکت داشته اند. (۱) علاوه بر آنها، در قندهار تعدادی از پشتو زبان های خلیلی، علی خیل، بلوچ و قزلباش بیشتر جمعیت شیعی مذهب را تشکیل می دهند که در مناطقی؛ چون: جاردانه، زله خان، میان جویی، چهار دیوان، شاه مقصود و فرمانداری خاکریز زندگی می کنند. (۲)

۶ زابل در ولایت زابل، عده ای به شیعیان قلاتی معروفند و شیعیان بسیاری، از قوم هزاره، در این ولایت وجود دارند. همچنین شوی و کمسون و دای چوپان سرزمین های غصب شده شیعیان در دوره امیر عبدالرحمان بوده است. (۳)

۷ کابل شیعیان در کابل، از اقوام گوناگونی؛ از قبیل: هزاره ها، قزلباشان، چنداولی، کردی، خوافی، سادات و بلوچ تشکیل شده اند. تعداد شیعیان، در این شهر بزرگ بیش از دو میلیونی را، تا نصف اهالی آن، تخمین زده اند. (۴) شیعیان، بیشتر در غرب شهرکابل ساکن هستند، ولی در مرکز و شرق و شمال نیز سکونت دارند. علاوه بر این، از زندگی شیعیان در گوشه و کنار ولایت کابل نیز گزارش شده است. (۵) چنداول، کارته سخی، افشار، دشت برچی، تیمنی و قلعه شهاده از مناطق شیعه نشین این شهر هستند. بلوچ های کابل در قلعه وکیل بی بی مهرو، وزیرآباد و یغمان زندگی می کنند و به صورت عموم فارسی زبان شده و اغلب آنها مذهب شیعه اختیار کرده اند.

۸ لوگر طوایفی از مردم شیعه، به نام های قلمود، محمد خواجه و دای مراد از اقوام هزاره و نیز جمعی از سادات شیعی در مناطق، پد خواه، خوشی، محمد آغه و... در این نواحی، (۶) همچنین در سرخ آباد و گلنار (۷) زندگی می کنند.

۹ کنر، لغمان و کاپیسا در این ولایات، شیعیان نورستانی زندگی می کنند و تعدادی قوم هزاره که شیعه مذهبند در این نواحی حضور دارند؛ از جمله در دره هزاره، در حصه دوم سکونت دارند. (۸)

۱۰ پکتیا در شهر گردیز جمعی از سادات شیعه زندگی می کنند که برای خود، مسجد و حسینیه دارند. در زمان اشغال افغانستان از سوی شوروی سابق، شیعیان لوگر و پکتیا از خود پایگاه نظامی مستقل داشتند. (۹)آثار به جا مانده تاریخی، از قبیل «قبرستان هزاره» گواه این مطلب است که شیعیان هزاره هم در این ولایت سکونت داشتند و بر اثر حوادث و اجبار به شهرهای دیگر مهاجرت پیشه کردند. (۱۰)

۱- (۱) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۴۱.

۲- (۲) . ماهنامه حبل الله، شماره ۹۱، ص ۳۰.

۳- (۳) . سید محمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۷۱.

۴- (۴) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان،ص۲۱۸-۲۳۱.

۵- (۵) . ماهنامه حبل الله، شماره ۹۱، ص ۳۰.

۶- (۶) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص۳۰۲.

۷- (۷) . ماهنامه حبل الله، شماره ۹۱، ص۳۰.

۸- (۸) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۱۱۳.

۹- (۹) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص۳۰۳

۱۰- (۱۰) . همان.

۱۱ تخار این ولایت، از شرق با ولایت بدخشان، از غرب با قندوز و بغلان، از شمال با تاجیکستان و از جنوب با بغلان متصل است. مساحت آن، حدود ۱۱۸۰۰ کیلومتر مربع، و فاصله مرکز آن، تالقان تا کابل ۴۰۳ کیلومتر است. هزاره های شیعه در این ولایت، در مناطق چال، اشکمش، رستاق و خواجه غار زندگی می کنند. (۱) آقای یزدانی مجموع شیعیان را در این ولایت حدود چندین هزار خانواده گزارش کرده است. (۲)

۱۲ بدخشان این ولایت، در نقطه شمال شرقی کشور واقع شده، که از شمال با کشور تاجیکستان و از جنوب با ولایات کنر، لغمان و کاپیسا، از شرق با تاجیکستان و ترکمنستان شرقی (کشور چین) و از غرب با ولایت تخار در ارتباط است. مساحت آن، ۴۲/۶۰۰ کیلومتر مربع و فاصله مرکز آن، شهر فیض آباد تا کابل، ۵۸۸ کیلومتر می باشد. (۳) در این ولایت، اقوامی چون تاجیک های اسماعیلیه و تعداد زیادی از اقوام هزاره شیعه اثنی عشری زندگی می کردند که برای رعایت برخی مصالح، خودشان را تاجیک می نامیدند. هزاره ها در نواحی فیض آباد و شغنان زندگی می کنند. (۴) آقای یزدانی در «پژوهشی در تاریخ هزاره ها» اظهار می دارد که هزاره ها در آنجا فرا گیر هستند و در تاریخ بابر، از هزاره های رستاق بدخشان سخن به میان آمده است. (۵)

۱۳ قندوز این ولایت، از شرق با تخار، از غرب با سمنگان، از شمال با تاجیکستان و از جنوب با ولایت بغلان وصل است. مساحت آن، ۷۴۰۰ کیلومتر مربع و فاصله مرکز آن، شهر قندوز، تا کابل ۳۲۷ کیلومتر است. (۶) در این ولایت، تباری از هزاره ها مشغول کسب و کارند، بعضی از آنها سابقه تاریخی دارند و عده ای از مناطق هزاره جات شرقی و شمالی به آنجا مهاجرت نمودند، که تعداد قابل توجهی از آنها در شهر قندوز و حومه آن، بخشداری علی آباد، امام صاحب و فرمانداری خان آباد به سر می برند. (۷) آقای یزدانی، در دهه ۱۳۶۰ش مجموع هزاره های ولایت قندوز را یازده هزار خانوار، اعم از شیعه و سنی ذکر کرده است. علاوه بر هزاره های شیعه مذهب، و تعداد زیادی سادات در این ولایت وجود دارند، که علیه متجاوزین روس جبهه مقاومت تشکیل دادند و در جهاد سهم فعال داشتند. (۸)

جدول شماره (۳) جغرافیای انسانی شیعیان - در سایر ولایات

بدین ترتیب، محل سکونت شیعیان، در بیشتر ولایات افغانستان به اثبات رسیده است؛ بنابراین، شیعیان در هزاره جات که حدود یازده ولایت را شامل می شود، به صورت جمعیت

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۱۴۰.

۴- (۴) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات،ص۴۲.

۵- (۵) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱،ص۲۸۵؛ نقل از: مجله جنگ غرجستان، شماره۱، ص۲۹، چاپ کویته، سال ۱۳۶۱.

۶- (۶) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص۲۰۹.

۷- (۷) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۴۲.

۸- (۸) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص۲۸۶.

متراکم حضور دارند؛ برای نمونه، ولایت های بامیان، دایکندی، میدان، غزنی و... بیشترین جمعیت شیعی را در خود جای داده انـد وبرادران اهـل سـنت، درصـد کمی را در بر می گیرنـد؛ ولی در دیگر ولاـیت هـای افغانسـتان، شـیعیان به صورت جمعیت پراکنده در گوشه ها و حاشیه های تمام ولایات افغانستان به چشم می خورند. شیعیان در همه نقاط کشور؛ یعنی در ۳۴ ولایت افغانستان حضور دارند و با برادران اهل سنت، زندگی نسبتا مسالمت آمیز دارند.

پراکندگی جمعیت شیعه در افغانستان به دو صورت است:

۱. در یـازده ولایت (اسـتان)، جمعیت شـیعه به صورت متراکم وجود دارد، از جمله: بامیان، دایکنـدی، میـدان، غزنی و... بیشتر ساکنان این مناطق را شیعیان تشکیل می دهند.

۲. جمعیت شـیعیان به صورت پراکنده در حاشیه ها با دیگر برادران اهل سنت، در۲۳ ولایت (استان) وجود دارد که عبارت اند از: هرات، قندهار، کابل، هلمند، لوگر و... در این ولایات، اکثریت با اهل سنت است.

نقشه شماره(۲) تقسیمات اداری جدید افغانستان در۳۴ ولایت (۱)

ص:۴۸

۱- (۱) . www.af.wikpidia.com

۲- شیعیان و سیاست

اشاره

در این نوشتار، کارکرد شیعیان افغانستان در حکومت های مرکزی که دخالت مستقیم با سرنوشتشان داشته اند و نحوه تعامل حکومت ها با آنها (از قرن دهم هجری تا دوره معاصر) بررسی می شود. در آغاز، چگونگی عملکردهای حاکمان افغانستان در برخورد با پیروان مذهب شیعه در این محدوده جغرافیایی به بحث گرفته شده و پس از آن به مشارکت شیعیان در حکومت های وقت، پرداخته شده است؛ سپس نقش شیعیان در جنبش های رهایی بخش انجام شده به دست خودشان، به اختصار توضیح داده شده، سرانجام نیز به سازمان ها و تشکیلات سیاسی آنها پرداخته شده است. در مجموع، مباحث مندرج در این بخش در چهار محور اساسی طرح و بررسی می شود.

۱- سیاست دولت های مرکزی در قبال شیعیان

به شیوه برخورد و روابط حکومت های مرکزی با شیعیان، از قرن دهم هجری تا دوره معاصر پرداخته می شود:

الف) صفویان(۱۱۳۵-۹۰۷ ه- ق): از خانـدان «شیخ صـفی الدین اردبیلی» بودند. شـیخ صـفی الدین، خود پیرو مذهب شافعی بود، اما نوادگان او به تشیع گرویدند. شاه اسماعیل صفوی، نخستین فرد از این سلسله بود که به یاری ترکان به قدرت رسید و محمد خان شیبانی ازبک، بزرگ ترین رقیب خویش را در سال ۹۱۶ ه- ق در مرو به قتل رساند و شهر هرات را تصرف کرد. صفویان، شیعیان پر حرارتی بودند که در

گسترش تشیع در پهنه ایران جدیت زیاد به خرج دادند، تشیعی را که آنها تبلیغ می کردند با اصل این مکتب پیشرو و مترقی، فاصله زیاد داشت. آنها به ظاهر مذهب بیشتر از متن و محتوای آن ارزش می نهادند و در یک کلام، تشیع را به حب و بغض خلاصه کرده بودند. با حمله های ترکان عثمانی به خاک ایران، برخی از علما فریقین با تدوین کتاب و رساله های تحریک آمیز و تکفیر گروه مقابل، به اختلافات مذهبی دامن می زدند، که پیامدهای بسیار زیانباری در پی داشت. بسیاری از شیعیان ترکیه و نیز گروه هایی از شیعیان خراسانی (محدوده افغانستان کنونی) که به صورت اقلیت در میان برادران اهل سنت می زیستند، به بهانه های گوناگون، مورد اذیت و آزار و یا مورد قتل عام و تاراج قرار می گرفتند. (۱) در سال ۹۶۵ه- ق «شاه تهماسب صفوی» شهر قندهار را به تصرف در آورد و حکومت آن را به شاهزاده سلطان حسین میرزای صفوی سپرد. حدود بیست سال در قندهار و زمین داور حکومت نمود تا از دنیا رفت و پس از آن، پسر بزرگش به نام مظفر حسین، والی قندهار و پسر دیگرش به نام رستم میرزا، والی زمین داور شد. این دو برادر دچار اختلافات شدیدی شدند و نیز با کشته شدن شاهزادگان صفوی در ایران به دست شاه عباس، این دو برادر از ترس جان، از حکومت قندهار منصرف شده و به سوی هند رفتند و به دیار سلاطین مغولی پناهنده شدند. (۲) در سال۹۶۹ ه- ق. قزاق سلطان، حاکم صفوی در هرات منصوب شد، برادر خویش، حسین قلی بیگ را برای تصرف سرزمین های هزاره های شیعی فرستاد و او بدون توجه به اینکه هزاره ها هم کیش (هم مذهب) آنها بودند، بر مردم هزاره (شیعه) تاختند، اموال و مواشی آنها را به غارت بردند و به هرات بازگشتند. (۳) در سال۱۰۱۴ ه- ق، سپاه صفویان، قندهار را به محاصره در آورد و به مدت۱۱ ماه آن را در محاصره داشت. در این مدت جنگ های بسیار نمود، ولی کار ساز نبود. (۴) تا اینکه در سال ۱۰۳۱ ه- ق شاه عباس اول به قندهار لشکر کشید و آن شهر را متصرف و

۱- (۱) . ترکمان اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، ج۲، ص۴۸۵-۴۸۴.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . روملو حسن بیگ، احسن التواریخ، ج۲، ص۵۳۶.

۴- (۴) . ترکمان اسکندر بیگ، پیشین، ج۲، ص۷۳.

«گنجعلی خـان» را به حکومت آنجا مقرر کرد. پس از وی، پسـرش «علی مردان خان» را به حکومت قنـدهار نشانـد و سـرزمین هـای، زمین داور را نیز متصـرف شـد و پشـتون ها و هزاره ها به ناچار از حکومت صـفوی پیروی کردنـد. شاه عباس، حکومت فوشـنج را که از توابع قندهار بود به مردی به نام شیرخان افغان سپرد و خود از راه غور به سوی هرات بازگشت. شاه عباس اول که یکی از بـا کفـایت ترین سـلاطین صـفویه بود، پس از۴۲ سال سـلطنت، در ۶۰ سـالگی، در سال۱۰۳۸ ه- ق از دنیـا رفـت. (۱)پس از شاه عباس اول، علی مردان خان، حاکم قندهار به سلسـله بابریان پیوست و این شـهر ضـمیمه هند شد. در سال ۱۰۵۸ ه- ق شاه عباس دوم، به قندهار لشـکر کشـید و به واسـطه جنگ های خونین، آن را به تصـرف درآورد و فرمانده سپاه ازبک، همراه هزار نفر با شاه صـفویه بیعت کرد؛ مردم شهر قندهار نیز تسلیم شدند و قندهار، از این دوره تا زمان سلطان حسین صفوی در تصرف ایران بـاقی مانـد. آخرین حـاکم صـفوی «گرگین خـان گرجی»، از ارمنیـان، در ظاهر اسـلام آورده بود. او با عـده زیادی از هموطنان گرجی خویش و لشکر قزلباش در قندهار مستقر شدند. این فرمانده، برای سرکوبی شیعیان اطراف قندهار و مناطق شـیعه نشـین، از برادران اهل سنت یار می طلبید تا کینه عمیقی میان پیروان این دو مذهب (شیعه و سنی) فراهم کند؛ وی حکومت خویش را در نزاع و اختلاف آنهـا می دانست؛ بر همین اسـاس بود که میرویس خـان، رئیس قـبیله غلزایی قنـدهار را برای سرکوبی شیعه ها فرستاد و او ماموریت خویش را طبق میل حاکم صفوی به انجام رسانید.

میرویس خـان، از سرکوبی شـیعیان بـه قـدرت رسـید و مـورد اعتمـاد گرگین خـان قرار گرفت. میرویس که برای از بین بردن گرگین نقشه ای در سر می پروراند، به بهانه زیارت خانه خدا به اصفهان رفت و خواستار برکناری گرگین شد. او در اصفهان متوجه بی کفـایتی شاه صـفوی شـد. او دانست که می توانـد در برابر چنین قـدرتی قیام کنـد و به هـدف نهایی خویش برسـد. میرویس خان در این سـفر کوشـید تا فتوایی در جهت وجوب جنگ با شیعیان، اثبات کفر آنها و جواز قتل، غارت، اسیر کردن زنان و کودکان

۱- (۱) . لارنس لاگهارت، انقراض سلسله صفویه استیلای افاغنه، ۱۳۴۴، ص۹۸.

را از علمای سنی مکه بگیرد. (۱)او بر اساس همین نقشه، ابتدا به مکه رفت و فتوایی از علمای حجاز بر ضد حکام شیعی به دست آورد و با مجوز شرعی به قندهار بازگشت. در ظاهر به گرگین خان و حکومت صفویه بیش از پیش ارادت نشان می داد، ولی در نهان مشغول تدارک نیرو و در امر جمع آوری اسلحه بود. میرویس در انتظار فرصت بود که علیه گرگین و سپاهیانش شورش کند، تا این که در یک ضیافت بزرگ که از سوی گرگین خان ترتیب داده شده بود و اطرافیان گرگین در عیش و نوش فرو رفته بودند، میرویس به ایل غلزایی فرمان داد که همه را به قتل برسانند و همان شب، خزانه «گرگین خان» را متصرف شدند و درهای شهر قندهار را بست و سپاهیان قزلباش و گرجیان و هواداران صفویه را از دم تیغ گذراند، از این زمان، طایفه غلزایی وارد صحنه سیاست شد. (۲) میرویس خان پس از شش سال حکومت در قندهار از دنیا رفت. پسر ۲۰ ساله اش به نام «محمود» به قدرت رسید؛ در سال۱۱۳۳ ه- ق با ۳۰ هزار نفر از اقوام پشتون و بلوچ به سوی ایران حرکت کرد و شهر اصفهان را به مدت ۹ ماه به محاصره درآورد. سرانجام، سلطان حسین در۱۱ محرم سال ۱۱۳۵ ه- ق تسلیم محمود شد و تاج شاهی را به دست خویش بر سر محمود گذاشت و کلید خزانه را به او داد؛ همه مردم را ملزم به پیروی از محمود خان کرد، با این کار سلسله صفوی سرنگون شد. محمود و عموزاده اش اشرف افغان به مدت۷ سال در ایران حکومت کردند. (۳)

صفویان، نقش مهمی در به قدرت رسانیدن حاکمان افغانی(سنی) داشتند. پایه گذار حکومت افغانی(سنی)، میرویس خان غلزایی بود که در دستگاه صفوی ها خدمت می کرد. در زمان سلطان حسین صفوی، گرگین خان، حاکم قندهار، میرویس خان را برای سرکوبی شیعیان فرستاد. صفوی ها هیچگاه با هم کیشان خود روابط حسنه برقرار

۱- (۱) . رسول جعفریان، صفویه از ظهور تازوال، ج۴، ص۴۴۱؛ در آن زمان علمای سنی مکه، بارها علمای شیعه را به شهادت رسانده بودند، در سال ۱۰۸۸ ه.ق. میر محمد رضوی در پشت مقام ابراهیم ایستاده به خواندن قرآن مشغول بود، عده ای از مردم با تحریک علما سنی مکه او را با کتک بیرون کرد آن قدر سنگ بر او زدند تا به شهادت نایل شد. و نیز در همین سال شیخ حرعاملی در مکه بود نزدیک بود که به شهادت برسد.

۲- (۲) . ملا افضل ارزگانی، مختصر المنقول در تاریخ هزاره مغول، ص۱۱۳.

۳- (۳) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص۱۳۴.

نکردند، شاه اسماعیل صفوی پس از تصرف شهر هرات، شاه بیگ ارغون، یکی از حاکمان شیعه هزاره را زندانی کرد. قزاق سلطان، حاکم صفوی، برادر خویش را مامور تاراج مناطق شیعه نشین کرد. (۱)

ب) نادر شاه افشار (۱۱۶۰- ۱۱۳۹ه- ق): نادر قلی در خانواده فقیر و گمنامی در ابیورد خراسان (بجنورد کنونی) به دنیا آمد و از تبار ترکمن افشار بود. پدرش پوستین دوزی می کرد. نادر در آغاز، حرفه پدر را آموخت. در کودکی، همراه مادرش به دست ازبکان اسیر شد و دشواری های زیادی را تحمل کرد؛ به همین دلیل در ایام جوانی کار آزموده شد. او در ۱۸ سالگی در خدمت حاکم ابیورد قرار گرفت و در حمله ازبکان، شجاعت بی مانندی از خود نشان داد؛ به همین علت نام وی بر سر زبان ها افتاد و شاه تهماسب دوم صفوی (پسر سلطان حسین صفوی) که در شمال ایران اعلام سلطنت کرده بود آوازه نادر را شنید و او را استخدام کرد تا محمود افغان و سپاهش را از اصفهان بیرون براند و انتقام خاندان صفوی را باز ستاند.

نادر در طی چند جنگ به پیروزی های بزرگ نایل شد و نیروهای محمود را از ایران بیرون نمود. (۲) شهر هرات را به تصرف خویش در آورد و پیر محمدخان را به حکومت این دیار گماشت به او سفارش کرد که خدمت گذاری، عدالت گستری و رعیت پروری را مراعات کند. نادر با مردم هرات به نیکی رفتار کرد، بسیاری از هزاره های شیعه را به خدمت و یاری خویش خواست. (۳) او با سپاه عظیم به سوی قندهار رفت و چون نزدیک گرمسیر (هلمند) رسید، دسته ای از سپاهیان خویش را به فرماندهی کلب علی بیگ کوسه احمدلو مامور تصرف زمین داور(مناطق شیعه) کرد و خود با بقیه سپاه به سوی قندهار پیش رفت و آن شهر را به محاصره در آورد. به مدت یک سال، شهر (قندهار) را در محاصره قرار داد. سال۱۱۴۹ ه- ق بود که شاه حسین هوتکی، خواهر خویش را که زینب نام داشت نزد نادر فرستاد و از او درخواست امان کرد؛ نادر به حاکم و مردم قندهار امان داد؛ شهر به تصرف وی درآمد. نادر

۱- (۱) . همان، ص۱۲۱.

۲- (۲) . محمد کاظم مروی، تاریخ عالم آرای نادری، ص۱۹۷.

۳- (۳) . همان.

سال ۱۱۵۰هق که شنید مردم بلخ شورش کرده اند پسرش، رضا قلی خان را همراه سپاهیان و فرماندهان خراسانی برای سرکوبی آن فرستاد؛ و پس از نبرد سختی میان دو طرف، شهر بلخ به دست سپاهیان او به تصرف درآمد. (۱)

نادر شاه، پس از آنکه بخش اعظم خراسان (افغانستان کنونی) را به تصرف در آورد، با سپاهیان ایرانی، پشتون، بلوچ، هزاره و ازبک به سوی هند حرکت کرد و تا دهلی، پایتخت هند را متصرف شد. او در این پیروزی، غنایم هنگفتی از هند به دست آورد؛ از جمله، دو قطعه الماس بزرگ و بسیار گرانبها به نام های: «کوه نور» و «دریای نور» و یک قطعه یاقوت بزرگ و درخشنده به نام «فخراج». سرانجام، نادر به دست یکی از افسرانش کشته شد. (۲) نادر شاه افشار نیروهای افغانی را از اصفهان و دیگر شهرهای ایران بیرون راند؛ همچنین بسیاری از کشورهای آن زمان را تصرف کرد و غنایم بسیاری را به دست آورد؛ ولی سرنوشت بد او باعث مرگش شد.

ج) احمد شاه درانی (۱۱۸۶-۱۱۶۰ ه- ق): احمد خان، اصالتا از ملتان بوده و در همان جا متولد شده است. به سبب برخی حوادث روزگار، با پدرش محمد زمان خان، وارد قندهار شد؛ از آنجا به هرات رفت و در این دیار مسکن گزید. او از سوی مادر نیز به یکی از اعیان پشتون منسوب بود. در جوانی به خدمت نادر شاه افشار درآمد و در سایه شجاعت، مورد توجه پادشاه جهانگشا قرار گرفت و به منصب نظامی منصوب شد. او در این پست پله های ترقی را یکی پس از دیگری پیمود و به فرماندهی چهار هزار نظامی پشتون و ازبک در سپاه نادر رسید. پس از مرگ نادرشاه، احمد شاه در نخستین فرصت، برای دستیابی به ثروت و دارایی به جا مانده از جمله الماس کوه نور و توپخانه نادری، نظامیان تحت امرش را به سوی قندهار فرستاد. پس از ورود به آن شهر، با اعلام مرگ نادر، سران قبیله ابدالی را برای نشستی مهم درباره آینده سیاسی دعوت کرد. (۳) احمد شاه به اردوگاه نادر شاه حمله برد و آنچه می خواست به دست آورد. وی پس از آنکه خود را به طور رسمی پادشاه معرفی کرد قندهار را مرکز

۱- (۱) . میر محمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر،ج۱، ص۶۵.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . ملا فیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج۱، ص۱۱ و سید مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص ۸۷.

حکومت خویش قرار داد. او که در جریان اجلاس یاد شده از سوی صابر شاه صوفی، «در دران» یا «پادشاه دوران» خطاب شده بود، خود را پادشاه درانی و قبیله ابدالی را درانی نامید. او در نخستین سفر نظامی و جنگی خویش، به سوی غزنی و کابل و پیشاور رفت، حاکمان این شهرها، یکی پس از دیگری تسلیم شدند. (۱)

احمد شاه پس از فتح کابل رهسپار هند شد؛ سفر به جانب شرق، قبیله بزرگ یوسف زایی را هم، عنوان «بردرانی» داد. (۲) او مجموعا هفت بار به هندوستان و دوبار به ایران لشکرکشی کرد و در سایه شجاعت، کاردانی و استقامتی که از خود نشان داد، توانست امپراتوری وسیع و گسترده ای را بنیان نهد که از بخارا و بدخشان تا رود گنگ و از سمنان تا پامیر امتداد می یافت. (۳) سرانجام پس از ۲۵ سال پادشاهی، در سال ۱۱۸۶ه-. ق. در قندهار از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. (۴)

د) تیمور شاه (۱۲۰۷-۱۱۸۶ه- ق): تیمور در سال قتل نادر شاه افشار و نیز در زمانی که احمد شاه، مشغول تأسیس نظام شاهی درانی بود، در مشهد (مازندران) به دنیا آمد. در ۱۲ سالگی از سوی پدر، به حکمرانی هرات و در ۱۹ سالگی به حکومت لاهور منصوب شد. (۵) او پس از مرگ احمد شاه و بنابر سفارش وی به پادشاهی رسید. تیمور شاه به جنگ و لشکرکشی علاقه نداشت. او مردی خوش گذران و شاعر بود و اقدامات نظامی را برای بی خطر ماندن مجالس عیاشی خویش به کار می گرفت. نامبرده «... سه صد زن و کنیز داشت، از آن جمله مادر شهزادگان شاهپور و عباس، که دختر شربتعلی خان چنداولی بود و به زیبایی و شیرین زبانی بر سایر زنان امتیاز داشت.» (۶)

سرانجام، تیمور شاه در سال ۱۲۰۷ ه- ق. به خاطر زیاده روی در مصرف الکل، از پا درآمد. (۷)

ص:۵۵

۱- (۱) . میر غلام محمدغبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲، ص ۶۰۳.

۲- (۲) . عبدالحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، ص ۸۴.

۳- (۳) . میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲،ص ۶۰۰- ۶۰۵.

۴- (۴) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲،ص۱۵۷.

۵- (۵) . میر محمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص۱۵۱-۱۵۲.

۶- (۶) . همان، ص۱۶۵.

۷- (۷) . ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج۱، ص ۶۰.

ه) زمان شاه(۱۲۱۵-۱۲۰۷ ه- ق): دوران سلطنت شاه زمان، بیشتر در جنگ با برادرانش گذشت. این درگیری داخلی، سبب شد که بخش های وسیعی از قلمرو احمد شاه، از غرب پیکر افغانستان (کنونی) جدا و ضربه های بسیاری به مردم این کشور وارد شود. در نزاعی میان زمان شاه و برادرش محمود در موضع خاکریز قندهار، طرفین تلفات سنگینی دادند و نزدیک بود زمان شاه نابود شود؛ اما پایداری و شجاعت ایشک آقاسی الگوزایی و دو تن از سرداران تازه مسلمان شده، به نام های توکل خان و گش خان از دسته غلامان، جنگ را به نفع زمان شاه پایان برد و محمود شکست خورد و به سوی هرات فرار کرد و به محمد خان هزاره (شیعه)، رئیس هزاره های (شیعیان) هرات و خراسان پناه برد و از او خواست که چاره اندیشی کند. (۱) در دوره زمان شاه، حوادث سیاسی و اجتماعی در منطقه و جهان رخ داده بود؛ از جمله، انقلاب کبیر فرانسه و شرق افغانستان از متصرفات هندی انگلیس شده بود. (۲) در ایران، دو سال پس از سلطنت زمان شاه، آقا محمدخان قاجاری به قدرت رسیده و سلسله قاجاریه را بنیانگذاری کرده بود. با قتل محمدخان در سال۱۲۱۱ ه- ق فتحعلی شاه قاجار به سلطنت رسید. وی مردی عیاش، بی اراده و سست عنصر بود و به تدریج «بازیچه اغراض و سیاست استعماری اروپایی ها قرار گرفت...» انگلستان، از فتحعلی شاه قاجار به عنوان مهره ای بی اراده برای مزاحمت و جلوگیری از حمله های زمان شاه به هندوستان استفاده کرد و زمینه حضور نیروهای انگلیسی را در مرزهای افغانستان و ایران فراهم آورد و فرمانروایی استعماری خویش را در ابعاد گوناگون، در سراسر هند گسترش داد. (۳) وقتی زمان شاه، مشغول تنظیم امور سند و پنجاب بود، شاهزاده محمود به کمک ایران و تحریک پنهانی انگلیس به قندهار لشکر کشید و آن شهر را تسخیر کرد؛ خوانین قندهار را به سوی خود جلب و به سوی غزنی حرکت کرد؛ زمان شاه به مقابله برخاست و نزدیک مقر، سردار احمد خان نورزایی با ده هزار نفر از اقوام خویش از زمان شاه برید و به شاه محمود پیوست. سرانجام، در سال۱۲۱۶ ه- ق زمان شاه به اسارت رفت و

۱- (۱) . حسین علی (حاج کاظم)یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص ۱۶۰.

۲- (۲) . میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲،ص ۶۳۰.

۳- (۳) . همان، ص ۶۳۱.

الماس معروف دریای نور را در یکی از سوراخ های دیوار قلعه شنواری پنهان کرد و یک قطعه یاقوت بسیار گرانبها به نام فخراج را به دریا انداخت.

محمود بر تخت سلطنت کابل نشست و بر شدت برادر کشی و وخامت اوضاع افزوده گشت، به قسمی که در عرض چند سال، گاه شاه محمود و گاه برادر او شاه شجاع بر تخت سلطنت تکیه زد. قسمت هایی از شرق و غرب کشور از پیکر افغانستان جدا می شد، زمینه نفوذ استعمار انگلیس آماده تر می گردید و نزاع های قومی و مذهبی شدت می گرفت. در سال ۱۲۱۹ ه- ق توسط جاسوسان مخفی انگلیسی میان شیعه و سنی اختلاف انداختند، که با این توطئه انگلیسی ها بر شیعیان چنداول حمله کردند و بسیاری از آنها به قتل رسیدند و اموال مردم شیعه به غارت رفت. (۱)

شیعیان در عصر سدوزایی: سدوزایی ها تا دوره زمان شاه، اسما بر بخش هایی از هزارستان، از قبیل بامیان، بهسود و غزنی تسلط داشتند؛ اما مرکز هزارستان تحت فرمان خوانین محلی اداره می شد و تا زمان امیر عبدالرحمان خان مستقل بود. در ارتش سدوزایی دسته هایی از عساکر شیعه خدمت می کردند و در پیروزی های آنها نقش داشتند. (۲) زمان حکومت دوست محمد خان بارکزایی (۱۸۶۳-۱۸۲۶م) در افغانستان، شیعیان قدرت بزرگ به حساب می آمدند و دوست محمد خان، از قدرت آنها هراس داشت و وجودشان را تهدید جدی بر ضد قدرت خویش می دانست؛ لذا به فکر درهم شکستن قدرت شیعه ها افتاد و با قرآن و قسم- میر یزدان بخش- رهبر آنها را دست گیر کرد و در بدترین وجه به شهادت رساند و مقرش را به تصرف درآورد. (۳) از سال ۱۸۶۳-۱۸۷۹م که همزمان با حکومت شیر علی خان بود، شیعیان از حکومت مرکزی اطاعت کامل نداشتند. میران و خان های هزاره بر مردم خویش فرمان روایی می کردند و از طریق میرها، هزاره ها(شیعه ها) با حکومت مرکزی ارتباط برقرار می کردند. به طور کلی، زمان حکومت شیر علی خان، شیعیان با آرامش در حیات اجتماعی خویش به

۱- (۱) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص۱۶۳.

۲- (۲) . عبدالکریم بخارایی، تاریخ و حکایات حکمرانان افغانی و بخارا، ص۴-۵.

۳- (۳) . حسن پولادی، هزاره ها، ص۲۶۲.

سر می برنـد. به اعتراف بسـیاری از پژوهشـگران افغـانی هیـچ نیروی خـارجی هزاره جات را به صورت کامل، تا سال ۱۸۹۳م اشغال نکرد. (۱)

و) امیر عبدالرحمان خان (۱۲۹۸-۱۲۸۰ش): آن گونه که مورخان نوشـته اند، شیعه ها پیش از حکومت امیر عبدالرحمان خان، به نسبت دارای اقتـدار و صـلابت بودنـد و حاکمـان نیز کمتر به خود جرأت می دادنـد بـا شـیعیان درگیر شونـد؛ پس از اینکه عبدالرحمان شـیعیان را سـرکوب کرد و با افتخار نوشت که اینها موجب وحشت حکومت افغانستان بوده اند، حتی نادر شاه که افغانسـتان، هندوسـتان و ایران را تحت قلمرو خـویش در آورده بـود، نتـوانست شـیعیان را مطیـع خود سـازد. (۲) پیش از آغـاز جنگ، عبـدالرحمان، نامه هایی به شـیعیان نوشت و از آنها خواست که از دسـتوراتش سـرپیچی نکننـد و از وی اطاعت کننـد. گروهی از شیعیان در پاسخ به او نوشتند:

«اگر شـما افغـان هـا به حمـایت امیر موقتیتان مفتخر هستیـد ما هنوز از حمایت های امیر روحی مان، صاحب ذوالفقار برخوردار بوده، مفتخر هستیم و چرا شما مقامات رسمی چهار حکومت را در نامه تان به عنوان نزدیک ترین معیار یادآور شده اید و چرا پنـج حکومت را، چنـانچه ما معتقـدیم یادآور نشـده ایـد؟ به شـما نصیـحت می کنیم که به خاطر پیروزی و بهزیستی خود از ما دست بردارید.» (۳) از ایـن متـن چنیـن بر می آیـد کـه پیش از دوره عبـدالرحمان، شـیعیان دارای قـدرت بودنـد، خودشـان را کشوری در برابر عبـدالرحمان به حساب می آوردند؛ به همین جهت بود که این حاکم نوشت جنگ با شـیعیان از چهار جنگ داخلی در افغانسـتان دشوارتر و پر هزینه تر بود. سه سال تمام، شـیعیان بدون پشتوانه خارجی از دیگر کشورها و اقوام افغانستان در برابر قوای امیر عبـدالرحمان خـان مقـاومت ورزیدنـد. در این مورد، کاردار ایران در کابل در دوره امان الله خان، چنین می نویسد:

«شیعه ها در کمال شـجاعت جنگیدنـد... مـدت سه سال در مقابل تمام افغانسـتان پایـداری کردند. هزاره ها شـیعه بودند؛ امیر، فتوای تکفیر آنان را از مولوی ها گرفته بود،

۱- (۱) . همان، ص۲۴۵.

۲- (۲) . سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص۴۰۱.

۳- (۳) . عبدالرحمان خان، تاج التواریخ، ص۲۷۹؛ به نقل از: حسن پولادی، هزاره ها، ص۳۱۴.

علاوه بر طایفه امیر، اقوام دیگر اهل سنت نیز در جنگ با هزاره های شیعه، امیر را همراهی می کردند و با اینکه در قلب مملکت واقع و روابطشان با تمام سرحدات مقطوع بود و از هیچ طرف کمک و امداد و حتی فشنگ و قورخانه(مواد غذایی) به آنها نمی رسید، مکرر افغان ها (پشتون ها) را شکست دادند و از خود دفاع کردند.» (۱)

بیش از نصف شیعیان را از دم تیغ گذراندند؛ عده ای از آنها پا به فرار گذاشتند و راهی کشورهای همسایه، مثل ایران، هند و روسیه شدند. (۲) پس از پایان نبرد، اسیران هزاره شیعه، به طور رسمی در بازارهای افغانستان، مانند برده خرید و فروش می شدند. آقای فرخ درباره این موضوع می نویسد: «از قرار، هر نفری ده روپیه تا بیست روپیه هفتاد هزار روپیه در قندهار به دست آمد و چهل و دو هزار روپیه در هرات، در سایر بلاد نیز، از قبیل: کابل و غزنین و جلال آباد.» (۳) ستم امیر و کارگزارانش از حد گذشته بود؛ با وجود کمبود وسایل ارتباط جمعی (رسانه) در آن دوره، صدای این گونه ستمگری ها در «سامرا» به گوش مرجعیت شیعه، میرزای شیرازی رسید؛ او به ناصر الدین شاه قاجار تلگراف کرد که از انگلیسی ها و حکومت افغانستان بخواهد، تا امیرعبدالرحمان دست از کشتن شیعیان افغانستان بردارد (۴)

امیر طی جنگ دیگری با مردم کافرستان (نورستان کنونی)، کاملا سیاست دو پهلو و متفاوت تر از جنگ با شیعیان را در پیش گرفت. آقای پولادی در این باره می نویسد:

«بعد از اشغال کافرستان، امیر به مامورین خود دستور داد که به سربازان افغان اجازه ندهند تا مردان و زنان کافر را اسیر کنند یا آنها را به صورت برده در نزد خود نگهدارند. اگر کسی برده ای از کافرها را پنهان کند باید مبلغ ۳۵۰۰ روپیه جریمه شود.» (۵) ولی این قانون، در زمان نبرد با شیعیان، کاملا برعکس دستورهای امیر درباره مردم کافرستان صادر شد. عبدالرحمان فرمان خرید و فروش بردگان شیعه را رسمیت

۱- (۱) . سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص۴۰۴.

۲- (۲) . همان، ص۸۰ و ۴۰۴.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) .همان،۴۰۵.

۵- (۵) . حسن پولادی، هزاره ها، ص۳۸۹.

داد، از مقایسه این دو قانون، می توان به اوج دشمنی امیرعبدالرحمان خان با شیعیان افغانستان پی برد.

ز) حبیب الله خان (۱۳۰۸– ۱۲۹۸): حبیب الله در سال ۱۳۱۹ ه– ق به سلطنت رسید. (۱) بسیاری از مردم خوشحال شدند، اما این شادی دیری نپایید. پس از مرگ امیر عبدالرحمان خان و فرزندش، به اریکه قدرت تکیه زد. گرچه او همانند پدرش قسی القلب نبود، حکومت او وضعیت سیاسی و اجتماعی چندان خوبی را برای شیعیان به ارمغان نیاورد؛ زیرا سیاست او دنباله سیاست های افغانستان برای پشتون ها بود. وقتی حبیب الله خان به سلطنت رسید، مردم افغانستان؛ به ویژه شیعیان (هزاره)، از دست اعمال وحشیانه پدر و ماموران او قدرت حرکت انقلابی را نداشتند. امیرعبدالرحمان بسیاری از شخصیت های مهم این مذهب را از بین برده بودند، حکومت حبیب الله خان در کمال آرامش تشکیل شد. (۲) در امر سیاست خارجی، از استعمار پیر انگلستان پیروی می کرد؛ در تمام امارتش مختصر انحرافی از اوامر حکومت هند (مستعمره انگلیس) نورزید. (۳)حبیب الله خان، در افغانستان برای فرو نشاندن خشم مردم نسبت به حکومت، دست به اصلاحات زد. در اعلامی عمومی دستور داد که پس از این، غلامان و کنیزان در افغانستان خرید و فروش نشوند، این دستور شامل بردگان شیعه نیز می شد. مرحوم غبار در این مورد نوشته است: «او (حبیب الله خان) امر کرد که غلامان و کنیزان موجود افغانستان، که یادگار دوره پدرش بودند، بعد از این در معرض خرید و فروش قرار نگیرند؛ اما آزادی آن را اعلام نکرد.» (۴)

طی فرمانی، آزادی زندانیانی را صادر کرد که پدرش به زندان های کشور انداخته بود؛ تمام افرادی که در زمان پدرش از افغانستان فراری بودند، می توانند به کشور باز گردند و بسیاری از فراریان به کشورهای روسیه، پاکستان، هندوستان و ایران بازگشتند. این فرمان، عام بود و شامل فراریان هزاره ها نیز می شد. آقای فرخ درباره این فرمان

۱– (۱) . میرغلام محمدغبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲، ص۱۰۷.

۲– (۲) . همان، ص۱۱۰۸.

۳– (۳) . سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص۴۲۸.

۴– (۴) . میرغلام محمدغبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲، ص۱۰۹.

می نویسد: «اعلانی منتشر نمود و به تمام فراریان و تبعید شدگان عهد امیر عبدالرحمان خان در روسیه، ترکستان، هندوستان و ایران اجازه مراجعت داد و بسیاری از فراریان و گماشتگان مهاجرین و فراری ها به افغانستان رجعت نمودند.» (۱) بنا بر گزارش آقای موسوی در کتاب «هزاره های افغانستان»، آوارگان شیعه (هزاره) فراری بودند و بزرگ ترین فعالیت فرهنگی این امیر درباره شیعیان هزاره، تاسیس چند مکتب به سبک و سیاق جدید بود، ولی فرزندان هزاره شیعه از آن مدارس بهره ای نداشتند. (۲)

ی) امان الله خان (۱۳۰۸– ۱۲۹۸): پس از حبیب الله، در ۲۰ فوریه سال ۱۹۱۹م چهره های گوناگونی به اریکه قدرت رسیدند؛ از جمله آنها می توان امان الله خان، حبیب الله خان کلکانی (بچه سقاو، ۱۳۰۷)، محمد نادر شاه (۱۳۲۲– ۱۳۰۸)، محمد ظاهر شاه (۱۳۱۲–۱۳۵۲) و داوود خان (۱۳۵۷– ۱۳۵۲) را نام برد. تمام این حاکمان، به استثنای «بچه سقاو» از قوم پشتون بودند. حاکمیت «بچه سقاو» بیشتر از نه ماه نتوانست دوام بیاورد، سرانجام پس از او حکومت در افغانستان، در مسیر طبیعی آن، به دست قوم پشتون افتاد. در این شش دهه، چهره های گوناگونی به سلطنت رسیدند، ولی سیاستشان در برابر شیعیان، همان سیاست «ناسیونالیزم افغانی» و به حاشیه راندن اقوام دیگر ساکن در افغانستان؛ از جمله هزاره ها (که بزرگ ترین و پرجمعیت ترین قوم شیعی در افغانستان هستند) بود. آقای موسوی، پیامد این سیاست نژادی را در طی بیش از نیم قرن این گونه بیان می کند: «پیامدهای ناسیونالیزم افغان» برای همه هزاره ها طی این قرن، توسعه نیافتگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، انزوا و تجرید شدگی ظالمانه اجتماعی و محرومیت شدید بوده است.» (۳)

اعمال فشار، در طی این نیم قرن؛ به ویژه پس از ۱۹۲۹ م به شدت بر ضد شیعه ها بود. در این باره، آقای موسوی می تواند تا حدودی، ما را از رفتار ظالمانه حاکمان وقت با شیعه ها آگاه کند:

«سرکوب سیاسی هزاره ها طی این دوره در سراسر تاریخ افغانستان، به جز رویدادهای ۱۸۸۰–۱۹۰۱ (زمان سلطنت امیر عبدالرحمان خان) بی سابقه و منحصر به فرد بوده است.

ص:۶۱

۱– (۱) . سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص۴۲۴.

۲– (۲) . سیدعسکرموسوی، هزاره های افغانستان در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست، ص۱۸۸.

۳– (۳) . همان، ص۲۰۸.

در سراسر این دوره هزاره ها به صورت اسیرانی در دستان پشتون ها زندگی می کردند... تحقیر و ارعاب هزاره ها آشکارا اعمال می شد، آنها شهروندان درجه دوم به حساب می آمدند و در عمل، تقریبا کلیه حقوق و حمایت های قانونی از آنان سلب شده بود.» (۱)

حکومت های وقت، هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر شیعیان نداشتند. با اینکه شیعیان در پروژه های مختلف بازسازی؛ از جمله راه سازی، از فعال ترین گروه ها بودند؛ همچنین مثل دیگر مردم افغانستان به حکومت مالیات می دادند و جوانان شیعه به سربازی می رفتند و از خدمت به دولت سرباز نمی زدند. رفتار ظالمانه حاکمان بر ضد شیعه، از حد و حصر گذشته بود. (۲) آقای مقصودی، رفتارهای ظالمانه حاکمان مستبد افغانی را در کتاب «هزاره جات، سرزمین محرومان» بیان کرده است. او که خود به دلیل نمایندگی مجلس شورای ملی از سوی مردم هزاره، بین حوادث و شاهد جریانات بود، بخشی از مشاهدات خویش را به نگارش در آورده است. به اعتراف آگاهان سیاسی، طی این دوره، هویت فرهنگی و تاریخی هزاره ها آگاهانه مورد انکار قرار گرفت و به گونه های مختلف سرکوب شدند. جالب است که سرکوبی شیعیان طی این دوره (۱۹۷۸-۱۹۲۹م) در داخل و خارج افغانستان هیچ گاه به طور جدی مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است، با اینکه «رویدادهای این ۴۹ ساله کمتر از آنچه بر هزاره ها طی دهه ۱۸۹۰م رفت نابود کننده و ظالمانه نبوده است.» (۳)

در این نیم قرن، شاهد سرکوب های مداوم و حساب شده مردم شیعه در افغانستان بودیم که از سوی صاحبان قدرت و مدعیان توسعه یکی پس از دیگری اعمال می شد.

۲- نقش شیعیان در حکومت های مرکزی افغانستان

اشاره

با اینکه شیعیان همیشه به سبب مذهب، مورد بی مهری حاکمان و قدرت های مرکزی افغانستان قرار می گرفتند، در بعضی موارد، شاهد آن هستیم که از نیروهای شیعی در

۱- (۱) . همان، ص۲۱۳.

۲- (۲) . طالب حسین قندهاری، نگاهی به دیروز و امروز افغانستان، ص۲۸.

۳- (۳) . عبدالحسین مقصودی، هزاره جات، سرزمین محرومان، ص۳۴ و سید عسکر موسوی، هزاره های افغانستان، ص۲۱۲.

برخی سمت ها استفاده می کردند. شیعیان افغانستان از لحاظ مشارکت در دستگاه حکومت های افغانستان به چند دسته تقسیم می شوند:

الف) مشارکت قزلباش ها در حکومت های افغانستان

این گروه قومی از شیعیان که شمارشان چندان زیاد نبود، در متن حکومت پشتون های سنی مذهب می زیستند و زندگی شان را با سیاست و نظامی گری در آمیخته بودند. قزلباشان از اقوام مختلف ایرانی تشکیل شده اند. (۱) عده ای از این قوم در حکومت های وقت برای اداره امور کشوری ماندند و برخی دیگر از آنها را احمد شاه درانی در اواسط قرن هیجدهم میلادی از ایران به افغانستان منتقل کرد و در اردوی شاهی به کار گرفت. (۲) گزارشگری انگلیسی به نام چارلز میسن که در دهه سوم قرن نوزدهم از افغانستان دیدار کرد و گزارشی از احوال سیاسی آن نوشت، درباره قزلباش ها می نویسد:

«تعدادی از ایرانیان در دوران مرگ نادر شاه به مشهد رسیده بودند که احمد شاه درانی به افغانستان دعوتشان کرد در این زمان، نیروهای بسیاری از ایرانی ها که جواهرت را از هند به ایران همراهی کردند؛ برای خدمت به دولت جدید افغانستان تشویق شدند؛ بنابراین ترک تابعیت دادند و در افغانستان اقامت گزیدند. در دوران احمد شاه و اخلافش، آنها بخش عمده غلام خانه یا عساکر دربار را تشکیل می دادند.» (۳)

چارلز میسن درباره جمعیت و نفوذ سیاسی قزلباش ها در آن زمان می نویسد:

«تعداد آنان بی نهایت زیاد و وضع زندگی شان بسیار خوب شده است. با نفوذترین گروه را در شهر کابل، که نصف آن را در اختیار دارند تشکیل می دهند.» (۴) قزلباشان در ساختارحکومت های افغان؛ به ویژه در بخش های نظامی و دیوانی و... حضور داشتند، ولی هیچ گاه نتوانستند نقش فعالی را به نفع موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان ایفا

ص:۶۳

۱- (۱) . ترکمان اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ص۴۸۰-۴۸۴؛ این تبار از سپاه صفوی از اقوام مختلف شیعی ترک، ترکمن، کرد و لر تشکیل شده بود و چون کلاه قرمز رنگ ۱۲ ترک به نام دوازده امام بر سر می نهادند به قزلباش مشهور شدند.

۲- (۲) . میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص۱۹۹.

۳- (۳) . میسن چارلز، میر یزدان بخش، ص ۱۵۰.

۴- (۴) . همان.

کنند. زیرا آنها از پشتوانه قومی نیرومندی برخوردار نبودند، ولی در کشوری حضور داشتند که قدرت بر اساس پشتوانه قومی به دست می آمد و حفظ می شد. فلسفه حضور آنان در دستگاه حکومت ها نیز آن بود که در خدمت حکومت باشند؛ بدون این که آنها تهدید کنند. البته، قزلباش ها عامل انتقال قدرت از یک خانواده افغان (پشتون) به خانواده دیگر بودند و پشتون ها اغلب از قزلباش ها استفاده ابزاری می کردند. (۱) با وجود این، قزلباش ها در بسیاری از موارد نقش میانجی را میان افغان ها و سایر شیعه ها داشتند؛ زیرا آنها از لحاظ کارکرد با پشتون ها و از لحاظ مذهبی با سایر شیعیان ارتباط داشتند. یکی از مواردی که قزلباشان پا درمیانی کردند، بین دوست محمد خان، پادشاه کابل و میریزدان بخش، از رهبران بهسود بود. قزلباش های شیعی می خواستند از این راه به شیعیان خدمت کنند، ولی دوست محمد خان، هدف شومی داشت؛ سرانجام نیز به این هدف خویش رسید. (۲)

ب) مشارکت هزاره ها در حکومت های افغانستان

هزاره ها تقریبا دارای استقلال نسبی بودند و بسیاری از شرایط تشکیل یک حکومت مقتدر را داشتند، ولی نتوانستند چنین حکومتی را در مرکز افغانستان تشکیل دهند. آنها در یک قلمرو مستقل و جدا از دیگر اقوام می زیستند و تقریبا همگی شیعه اثنی عشری بودند؛ همچنین احساس قومی مشترک داشتند؛ و اقوام و حکومت های همسایه نیز فشار لازم را برای انسجام بیشتر آنها وارد می کردند. تاریخ سیاسی این مردم نشان می دهد که عوامل یاد شده گرچه برای تشکیل حکومت لازم بودند، به هیچ وجه کافی نبوده اند. (۳) برخی عوامل، از شکل گیری حکومت شیعیان مرکزی افغانستان جلوگیری می کرد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

یک) حکومت های محلی: این حکومت ها از طایفه های گوناگونی تشکیل شده بودند و هر یک یا چند طایفه را فرمانروایی محلی به نام «میر»، «ملک» و «سلطان» اداره می کرده است. بیشتر این ملوک الطوایف قدرت های یکسانی داشتند و کمتر اتفاق

۱- (۱) . میرمحمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص۲۰۱-۱۹۹.

۲- (۲) . حسن پولادی، هزاره ها، ص۲۶۲.

۳- (۳) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۱۷۱-۱۷۲.

می افتاد که یکی از آنها بتوانـد دیگری را شـکست دهد؛ به ویژه اینکه هر یک بر طایفه ای که خود به آن منصوب بود، حکم می رانـد و سـنت هـای طایفه ای حکم می کرد که مردم به رغم سـتم هایی که از سوی این فرمانروایان متحمل می شدنـد، در مقابل فرمانروایان طوایف دیگر، از آنها دفاع و حمایت کنند. بنابراین، این گونه حکومت ها از پشـتبانی شدید قومی برخوردار بودنـد؛ در نتیجه، اتحاد آنها یا غلبه یکی از فرمانروایان محلی بر دیگران، ایشان را با دشواری های بزرگی روبه رو می ساخت. (۱)

دو) عـدم ارتباط با همسایگان: شـیعیان مرکزی افغانسـتان از نظر مـذهبی، قومی و زبانی با جمعیت اطراف خود متفاوت بودند؛ در طول تاریـخ، ارتباط خود را با آنها به کمترین حـد ممکن کاهش داده بودنـد. شـکی نیست که روابط با دیگران و مشاهـده حکومت هـای مقتـدر از نزدیـک و مشـارکت در رده هـای بالای این قـدرت ها، با وجود یک قـدرت متمرکز سـنتی در خود منطقه، عامل مهمی در ظهور حکومت های قدرتمند به شـمار می آیند. شـیعیان مرکزی، از داشتن هر دو نوع تجربه یاد شده تا حـد زیادی بی بهره بوده انـد؛ هزاره ها از زمان های خیلی دور، هیـچ حکومت مقتدری را رهبری نکرده اند. از سوی دیگر، به دلایل گوناگونی که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد، بریده از اقوام دیگر و به طور مسـتقل، زندگی سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی خود را اداره می کرده اند و شـمار اندکی از آنها نفوذ و سـیاست را در حکومت های همسایه تجربه کرده اند. تاریخ نشـان می دهـد که یکی از عوامل شـکل گیری حکومت پشـتون ها این بود که احمـد شاه درانی که برای سـپاه نادر شاه افشار خـدمت می کرد، با شـیوه حکومت و سـیاست آشـنا شد؛ حتی برای اداره امور کشوری و لشـکری، شـمار فراوانی از ایرانیان با تجربه کشوری داری را با خود به افغانسـتان آورد. این نیروها که جمعیت فراوانی دارنـد و قزلباش و بیات نامیـده می شونـد، تا قرن ها به حکومت های پشتون در بخش های اداری و نظامی کمک و گاه حکومت ها را اداره می کردند. (۲)

سه) تهدید از سوی حکومت های همسایه: شیعیان را در مرکز افغانستان، حکومت هایی در شرق، غرب، شمال و جنوب احاطه کرده بودند؛ و این حکومت ها، همواره می کوشیدند تا

۱- (۱) . همان، ص۱۷۲.

۲- (۲) . ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج۱، ص۹-۳۰.

حد ممکن، سلطه خود را بر این مناطق صعب العبور گسترش دهند. بخش هایی از مناطق هزاره نشین که در همسایگی این حکومت ها قرار داشتند، همواره مجبور بودند با ایشان بیعت کنند و به آنها باج و مالیات بپردازند. حکمرانان همجوار شیعیان مرکزی، همیشه از شکل گیری یک حکومت در این منطقه هراس داشتند؛ چنان که امیر عبدالرحمان خان - که خود یکی از قدرتمندترین حاکمان پشتون به شمار می رفت - اظهار می دارد: «این مردم، قرن های بسیاری اسباب وحشت حکمرانان افغانستان بوده اند». (۱)با توجه موانع وچالش های ذکر شده و با وجود تعامل نامناسب حکومت های مرکزی با شیعیان افغانستان، آنها در حکومت مرکزی افغانستان تاثیرگذار بوده اند و برخی از آنها به مقامات حکومتی دست یافته اند. شخصیت های سیاسی مردم هزاره که در دوره های حاکمان به مقام و مناصب دولتی راه یافتند در دو مقطع زمانی به صورت فشرده نام برده می شود:

ج) مشارکت شیعیان درحکومت های مرکزی افغانستان (از قرن دهم تا دوره معاصر)

اشاره

به دلیل کمبود منابع تاریخی و عدم دسترسی به منابع دیگر، درباره شخصیت های شیعی در حکومت، به تعدادی انگشت شمار از آنها اشاره می شود که در منابع آمده اند:

جدول شماره (۴) دوره های قبل از محمد ظاهرشاه

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ درویش علی خان هزاره)۱۱۸۵-۱۱۶۰ ه- ق(نایب الحکومه (بیگلربیگی) (۲) هرات، از سوی احمد شاه درانی منصوب شده بود و تا آخرین روزهای حیات احمد شاه به انجام این وظیفه مشغول بود. (۳)

۲ عنایت خان یکی از سران دایکندی در زمان احمدشاه درانی و حاکم دایکندی بود و سرانجام با مخالفت حاکم درانی روبه رو شد.

۳ صافی سلطان جاغوری در زمان تیمورشاه درانی به فرمان او ریاست بخش هایی از جاغوری را بر عهده داشت.

۱- (۱) .عبدالرحمان خان، تاج التواریخ، ص ۲۸۷.

۲- (۲) . واژه ترکی است به معنای بزرگ بزرگان، حکمران، نایب الحکومه.

۳- (۳) . منشی حسینی محمود، تاریخ احمدشاهی، چاپ عکسی مسکو، ص ۵۳۵- ۵۳۸؛ نقل از: پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص ۱۴۹.

۴ ابراهیم خان هزاره (۱۲۳۶ ه.-ق) از سوی حسن علی میرزا شجاع السلطنه، والی خراسان به حکومت قلعه نو و باخرز سرافراز گردید و هم به نیابت سهراب خان حاکم تربت حیدریه درآمد. (۱)

۵ علی محمد خان هزاره پدر سردار شیر علی خان جاغوری در زمان شاه شجاع به رتبه سلطانی مردم چهاردسته رسید.

۶ حسن خان هزاره در زمان شاه شجاع رتبه خانی مردم چهاردسته جاغوری را به عهده داشت.

۷ شیرعلی خان جاغوری (۱۲۹۱ه- ق) در زمان امیر شیرعلی خان، لقب سرداری یافت و در سنگماشه قدرت قومی را در دست داشت و سپاه و توپخانه در اختیارش بود. لقب سرداری او به صفدر علی خان پسرش داده شد و پسر دیگرش احمد علی خان به منصب کرنلی رسید و برادرش باز علی خان به منصب جنرالی توپخانه جاغوری منصوب شد. (۲)

۸ سرتیب یوسف (۱۲۷۹ه-. ق) رئیس هزاره های باخرز بوده است. (۳)

۹ محمد خان نظام الدوله رئیس هزاره قلعه نو بوده است. او از طرفداران محمد ایوب در مقابل امیر عبدالرحمان بود و در سال ۱۲۹۸ در جنگ زخمی شد. (۴)

۱۰ محمدخان نظام الدوله رئیس هزاره های قلعه نو، در سال ۱۳۰۵ه-.ق. مدتی نظربند بوده و مورد بخشش قرار گرفت؛ سپس به دریافت شمشیر و کمربند طلا و خلعت موفق شد و حکومت لغمان را به دست گرفت و سالانه شش هزار روپیه مقرری داشت. (۵)

۱۱ میر اکبر بیگ (۱۳۰۸ه- ق) حکمران منطقه دایکندی بوده است. (۶)

۱۲ محمد نبی خان نبیره سردار بختیاری، خان هزاره غزنین در سال ۱۳۰۸ ه- ق به جای عطا خان صاحب زاده به حکومت بهسود گماشته شد.

۱۳ سید احمدشاه (۱۳۰۸ه- ق) از سوی محمد نادر خان به رتبه نایب سالاری رسید.

۱۴ محمد خان نایب الحکومه هرات در زمان تیمور شاه درانی بود.

۱۵ فضیلت خان هزاره در دوره تیمور شاه درانی، حاکم تنه خاتون

۱۶ محمدنبی خان مالستانی (۱۳۰۹ه- ق) به حکومت مالستان منصوب شد

۱۷ میر محمدحسین بیگ (۱۳۰۹ه- ق) حکمران یا صاحب اختیار منطقه لعل بود.

۱۸ سید محمد قاسم (۱۳۱۰ه- ق) وی، از سادات سراب، در مقام حاکم سه پای (شهرستان) مقرر شد.

۱۹ محمدجعفرخان مالستانی (۳۱۲-۱۳۱۰ه- ق) حاکم اندراب، طی این سال ها بود.

یک) دوره سلطنت محمد ظاهرشاه: با وجود فضای باز سیاسی، از استخدام هزاره های شیعه در اداره های نظامی، استخبارات و وزارت امورخارجه خوداری می شد. مانند

۱- (۱) . ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج ۱، ص ۵۹۱.

۲- (۲) . همان، ص ۳۵۲ و ۱۹۱ و وامبری آرمینیوس، سیاحت نامه دوریش دروغین، ص ۳۵۶.

۳- (۳) . حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره جات، ص ۴۷۲.

۴- (۴) . ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ص ۵۹۱.

۵- (۵) . حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره جات، ص ۴۷۱.

۶- (۶) . ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج ۱، ص ۸۱۷.

حکومت های گذشته با تبعیض خاصی با مردم رفتار می شد. در این زمان، مجموع کارمندان پایین رتبه و متوسط در ارگان های دولتی، از میان مردم شیعه به کمتر از بیست نفر می رسیدند؛ آن هم به صورت تشریفاتی از رهگذر هویت قومی. در دو کابینه این دوره، اشخاص زیر در حکومت حضور پیدا کرده بودند:

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ احمد علی فرزند کرنیل محمدالله خان قره باغی (۱۳۳۱- ۱۳۲۳) در دوران سلطنت محمد ظاهر خان، مدتی به حکمرانی کلان لوگر منصوب شد؛ او ابتدا کفیل حکومت کوه دامن بود؛ در سال ۱۳۳۱ نیز، به حکومت کلان بلخ رسید.

۲ میرعلی اصغر شعاع. (۱) (۳۳۲- ۱۳۲۶) مدیر دایره المعارف آریانا؛ مدیر عمومی نشر داخلی و مطبوعات

۳ عبدالله خان جاغوری (۱۳۳۶- ۱۳۳۳) رئیس تفتیش وزارت داخله؛ رئیس تنویرات (شرکت برق)

۴ نادر علی خان جاغوری (۱۳۴۱) رئیس تهیه غله و ارزاق

۵ دکترعبدالواحد سرابی (۲) (۱۳۵۱- ۱۳۴۸) معاون علمی پوهنتون کابل؛ وزیر مشاور؛ وزیر پلان

۶ محمد یعقوب لعلی (۱۳۵۱) وزیر فواید عامه؛ وزیر صنایع و معادن

جدول شماره (۵) دوره محمد ظاهرشاه

دوره جمهوری سردار محمد داود خان: او یکی از شخصیت های متعصب و قبیله گرا بود و در دشمنی با مردم هزاره (شیعه) شهرت داشت. هیچ یک از شخصیت های سیاسی شیعه در حکومت او، به کابینه و حتی به سمت متوسط

۱- (۱) . حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره جات، ص ۴۲۵ و ۴۲۶. در سال ۱۳۲۶شمسی کفالت مدیریت «دایره المعارف آریانا» را عهده دار گردید، در سال ۱۳۲۸ش. از صدارت به سمت مدیریت «دایره المعارف» برگزیده شد، در سال ۱۳۳۰ش. در مقام مدیر «عمومی نشرات داخلی مطبوعات» خدمت کرد. و در سال ۱۳۳۱ش وکیل اهالی شهر کابل، در دوره هشتم شورای ملی انتخاب شد و تا سال ۱۳۳۴ش به این سمت مشغول بود. او به دلیل خدماتش از سوی صدارت، تقدیرنامه درجه دوم (۱۳۲۷ش)، برای انجام کار در «دایره المعارف آریانا» نشان درجه اول معارف (۱۳۳۱) و به سبب دوره وکالت در مجلس هشتم شورای ملی، نشان عالی (۱۳۳۲ش) دریافت کرد. داکتر واحد سرابی، سال (۱۳۵۱ - ۱۳۴۸) در سال ۱۳۴۳ش. معاون علمی پوهنتون کابل بوده است، در سال ۱۳۴۶ش. به حیث «وزیرمشاور» در کابینه مشغول گردید، در سال ۱۳۴۸ش. به حیث «وزیر پلان» (برنامه ریزی) در کابینه وارد شد و تا سال (۱۳۵۱- ۱۳۵۰) نیز در این سمت نقش ایفا کرد.
۲- (۲) . در این سال ها در مقام «وزیر فواید عامه» و پس از آن در جایگاه «وزیر صنایع و معادن» در کابینه محمد ظاهر شاه بود که به مجلس شورای ملی معرفی شد و رای اعتماد گرفت.

دولتی راه پیدا نکردند؛ اما شیعیان، رنج های زیادی از حکومت استبدادی این سردار متحمل شدند.

دو) دوره دولت های وابسته به حزب دموکراتیک خلق افغانستان (ح.د. خ.ا)

صرف نظر از دشواری های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی در این مقطع زمانی، تا حدی معین، زمینه حضور سیاسی مردم شیعه و هزاره آماده شد. این حضور از نظر ترکیب و تناسب قومی در تمام بدنه های دولت، از رده های پایین تا سمت های بالایی در زمینه های ملکی و نظامی بدون تبعیض میسر شد. حضور مردم هزاره در این دولت ها پر رنگتر از حکومت های گذشته بوده است. برای اولین بار، طی ۲۵۰ سال گذشته، افرادی از هزاره ها توانستند بر کرسی های نخست وزیری، معاونت نخست وزیری و دیگر پست های حکومتی تکیه کنند. به طور کلی، رژیم (ح.د.خ.ا) به دلیل مخالفت مبنایی حزب با دسته بندی های مبتنی بر «قبیله»، «زبان» و «مذهب»، برخورد بسیار عادلانه تری با هزاره ها داشت:

«اتباع جمهوری افغانستان، اعم از زن و مرد بدون در نظر داشتن تعلقات ملیت، نژاد، لسان، قبیله، دین، مذهب، عقیده سیاسی، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت و اقامت در برابر قانون دارای حقوق و مکلفیت های مساوی می باشند. تعیین هر نوع امتیاز غیر قانونی و یا تبعیض نسبت به حقوق و مکلفیت های اتباع منموع است.» (۱)

در این دوره که هزاره ها آزادی بیشتری داشتند، نخستین نشریه مستقل خود را تحت عنوان «غرجستان» منتشر کردند؛ آنها آزادانه از حکومت انتقاد و نظرخود را ارائه می کردند؛ همچنین رفتارهای غیر انسانی تحمیل شده، از سوی حکومت پشتون ها را از دوش هزاره ها برداشته بودند.

حکومت وابسته به حزب دمواکراتیک خلق افغانستان به دو دوره زمانی تقسیم می شود:

۱- دوره اول دولت های وابسته به حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شخصیت های سیاسی و اجتماعی که در این دوره به پست های کلیدی و رده های دولتی

۱- (۱) . قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۶۶/۹/۹، ماده سی وهشتم به نقل از سید عسکر موسوی، هزاره های افغانستان، ص۲۳۲.

راه پیدا کردند عبارت اند از:

جدول شماره (۶) دوره اول دولت وابسته به حزب دموکراتیک خلق

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ سلطان علی کشتمند (۱) (۱۳۶۹-۱۳۴۲) رئیس شورای وزیران و صدراعظم

۲ عبدالکریم میثاق (۱۳۵۸-۱۳۵۷) وزیر مالیه

۳ محمد عوض نبی زاده (۱۳۵۷) رئیس مطابع(چاپخانه ها) دولتی بود (مدتی زندانی شد)

۴ عوض علی (۱۳۵۷) ولسوال لعل و سرجنگل ولایت غور

۵ غلام محمد (۱۳۵۷) علاقه دار دایمیرداد ولایت وردک

۶ محمد جمعه گوش (۱۳۵۷) معاون مدیر معارف ولایت بامیان

۷ عوض علی راهبین (۱۳۵۷) ولسوال مرکز بهسود ولایت وردک

۸ محمد علی واتر (۱۳۵۷) ولسوال ورس بامیان

۹ نوروزعلی (۱۳۵۷) ولسوال یکاولنگ

۱۰ عباس خروشان (۱۳۵۷) منشی مرکزی جوانان خلقی افغانستان

۱۱ شاه ولی مطمین (۱۳۵۷) معاون شهر داری کابل

۱۲ آقا حسین تلاش (۱۳۵۷) رئیس نساجی بگرامی کابل

۱۳ طلوع (۱۳۵۸) منشی حزبی کمیته ولایتی بامیان

۱۴ غلامعلی ذرخش (۱۳۵۷) ولسوال پنجاب بامیان

در دوره اول حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با این تعداد از شیعه روبه رو می شویم که به رده های حکومتی دست یافتند.

۱- (۱) . حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره جات،ص ۴۷۳؛ سلطان علی کشتمند، در سال ۱۳۴۲ش در کنگره اول، گنگره مؤسس حزب دموکراتیک خلق افغانستان شرکت کرد و در مقام عضو اصلی کمیته مرکزی حزب انتخاب شد. او در سال ۱۳۴۴ش، در نخستین تظاهرات سیاسی آن دوران شرکت کرد، برای مدتی زندانی شد، در سال ۱۳۵۰ش، به عضویت هیئت اجرائیه کمیته مرکزی درآمد، در سال ۱۳۵۶ش، پس از تأمین وحدت حزب به عضویت بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب انتخاب شد. سال های زیادی به طور حرفه ای برای ح.د. خ. ا کار کرد، از تاریخ ۷ ثور ۱۳۵۷ش برای مدت سه ماه در جایگاه وزیر پلان (برنامه ریزی) ایفای وظیفه کرد، سپس ۱۶ ماه دیگر در زندان به سر برد. کشتمند در دولت، مقام معاونت شورای انقلابی و صدر اعظم را احراز کرد و در سال۱۳۵۹ در جایگاه رئیس شورای وزیران و صدر اعظم تعیین شد که تا سال ۱۳۶۷ش به این وظیفه مشغول بود. وی در تاریخ ۱۶ ثور ۱۳۶۹ در مقام معاون اول رئیس جمهور تعیین شد، در تاریخ ۲۳ ثور ۱۳۶۹ش شورای ملی جمهوری افغانستان به وی رأی اعتماد داد. او علاوه بر سیاست، در زمینه های فرهنگی مقالات و تراجم، آثار بسیاری دارد؛ به ویژه در مسائل، اقتصادی یکی از صاحب نظران این امر است. در طی دو نوبت به صدارت رسید که اولی دوره حکومت ببرک کارمل و دومی دوره حکومت دکتر نجیب الله بوده است.

۲- دوره دوم دولت های وابسته به حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شخصیت های سیاسی هزاره (شیعه) که در دوره دوم دولت های وابسته به حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حضور داشتند و در سمت های مختلف جای گرفتند، طبق جدول آمده، عبارت اند از:

جدول شماره (۷) دوره دوم دولت وابسته به حزب دموکراتیک خلق

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ سلطان علی کشتمند (۱۳۶۹-۱۳۵۹) صدراعظم(نخست وزیر)

۲ عبدالواحد سرابی (۱۳۷۱ -۱۳۶۶) وزیرتحصیلات عالی، معاون صدراعظم و معاون رئیس جمهور

۳ سلطان حسین خان (۱۳۷۱ -۱۳۶۷) وزیر امور پلان

۴ پوهاند شاه علی اکبر شهرستانی (۱۳۷۱- ۱۳۶۷) معاون مشرانوجرگه (مجلس سنا)

۵ میر خادم حسین بیگ (۱۳۶۷- ۱۳۶۴) رئیس شورای مرکزی ملیت هزاره

۶ شیخ علی احمد فکور (۱۳۷۱- ۱۳۶۷) رئیس مرکز انسجام ملیت هزاره

۷ عبدالکریم میثاق (۱۳۶۹) شاروال(شهردار) - کابل

۸ حسن علی طیب (۱۳۷۱-۱۳۵۹) معین وزارت ساختمانی و معین وزارت صنایع خفیفه

۹ علی اصغر پیمان (۱۳۷۱ -۱۳۶۶) معین وزارت تحصیلات عالی و مسلکی

۱۰ غلام محمد ییلاقی (۱۳۷۱-۱۳۶۷) معین وزارت تجارت

۱۱ محمد شریف (۱۳۷۱-۱۳۶۸) معین وزارت ترانسپورت(حمل و نقل)

۱۲ محرم علی (۱۳۷۱-۱۳۵۹) معاون شهرداری کابل و معاون ریاست تفتیش صدارت

۱۳ شیخ محمد عوض صادقی (۱۳۷۱-۱۳۶۷) معین وزارت شئون اسلامی و اوقاف

۱۴ محمد عوض نبی زاده (۱۳۷۱-۱۳۵۹) رئیس مطابع (چاپخانه ها) دولتی و معین وزارت اقوام و قبایل

۱۵ اسدالله کشتمند (۱۳۷۱-۱۳۶۷) سفیر در هنگری، ایران و حبشه

۱۶ علی محمد صادقی یار (۱۳۶۶) معاون شاروالی (شهر داری)کابل

۱۷ محمد فرید لعلی (۱۳۶۷) معاون شاروالی (شهرداری) کابل

۱۸ شیخ محمد عظیم احمدی (۱۳۶۴) والی(استاندار)- بامیان

۱۹ غریب حسین خان ارزگانی (۱۳۶۷) والی سرپل

۲۰ محمد لطیف جاغوری (۱) (۱۳۶۸-۱۳۶۴) والی غزنی و معین وزارت عودت مهاجرین

۲۱ غلام حیدر جمالی (۱۳۶۶ - ۱۳۶۲) والی بلخ و معین وزارت شئون اسلامی و اوقاف

۲۲ غلام حسن ارزگانی (۱۳۶۶) رئیس اقوام و قبایل ولایت بلخ

۲۳ نایب علی (۱۳۶۰) منشی حزبی کمیته ولایتی بامیان

۲۴ محمد صافی (۱۳۶۳) منشی حزبی کمیته ولایتی بامیان

۲۵ محمد حسن کاروان (۱۳۶۷ - ۱۳۶۵) منشی حزبی کمیته ولایتی بامیان

۱- (۱) . فرزند مرحوم محمد شریف پیلوت بوده است.

۲۶ مرحوم دگروال نوروزعلی (۱۳۶۷) والی و قوماندان امنیه بامیان

۲۷ محمد شریف (۱۳۶۶) والی سمنگان

۲۸ محمد إبراهیم روستا (۱۳۶۱) والی بامیان

۲۹ سلطان علی ارزگانی (۱۳۶۳) والی ارزگان

۳۰ نورعلی گنج علی (۱۳۷۰) معاون والی قندوز

۳۱ انجینر خادم حسین جاغوری (۱۳۶۶) معاون والی بلخ

۳۲ جنرال خداداد هزاره (۱۳۶۹– ۱۳۶۷) قوماندان فرقه۱۴غزنی؛ قوماندان گروپ اوپراتیفی وردک

۳۳ برید جنرال سخی ظفری ۱۳۷۱–۱۳۶۹) قوماندان امنیه ولایت سمنگان

۳۴ برید جنرال محمد مهدی ۱۳۶۶–۱۳۵۹) رئیس امنیت ولایت جوزجان

۳۵ برید جنرال علی محمد (۱۳۶۷– ۱۳۶۵) رئیس آکادمی تخنیک

۳۶ بریدجنرال نور محمد کورگه (۱۳۷۱–۱۳۶۹) آمر سیاسی گروپ اوپراتیفی وردک

۳۷ دگروال عبدالواحد (۱۳۷۱– ۱۳۶۹) قوماندان لوای ۵۲۰ قومی مردم هزاره

۳۸ دگروال محمدعیسی اسحاق (۱۳۷۱– ۱۳۶۹) رئیس وزارت امور عودت مهاجرین

۳۹ دگروال عطا میر (۱۳۷۱) رئیس ارکان فرقه ۸۰ ولایت بغلان

۴۰ ابراهیم روستا قبل از (۱۳۶۴) والی بامیان

۴۱ جنرال محمد اقبال (۱۳۶۷) رئیس ارکان فرقه ۸۰ ولایت بغلان

۴۲ دگروال بسم الله (۱۳ ۶۸) قوماندان فرقه ۰۹۵ گروپ اوپراتیفی وردک

۴۳ دگروال عبدالطیف وردک (۱۳۶۸) قو ماندان فرقه۰۹۶ گروپ اوپراتیفی

۴۴ دگروال ملک شاه (۱۳۶۶) قوماندان امنیه ولایت بامیان

۴۵ دگروال شاه قدم نیکپی (۱۳۷۳) آمر امنیت قوماندان امنیه ولایت بغلان

۴۶ برید جنرال نادرعلی (۱۳۷۰) قوماندان امنیه ولایت جوزجان

۴۷ جنرال غلام حسین فنا (۱۳۶۸) قوماندان امنیه ولایت سرپل

۴۸ انجینر عبدالواحد (۱۳۶۸) رئیس امنیت ملی ولایت سرپل

۴۹ دگروال رجب علی (۱۳۷۱-۱۳۶۳) معاون رئیس تحقیق

۵۰ دگروال عوض علی غرجی ۱۳۷۱-۱۳۶۷) رئیس ارکان گروپ اوپراتیفی وردک

۵۱ عبدالصمد آصفی (۱) رئیس افغان فیلم

۵۲ محمد اسماعیل شهیدانی (۲) (۱۳۶۳) رئیس امنیت ملی ولایت بامیان

۵۳ شیخ محمد عظیم احمدی (۳) (۱۳۶۴) والی بامیان

در دوره دوم شیعه های بیشتری در دولت راه پیدا کردند که از آنها برای پیشرفت و توسعه

۱- (۱) . در رشته «فوتو ژورنالیزم» تحصیل کرده بوده است.

۲- (۲) . محمد عوض نبی زاده، نقش و مقام مردم هزاره در دولت و جامعه طی دو و نیم قرن اخیر، www.junbesh.net.

۳- (۳) . روزنامه هیواد، شماره ۱۳۱۴، ۳ قوس ۱۳۶۴ش، نقل از: سرزمین و رجال هزاره جات،ص ۴۷۳. در سال۱۳۶۴ش شیخ محمد عظیم احمدی به پیشنهاد شورای وزیران و منظوری جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان به سمت والی بامیان مقرر شد.

برنامه های دولت بهره گرفته شد. پس از این دو دوره، فضای سیاسی و فرهنگی برای مردم شیعه هزاره فراهم شد؛ از این رو نخستین جرگه سراسری ملیت هزاره در سال ۱۳۶۶ تشکیل شد. این موضوع اولین گام برای مشارکت و حضور هزاره ها در حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان بود. با اینکه حزب، از این گونه مسائل اهدافی داشت، تشکیل جرگه و شناسایی رسمی هزاره ها، شرایط مناسبی را برای فعالیت آینده آنها فراهم آورد؛ همچنین به حضور هزاره ها، در نهادهای گوناگون دیگر، از دانشگاه تا ارتش، کاملا توجه شده. جدای از موفقیت های سیاسی هزاره ها اگر برخورداری جامعه هزاره از این فرصت ها، در سال های آینده ادامه می یافت، زمینه های بهتر برای رشد و تحول اجتماعی و فرهنگی آنها به وجود می آمد. بر اثر این فضای نسبتا باز سیاسی و اجتماعی، هزاره ها توانستند بیش از ۲۰ جلد کتاب و رساله و بیش از ۱۰۰ مقاله درباره مسائل مختلف جامعه هزاره منتشر کنند. (۱) این موضوع، در تاریخ شیعیان بی سابقه بوده است. از زمانی که احمدشاه درانی حکومت شاهی را تشکیل داد، کمتر به شیعیان فرصت داده شد تا فعالیت های فکری و فرهنگی داشته باشند.

نمایندگان شیعیان در پارلمان افغانستان

این کشور، در تاریخ سیاسی خود، ۱۳ دوره شورای ملی و ۱۲ بار انتخابات مربوط به آن را تجربه کرده است. نخستین دوره شورای ملی (ولسی جرگه) که اندك شباهتی به قوه قانونگذاری داشت، در ماه سنبله سال ۱۳۰۹ ش افتتاح شد و دوره آخر آن (دوره سیزدهم) در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ش، با کودتای سردار محمد داوود خان و براندازی نظام سلطنتی مشروطه پایان یافت. با این حساب، افغانستان به مدت ۴۱ سال، دارای شورای ملی بوده است که اولین دوره آن، ۱۱ ماه پس از روی کار آمدن محمد نادر شاه آغاز و آخر آن، با سقوط محمد ظاهر شاه پایان پذیرفت. البته سنگ بنای تشکیل شورای ملی در عصر امان الله خان و در جرگه یك هزار نفری پغمان، در سال ۱۳۰۷ گذاشته شد.

شورای ملی افغانستان از آغاز تشکیل تا پایان کار، متشکل از دو مجلس بوده است: یکی ولسی جرگه و دیگری مشرانوجرگه که براساس قانون، نمایندگان مجلس اول عموما انتخابی و اعضای مجلس دوم نیز بخشی انتخابی و بخش دیگر انتصابی بوده اند.

۱- (۱) . سید عسکرموسوی، هزاره های افغانستان، ص۲۳۲- ۲۳۴.

نخستین دوره مجلس مشرانو جرگه، در سال (۱۳۱۰ش)، یک سال پس از تشکیل ولسی جرگه - افتتاح شد و آخرین آن نیز در سال ۱۳۴۸ آغاز به کار کرد و با کودتای سردار داوود خان پایان یافت. تعداد اعضای اولین دوره ولسی جرگه افغانستان، ۱۱۱ نفر و آخرین و سیزدهمین دوره آن، ۲۱۶ نفر بوده است. اولین دوره مشرانو جرگه نیز، دارای ۲۷ عضو انتخابی و دوره آخر آن، مرکب از ۵۶ وکیل انتخابی و انتصابی بود که به ضمیمه ۲۸ عضو انتخابی شوراهای ولایتی به ۸۴ نفر می رسید. از مجموع این دوره ها، تنها در دوره دوازدهم، چهار وکیل زن به شورای ملی راه یافتند؛ همچنین فقط دو انتخابات دهه دموکراسی (دوره های ۱۲ و ۱۳) به صورت کتبی، سری و رقابتی برگزار شد. از میان دوره های سیزده گانه، تنها دوره های هفتم، دوازدهم و سیزدهم، هم از لحاظ آزادی و منصفانه بودن انتخابات و هم، صلاحیت و اختیارات شورا دارای اهمیت و درخور دقت است. (1) آنچه در این نوشتار بررسی می شود، حضور شیعیان در ولسی جرگه (شورای ملی) و مشرانو جرگه (مجلس اعیان) است که چه تعداد شیعه و از چه مناطقی در این مجالس حضور پیدا کرده اند.

۱. دوره اول شورای ملی افغانستان (۱۳۱۲-۱۳۱۰): پایان کار دوره اول، سال سوم، مصادف با قتل محمد نادر شاه، پادشاه افغانستان بود. در تاریخ ۱۶ عقرب ۱۳۱۲ ش که فقط هفت نفر از وکلای شیعیان در این دوره در پارلمان کشور حضور داشتند.

۲. دوره دوم شورای ملی افغانستان (۱۳۱۵-۱۳۱۳): نمایندگان شیعیان در دوره دوم نیز، هفت نفر بودند.

۳. دوره سوم شورای ملی افغانستان (۱۳۱۸-۱۳۱۶): در این دوره نیز، تعداد نمایندگان به هفت نفر می رسید.

۴. دوره چهارم شورای ملی افغانستان (۱۳۲۱-۱۳۱۹): در این دوره، شش نفر شیعه در مقام نماینده، در شواری ملی حضور داشتند.

۵. دوره پنجم شورای ملی افغانستان (۱۳۲۴-۱۳۲۲): در این دوره، نه نفر از شیعیان در شورای ملی بودند.

۶. دوره ششم شورای ملی افغانستان (۱۳۲۷-۱۳۲۵): تعداد وکیلان شیعه در دوره ششم شورای ملی، به دوازده نفر رسیدند.

۱- (۱) . مسیح ارزگانی، پیشنه انتخابات شورای ملی در افغانستان، ۲۰۰۷ / ۳ / ۱۵ م. www.armans.info

۷. دوره هفتم شورای ملی افغانستان (۱۳۳۰-۱۳۲۸): وکلای دوره هفتم هزاره جات در شورای ملی نیز، دوازده نفر بودند.

۸. دوره هشتم شورای ملی افغانستان (۱۳۳۳-۱۳۳۱): نمایندگان مناطق شیعه نشین به پانزده نفر رسیدند.

۹. دوره نهم شورای ملی افغانستان (۱۳۳۶-۱۳۳۴): نمایندگان دوره نهم شورای ملی نیز، چهارده نفر بودند.

۱۰. دوره دهم شورای ملی افغانستان (۱۳۳۹-۱۳۳۷): در این دوره، نمایندگان مناطق هزاره نشین را چهارده نفر تشکیل می دادند.

۱۱. دوره یازدهم شورای ملی افغانستان (۱۳۴۴-۱۳۴۰): وکیلان و سناتوران هزاره جات در دوره یازدهم شورای ملی، هیجده نفر انتخاب شدند.

۱۲. دوره دوازدهم شورای ملی افغانستان (۱۳۴۷-۱۳۴۴): نمایندگان مردم شیعه، در این دوره، بیست نفر بودند.

۱۳. دوره سیزدهم شورای ملی افغانستان (۱۳۵۱-۱۳۴۸): نمایندگان شیعه در شواری ملی هفده نفر بودند. (۱)

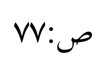
با وجود اینکه شیعیان در بعضی حکومت ها در حاشیه نگه داشته می شدند، جمعیتی فعال بودند و در بعضی حکومت های مرکزی افغانستان تاثیرات جالب توجهی داشتند. حضور شیعیان در حکومت های پس از دوره محمد ظاهر شاه بهترشد و مشارکت آنها در حکومت های مرکزی، مورد استقبال دولتمردان افغانی قرار گرفت.

شیعیان، پس از سلسله شاهی در افغانستان، حضور پررنگ تری داشتند؛ در دوره حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به رتبه های بالایی از مقامات دولتی، از صدارت و معاون رئیس جمهور گرفته تا وزارت و وکالت، دست یافتند؛ نیز در زمینه های سیاسی و اجتماعی، ایفای نقش کردند.

۱- (۱) . سایت شورای ملی افغانستان، دوره های شورای ملی، www.parliment.af ؛ حسین نایل، سرزمین و رجال افغانستان، ص۴۴۴ - ۴۶۴.

جدول شماره (۸) وکلای شیعه (در سیزده - دوره شورای ملی) (۱)

۱- (۱) . همان ص ۴۵۰- ۴۶۵.



۳شیعیان و حکومت مجاهدین (پس از سقوط دولت دکتر نجیب الله)

حکومت عبوری چهار ماهه، با مشارکت تنظیم های هفت گانه، به ریاست صبغت الله مجددی، بدون مشارکت احزاب اسلامی مردم هزاره؛ به ویژه حزب وحدت اسلامی افغانستان تشکیل شد و به کابل انتقال یافت. گرچه در جریان نشست های یک هفته ای تشکیل نخستین دولت اسلامی با دخالت مقامات پاکستانی، نمایندگان سیاسی مردم هزاره در این جلسات حضور داشتند، متاسفانه درپایان نشست، انجام مذاکرات در کابل را از سوی رهبران اعلام کردند. شیعیان در دوره جهاد، مقابل روس ها که یک وزنه بزرگ محسوب می شدند، ولی در هنگامی توزیع قدرت، سهم شیعیان نادیده گرفته شد. درباره جایگاه هزاره ها در دوره جهاد، توجه خوانندگان گرامی را به یک نمونه معطوف می دارم و آن، توافق نامه جبل السراج است که جایگاه هزاره ها را چنین بیان می کند:

بلافاصله بعد از سقوط مزارشریف، نمایندگان مسعود، دوستم و عبدالعلی مزاری در شهر جبل السراج گرد هم آمدند و اتحادی را به نام «شورای عالی جهادی افغانستان» بنا نهادند که بعدها به ائتلاف شمال معروف شد. در این ائتلاف، مسعود به عنوان رئیس و محقق به عنوان معاون، دوستم نیز در مقام مسئول امور نظامی در صفحات شمال انتخاب

شد. همچنین در این نشست طرح حمله به کابل مورد توافق قرار گرفت. (1)

متن این توافق نامه به نقل از آقای علی جان زاهدی:

«من به نمایندگی از جانب حزب وحدت و مسعود به نمایندگی از طرف جمعیت اسلامی، روی مواد ذیل توافق کردیم: از شورش جنرالان رژیم نجیب در شمال کشور، حمایت به عمل آمده، مورد بهره برداری قرار گیرد؛ شورایی مرکب از جنرالان و نمایندگان ولایتی احزاب جهادی، در ولایت بلخ تشکیل گردد؛ به شورای فوق دستور تصرف شهر مزارشریف صادر شود؛ در صورت موفقیت شورای فوق در جهت تصرف مزارشریف، کلیه پایگاه های رژیم در سمت شمال سقوط خواهد کرد. در این مرحله، شورای عالی جهاد، در ولایت بغلان ایجاد گردد؛ رئیس این شورا نیروی جهادی باشد؛ پایگاه های دولت در شمال، با تشریک مساعی نیروهای احمد شاه مسعود، نیروهای اعزامی حزب وحدت از هزاره جات و نیروهای شمال، تسخیر شود؛ شهر کابل، توسط نیروهایی که در شمال گردهم می آیند و نیروهای حزب وحدت که از سمت میدان شهر وارد کابل می شود، تصرف گردد؛ پس از تصرف شهر کابل، دولت تشکیل شود؛ در این دولت، سهم هر قوم به تناسب حضور فیزیکی آنان در افغانستان، تعیین شود؛ هرگاه پشتون ها به تشکیل چنین دولتی، تن در دادند، فبها و در غیر این صورت و پناه بردن آنان به قدرت نظامی، دسته جمعی با آنان مقابله می گردد.» (2) باوجود چنین پیمان هایی حقوق مردم هزاره از طرف حکومت عبوری نادیده گرفته می شود و سوء نیت و ابراز نظر تعصب آمیز آقایان مولوی یونس خالص و انجنیر حکمتیار درباره هزاره ها، بحران در استقرار حکومت عبوری در کابل را بوجود می آورد؛ نیز با به قدرت رسیدن احزاب جهادی، جنگ تقسیم قدرت میان نیروهای قدرت طلب و طرفداران تقسیم عادلانه قدرت، برای احراز پست های کلیدی کابینه شعله ور می شود. در این زمان، رهبران سیاسی هزاره، افرادی را برای تصدی پست های نه چندان مهم، در کابینه حکومت مجاهدین پیشنهاد کردند که با مخالفت علنی صاحبان قدرت روبه رو شد. حکومت مجاهدین، در سه شهر کشور، کابینه خود را بازسازی کرد که عبارت اند از:

۱- (۱) . گروه سینا، افغانستان در سه دهه اخیر، ص ۸۹۱.

۲- (۲) . علی جان زاهدی، روایت شکست اقوام محکوم در افغانستان، ص ۵۵.

۱. کابینه مجاهـدین درکابل: این شـهر، نخستین مرکز حکومت مجاهـدین بود. جنگ های بسیاری برای توزیع عادلانه قـدرت بین نیروهای مجاهدین، از اقوام و قبایل مختلف کشور به وجود آمدند و از سوی شیعیان، برای مشارکت در کابینه دولت، افراد چنـدی معرفی شـد. این افراد برای تصـدی پست های ذکر شـده در جدول شـماره ۹ از سوی حزب وحدت اسـلامی افغانسـتان معرفی شدند:

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ محمد کریم خلیلی (۱۳۷۱) وزیر مالیه

۲ عبدالواحد سرابی (۱۳۷۱) وزیر تجارت برای سه ماه

۳ بلاغی غزنی (۱۳۷۱) وزیر تجارت

۴ جنرال خداداد هزاره (۱۳۷۱) وزیر امنیت ملی

۵ غلام محمد ییلاقی (۱۳۷۱) رئیس بانک مرکزی (۱)

جدول شماره (۹) اولین کابینه مجاهدین - کابل

رئیس دولـت اسـلامی مجاهـدین، از قرار دادن ژنرال خـداداد در مقـام وزیر امنیـت ملی خـودداری و ایـن وزارت را بـه حزب خودش واگذار کرد؛ همانند حاکمان گذشته، شیعیان را از تصدی پست های کلیدی حکومت محروم کردند. پیرو همین گونه نارسـایی هـایی که از سوی قـدرت به زیردسـتان اعمـال می شـد. جنگ های خونین شـهر کابل را فرا گرفت؛ شـیعیان قتل عام شدند و خسارت های اقتصادی فراوانی را بر پیکره ناتوان این مردم تحمیل کردند. پس از کشـمکش های فراوان میان نیروهای قدرت طلب در کابل در ماه سنبله ۱۳۷۳، فقط دو تن از مردم شیعه در کابینه دولت آقای پروفسور ربانی حضور پیدا کردند:

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ راشدی (۱۳۷۳) وزیر مالیه

۲ عبدالحق شفق سرپلی (۱۳۷۳) وزیر کار و امور اجتماعی (۲)

جدول شماره (۱۰)افرادی که در دولت راه پیدا کردند

۲. کابینه مجاهدین در تالقان: هنگامی که گروهک طالبان از کشور پاکسـتان وارد سـرزمین افغانسـتان شدند، هیچ گامی برای مقابله با طالبان، از سوی دولت برداشته نشد؛ هرچه

۱- (۱) . محمد عوض نبی زاده، نقش مردم هزاره در دولت و جامعه طی دو و نیم قرن اخیر. http:www.janbesh.net.

۲- (۲) . همان.

آنها نزدیک تر می شدند رئیس دولت مسرورتر می شد؛ تا اینکه نزدیک کابل رسیدند؛ تاکتیک دولت این بود که شهر کابل را بدون مقاومت دربرابر طالبان ترک کند. در ظاهر، دولت به اصطلاح مجاهدین که از دست نیروهای طالبان به شهر تالقان فرار کرده بود، پایتخت دولت را از کابل به تالقان منتقل کرد.

در کابینه دولت آقای ربانی در شهر تالقان شخصیت های زیر حضور یافتند:

جدول شماره (۱۱) کابینه مجاهدین – تالقان

۳. کابینه مجاهدین در مزارشریف: با روی کارآمدن گروه طالبان، نه تنها از حضور شیعیان در جایگاه قدرت جلوگیری می شد، فاجعه تاریخی دوره امیر عبدالرحمان خان، از قبیل: قتل عام عمومی، کوچ اجباری و زمین های سوخته را بر سر شیعیان در یکاولنگ، بامیان، مزارشریف و دره صوف تکرار و آثار تمدنی و باستانی بودا را در بامیان تخریب کردند؛ با اشغال کابل از سوی گروه طالبان، مقاومت علیه آنها به شمال کشور انتقال یافت؛ دولت از دست طالبان فرار کرد؛ سرانجام به مزارشریف پناه برد و پایتخت و مرکز دولت از تالقان و بدخشان به مزارشریف منتقل شد. جبهه مقاومت علیه گروه طالبان، به نام «جبهه اتحاد شمال» ایجاد شد. کابینه دولت بازسازی شده این بار تعداد بیشتر از طرف نیروهای مقاومت شیعه در کابینه دولت راه یافتند. شخصیت های زیر در کابینه آقای ربانی در شهر مزارشریف حضور داشتند:

جدول شماره (۱۲) کابینه مجاهدین – مزارشریف

ص:۸۱

هنگامی که در۱۱سپتامبر، برج هـای تجاری دوقلو آمریکا در آتش سوخت، حمله های هوایی نیروهای آمریکا در افغانسـتان، علیه نیروهای القاعـده آغاز شـد و در انـدك زمان توانست این کشور را از وجود آنها پاکسازی کنـد. همزمان با سـقوط شـهر کابـل به دست رژیم طالبـان و در جریـان برگزاری کنفرانس شـهر بن، آقای ربانی، رئیس جمهور وقت، بـدون توافق دوجانبه، آقای محمد محقق را – یکی از شخصـیت های کلیدی اتحاد شـمال در زمان مقاومت و یکی از فاتحان اصـلی شهر مزارشریف پیش از نـابودی رژیـم طالبـان – از سـمت وزارت داخله، عزل و به جـای او آقـای محمـد یـونس قـانونی را منصـوب کرد؛ این موضوع، مایه شگفتی جامعه شیعه شد.

۴حکومت موقت و انتقالی جمهوری اسلامی افغانستان

پس از شـروع حمله آمریکـا علیه گروه طالبـان، در عرض چنـد روز، همه سـرزمین افغانسـتان را از وجود آنهـا پـاك کردنـد و نیروهـای احزاب مختلف افغانسـتان، بر اساس توافق نامه ای که در کنفرانس«بن» داشـتند، عـده ای از افراد سیاسـی شـیعه را در ترکیب کابینه دولت های موقت و انتقالی، در سـمت و پست های دولتی قرار دادند؛ در این حکومت، مشارکت شـیعیان در سه محور بررسی می شود:

۱. شیعیان وکابینه دولت (موقت و انتقالی)

افرادی که در حکومت هـای موقت و انتقـالی در دولت سـهم گرفتنـد و به بعضـی از سـمت های دولتی راه یافتنـد نام برده می شوند:

ردیف نام و نام خانوادگی تاریخ مسئولیت سمت و مسئولیت

۱ محمد محقق (۱۳۸۲ –۱۳۸۰) وزیر پلان (طرح و برنامه ریزی)

۲ سیماثمر (۱) (۱۳۸۲–۱۳۸۰) معاون دولت موقت؛ وزیر امور زنان

۳ سید مصطفی کاظمی (۲) (۱۳۸۲–۱۳۸۰) وزیر تجارت

۴ محمد سرور دانش (۳) (۱۳۸۳) والی (استاندار) دایکندی

۱– (۱) . اولین زنی که از مردم هزاره به معاونت ریاست جمهوری اسلامی افغانستان انتخاب شد.

۲– (۲) . در حادثه ترویستی بغلان در ۱۵ عقرب سال ۱۳۸۶ به شهادت رسید.

۳– (۳) . پیش از انتصاب به عنوان والی ولایت دایکندی، در تدوین قانون اساسی افغانستان، نقش فعال

جدول شماره (۱۳) اولین کابینه دولت موقت

رئیس دولت کنونی، درباره مشارکت ملی فقط شعار می دهد؛ ولی در عمل، کادرهای تحصیل کردگان مردم را از بخش های گوناگون از ادارات دولتی سبک دوش می کند، یا به بهانه های گوناگون، به آنها بی مهری می شود. عدم حضور افراد شایسته هزاره در موسسات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ذهنیتی تبعیض آمیز علیه مردم هزاره فراهم می کند؛ برای نمونه، می توان غایله تحریک آمیز فیلم «کابل اکس پرس» را تذکر داد؛ کمبود کادرهای هنری مردم هزاره در اداره افغان فیلم، می تواند یگانه دلیل آن بوده باشد. بی توجهی دولت به بسیاری از مسائل کشور، از جمله مسئله سرشماری نفوس است. از چند دهه اخیر بدین سو، کدام احصائیه دقیق و قابل اعتماد نفوس در کشور، از طریق منابع رسمی داخلی و موسسات جهانی صورت نگرفته است که بر آن تکیه شود. افغانستان، سرزمین و کشور اقلیت های قومی است، زیرا هیچ یک از اقوام و ملیت ها به تنهایی خویش نمی تواند اکثریت داشته باشد. ولی بر اساس آمار سازمان ملل که مورد وفاق نسبی بسیاری از اقوام قرار گرفته، نیز مبنای مشارکت اقوام در کنفرانس بن بوده است، میزان نفوس

افغانستان با تفکیک واحدهای قومی وجود دارد و صرف نظر از وقت آن، به موجب این آمار، پشتون ها ۳۳ درصد، تاجیک ها ۲۴ درصد، هزاره ها ۲۰ درصد،ازبک ها ۸ درصد و بقیه اقوام ۱۳ درصد محاسبه شده اند. در این احصائیه، مردم هزاره از لحاظ تعداد نفوس و کمیت اجتماعی در کشور پس از پشتون و تاجیک، سومین ملیت را در افغانستان دارا هستند که در توافق نامه کنفرانس بن نیز مطابق آن عمل می شود.

روشن فکران و رجال سیاسی مردم هزاره، به خوبی درک کنند که حضور سیاسی مردم هزاره در ترکیب دولت های متعدد چند قرن اخیر؛ به ویژه در دولت های معاصر، نظر به تناسب نفوس آن خیلی ناچیز بوده است، حتی در برخی از ادارات دولتی نمی توان با درصد شمارش کرد. (۱) مشارکت سیاسی جامعه محروم شیعیان در لایه های قدرت، بدون پشتوانه تشکیلات ملی، سیاسی، همبستگی و تفاهم میان مردم هزاره میسر نمی شود؛ به ویژه کشور افغانستان که سال های متمادی با شیوه های خشن استبدادی اداره شده، اکنون نیز به شیوه دیگر، در سیمای زیبای امتیاز خواهی و انحصارگری به حیات خویش ادامه می دهد؛ برای نمونه؛ در دوره حکومت کنونی، سعی شده است که از مشارکت همه جانبه شیعیان در حیات سیاسی کشور اجتناب شود، همه فداکاری های دوره جهاد و مقاومت این مردم را نادیده بگیرد، با وجود آنکه شعار بازسازی و دموکراسی - ایجاد جامعه مدنی داده می شد، دولت کنونی طی مدت چند سال حکومت، در زمینه بازسازی ولایات بامیان، دایکندی و دیگر مناطق شیعه نشین ولایات غور، وردک، غزنی و پروان هیچ گام مثبتی را در امور اقتصادی و اجتماعی این ساحات برنداشته است؛ همچنین استقرار کادرها و متخصصان مردم شیعه در وزارت های مهم و کلیدی کابینه در سطح وزیر، معاون وزیر، رؤسا و مسئولان شعبه های وزارت های - دفاع و امورخارجه را مانند رژیم های گذشته، بر روی مردم هزاره بسته اند؛ با جایگزینی چند وزیر و تعیین معاون دوم رئیس جمهور آن هم به صورتی تشریفاتی و بدون قدرت اجرایی، نمی توانند دردهای دیرینه و برخوردها تعصب آمیز دولت های قبیله ای را که به شیعه ها روا داشته شده التیام بخشند، اختصاص

۱- (۱) . محمد عوض نبی زاده، نقش و مقام مردم هزاره در دولت و جامعه طی دو و نیم قرن اخیر؛ www.junbesh.net.

ندادن سـهم لازم و متناسب بر جمعیت شـیعیان، در همه سـطوح از کابینه دولت کنونی خاطره حکومت های سلطنتی(خاندانی) را در ذهن هر فرد تـداعی می سازد و به این باور می رسد که هنوز برای شـهروند شدن شـیعیان در کشور، راه درازی پیش رو دارد و استبداد خشن قومی چهره خویش را با سرسختی، مانند گذشته به مردم شیعه نشان می دهد. (۱) چنانچه دولت، خواهان مشـارکت ملی در همه زمنیه هـای اداری، سیاسـی و کشـور باشـد، بایـد در بخش هـای گونـاگون وزارت امـور خـارجه (۲) و وزارت دفـاع (۳) از نیروهـای شـیعی گزنیش کننـد تـا به سـهمی دست یابنـد که سازمـان های بین المللی برای اقوام افغانسـتان مشخص کرده اند.

حضور افراد و شخصیت های سیاسی هزاره که به دولت انتخابی راه یافتند عبارت اند از:

جدول شماره (۱۴) کابینه دوره دولت انتقالی

ص:۸۵

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . در وزارت امور خـارجه، همه افراد شـیعه که در دوره هـای حکومت موقت و انتقـالی و کنونی در این وزارت خانه به صورت کارمند اسـتخدام شده اند بسیار ناچیز است به طوری یک وزارتخانه کلیدی حداقل ۱۲۰۰۰ کارمند دارد، ولی از افراد شیعه، در این اواخر طی یک آزمون و مصاحبه دشوار عده ای بسیار اندک به این وزارتخانه راه یافتند.

۳- (۳) . در اردوی ملی افرادی برای آموزش نظامی در بخش های مختلف پـذیرفته می شونـد، ولی تا دوره ابتدایی و آموزش های سخت را پشت سر می گذارند از آنجا بیرون می شوند؛ یعنی تبعیض و تعصبات به قدری فشار بر آنها وارد می سازند که اگر جان خود را بخواهند، باید از خیر آموزش نظامی بگذرند؟!

۱۲ مبارز راشدی (۱) (۱۳۸۷– ۱۳۸۵) معین وزارت فرهنگ و جوانان

۱۳ عبدالحق شفق سرپلی (۱۳۸۷ – ۱۳۸۳) والی سمنگان

۱۴ محمد حسین فیاض ارزگانی (۱۳۸۷– ۱۳۸۴) رئیس اداره امور پارلمانی

۱۵ اسدالله سعادتی (۱۳۸۷– ۱۳۸۴) رئیس اداره امور پارلمانی

۱۶ صادق مدبر (۱۳۸۷– ۱۳۸۳) رئیس اداره شورای وزیران.ج.ا. ا

۱۷ سلطان علی ارزگانی (۱۳۸۷ – ۱۳۸۵) والی دایکندی

۱۸ غلام علی وحدت (۱۳۸۴) قوماندان امنیه ولایت بامیان

۱۹ محمد ابراهیم اکبری (۱۳۸۵– ۱۳۸۱) معاون والی بامیان

۲۰ محمد امیر فولادی (۱۳۸۵– ۱۳۸۴) مشاور والی بامیان

۲۱ حیدری (۱۳۸۵ –۱۳۸۳) کاردار در سوریه

۲۲ حبیبه سرابی (۱۳۸۷– ۱۳۸۴) والی بامیان

۲۳ محمد ناطقی (۲) (۱۳۸۷–۱۳۸۳) سفیر در لیبی

۲۴ یاسین اکبری (۱۳۸۶ – ۱۳۸۴) رئیس شورای ولایتی دایکندی

۲۵ محمد محقق کورگه (۱۳۸۴– ۱۳۸۳) رئیس معارف دایکندی

۲۶ مهدی موحدی (۱۳۸۷ – ۱۳۸۴) ریاست زراعت و مالداری دایکندی

۲۸ محمد امین شجاعی (۱۳۸۳) ولسوال اشترلی

۲۹ محمد حسین دانشی (۱۳۸۷) ریاست مبارزه با مواد مخدر

۳۰ شیخ انور مبلغ (۱۳۸۳) ولسوال شهرستان

۳۱ موحدی (۱۳۸۳) ولسوال بندر

۳۲ توفیق (۱۳۸۴) ولسوال بندر

۳۳ حاجی موسی اعتمادی (۱۳۸۷- ۱۳۸۶) ولسوال کیتی

۳۴ حضرت وفا (۳) (۱۳۸۷) ولسوال اشترلی

۳۵ عذرا جعفری (۴) (۱۳۸۷) شاروالی (شهردار) دایکندی

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . یگانه سفیر تبعیدی مردم هزاره است که به تعداد هفت تن از شهروندان کشور افغانستان، در لیبی زندگی می کنند. از حدود ۱۸۰ پست سفارت خانه های افغانستان در خارج از کشور فقط یک پست سفارت نصیب مردم هزاره شده است که این خود، تبعیض حاکمیت کنونی را در برابر مردم هزاره نشان می دهد. برای مردم هزاره، این احساس پیدا شده است که هنوز دروازه های وزارت امورخارجه، مانند دوره های گذشته به روی مردم ما باز نبوده و صرفا شعار دموکراسی در حرف و تبلیغات مقامات دولتی به نمایش گذاشته می شود و بس..

۳- (۳) . جوان ترین ولسوال است.

۴- (۴) . او نخستین زنی است که در مقام شهردار از سوی دولت افغانستان، در ولایت دایکندی انتخاب شده،

از حکومت فعلی افغانستان انتظار می رفت که ساختار مشارکت ملی، شایسته ترین و متعهدترین نخبگان قومی را مطابق اراده همه مردم افغانستان به وجود آورد. با کمال تأسف، چنین فضایی ایجاد نشد؛ برای اینکه برنامه های مستقل و هدفمند تعقیب نمی شد تا همه مردم به محوریت آن گردش کنند و در نهایت، جامعه بحران زده افغانستان در بستر بحران های دیگری قرار داده شد. (۱)

ناامنی ها در بعضی ولایت های کشور، یکی از مشکل های به وجود آمده در روند بازسازی افغانستان حساب می شود؛ اگر مناطقی، مانند: قندهار، جلال آباد، ننگرهار، مناطق جنوب شرق افغانستان امنیت خوبی نداشته باشند، که پروسه بازسازی صورت نمی گیرد؛ اما مناطق شیعیان در امینت کامل قرار دارند. در حال حاضر، هزارستان به طور یقین، از امن ترین مناطق کشور به شمار می آید، مردم این سرزمین از دولت جمهوری اسلامی افغانستان، خواستار این مسئله اند که جامعه بین المللی در راستای تعهدات خویش، در امر بازسازی و کارهای زیربنایی که در این مناطق قول داده بود آغاز به کار کند و این مناطق را در زمینه های اقتصادی و رفاه اجتماعی بهره مند سازد.

دولتمردان افغانستان، زمانی موفق به تحکیم پایه های دولت مرکزی و نیرومند شده، می توانند نمونه اراده عادلانه، حقوق همه اقوام و مردم در همه نهادهای سیاسی،

۱- (۱) . غلام سخی ارزگانی، صلاحیت نخبگان مردم کشور؛ به ویژه هزاره ها در ادارات دولتی، ۲۴جدی،۱۳۸۵/ http:www.qoftaman.com.

اجتماعی و فرهنگی جامعه در کشور باشند. در شرایط کنونی، تحقق توازن مشارکت ملی و حقوق عادلانه اقوام کشور بر مبنای تناسب جمعیتی(نفوس) و شایستگی لازم در تمام نهادهای مادی، اجتماعی و معنوی، کاملا ضروری به نظر می رسد که از این جهت نیز، پیش شرطهای وحدت ملی، خود باوری ملی، رشد نهادهای مادی - معنوی و هویت ملی راستین مردم نهادینه خواهد شد. هنگامی که همه مردم از توزیع عادلانه ثروت ملی، همگرایی مساویانه و خردمندانه در همه هسته های سیاسی- اجتماعی به طور انسانی، ملی، عقلانی و جمهوری بهره مند شوند، می توان شاهد این بود که با تمام توانایی خویش از دولت حمایت می کنند و برای آبادی افغانستان جان نثاری خواهند کرد. (۱)

۲. شیعیان و پارلمان کنونی افغانستان

در این بخش، نمایندگان شیعیان در ولسی جرگه (مجلس شورای ملی) و مشرانوجرگه (مجلس سنا) از مناطق گوناگون افغانستان نام برده می شوند. نمایندگان پارلمان افغانستان دو دسته هستند:

یک) نمایندگان ولسی جرگه: مهم ترین نکته انتخابات پارلمانی این است که هرچند در این دوره، شیعیان کمتر از سهم واقعی خود را به دست آورده اند، درمجموع، شخصیت های مؤثری از مجاهدان شیعه به پارلمان راه یافته اند. (۲)

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . حیات الله یوسفی، افغانستان و انتخابات پارلمانی شیعیان، www.howzah,net.

تصویرشماره (۱) نمایندگان ولسی جرگه افغانستان

جدول شماره (۱۵) نمایندگان شیعه در پارلمان (۱)

ردیف نام و نام خانوادگی ولایت مربوطه سمت و مسئولیت

۱ محمد محقق (۲) کابل نماینده پارلمان و رئیس کمیسیون تحصیلات عالی

۲ سید مصطفی کاظمی کابل نماینده پارلمان و رئیس کمیسیون اقتصادی پارلمان

۳ سید حسین عالمی بلخی کابل نماینده پارلمان و عضو کمیسیون قضایی پارلمان

۴ انجینر عباس کابل نماینده پارلمان

۵ رمضان بشردوست کابل نماینده پارلمان

۶ محمد ابراهیم قاسمی کابل نماینده پارلمان

۱- (۱) . مصاحبه با وکیل محترم مردم دایکندی، جناب آقای صادقی زاده نیلی: www.parliament. af.

۲- (۲) . محقق کاندیدای شیعیان در انتخابات ریاست جمهوری، در دوره گذشته نیز بود. وی بالاترین میزان رأی (۲۰ هزار بیشتر از رقیب انتخاباتیش یونس قانونی) را برای وکالت به دست آورد.

۳۹ فریبا احمدی کاکر قندهار نماینده پارلمان

۴۰ شکیبا قندهار نماینده پارلمان

۴۱ سید ظاهر مسرور بلخ (چارکنت) نماینده پارلمان

۴۲ شکیلا هاشمی لوگر نماینده پارلمان

۴۳ اشرف رمضان مزارشریف نماینده پارلمان (۱)

شیعیان از نظر جمعیت، جایگاه مناسبی در بعضی شهرها دارند و اینکه نمی توانند در این امر به نفع خودشان بهره ببرند، کاملا ضعیف عمل کردند؛ برای مثال در انتخابات سال ۱۳۸۴ می بینیم که فقط در شهر کابل، بالای ۵۲۰۰۰ نفر به آقای محقق رأی دادند؛ در حالی که با این آرا می توانستند دستِ کم ۵ کرسی دیگر را در این شهر به نمایندگان شیعه اختصاص دهند. با کمترین فعالیتی که در این زمینه صورت می گرفت از مجموع ۳۳ کرسی مردم کابل که ۹ کرسی آن به نمایندگان شیعه تعلق گرفته اند، ۵ کرسی دیگر نیز نصیب جامعه شیعی کابل می شدند. مجموع کرسی های پارلمان ۲۴۹ کرسی است که طبق آمار ذکر شده در انتخابات ۲۷ / ۶ / ۱۳۸۴حدود ۴۳ نفر آنها را شیعیان تشکیل می دهند.

جدول شماره (۱۶) ترکیب جمعیتی اقوام غیر شیعی درپارلمان افغانستان

ص:۹۱

۱- (۱) . طی یک حمله ناجوانمردانه تروریستی به شهادت رسید.

جدول شماره (۱۷) ترکیب جمعیتی اقوام شیعی در پارلمان افغانستان

دو) نمایندگان شیعیان در مشرانوجرگه (مجلس سنا)

اعضای مشرانو جرگه شورای ملی افغانستان، ۱۰۲ تن هستند که یک سوم آنها به شیوه انتخابات شوراهای ولایتی، یک سوم دیگر آن به طور موقت، از سوی شوراهای ولسوالی و یک سوم آن، از سوی رئیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان گماشته می شوند.

جدول شماره (۱۸) سناتوران شیعیان

ردیف نام و نام خانوادگی ولایت مربوطه سمت و مسئولیت

۱ صدیقه بلخی بلخ(مزارشریف) سناتور(انتصابی- رئیس جمهور)

۲ سلیمان یاری میدان وردک(حصه اول) سناتور(انتصابی - رئیس جمهور)

۳ احمد شاه رمضان (۱) بلخ(مزارشریف) سناتور(انتصابی - رئیس جمهور)

۴ قربان علی عرفانی بامیان(یکاولنک) سناتور(انتصابی - رئیس جمهور)

۵ هدایت الله رهایی بامیان(پنجاب) سناتور(انتخابی- دائمی)

۶ کبری مصطفوی میدان وردک سناتور (انتخابی- دائمی)

۷ انجنیر نفیسه غزنی سناتور(انتخابی- دائمی)

۸ حاجی راز محمد سمنگان(دره صوف) سناتور (انتخابی- موقت)

۹ سید محسن غور(شهرک) سناتور(انتخابی موقت)

۱۰ داکتر عبدالاحد زاهدی غزنی(قرباغ) سناتور (انتخابی- دایمی)

۱۱ نجیبه حسینی دایکندی(شهرستان) سناتور(انتصابی- رئیس جمهور)

۱۲ سید داود ناصری دایکندی(کجران) سناتور(انتخابی- دائمی)

۱۳ حاجی محمد زمان محبی بامیان(ورس) سناتور(انتخابی - موقت)

۱- (۱) . برادر اشرف رمضان است.

در شورای ولا-یتی، مبنـای سـهمیه شوراهـا تقسـیمات اداری و میزان جمعیت براسـاس دریـافت کـارت رأی دهی در انتخابـات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۳ بود؛ نه شـمارش نفوس و آمار دقیق جمعیتی؛ با این دو معیار، شـیعیان دارای موقعیت شایسـته ای نشدند؛ زیرا افزون بر اینکه تقسیمات اداری گذشته برای آنها ناعادلانه بود، شرایط کنونی نیز تغییر چندانی نکرده و سرشماری جمعیت افغانسـتان و شـیعیان به درستی انجام نشـده است. همچنین بسـیاری از جمعیت شـیعیان که در مهاجرت به سـر می برند محاسبه نشدند. (۱) در انتخابات شوراهای ولایتی که دارای ۴۲۰ نماینده در سراسـر شهرهای افغانستان است، در کابل و بعضی شهرهای مهم دیگر، مانند غزنی، میدان، بامیان، دایکندی، هرات، سـمنگان و مزارشـریف میزان زیادی و در بیشتر موارد، بالاتر از نصف آرا به شـیعیان اختصـاص یـافته است. انتخابات افغانسـتان،ماننـد تحولات دیگر، فرصت ها و چالش های متعـددی را فراروی مردم مسـلمان و شیعیان این کشور قرار داده است. درباره علل عدم موفقیت شایسته شیعیان در انتخابات اخیر افغانستان، عوامل متعددی دخالت دارد. یکی از این عوامل، ناهماهنگی، پراکندگی و عدم انسـجام سیاسـی شـیعیان به شمار می آید، که این امر، معلول عوامل متعددی در گذشته سیاسی و اجتماعی آنهاست. عامل دیگر، غفلت آنها از شرایط به وجود آمده کنونی و عدم برنامه ریزی درست در استفاده بهینه از فرصت های به دست آمده است که زمینه های اداری و تاریخی دارد.

گرچه تجربه انتخابات به شیوه کنونی نیز، امر جدیدی برای مردم افغانستان؛ به ویژه شیعیان به شمار می آید، ضرورت دارد که شیعیان برای آینده، تاملات و

۱- (۱) . حیات الله یوسفی، افغانستان و انتخابات پارلمانی شیعیان، www.howzah,net.

برنـامه ریزی های بهینه ای ترسـیم، و از غفلت های پیش آمـده دوری کننـد؛ انتخابات یاد شـده، فرصت هایی را نیز برای مردم افغانسـتان و شـیعیان این کشور فراهم آورده و می آورد؛ ولی تهدیدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسـی نهفته و آشکاری نیز در کمین مردم و فرهنـگ این سـرزمین نشسـته است که در این زمینه لازم است تاملات شایسـته ای صورت گیرد. یکی از نکات مهم دیگر انتخابات اخیر افغانسـتان، ساختارشـکنی سیاسـی و قومی بود که در سـطوح مختلف قومی، مذهبی و سیاسی صورت می گرفت. نکته مهم اینکه، گاه افراد، فراتر از قوم، مذهب و گرایش سیاسـی مسلط حرکت می کنند و در عمل نیز به موفقیت هایی دست می یابند. این، یکی از فرصت های مهم نیروهای فرهنگی کیفی و جوان شیعه در افغانستان به شمار می آید.

تصویر شماره (۲) نمایندگان مشرانوجرگه

عبور از تنگناهـای بسـته و پوسـیده احزاب سیاسـی و قومی؛ حتی مـذهبی، می توانـد فرصت مغتنمی برای فعالیت های فرهنگی حساب شده بعدی شیعیان شود. با پذیرش این نکته که همین بافت های کهنه و بسته سیاسی و حزبی موجود نیز

نتوانست تدبیر درستی برای موفقیت کلی شیعیان داشته باشد؛ اما در مجموع می توان به آینده امیدوار بود. هرچند تهدیدهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، فراروی شیعیان افغانستان است. (۱)

نمودار توزیع کارمندان دولت

نمودار شماره(۱) مجموع کارمندان دولت برحسب اقوام (۲)

۳- مشارکت شیعیان در جنبش های آزادی بخش

اشاره

شیعیان افغانستان در هر برهه ای از تاریخ کشور، برای پاسداری از این مرز و بوم، کنار دیگر هموطنان خویش جنگیده اند و از جان خویش مایه گذاشته اند و در بعضی موارد بسیار پیش روتر از دیگر مردم افغانستان، در برابر بیگانگان اشغالگر به دفاع از این

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . آمار کارمندان دولت، از سوی دارالانشاء منتشر شده است که در سال ۲۰۰۳ م.

سرزمین برخاسته اند. شیعیان در چندین مرحله، خواه به صورت گروهی، و خواه به صورت فردی، در هر یک از حوادث به میان آمده روزگار، درباره راه اندازی نهضت های آزادی طلبانه مردم، نقش مهمی داشتند و در جهت به وجود آوردن فرایندی (حکومت) مطمئن و مسالمت آمیز برای کشور، جانبازانه و مجاهدانه تلاش کردند؛ از آن میان، شرکت مردم در این رویدادها چشمگیر است. مشارکت شیعیان در نهضت های رهایی بخش علیه بساط استعمار از مرزهای آزادی و شرف، در این نوشتار به صورت گذرا ارزیابی شده است که در دو محور از آن، قابل بحث می شود:

الف) مقاومت شیعیان در برابر استعمارگران (از قرن دهم تا ورود کمونیست ها)

مردم افغانستان در مقابله با بساط ستم و تبعیض و کشور گشایان استعماری جهان، همیشه ایستادگی کرده اند و در این میان، نقش شیعیان در این خطه سرخ، بارزتر از دیگران به نظر می رسد، که در سه موضوع، طرح پذیر است:

یک) ایستادگی در برابر اشغالگران (خارجی)

مقاومت مردم شیعه در مقابله با نیروهای متجاوز به دو صورت اتفاق افتاده است:

۱. مقاومت در برابر اشغالگران افغانستان (قبل از انگلیس): شیعیان افغانستان با هموطنان خویش برای حراست از کشور در زمانی که نیروهای صفوی، قندهار را تصرف کرده بودند برای اخراج این نیروها تلاش می کردند؛ حتی در زمان شیبانی با سپاهی صفوی درگیر شدند و نزدیک سه هزار سرباز هزاره شیعه تحت امر فرمانروایی ازبک، مقابل لشکریان صفوی به مبارزه برخاستند. در دوره ای که محمد هوتکی برای فتح پایتخت صفویان راهی اصفهان شد، از مردم هزاره شیعه افغانستان درخواست کمک کردند. از این گونه روابط و همکاری های متقابل، موارد فراوانی وجود دارد که برجسته ترین آن، فتح اصفهان است. محمد هوتکی در سال ۱۱۳۵ه- ق عزم اصفهان را جزم کرد، از اقوام مختلف کشور همکاری طلبید و مردم هزاره (شیعه) در پاسخ به این درخواست، چهار هزار جوان پیکارجو را برای همراهی او تجهیز و بسیج کرد؛ این همکاری برای به تحقق رساندن فتح اصفهان بسیار اهمیت داشت. (۱)

۱- (۱) . لاکهارت لارنس، انقراض سلسله صفویه استیلا افاغنه، ص ۳۵.

در سال ۱۱۷۷ه- ق عنایت الله خان، حاکم دایکندی، قیام خویش را علیه حاکم درانی آغاز کرد و بسیاری از مردم شیعه او را همراهی کردند؛ سرانجام تلفات بسیار سنگینی را متحمل شدند؛ عنایت الله خان مفقود الاثر شد و سپاهیانش شکست خوردند. پس از سپری شدن این دوره، درویش علی خان هزاره که در مقام والی هرات از طرف احمدشاه درانی منصوب شده بود، پس از اینکه پایه های حکومتش را استوار دید، او را از سمتش کنار زد. وی، قیام اصلاح گرانه خویش را برای برچیده شدن بساط تبعیض به راه انداخت و در این جنبش، توده های ستمکش افغانستان همراه وی شدند. تیمورشاه، در آغاز از راه مدارا با دوریش علی خان وارد شد، سپس هنگامی که شرایط را مناسب دید، او را به زندان انداخت و سرانجام در سال ۱۱۸۵ه- ق اعدام نمود. (۱) مقاومت شیعیان در برابر دستگاه تبعیض و ستم، هرچند به صورت سراسری و فراگیر بروز نکرد؛ با قتل درویش علی خان و شکست عنایت الله هزاره، هرگز خاموش نشد، ولی به صورت نارضایتی عمومی در دل های مردم باقی ماند. بعد از تیمورشاه، آغاز کشمکش های میان شاهزادگان برای تصاحب قدرت بود، در این روزگار، برخی، از امرای شیعه (هزاره) تا شاهزاده محمود (۱۲۱۷ه-.ق) که کمتر از دیگران گرفتار تعصبات مذهبی و قومی بود، پشتیبانی نمودند. (۲)

۲. مقاومت در برابر نیروهای انگلیس: شیعیان افغانستان در به قدرت رسیدن امیر دوست محمد خان، نقش بارزی داشتند؛ او که از پدر درانی (سنی مذهب) و از مادر قزلباش (شیعه مذهب) متولد شد. با همکاری شیعیان توانست به اریکه قدرت تکیه بزند. چنان که شیعیان در شکست تاریخی انگلیس و آزادی سرزمین افغانستان نقش مهمی داشتند، برخی از شیعیان قزلباش در به قدرت رساندن امیر دوست محمد خان نیز، نقش مهمی را ایفا کردند؛ ولی او با این همه فداکاری و شایستگی که شیعیان در عرصه های گوناگون از خود نشان داده بودند، درباره آنها بدگمان بود و «می دانست که شیعیان کابل

۱- (۱) . محمود منشی الحسینی، تاریخ احمدشاهی، ج۲، ص ۵۳۸-۵۵۳.

۲- (۲) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص ۱۵۳- ۱۵۶.

که وسیله به قدرت رسیدنش را فراهم کرده بودند، می توانستند وسیله تنزلش را نیز فراهم گردانند.» (۱) از این رو، مقابله و از میان برداشتن سران روحانی و ملی شیعه را بیش از دیگران در سر داشت. میریزدان بخش بهسودی (۱۲۴۸- ۱۲۰۰ه- ق) که از سران ملی به شمار می آمد، به تدریج در محدوده بهسود و دایزنگی به شهرت رسیده بود، از این لحاظ: «دوست محمد خان ناراحت بود که او در کوهستانات سرد و سرکش هزاره جات رهبری می دید که در شورا توانا، در میدان جنگ دلاور بود و قدرتش در هر جهت و در حال گسترش بود، قدرتی که بی دوام نبوده و پایدار می نمود... دوست محمد خان سلامتی و ایمنی خود را در نابودی میر بهسود می دید که متعاقبا طرح ریزی کرد. از مودتی که بین او و شیعیان (قزلباش) موجود بود استفاده نمود....» (۲)

امیر دوست محمد خان به وسیله قزلباش های شیعه «یک جلد قرآن کریم را مهر نموده به حیث وثیقه مهم و سنگینی برای سلامتی میر فرستاد...» که «در اولین فرصت، میریزدان بخش و خانمش توقیف گردیده و زندانی شدند.» (۳) «و به این شیوه دوست محمد خان به آرزوی دیرینه اش رسید و با پیمان شکنی، میر یزدان بخش را اعدام نمود.» (۴) این امیر، زیربار استعمار انگلیس قرار گرفته بود، استعماری که در پس پرده نهان شده بود. مورخان، جنگ میان مردم افغانستان علیه استعمار انگلیس را پیامدهای منفی برداشت کردند، زیرا «در جریان آن، یک عده از جوانانی که نیروی تولید کننده جامعه را تشکیل می دادند به تعدادی که معلوم نشده و هرگز معلوم نخواهد شد، از بین رفتند. شهرها و قصبات از جمله یک قسمت از آثار دارای ارزش تاریخی و هنری منهدم گردید....» (۵) پس از شکست استعمار به واسطه مردم افغانستان، انگلیس نیروی دیگری را به کار گرفت، امیر دوست محمد خان را تحت عنوان رهبر ملی که نتایج از خود گذشتگی اقوام گوناگون کشور، بسی زیان بارتر بوده است. «امیر دوست محمد

۱- (۱) . چارلدمسین، میر یزدان بخش، ص ۱۵۳.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان، ص ۱۵۴.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۹۱.

خان که هیچ وقت به قوت ملت خود تکیه نکرده بود... از دولت انگلیس مرعوب شده، زیر بار خواهش های کمرشکن، کمر خم کرد.» (۱)

استعمار، این بار با سرسپردگی امیر دوست محمد خان آغاز شد. حرکت و جنبش آزادی خواهی را، هم از جنبه عدالت خواهی و ساماندهی در امور حکومتی و هم از جهت پیشرفت و توسعه علوم و تکنولوژی با آسیب جدی مواجه کرد.

استبداد خارجی، در سال ۱۲۵۵ ه-. ق. سر از آستین شاه شجاع بیرون آورد و با ورود بیش از شانزده هزار نظامی انگلیسی به قندهار، شهر در دست بیگانگان قرار گرفت. انگلیسی ها با اشغال خود، در صدد توطئه برآمدند که با سران شیعه تماس برقرار کنند و دست به تطمیع آنها بزنند، چنانچه «لیتوتنان جان» انگلیسی به یکی از سران نظامی انگلیسی در جنگ افغانستان با نام «موهون لال» نوشت:

«شما می توانید یک لک [صد هزار] روپیه به شیرین خان وعده بدهید که تمام شیعه را علیه شورشیان مسلح کرده و اکنون بهترین موقعی است که می توان از شیعه ها استفاده کرد، به آنها خاطر نشان کن که هرگاه در این موقع سنی ها غلبه کنند، محله شیعیان را غارت خواهند کرد. هر قدر ممکن است به آنها وعده کن و به من اطلاع بده...» (۲)

یکی از علمای شیعه به نام «فاضل قندهاری» (۱۳۱۲- ۱۲۲۷ه-. ق) متوجه دسیسه استعمار شد و با نفوذ اجتماعی و مردمی که داشت، قشرها و فرقه های گوناگون ملت را به وحدت داخلی و مبارزه با استعمار فراخواند. فاضل قندهاری، حرکت ضد استعماری خویش را بر مبنای وحدت اسلامی گسترش بخشید. در این مورد آمده است: «برای متحد کردن فِرق شیعه و سنی ساکنین کابل در قیام آنان بر ضد انگلیسی های اشغالگر به کابل رفت.» (۳) قیام سراسری را بر ضد استعمار انگلیس آغاز کردند و چنان بر سپاه انگلیسی تاختند که نزدیک به شانزده هزار سرباز استعمار قلع و قمع شدند. (۴) مورخان انگلیسی را به اعتراف وادار نمودند که:

۱- (۱) . همان، ص ۹۲.

۲- (۲) . الیور روآ و بریگوآندره، جنگ افغانستان، ج۲، ص ۴۲.

۳- (۳) . مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج۶، ص ۱۴۷.

۴- (۴) . میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص ۲۸۵.

«اشغال نظامی افغانستان خطای بزرگی بود که به گردن سیاستمداران آن روز وارد است و مدت ها حکومت هندوستان زیر بار مخارج گزاف این قشون کشی گرفتار بود... بعد از ضایعات زیاد و تلفات مالی و جانی مجبور شدیم از تمام افغانستان چشم بپوشیم و خارج شویم. قبل از رفتن ما، نام دولت انگلیس یک ابهت و احترامی داشت... خطاها و اشتباهات ما در افغانستان منجر به اضمحلال قشون ما شد....» (۱)

تاثیر رهبران شیعی و مردم شیعه در کنار برداران سنی، پیدا و روشن است که در این جنبش آزادی خواهانه مردم افغانستان و شکست سپاه انگلیس، شیعیان وعده های انگلیسی ها را به مسخره گرفتند و کمترین تردیدی را در همدستی با اهل سنت در جهاد علیه استعمار انگلیس روا نداشتند.

در جنگ دوم افغانستان و انگلیس، حماسه های بزرگ «میوند» و «قندهار»، نام یکی از سرداران رشید شیعه به نام «کرنیل شیر محمدخان هزاره» می درخشد. هنگامی که سردار «ایوب خان» سپاه انگلیس را در قندهار محاصره کرده بود، چهل روز به آنها مهلت داد تا آماده جنگ شوند. مدتی از این جریان گذشته بود که هشت هزار سپاه انگلیس از کابل به یاری محاصره شدگان شتافتند و بسیاری از سپاهیان افغانستان را به شهادت رساندند؛ در نتیجه، این جنگ به نفع انگلیسی ها تغییر یافت و بسیاری از سپاهیان مسلمان به فرماندهی ایوب خان فرار کردند. در این لحظه های دشوار، تنها «کرنیل شیر محمد خان هزاره» همراه صد تن از نیروهایش مردانه مقاومت کردند، سپاه انگلیس را با مقاومت از تعقیب مسلمانان باز داشتند، این شکست به وجود آمده را با نثار خونشان جبران نمودند و در آخر همگی به درجه شهادت نایل آمدند. (۲) جنگ مردم افغانستان بر ضد انگلیس، یکی از علمای تشیع هرات به نام «ملا محمد علی آخوند زاده» (۳) در هرات عزم جهاد با انگلیس کرده بود

۱- (۱) . محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج۲، ص ۴۰۵.
۲- (۲) . ملافیض محمدکاتب، سراج التواریخ، ج۲، ص ۳۷۶ و سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص۳۲۲.
۳- (۳) . مدت ها در مدینه و عراق مشغول به تحصیل بود برای نبرد به وطن آمده بود.

و جمعی از مردم را به کمک سپاه اسلام همراه خود نموده بود و به اردوی مجاهدین پیوست. (۱) از جمله افرادی که با این عالم همراه گشته بودند، می توان به فتح الله خان فیروزکوهی، محمد خان هزاره و شیر محمد خان هزاره اشاره کرد که با تعدادی از جنگجویان تحت امرشان از مردان هزاره و فیروزکوهی بودند و به مقصد جهاد در مقابل سپاه استعمارگر انگلیس قرار گرفتند:

«از راه فراه و گرشک به استقامت قندهار به حرکت افتاد و در طول راه از طرف مردم با سواره و پیاده داوطلب و آذوقه کمک شد. این سپاه ۲۰ جولای [دهم شعبان] نزدیک میوند رسید.» (۲)

یکی از نویسندگان کشور درباره ارتباط شیر محمد خان با جنگ میوند، می نویسد:

«شیر محمد خان هزاره کسی بود که در نبرد میوند همچون کوه پایداری کرد، دشمن و تجهیزات ممتازش نتوانست سد و سنگر او را بشکند. او فداکاری ها نمود تا همزمان، میوند را در محاصره نگذاشته باشد.» (۳)

از دیگر رشادت هایی که شیعیان در آن نقش داشتند، جنگ استقلال ۱۹۱۹م است. از سرداران، افرادی چون: محمدالله خان هزاره، عباس خان هزاره، شیر احمد خان نوری، عبدالله خان قیاق و ابوالقاسم رساله دار با افراد تحت فرماندهی خویش، داوطلبانه به اردوی اعتماد الدوله پیوستند و به میدان جهاد علیه انگلیس شتافتند. مجاهدین شیعه در جبهه قندهار به فرماندهی «سید نور محمد شاه» که از شیعیان قندهار بود، انجام وظیفه می کردند. (۴)

نام بسیاری از مجاهدین شیعه (هزاره) که در جنگ استقلال فداکاری کردند، در لوح افتخار ملت افغانستان ثبت و در سنگ نوشته ای در مناره دهمزنگ به فرمان امان الله خان، حک شده است، که ما در جدول زیر آورده ایم:

ص:۱۰۱

۱- (۱) . ریاضی هروی، عین الوقایع، ص ۱۲۷.

۲- (۲) . میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲، ص ۸۱.

۳- (۳) . یوسف آینیه، مجله عرفان، شماره ۵، سال ۱۳۴۷، نقل از: سرزمین رجال هزاره جات، ص ۴۸۷.

۴- (۴) . همان، ص ۶۱.

ردیف نام و نام خانوادگی مسئولیت و توضیحات

۱ خان علی فرزند حاجی محمدخان هزاره کندک مشر ملکی

۲ عبدالواحد فرزند نصرالله خان هزاره تولی، صنف ملازمت کندک انشائات قندهاری

۳ شاه پسنده خان فرزند بختیار مسکونه کجاب رتبه: س. ک.انشائات دار الامان

۴ رجب علی فرزند جمعه خان مسکونه غزنی رتبه: س. ک. ۷. ف. ا.

۵ عبدالطاهر فرزند حاجی مسکونه برجگی رتبه: ملکی سرباز قومی

۶ غلام شاه فرزند محمد افضل هزاره رتبه: ملکی سرباز قومی

۷ فدا محمد فرزند تاج محمد رتبه: ملکی سرباز قومی

۸ محمود خان فرزند افغان مسکونه جغتو رتبه: ملکی سرباز قومی

۹ ظفر خان فرزند محمد حسن خان هزاره رتبه: ملکی سرباز قومی

۱۰ علی احمد فرزند محمد حسین مالستان رتبه: ملکی سرباز قومی

۱۱ داراب فرزند غلام حسین علودالی رتبه: ملکی سرباز قومی

۱۲ قربانعلی فرزند محمد هاشم رتبه: س. ک. انشائات دار الامان. (۱)

جدول شماره (۱۹) شهدای جنگ استقلال

شیعیان در نبردهای میان افغانستان و انگلیس و حماسه های بزرگ ملی افغانستان نیز، مثل دیگر هموطنان خویش در تمام آن حماسه ها شرکت فعال داشتند. (۲)

۳. ایستادگی در برابر ستم پیشگان(داخلی): شیعیان افغانستان از نظر گرایش مذهبی، تا دوره عبدالرحمان خان در انزوا و از دیگر مردم افغانستان به طور نیمه مستقل زندگی می کردند. هزاره های شیعه که بخش عظیمی از شیعیان این کشور به شمار می آمدند از پرداخت مالیات به حکومت های وقت خودداری کرده بودند، از تقاضای مالیات زمین و دیگر عوارض شاکی شدند؛ اما مهم تر از آن، موضوع قضاوت بود که قضات دولتی بر اساس مبانی فقه حنفی اجرا می کردند؛ در حالی که هزاره ها شیعه مذهب و تابع مبانی فقه جعفری بودند و تطبیق فقه حنفی را تعرض بر مذهب و اعتقاد خود می شمردند و عالمان دینی شیعه تبلیغات علیه آن را آغاز کردند.... (۳)

۱- (۱) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، دفاع هزاره ها از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، ص ۱۹ و ۲۰ این اسامی از سنگ نبشته لوح یاد بود (استقلال) دهمزنگ کابل استخراج شده است.

۲- (۲) . همان، ص ۱۸.

۳- (۳) . میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص ۴۰ و غبار میرغلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۱۶۰.

مردم شیعه در آغاز، مخالفت خویش را با سیاست های عبدالرحمان؛ به ویژه درحیطه مذهب، با ارسال مراسلات و طرح شکایات و اعزام نمایندگان ابراز داشتند؛ رفتار ماموران او را مورد انتقاد قرار دادند؛ اما او به جای رسیدگی به شکایات مردم، «سردار عبدالقدوس خان را مامور نمود که به عناد و خصومت او نسبت به جماعت شیعه مذهب، اطمینان کامل داشت.» (۱) سردار مزبور پس از ورود به مناطق شیعه نشین، سیاست انگلیس را برای درهم کوبیدن شیعیان به کار برد و «اقداماتی نمود تا آنها را به قیام وادار نمود» (۲) که مهمتر از همه، غارت وحشیانه، تجاوز و ستم های سخت و متعصبانه و بی اندازه آنها بودند که تحت عناوین جمع آوری چند برابر مالیات، کشف سلاح و مهمات، تفتیش عقاید، جست وجوی مخالفان و... صورت می گرفتند. (۳)

شیعیان هزاره برای دفاع از جان و ناموس و نیز برای رفع ستم و استعمار، جنبش آزادی بخش را به راه انداختند که:

«در مدت بسیار کوتاه، افواج مسلح افغان که در هزاره جات استقرار یافته بودند، یکی بعد از دیگری نابود شدند و تنها فوج محمدالله خان بعد از شکست در جنگ هزاره های فولادی، به طرف اجرستان گریخت و از داخل قلعه به دفاع پرداخت.» (۴) «حتی رؤسای شیعه که با دولت همکاری داشتند، هر کدام به محل خویش شتافتند و ضد امارت افغانستان و در صف دیگرِ برداران خویش پیوستند.» (۵) «وحشت در میان سپاه چنان مستولی شده بود که دسته هایی از آنان، قبل از آنکه با جنگ جویان هزاره روبرو شوند فرار می کردند...» (۶)

گزارش های این شکست تاریخی به کابل رسید و در آنجا نیز وضعیت بهتری نبود:

«خوف عظیم بر ارکان دولت مستولی شد؛ حتی پایتخت به وحشت افتاد. عبدالرحمان جایگاه خود را از کابل به پغمان منتقل کرد و سواران نظامی قطغن را که بنا

۱- (۱) . سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ص ۴۰۲.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . ملافیض محمدکاتب، سراج التواریخ، ج۳، ص ۷۳۹.

۴- (۴) . میرغلام محمدغبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۶۳.

۵- (۵) . محمد یوسف ریاضی هروی، عین الوقایع، ص ۲۱۵.

۶- (۶) . ملافیض محمدکاتب، سراج التواریخ، ج۳، ص ۸۰۰ و حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۱، ص ۲۳۲.

بود برای سرکوبی مردم هزاره به یاری عبدالقدوس خان بروند، دستور داد که از رفتن به هزاره جات منصرف شده و در منطقه ارغنده که در سر راه تهاجم هزاره ها در غرب کابل واقع شده است مستقر شوند تا اشرار هزاره از راه جسارت و شبیخون به سوی پغمان که ییلاق گاه امیر بود، رو نهند، اینان سد راه باشند و نگذارند چشم زخمی به امیر وارد گردد.» (۱)از پیشگامان این نهضت، می توان به قاضی عسکر اشاره کرد. این روحانی شجاع، پس از سه سال رهبری و مقاومت، دستگیر و به شهادت نایل شد. (۲)یکی دیگر از رهبرانی که در رویارویی امیرعبدالرحمان خان ایستاد «شهید مولی محمد علی قندهاری» بوده است. او «از علمای شهیر قرن سیزدهم است... به دستور امیر عبدالرحمان دستگیر و به کابل برده شد و در حالی که بیش از شصت سال داشت، اعدام شد.» (۳)

سیاه ترین روزگار را شیعیان افغانستان، در دوره عبدالرحمان خان سپری کردند، گرچه پس از وی، امیر حبیب الله خان که روی کار آمد، وضعیت برای شیعیان کمی بهتر شد. او اقداماتی را درباره شعایر شیعیان انجام داد که برای پیروان این مذهب بسیار ناخوشایند بود، از جمله آن اقدامات، ساختن محراب برای تکیه خانه های شیعیان در کابل و تبدیل کردن آنها به مسجد بود. وی برای این مساجد مؤذن و امام جماعت سنی تعیین کرد. گرچه با روی کار آمدن حبیب الله خان وضع شیعیان کمی بهتر شد، مهاجرت آنها ادامه داشت و این امیر برای مهاجران، عفو عمومی اعلام کرد و با پخش اعلامیه ای وعده داد که زمین های غصب شده مردم را نیز به آنان باز می گرداند، یا به جای زمین های غصب شده آنها در جای دیگری زمین واگذار می کند، این گونه حرف ها که فقط به زبان وی جاری شد ثمره عملی آن مشاهده نشد. در روزگار این شاه نیز شیعیان، قدرت مشارکت در حکومت را نداشتند و همچنان در انزوای سیاسی بودند. (۴) با روی کار آمدن امان الله خان، تعصبات به طور عمومی در کشور کاهش یافت؛ زیرا او برنامه های مترقیانه تری را طراحی و اجرا کرد که با تعصبات قومی و مذهبی سازگار

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۴۰۲.

۳- (۳) . کیوان سمیعی، زندگی سردار کابلی، ص ۱۹.

۴- (۴) .حسین پولادی، هزاره ها، ص ۳۵۵.

نبود. شیعیان در این دوره، آزادی های مذهبی بیشتری به دست آوردند و مراسم مذهبی و تکیه خانه های پیروان مذهب امامیه عملا آزاد شد. (۱)

شیعیان رابطه مناسبی با حبیب الله خان کلکانی (بچه سقاو) نداشتند؛ اما محمد نادرخان، در آغاز، رابطه مناسبی با شیعه ها داشت و آنها از وی در مقابل مخالفانش حمایت می کردند؛ پس از آنکه او احساس قدرت و توانمندی کرد، رفتار نامناسبی را با شیعیان در پیش گرفت و آنها را به خودش بدبین کرد؛ سرانجام نیز در تاریخ ۱۳۱۲/۸/۱۶ش در حالی که از صف شاگردان یک مدرسه بازدید می کرد، با شلیک گلوله عبدالخالق هزاره کشته شد. (۲) شیعیان در دوره چهل ساله محمد ظاهر شاه نیز، بیشتر رعیت شناخته می شدند تا شهروند؛ به عبارت دیگر، آنها کمترین حقوق و امتیازات شهروندی را داشتند، در حالی که شیعیان بیشترین خدمات را در برابر حکومت بر دوش می کشیدند. شیعیان مالیات می پرداختند، به خدمت سربازی می رفتند و از همه قوانین کشور پیروی می کردند، ولی از حقوق و مزایای شهروندی به طور رسمی و غیر رسمی محروم بودند. (۳)

رهبران مذهبی شیعیان برای مبارزه با نظام شاهنشاهی محمد ظاهر، دو روش را در پیش گرفتند که هر دوی آنها هدف یکسانی را تعقیب می کردند: بهبود و ارتقای وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان؛ دسته ای رویکردی محافظه کارانه و دسته دیگر، رویکردی انقلابی و اعتراض آمیز را در پیش گرفته بودند. گروه نخست، اغلب از سوی علمای بزرگ دینی رهبری می شد که در رأس آنها می توان از مرحوم سید علی احمد حجت نام برد. آقای حجت توانست با استفاده از شیوه های مسالمت آمیز، تکیه خانه ای در چند اول، بسازد و مراسم مذهبی شیعیان را بدون تقیه در آنجا برگزار کند. وی با روش ملایم تری توانست مراسم مذهبی شیعیان؛ مانند اذان و نماز و دیگر مراسم را از حالت تقیه بیرون آورده، آزادانه برگزار کند. (۴) از گروه دوم که رویکرد اعتراض آمیز و انقلابی

۱- (۱) . میرغلام محمدغبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲، ص ۱۴۸.

۲- (۲) . میرمحمدصدیق غبار، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۱، ص ۶۱۹.

۳- (۳) . محمد عزیزبختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۱۸۷.

۴- (۴) . جمعی از نویسندگان افغانستان، شورای ائتلاف، ص ۱۰۹؛ نقل از: شیعیان افغانستان، ص ۱۸۹.

داشت، می توان به قیام آزادی خواهانه ای اشاره کرد که در دوره سلطنت محمد ظاهر، توسط ابراهیم خان گاوسوار رخ داد که به نوع خود، یکی از بهترین خیزش های هزاره های مرکزی بوده است. این قیام در برابر حکومت خودکامه آن روز بود و آغاز آن، سال ۱۳۲۳ ش ثبت شده است. ابتدا در مرکز حکومتی القان، حاکمی به نام عبدالجلیل بر بدهکاران (باقی داران) روغن شرکت و جلبی ها خشمگین شده بود؛ در آغاز آنها را چوب زدند؛ پس از آن به آنها دشنام داد تا اینکه به مذهب اهانت کرد، ابراهیم خان تحمل نکرد؛ ابتدا نزد مفتی رفت و از او خواست که مانع حاکم شود تا دیگر به مذهب اهانت نکند، مفتی نزد حاکم رفت تا آتش خشم او را خاموش کند، اما وی دست از ناسزاگویی نکشید، بلکه داغ تر شد. ابراهیم خان، دیگر تحمل نکرد و تفنگچه را بیرون کشید تا حاکم این وضع را مشاهده کرد پا به فرار گذاشت. پس از این حادثه، حاکم با ابراهیم خان درگیر شد و این درگیری به نفع وی تمام شد و تمام قلعه ها و اداره جات دولتی به دست ابراهیم خان و طرفداران او افتاد و غنایم بسیاری به آنها رسید که میان نیروهایش در برگر تقسیم کردند. بعد از این جریان، حاکم القان به جلبی ها و جمع آوری روغن شرکت سخت گیری می کرد؛ ابراهیم خان به این فکر افتاد که باید نزد سید عباس لوگری برود و شکایت مردم مظلوم را به او بازگو نماید:

«مردم توان پرداخت مالیه روغن مواشی و گندم گدام (سیلو گندم) را ندارند؛ این بارِ سنگین، از قدرت مردم خارج است؛ شما حکومت هستید؛ به داد رعیت برسید و این مظالم را از سر مردم بردارید.» (۱) ولی این دادخواهی از حکمران، هیچ اثری نداشت. به جای بررسی و دادرسی، ابراهیم خان را در زندان اسیر می کنند و پس از چهل روز با ضمانت سران قوم از محبس آزاد می شود.

ابراهیم خان پس از آزادی، به افراد خویش دستور داد عاملان دولتی را دستگیر کنند، ولی این کار نتیجه ای نداشت. حکمران پنجاب یک گروه صد نفری را برای سرکوبی ابراهیم خان فرستاد، اما این رهبر مردمی با نیروهای خود، تمام عاملان و سرکردگان آنها را دستگیر و بازخواست کرد. ابراهیم خان با مشورت علما و بزرگان

۱- (۱) . علی نجفی، روایت افتخار(تاریخچه مبارزات ابراهیم خان گاوسوار)، از صفحات مختلف این کتاب استفاده شده است.

قوم خویش، درباره درگیری با اعمال دولت فاشیستی آن روز، کسب تکلیف کرد؛ همه، مخالفت خویش را از حکومت اعلام کردند. این درگیری ها تا ۱۳۲۵ش ادامه داشت. ابراهیم خان بسیاری از مناطق هزاره جات را از وجود کارگزاران هیئت حاکمه کابل خارج کرده بود و تسلط کامل به مناطق تحت امرش داشت. در این هنگام حکومت از سوی او احساس خطر کرده، به سران هزاره ماموریت داده بود تا این افتخار کوهساران را به کابل فراخوانند؛ هیئت از کابل نزد ابراهیم خان آمد و پیام حکومت را به وی رسانید، او مصالح خویش به رای کلان های قوم سپرد. ابراهیم خان، قهرمان هزاره را به کابل آوردند و در هنگام ورود، بسیاری از مردم به نظاره این مجاهد در دو طرف سرک اصلی صدارت صف کشیده بودند. در نتیجه، حکومتِ آن زمان به تعهدات خویش عمل نکرد و با خیانت، این سردار سرافراز را به شهادت رسانید. (۱) هرچند فقدان این سردار سرافراز برای مردم کوهسار بسیار دشوار بود، ابراهیم خان با تقدیم خون خویش، در رگ های فرزندان کوهساران خون غیرت دمید، تا مجاهدت و از خودگذشتگی ابراهیم خان گاوسوار برای همیشه در یاد و خاطر مردم این سرزمین باقی بماند.

از دیگر افرادی که به جنبش های اعتراض آمیز علیه عملکرد محمد ظاهر شاه اقدام کردند، عده اندکی از علما و دانشجویان بودند. از برجسته ترین علمای این دسته و در واقع رهبران این خیزش ها را می توان به سید محمد اسماعیل بلخی و شیخ محمد اسماعیل مبلغ اشاره کرد. بلخی که در مشهد مقدس درس خوانده و به افغانستان بازگشته بود، سخنور توانا و شاعر سیاسی زبردستی به شمار می آمد. او در سخنرانی ها و اشعار خویش، مردم را بیدار و دستگاه حاکم را رسوا می کرد. علامه بلخی بیش از چهارده سال (۱۳۴۳ - ۱۳۲۹ش) در زندان ظاهر شاه محبوس بود. پس از مبارزه شهید بلخی، طلاب و دانشجویان تشکیلات و دسته های منظم سیاسی تشکیل دادند. (۲)

ص:۱۰۷

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . شهید سید اسماعیل بلخی، دیوان بلخی، ص ۲۴۱.

حکومت به اصطلاح جمهوری محمد داود خان (۱۳۵۷ – ۱۳۵۲) در دوره پنج ساله فشارهای سیاسی علیه مخالفان به طور عمومی تشدید شد؛ از این رو، گروه ها و تشکیلات سیاسی که در دوره محمد ظاهر شاه شکل گرفته بودند، پنهانی تر، ولی سازمان یافته تر شدند. گرفتاری و کشتار سران شناخته شده سازمان های اسلامی افزایش یافت و شماری از فعالان سیاسی و اجتماعی شیعیان به پاکستان و ایران فرار کردند. این دوره، در واقع مقدمه ای برای انقلاب اسلامی افغانستان شد.

ب) مقاومت شیعیان در برابر ارتش سرخ شوروی تا خروج آن

هفت ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ش کودتایی از سوی ائتلافی از دو جریان کمونیستی (خلق و پرچم) صورت گرفت که به سلسله پادشاهی در افغانستان پایان بخشید. در آغاز، شعارها و تبلیغات کودتاچیان برای مردم این کشور که از ستم های حاکمان گذشته به تنگ آمده بود، بسیار امیدوار کننده بود. در بخشی از اعلامیه کودتاچیان آمده بود: «... حاکمیت ملی، بعد از این به شما خلق نجیب افغانستان تعلق دارد.» (۱) آنها شعار می دادند که برای مردم، خانه، لباس و نان تهیه خواهند کرد، ولی این تصور مثبت چندان دوام نیاورد و به زودی در مردم که ماهیت مارکسیستی آنها را تشخیص داده بودند، بد بینی عمیقی از آنان به وجود آمد. دولت کمونیستی، هشت فرمان را یکی پس از دیگری صادر کرد که سه فرمان آن از لحاظ نظری و از نظر شیوه اجرا، واکنش های منفی شدیدی را در پی داشت. فرمان شماره شش شورای انقلابی دولت مارکسیستی، طلب های زمین داران را به دهقانان تخفیف می داد، یا ملغی می ساخت. فرمان شماره هفت، حقوق زن و مرد را مساوی اعلام می کرد و اخذ پرداخت شیربها را ممنوع می ساخت و فرمان شماره هشت به اصلاحات ارضی و توزیع زمین های ملاکان، میان دهقانان کم زمین و بی زمین، مربوط می شد. گرچه در این زمینه اصلاحات جدی نیاز بود، چگونگی برخورد دولت مارکسیستی با این قضایا به گونه ای بود که نه به شرع توجه داشت و نه عرف جامعه را رعایت می کرد. به همین دلیل، بیشتر مردم پس از اعلان این فرمان ها، به غیر دینی بودن آنها پی بردند و با آنها

۱- (۱) . میرغلام محمد غبار، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۳، ص ۹۶- ۹۷.

مخالفت ورزیدند، اما مخالفت جدی مردم زمانی آغاز شد که عمال مارکسیستی با فشار شدید به اجرای این فرمان ها پرداختند.

انگیزه اصلی مردم برای مخالفت و قیام علیه دولت مارکسیستی، دینی بود. مردم، این دولت را ضد دین و نامشروع می دانستند. به رغم اعمال ستم و فشار به همه مردم افغانستان، در سال های نخست، به شیعیان فشار بیشتری وارد شد. آقای فرهنگ می نویسد:

«...[این] فجایع به یک یا چند شخص و یک یا چند شهر و محل، محدود نبود، بلکه در تمام نقاط شهرها و ولایات کشور که پای سازمان و سازمانیان، حاکم، ولسوال و صاحب منصبان دولت به آن می رسید، شب و روز به صورت لاینقطع دوام داشت؛ اما شدت رفتار بیشتر بالای ملایان، روحانیون، تحصیل کردگان غیر سازمانی و اقلیت های هزاره و قزلباش [که شیعه بودند] متمرکز بود.» (۱) ایشان در جای دیگر به نقل از خاطرات یک زندانی می نویسد:

«فهرست محبوسینی که نویسنده خاطرات با ایشان زندانی بود، نشان می دهد که زندانیان از اقوام و اقشار مختلف جامعه و باشندگان مناطق گوناگون بودند. یگانه مردمی که اسامی شان در این فهرست و در فهرست عمومی زندانیان به نظر نمی رسید، مردم هزاره و قزلباش اند، که در اکثر احوال به دستور تره کی پس از گرفتاری سر راست به کشتارگاه فرستاده می شدند.» (۲)

مردم مسلمان افغانستان در برابر این وضعیت به سرعت واکنش نشان دادند و به زودی حرکت های مردمی در نقاط گوناگون کشور به طور مستقل و بدون هیچ گونه سازماندهی آغاز شد و در زمان کوتاهی تقریبا در سراسر کشور گسترش یافت. پس از چند ماه از کودتای مارکسیستی، نخستین قیام های مردمی از مناطق شیعه نشین آغاز شد. گرچه شروع اولین برخورد مسلحانه علیه دولت تره کی از نورستان بود، قیام خونین مردم «دره صوف» در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۲ ش آغاز شد؛ این قیام را می توان سرآغاز قیام های مردم و ملت افغانستان به حساب آورد.

۱- (۱) . همان، ص ۱۱۰.

۲- (۲) . همان، ص ۱۱۲.

شیعیان افغانستان در راه اندازی قیام مسلحانه علیه حکومت مارکسیستی، پیشگام بودند و در آغاز با سلاح های سرد و تفنگ های بسیار قدیمی(شکاری) در برابر نیروهای مسلح دولتی قیام کردند؛ ولی به زودی به انبارهای سلاح دولت دست یافتند. قیام های مردم، اغلب در مناطق کوهستانی هزاره جات آغاز شد و تداوم یافت؛ زیرا دولت کمونیستی به شدت با مخالفان برخورد می کرد و تظاهرات و تجمعات مخالفت آمیز در شهرها می توانست بسیار خطرناک باشد. با وجود این، در شهرها نیز چندین تظاهرات مردمی برپا شد که همان گونه که پیش بینی می شد، همگی به خون ریزی کشیده شدند. شیعیان در چند تظاهرات و قیام خونین نیز سهم بسیار فعالی داشتند. (۱)

در دوره های استقرار حاکمیت کمونیستی در افغانستان تا زمان اشغال ارتش سرخ شوروی در این سرزمین و پس از آن، شیعیان افغانستان یک سری اقدامات سیاسی و اجتماعی به وجود آوردند. یکی: در قالب خیزش ها و نهضت ها که در اقصی نقاط کشور، عرصه را برای نیروهای کمونیستی تنگ و در میان دشمن ایجاد رعب و وحشت کرده بود. دومی: ایجاد تشکل های سیاسی و فرهنگی، برای جهت مبارزه با نیروهای کمونیستی، اقدامات سیاسی و اجتماعی شیعیان افغانستان که به این شرح است:

قیام های رهایی بخش شیعیان افغانستان

شیعیان در نهضت های رهایی بخش بسیاری شرکت داشتند و جان فشانی های زیادی تقدیم آزادی سرزمین خویش کردند؛ همچنین قیام های مهم و سرنوشت سازی برای ملت افغانستان به ارمغان آوردند.

الف) قیام هرات (۲۴حوت۱۳۵۷): پیش از قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ در شهر هرات، در دیگر نقاط این ولایت، خیزش هایی علیه رژیم کمونیستی صورت گرفته بود. چنانچه در هشتم حوت ۱۳۵۷ ساکنان روستای سلیمی در جنوب شرق هرات به تحریک ملا حیدر قیام کردند و هیئت سواد آموزی رژیم کمونیستی را مورد حمله قرار دادند. سربازان دولتی قیام مذکور را سرکوب کردند و ملا حیدر به شهادت رسید. سرانجام، قیام بزرگ

۱- (۱) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، دفاع هزاره ها از: استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، ص۷-۱۴.

و تاریخی ۲۴ حوت هرات با شرکت قشرهای گوناگون مردم؛ اعم از: شهری و روستایی، دهقانان، کارگران، کارمندان، علما و رهبرانی شیعه و سنی، تاجیک، پشتون، هزاره، ازبک و... صورت گرفت.

ویلهلم دیتل، روزنامه نگار آلمانی، قیام هرات را در تاریخ معاصر آسیا در نوع خود، بی مانند می داند. قیام ۲۴ حوت زمانی صورت گرفت که رفتار ضد انسانی کمونیست ها در تمام افغانستان، از جمله هرات به اوج خود رسیده بود؛ از سوی دیگر، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(قدس سره) در ایران پیروز شده بود که عامل مهمی برای تقویت روحیه و الگویی مناسب برای مردم مسلمان هرات محسوب می شد.

قیام مردم هرات، ۲۴ (اسفند) حوت ۱۳۵۷ آغاز شد و با پیوستن لشکر ۱۷ هرات و افسران مسلمان ارتش به مردم، شهر هرات به تصرف آنها درآمد، و کمونیست های شناخته شده و مشاوران روسی آنها به قتل رسیدند؛ همچنین تعداد زیادی سلاح و مهمات سبک و سنگین به غنیمت گرفته شده بود. در این قیام، مردم توانستند به کمک نیروهای ارتشی که به آنها پیوسته بودند، بسیاری از مراکز و اداره های دولتی را از دست دولت خارج کنند و در کنترل خود درآورند. در اطراف هرات نیز، مردم به مراکز اداری حمله کردند و مسئولان دولتی را کشتند یا فراری دادند. دو روز پس از سرنگونی نیروهای وابسته به کمونیستی، از تاشکند آمدند و این شهر را بمباران کردند؛ یک هفته بعد، ستون زرهی کمونیست ها از سمت قندهار به شهر نزدیک شدند و با به کار بردن حیله برافراشتن پرچم سبز، مردم را فریب دادند؛ آن گاه از زمین و هوا آنها را به رگبار گلوله بستند. در نتیجه، شهر هرات دوباره به اشغال کمونیست ها درآمد و مجاهدین به کوه «دوشاخ» در روستاهای مجاور عقب نشینی کردند؛ همچنین حدود ۲۰۰ تن از مستشاران روسی کشته شدند. نیروهای زمینی و هوایی دولت، به کمک نیروهای شوروی توانستند در روز بیست و نهم حوت بر اوضاع مسلط شوند و کنترل شهر و مراکز دولتی را بار دیگر در دست گیرند. در این قیام که شمار شهدای آن از چهل و پنج هزار نفر تخمین زده شده است، همه مردم دیندار هرات، از قبیل شیعه و سنی، مشارکت داشتند؛ ولی نقش شیعیان در این نهضت به حدی بود که دولت مارکسیستی کابل، آن را نتیجه دخالت برخی رهبران دینی ایران (آیت الله شریعت مداری) اعلام کرد.

پس از آن حادثه غم انگیز، آقای شریعت مداری کشتار مردم هرات را به دست دولت مارکسیستی محکوم نمود. شمار فراوانی از روشنفکران شیعه، از جمله انجنیر محمد اکرم پرونتا (وزیر سابق فواید عامه) و انجنیر محمد شریف پرونتا، دستگیر و به درجه رفیع شهادت نایل شدند. (۱) این جنبش مردمی که در هرات به راه افتاد لرزه بر اندام ارتش سرخ شوروی انداخت و خواب راحت را از آنها سلب کرد.

ب) قیام چنداول کابل: قیام چنداول، نخستین قیام مردمی است که دوم سرطان ۱۳۵۸ در شهر کابل صورت گرفت و افتخاری بر افتخارات جهاد مقدس ملت مسلمان افغانستان؛ به ویژه شیعیان این کشور افزود. این قیام، چهره کریه خلق و پرچمداران ستم را نشان داد و بار دیگر، مظلومیت ستمدیدگان این کشور را در عرصه های بین المللی آشکار کرد. چگونگی قیام چنداول و دست اندرکاران اصلی این قیام روشن نیست، اما ادعایی وجود دارد مبنی بر اینکه جمعی از رهبران به افکار مارکیستسی پی برده بودند و به مردم گوشزد می کردند، و در محافل عمومی و خصوصی به خیزش همگانی فرا می خواندند تا افراد و گروه های مذهبی و سیاسی گوناگون تصمیم بگیرند که در روز دوم سرطان، قیام را از چندین منطقه همزمان در کابل آغاز کنند. در روز موعود، شیعیان در چنداول قیام کردند و مراکز انتظامی محلی را آزاد ساختند، اما برخلاف برنامه و تعهدات قبلی در دیگر مناطق، قیامی صورت نگرفت؛ در نتیجه، نیروهای رژیم کمونیستی که از شب گذشته آمادگی کامل گرفته بودند، قیام کنندگان چنداول را محاصره کردند و از هر طرف به رگبار گلوله بستند. تعداد زیادی از مردم در همان صحنه به شهادت رسیدند و بسیاری نیز، پس از دستگیری اعدام شدند. مجموع شهدای این قیام حدود ده هزار نفر برآورد شده است. درباره قیام چنداول و پیامدهای سنگین آن کافی است به نوشته های «آنتونی هیمن» خبرنگار انگلیسی و کارشناس امور مسائل افغانستان توجه کنیم؛ او در این باره چنین می نویسد:

«اولین قیامی که مردم کابل برپا کردند در شهر کهنه کابل، در محله جاده میوند (چنداول محله شیعه نشین) و در روز سه شنبه، ۲۳ جون ۱۹۷۹ بود. این تظاهرات، به

۱- (۱) . میرمحمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۳، ص ۱۲۶.

خوبی سازمان داده شده بود. هدف از برپا کردن آن، تحریک همه مردم از سنی و شیعه بود. حدود صد هزار نفر که بیشترشان هزاره بودند، در جاده میوند با پرچم های سبز به راه افتادند. سازمان دهندگان، جزوه هایی بر ضد حکومت پوشالی کمونیست دست نشانده تره کی بین مردم پخش می کردند. چندین هزار نفر از مردم به تظاهر کنندگان پیوستند؛ اما این افراد فقط مسلح به کارد و چماق بودند. سپاهیان سر رسیدند و به مدت چهار ساعت سربازانی که تا بن دندان مسلح بودند، به تظاهرکنندگان و عابران، شلیک کردند و عده زیادی را کشتند. پس از چهار ساعت، افرادی که زنده مانده بودند به کوچه های تنگ جاده میوند پناه بردند. بیمارستان های کابل به رغم همدردی پزشکان، حاضر به پذیرش مجروحان برای امر مداوا نبودند؛ زیرا می ترسیدند که از سوی حکومت تنبیه شوند، کارکنان شفاخانه ها حق داشتند بترسند. میزان بی رحمی که در پی این تظاهرات ناموفق اعمال شد، هرگز در خارج ارزیابی نشده است. در مدت کوتاهی نیروهای اضافی به شهر کهنه آورده شد؛ اما روز یکشنبه، ۲۴ جون مردم هزاره اقدام به تظاهرات مجدد کردند.» (۱)

در قیام چنداول، شیعه و سنی شرکت داشتند؛ ولی در این قیام، نقش اصلی را شیعیان ایفا کردند. آقای فرهنگ درباره راه اندازی این حرکت سرنوشت ساز در پایتخت دولت مارکسیستی، به دست شیعیان این طور می نویسد:

«در بین مردم پایتخت، عنصر شیعه که از دو گروه قزلباش و هزاره مرکب بود نسبت به مردم دیگر برای آغاز مبارزه، آمادگی ذهنی بیشتر داشت. از سویی، اینان به حیث اقلیت- و آن گاه اقلیت تحت فشار دولت- از همبستگی بیشتر برخوردار بودند و از دیگر سو، تعدادی از مراکز اجتماعی به شکل تکیه خانه و مدرسه دینی در اختیار داشتند که مجال مذاکره و مباحثه را در مسائل اجتماعی و سیاسی برای ایشان میسر می ساخت.» (۲) در قیام دیگری در روز یکشنبه ۳ / ۴/ ۱۳۵۸ مردم شیعه اقدام به تظاهرات مجدد کردند. تمام مدت ماه بعد بازداشت های گروهی از مخالفان تره کی به عمل آمد. در جاده میوند سربازان صفوف کامیون های باری، که در خیابان

۱- (۱) . آنتونی هیمن، افغانستان در زیر سلطه شوروی، ص۲۱۵ - ۲۱۳.

۲- (۲) . میرمحمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج۳، ص ۱۲۶.

متوقف بودنـد، دست کم سه هزار نفر از مردم هزاره را بدون هیچ گونه تحقیق از خیابان ها جمع کردند و همان روز همه آنها را در گورهای دسته جمعی حکومت فرو بردند. چون بیشتر تظاهر کنندگان شیعه بودند، دولت نسبت به شیعیان کابل سوء ظن پیدا کرد، مخصوصا به طبقه روشـنفکر جامعه هزاره و قزلباش که از برجسـتگان شـیعه بودند؛ پیش آهنگ آنها بیشترشان مردم تحصیل کرده، دکتر، مهندس و از کارمندان برجسته دولتی بودند. (۱)

ج) قیـام آزادی بخش در هزاره جـات: قیام هزاره جات - منظور همان قیام مردم مناطق مرکزی است - خیزشـی فراگیر در همه هزاره جات شد و پیش از این قیام، رهبران شیعه در چارکنت و دره صوف، خیزش های دیگری را به وجود آورده بودند؛ ولی آن قیام ها که در جا سـرکوب شد نه تنها جنبه فراگیری نداشت، مناطق مورد نظر هم آزاد نشد؛ ولی در قیام دایکندی، سراسـر مناطق هزاره جات آزاد شـد و به یاری برادران سـنی در ولایت غور، میـدان وردک و غزنی و.. شـتافتند، در آزاد سازی مناطق آنهـا نیز نقش فعـال داشـتند. قیـام مردمی در هزاره جات، از ولسوالی «دایکنـدی» ولایت ارزگان (شـمالی)، به تاریـخ ۱۸حمل ۱۳۵۸ آغاز شد و تا ماه سـنبله همان سال، همه مناطق مرکزی را فراگرفت. این قیام به رهبری حجت الاسـلام والمسلمین، شهید محمـد حسـین صادقی نیلی رحمه الله ، همراه بسیاری از علما و بزرگان دایکندی آغاز شد. در این روز نزدیک به دو هزار نفر آماده جهاد علیه متجاوزان (تا بن دنـدان مسـلح) از زیر قرآن مجیـد عبور کردنـد و نقطه آغازین قیام خویش را مرکز ولسوالی «خـدیر» قرار دادنـد؛ آنهـا پس از دو شـبانه روز پیکـار، ولسوالی مـذکور را فتـح کردنـد. مردم دایکنـدی در این نبرد تنها یک تفنگ دودی داشتند و بقیه سلاح هایشان اسلحه سرد از قبیل: بیل، کلنگ، داس و چوب دستی(سوته) بود. شهید صادقی همراه علما، پس از فتح دایکندی با نیروهایش عازم ولسوالی «پنجاب» شد؛ ولی در مسـیر راه، برای نجات ۱۵۰ نفر از علما و بزرگانی که در ولسوالی «لعل و سـرجنگل» گرفتار عمال کمونیستی ها شـده بودنـد، به کمک آنها به سوی لعل رفتنـد. او پیش از آغاز عملیات

۱- (۱) . گروه پژوهش سینا، افغانستان در سه دهه اخیر، ص ۴۵۳.

آزاد سازی ولسوالی لعل و سرجنگل، در اجتماع مجاهدین به بیان اهمیت جهاد و مبارزه، سخنانی ایراد فرمود:

«برادران! امروز روز پیکار حق علیه باطل است. روز جانبازی و شـهادت است. ما بایـد امروز ثابت کنیم که در راه حفظ عقیده مان از هیـچ چیز هراس نـداریم. ما شـهادت را پذیرفته ایم. آیا کسـی هست فکر کند که زنده به خانه اش برگردد؟ اگر کسـی چنین فکر کند بداند که هیچ کاری کرده نمی توانیم.» (۱)

مجاهـدین با تاییـد فرمایش های رهبر خویش، همگی شـعار دادند یا مرگ یا پیروزی و به ولسوالی لعل حمله کردند. ولسوالی مذکور در هفت ثور ۱۳۵۸ آزاد شد و مجاهدین دایکندی عازم پنجاب شدند. مجاهدین لعل برای آزاد سازی مرکز ولایت، به طرف «کاسـی» رفتنـد و تعداد آنها که حدود دو هزار نفر بودند آنجا را محاصـره کردند، ولی بر اثر حمله های زمینی و هوایی دشمن مجبور به عقب نشینی شدند.

مجاهـدین بـا کمک برادران «ایماق»، ولسوالی «پسابنـد» را آزاد کردنـد؛ در حالی که شـهید صادقی و مجاهـدین دایکنـدی به کمک مردم لعل و سرجنگل، مشغول آزاد سازی این ولسوالی بودند، مردم «ورس» با تلاش روحانیون مبارز در اول ثور ۱۳۵۸ قیام کردنـد و روز هفت ثور، ولسوالی ورس را به محاصـره درآوردند. ولسوال و دیگر مقامات دولتی فرار کردند؛ اما نیروهای دولتی هنوز مقـاومت می کردنـد. روز نهم ثور، مرکز ولسوالی ورس بمبـاران شـد؛ بـا این حال مجاهـدین به نبرد ادامه دادنـد؛ سرانجام نیز در یازدهم ثور، ولسوالی را پس از چند ساعت جنگ به تصـرف خود درآوردند. روز سیزدهم ثور آقای اکبری از سوی مجاهـدین، علمـا و بزرگـان منطقه، رسـما در مقـام فرمانـده جنـگ انتخـاب و با عـده ای از مجاهـدین عازم پنجاب شـد. همزمان با آزاد سازی دایکندی، ولسوالی «گیزاب» در ولایت ارزگان شـمالی نیز، در اواخر حمل (۲۰ / ۱ / ۵۸) به دست مردم افتاد. در نبرد گیزاب که نیروهای دولتی مردم را به رگبار مسـلسل بسته بودنـد، شـیر زنی سـبب پیروزی مجاهدین شد. این زن قهرمـان که در برج قلعه، سـنگر گرفته بـود، ولسوال را که بـا مسـلسل به سوی مردم شـلیک می کرد هـدف تیر قرار داد و از پا درآورد. پس از فتح گیزاب، مردم

۱- (۱) . قربانعلی عرفانی، مروری بر تحولات سیاسـی - اجتماعی بامیان، ص۹۶ و حسـین علی(حاج کاظم)یزدانی، دفاع هزاره ها از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، ص ۲۳.

شهرستان قیام خود را آغاز کردند و ولسوالی شهرستان را آزاد ساختند.

مجاهدین ورس، دایکندی، لعل و شهرستان به طور مشترک ولسوالی پنجاب را به محاصره درآوردند و در تاریخ یازدهم ثور، تحت فرماندهی استاد اکبری آن را فتح کردند؛ در حالی که شعله های قیام مردمی از دایکندی زبانه می کشید. شهدای مردم دایکندی در بامیان به عدد شهدای کربلا می رسیدند که تعداد ۷۲ تن از بهترین نیروهای مردم دایکندی در این منطقه به درجه رفیع شهادت نایل شدند. (۱)

مرکز ولایت بامیان در تاریخ ۲۴ ثور ۱۳۵۸ فتح شد؛ اما هنوز نیروهای دولتی در بعضی نقاط، از جمله میدان هوایی حضور داشتند. در چنین وضعیتی به دلیل بی تجربگی، عده زیادی از مجاهدین مشغول جمع آوری غنایم شدند و سنگرها را رها کردند، دشمن نیز با استفاده از فرصت، شهر بامیان را دوباره تصرف کرد و مجاهدین با تحمل تلفات سنگینی مجبور به عقب نشینی شدند. آمار شهدا به هشتاد تن از مجاهدین رسید. در «بهسود» از توابع ولایت میدان، قیام زمانی آغاز شد که نیروهای ورس و شهرستان و بخشی از نیروهای پنجاب و دایکندی تحت فرماندهی استاد اکبری وارد منطقه شدند. مجاهدین، سه روز در سنگر «سنگ شانده» توقف کردند و درباره آزاد سازی حصه اول و دوم بهسود تصمیماتی گرفتند. آقای اکبری با تعدادی از نیروهایش عازم «دهن سیاه سنگ»، مرکز ولسوالی حصه اول بهسود شد و به اتفاق مجاهدین بهسود باهمکاری ارباب غریبداد آنجا را فتح کرد. بخشی از مجاهدین پنجاب، شهرستان و دایکندی، همراه با مردم بهسود، ولسوالی، مرکز بهسود را محاصره کردند. نیروهای دولتی پس از مدتی مقاومت در مرکز بهسود، راهی کابل شدند که در منطقه «آبدره» در حصه اول بهسود با مجاهدین مواجه شدند. درگیری آغاز شد و نیروهای دولتی تلفات زیادی دادند، اما توانستند با کمک نیروی هوایی به سوی کابل فرار کنند. در این جنگ حدود ۲۳ نفر از مجاهدین به شهادت رسیدند که از جمله، ده نفر از مردم پنجاب بودند. پس از آزاد سازی بهسود مجاهدین به سرپرستی ارباب غریبداد عازم سنگلاخ شدند و با همکاری مردم و مجاهدان سنگلاخ، علاقداری جلریز

۱- (۱) . محمد باقر مصباح زاده، قیام مردم هزاره جات، سایت پیام آفتاب. www.payamaftab.com.

را آزاد کردند. مجاهدین بهسود و سنگلاخ بتدریج دره میدان و پغمان را هم آزاد کردند و تا آن زمان، هیچ گونه اختلاف مذهبی و قومی بین مردم نبود. اختلافات مذهبی، قومی و منطقه ای زمانی بروز کرد که احزاب مستقر در پیشاور، پس از آزاد شدن میدان و پغمان در مناطق مذکور مستقر شدند. در ولایت غزنی، قیامی به فرماندهی سید حسن جگرن به تاریخ ۳ ثور ۱۳۵۸ از ولسوالی «ناهور» و «خوات» شروع شد. پس از فتح ناور، مردم مالستان در هیجدهم ثور طی یک هفته جنگ میان برف و سرمای شدید، ولسوالی «میرآدینه» را آزاد ساختند. در این جنگ، چهار صد نفر، از جمله چند مشاور روسی که از مرکز ولایت غزنی فرستاده شده بودند، از ولسوالی دفاع می کردند. قیام مالستان در تاریخ دهم ثور ۱۳۵۸ آغاز شده بود و در همین ماه، مردم ولسوالی های «جغتو» و «قره باغ» را نیز آزاد کردند. ولسوالی «جاغوری» در ۱۳ جوزا با شرکت مجاهدین مالستان و ناهور و همکاری مردم منطقه فتح شد. پس از فتح جاغوری، نیروهای دولتی به این منطقه حمله کردند، اما شکست خوردند. در حمله مذکور، ۱۹۰ نفر از مجاهدین به شهادت رسیدند؛ اما نیروهای سید جگرن پس از آنکه ولسوالی ناهور را طی یک درگیری شجاعانه فتح کردند، متوجه مرکز غزنی شدند. نیروهای دولتی برای جلوگیری از پیشروی مجاهدین در قریه «سربید» در دره «قیاق» سنگر گرفتند و به مقاومت پرداختند. جنگ حدود دو ماه طول کشید؛ به نیروهای جهادی از زمین و هوا با تانک، توپ و هلیکوپترهای توپدار حمله می شد، اما سرانجام موفق شدند سنگر قیاق را - که مشرف بر مرکز غزنی بود - تصرف کنند. پس از قیاق، دو قلعه محکم دیگر به نام ها ی «ده حمزه» و «ده حاجی»، واقع در ۱۲ کیلومتری شمال شهر غزنی در مسیر مجاهدین به سوی مرکز غزنی قرار داشت. این قلعه ها نیز، پس از سه ماه نبرد به دست مجاهدین افتاد؛ به این ترتیب شهر غزنی در زمستان ۱۳۵۸ از سمت شمال به محاصره نیروهای مجاهدین به فرماندهی سید حسن جگرن درآمد. در پی آزاد شدن ولسوالی های ولایت غزنی در زمان تره کی و حفیظ الله امین، نیروهای ارتش سرخ پس از اشغال افغانستان، ولسوالی های اطراف شهر غزنی را مورد حمله قرار داد.

مجاهدین پنجاب و ورس با همکاری مردم ترکمن تحت فرماندهی آقای اکبری، پس از پاکسازی ترکمن و فتح ولسوالی شیخ علی، دره غوربند و تاله و برفک را آزاد

کردند. در غوربند هشتاد نفر از مجاهدین ترکمن و قل خویش چندین ماه استقامت کردند. نیروهای دولتی در زمان حفیظ الله امین برای انتقام گیری از مجاهدین در ماه قوس ۱۳۵۸ از زمین و هوا به دره ترکمن حمله کردند. بر اثر این حمله های وحشیانه، ۲۲ نفر شهید و ۶۵ نفر زخمی شدند. علاوه بر آن، ۱۲ نفر از کودکان و پیرمردان و زنان بر اثر شدت سرما جان دادند. نیروهای دولتی در این جنگ ۳۲۰ خانه را به آتش کشیدند و ۳۷۰ خانه و ۶ مسجد را با بمباران هوایی تخریب کردند. از فرماندهان مشهور ترکمن در این دوره، می توان از پهلوان میر علم حر، محرم حسین و سید ابراهیم شاه مصطفوی نام برد. (۱)

قیام دره صفوف پس از کودتای ۱۹۷۸ و در ماه دلو ۱۳۵۷ صورت گرفت. این خیزش در نوع خود، می تواند نخستین قیام مردم شیعه را شکل دهد؛ ولی پس از سه ماه، قیام شیعیان سراسری شد. در پیکار با نیروهای اشغالگر روسی در نقاط مختلف افغانستان و مقاومت های مردمی، از آغاز کودتای هفت ثور تا زمان اشغال افغانستان به دست روس ها در جدی ۱۳۵۸ شیعیان نقش برجسته ای داشتند؛ ابتکار قیام های مردمی و نبردهای مسلحانه علیه رژیم کمونیستی در دستان مجاهدین شیعه بود. بسیاری از مناطق شیعه نشین هزاره جات در همان سال اول انقلاب (۱۳۵۸) از دست مزدوران خودکامه کمونیستی آزاد شد. علاوه بر آن، شیعیان در آزادی سازی بسیاری از ولایات همجوار که در مناطق برادران اهل سنت قرار گرفته بودند نیز، نقش فعال داشته اند. از جمله، مردم بهسود و دایمیرداد در آزاد کردن «نرخ میدان» و «بند خواجه محمد میدان» نقش اصلی را داشتند؛ همچنین مردم «دره ترکمن» در آزادی ولسوالی «سیاه گرد» و همین طور مردم دایکندی در فتح ولسوالی «پسابند غور»، نیز در آزاد سازی چندین ولسوالی در ولایت غور سهیم بودند. (۲) در مجموع، مردم هزاره بیش از ۳۰ قیام را در مناطق گوناگون هزاره جات به راه انداختند و به پیروزی هم رسیدند. (۳)

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . حسین علی(حاج کاظم) یزدانی، دفاع هزاره ها از: استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، ص ۲۳.

۳- (۳) . همان، ص ۲۲- ۲۱.

۴- تشکیلات و سازمان های سیاسی شیعیان

اشاره

تاریخچه جریان های سیاسی و گرایش های فکری شیعه به اوایل قرن بیستم؛ یعنی پس از دوره امیر عبدالرحمان خان بازگشت می کند؛ از «جنبش مشروطه اول» و «جنبش مشروطه دوم» با آزادی نسبی در این کشور، فعالیت های سیاسی به شکل خزنده در افغانستان شروع به فعالیت نمود. (۱) جامعه تشیع افغانستان دارای نهادهای سیاسی زیادی بوده، که بعضی از این سازمان ها و تشکیلات به منظور مبارزه با حکومت های ستمگر ایجاد شده است؛ این جریان ها به سه دسته تقسیم پذیرند:

الف) سازمان های قبل از کودتا(۱۳۵۷)

احزاب و سازمان های سیاسی که پیش از کودتای سال ۱۳۵۷ تشکیل شدند با هدف ایستادگی در برابر حکومت های وقت به وجود آمدند که عبارت اند از:

یک) حزب ارشاد: این جریان را شهید علامه بلخی، در سال های ۱۳۲۵- ۱۳۲۴ ش در شهر کابل پایه گذاری کرد. این حزب، چهارده نفر اعضای مرکزی داشت؛ از ویژگی های این ارگان، می توان گفت که ایجاد همبستگی بین اقوام و قشرهای مختلف جامعه؛ به ویژه در میان آگاهان جامعه آن روز- شیعه و سنی- بوده است. به همین دلیل موجبات خشم حاکمان وقت را فراهم کردند. (۲) از افراد این حزب فقط هفت نفر از آنها توانستند، با توجه به اینکه در حکومت نفوذ داشتند، از نظرها پنهان بمانند و دو نفر از آنها (رجبعلی خان چنداولی و دکتر اسدالله رئوفی) مفقود الاثر شدند و بقیه اعضای این حزب به مدت ۱۴سال و ۶ ماه و ۲۳ روز در زندان های مخوف حاکمان افغانستان به سر بردند. (۳)

دو) حزب وطن: آغاز این جریان، همزمان با نخست وزیری محمود خان است، که پس از تصویب قانون مطبوعات در سال ۱۹۵۰ م بود. رهبری این نهاد بر عهده محمد سرور جویا، فرزند منشی غلام حسین، ملقب به اعتماد الدوله، از جوانان انقلابی، روشن فکر، نویسنده ای توانا و شاعری بلند پایه بود. این دانشمند آزادی خواه، ۱۶ سال

۱- (۱) . میرآقا حق جو، افغانستان و مداخلات خارجی، ص ۵۶- ۵۷.

۲- (۲) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان، ص ۲۵۴- ۲۵۶.

۳- (۳) . همان.

از بهترین ایام عمرش را در سیاه چال های حاکمان وقت سپری کرد. نامبرده، مدیر روزنامه «اتفاق افغان» بود که در شهر هرات منتشر می شد و در دوره نخست وزیری محمد هاشم به فرمان وی عبدالرحیم، نایب الحکومه (استاندار) هرات شد. در این دوره آقای جویا و دکتر سید یحیی مورد سوء قصد قرار گرفتند؛ دکتر سید یحیی شهید و جویا از ناحیه سینه و ران مجروح شد. از امتیازات این جریان، اعضای این نهاد است که فقط از افراد برجسته شیعی تشکیل نشده بودند، بلکه شخصیت های برجسته از برادران اهل سنت نیز در این سازمان بودند؛ از جمله غبار و فرهنگ که این دو، فعالیت های چشم گیری در این حزب داشتند. (۱)

سه) نهضت پاسداران انقلاب اسلامی: پایه گذاری این جریان، سال ۱۳۴۸ش و هدف آن، روشن سازی اذهان جوانان شیعی در راه مبارز با استکبار بوده است.

چهار) حزب توحید (رسالت): پس از قیام آزادی خواهانه مردم شیعه چنداول و گرفتاری علمای شیعه، به دست حاکمان مستبد آن روز، این جریان به انتقاد از حکومت آن زمان تشکیل شد. هسته مرکزی آن را بیشتر، علما و اندیشمندان شیعه شکل می دادند. بسیاری از اعضای این جریان به دست حکومت گرفتار و برخی نیز مفقودالاثر شدند. از اهداف این حزب، آگاه کردن جامعه شیعی، تدارک دیدن حرکتی نظام مند علیه رژیم خودکامه وقت و تلاش کردن در جهت هماهنگ سازی با دیگر سازمان های همفکر در پاکستان و ایران بود. (۲)

پنج) اسلام مکتب توحید (امت): آقای دولت آبادی، تشکیل این جریان را در سال ۱۳۴۸ش می داند، ولی بنا بر منابع و شواهد موجود، این تشکل در سال ۱۳۵۸ش در ایران تأسیس شده است.

اسلام، مکتب توحید به انشعاب و فروپاشی دچار شد و اعضای آن به گروه ها و تشکیلات دیگر پیوستند، اما برخی از شاخه های آن تا سال ۱۳۶۸ش به صورت ضعیف به حیات ادامه داد. (۳)

۱- (۱) . همان، ص ۲۲۱- ۲۲۲.

۲- (۲) . همان. ص ۲۵۷.

۳- (۳) . همان، ص ۹۹- ۱۰۷.

و) سازمان نصر افغانستان: جرقه این سازمان در سال ۱۳۵۱ش در افغانستان زده شد و آغاز مبارزات حق طلبانه خود را در سال ۱۳۵۲ش به عنوان «گروه مستضعفین» آغاز کرد؛ «روحانیت نوین» که بیشتر از دانش آموختگان مراکز علمی؛ چون: نجف، قم و مشهد بودند با ادغام این جریان ها با همدیگر تشکیلات گسترده تری را تحت عنوان «سازمان نصر افغانستان» به وجود آورد؛ این نهاد در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ش اعلام موجودیت (۱) کرد و این سازمان، به عنوان یک جریان نظامی و فرهنگی در میان دیگر نهادهای شیعی مطرح بود. رهبران این سازمان در تشکیل حزب وحدت و اداره آن سهم بسزایی داشتند. این جریان شیعی در بیشتر مناطق هزاره جات و شمال کشور پایگاه های نظامی فعال داشت. (۲)

ب) سازمان ها و جریان های پس از کودتا (۱۳۵۷)

احزاب و جریان هایی که پس از کودتای محمد داود خان اتفاق افتاده است، با توجه به اینکه بعضی مناطق را که در تسلط شیعیان بودند، خودشان اداره نمایند و در صورت تعرض نیروهای اشغالگر از این مناطق دفاع کنند که عبارت اند از:

یک) شورای اتفاق: این حزب طی صدور قطعنامه در مورخ ۶/۱۵/ ۱۳۵۸ش در ولسوالی ورس هزاره جات اعلام موجودیت کرد. ریاست این شورا به عهده آیت الله سید علی بهشتی؛ معاون اول: محمد حکیم صمدی، مشاور عمومی: محمد حسین ناصری، نماینده خارجی شورای اتفاق: عبدالصمد اکبری در پاکستان، نماینده دوم: آقای نادر علی مهدوی در ایران، مسئول عمومی نظامی: سید حسن جگرن، مسئول مالی: کربلایی عبدالعلی جاغوری، فیاض به عنوان والی، معاون دوم: آقای صادقی نیلی (عضو برجسته کادر مرکزی پاسداران جهاد اسلامی)، سید احمد احسانی مسئول فرهنگی و سید جواد عارفی رئیس کمیسیون قضا بودند. شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان در مرحله اول خوب درخشید و کم کم دچار مشکلات و اختلافات داخلی شد. (۳)

دو) حرکت اسلامی افغانستان: این نهاد در سال ۱۳۵۸ش تاسیس و اعلام موجودیت

ص:۱۲۱

۱- (۱) . همان، ۲۹۸- ۳۰۰.

۲- (۲) . محمدعزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۲۰۵.

۳- (۳) . همان، ص ۳۲۹- ۳۳۵.

کرد؛ به رهبری آیت الله محسنی و با ادغام جریان های کوچک تر؛ مانند «روحانیت مبارز»، «سازمان آزادی» و «گروه قرآن و عترت». این حزب با قیام مسلحانه ابراز وجود نمود، مبارزات مسلحانه خویش را در داخل کشور توسعه داد. (۱) مرکز این گروه در ایران بود، اما نمایندگان سیاسی آن در برخی کشورهای دیگر؛ به ویژه پاکستان فعال بودند. بخش های نظامی حرکت اسلامی در مناطق مختلف افغانستان حضور داشتند، چریک های شهری این حزب در شهر کابل، فعالیت بسیار خوبی داشتند و آنها مراکز و اشخاص دولتی را هدف قرار می دادند در دوره جهاد نقش تعیین کننده ای داشتند. (۲)

سه) پاسداران جهاد اسلامی افغانستان: سازمانی به نام «پاسداران جهاد اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۵۹ش پایه گذاری شده است. در میان این گروه، دو چهره بسیار برجسته بودند:

- عالمان و روحانیان؛ که در ولایات یا فرمانداری ها محور انقلاب بودند و جذب گروه های اسلامی نشده بودند.

- جوانان؛ که از شهرهای کشور و خارج از کشور به سوی سنگرهای جهاد می شتافتند و جذب هیچ تشکیلات دیگری نشده بودند، یا از عملکرد سازمان های موجود ناراضی بودند. این افراد، بدون شعار در عمل، بار عمده جهاد را با جوش و خروش بر دوش می کشیدند و در سال ۱۳۶۱ش در اولین گردهمایی شخصیت های سرشناس جهادی؛ چون: شیخ محمد اکبری، ضامن علی محقق، نور احمد تقدسی، علی جان زاهدی، نماینده ای از طرف شیخ محمد حسین صادقی نیلی شرکت داشتند. رهبری پاسداران به صورت شورایی بود، مرکز آن داخل افغانستان. در خارج کشور، شورایی متشکل از چند نفر به عنوان شورای نمایندگی عهده دار کارهای مربوط به خارج از کشور بود. پاسداران جهاد اسلامی افغانستان، دارای چهار پایگاه اصلی به نام های «عدالت»، «رسالت»، «خاتم الانبیا» و «علی بن ابی طالب» و تعدادی پایگاه فرعی نظامی بود. پاسداران جهاد اسلامی با بیش از ۱۱۴ پایگاه نظامی در بیش از سیزده ولایت از

۱- (۱) . همان، ص ۲۵۹- ۲۶۱.

۲- (۲) . سیدهادی خسروشاهی، نهضت های اسلامی افغانستان، ص ۲۶۱.

بیست و هشت ولایت کشور حضور فعال نظامی داشت. (۱)

چهار) حزب الله افغانستان: این جریان را که بیشتر به حزب الله هرات و گاه حزب الله قاری شهرت یافته است، در سال ۱۳۵۹ش قاری احمد غور دروازی به وجود آورد. این حزب برای مدت های طولانی فعال ترین سازمان شیعی در هرات بود. هرچند گروه فوق نیز در طول عمر خود دچار انشعابات شد، قاری احمد که شخصیت نخست آن بود، توانست تا سال ۱۳۷۱ش به کار خود ادامه دهد. در این سال بود که این جریان به حزب وحدت اسلامی پیوست. (۲)

ه) سازمان فلاح اسلامی افغانستان: این سازمان در سال ۱۳۵۹ ش از شورای اتفاق جدا شد و با دفتر جداگانه و مستقل، اساس نامه، مرام نامه و جزوه های خود را بنا بر مناسبت ها پخش می کرد. این سازمان در عرصه ای نظامی نتوانست حضور خود را تثبیت کند و تداوم بخشد. همان گونه که پیش از این اشاره شد، سازمان فلاح بعدها به حزب دعوت اتحاد اسلامی پیوست و یکی از اعضای تشکیل دهنده آن شد. (۳)

پنج) حزب وحدت اسلامی افغانستان: این سازمان سیاسی شیعی، متشکل از چندین حزب و سازمان کوچک تر بود که در تاریخ ۱۳۶۷ /۴/۲۴ ش کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی با شرکت مسئولان و سران احزاب از تمام مناطق، دایر شد. این کنگره، چهار روز طول کشید و همزمان با بیستمین سالگرد شهادت علامه بلخی در مرکز فرمانداری پنجاب برپا شد. این مراسم با ایراد بیست و چهار سخنرانی مبسوط پیرامون محورهای مشخص شده ای که مسائل اساسی انقلاب و جامعه شیعه گرفتار آن بود، هشت مقاله تحلیلی و اجرای هفت سرود انقلابی و صدور قطع نامه ۱۶ ماده ای، در میان شور و هیجان جمعیت حاضر در کنگره برگزار شد. در این کنگره اغلب، شخصیت ها و رجال سیاسی، فرهنگی و نظامی بیشتر از ده استان (ولایت) و بیست فرمانداری (ولسوالی) مناطق مرکزی و صفحات شمال کشور حضور داشتند و این اتفاق مهم در تاریخ تشیع افغانستان ثبت شد؛ شخصیت ها و رجال برجسته ای که میثاق

۱- (۱) . همان، ص ۵۴.

۲- (۲) . دولت آبادی بصیر احمد، شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان، ص ۱۸۸.

۳- (۳) . همان، ص ۳۱۳۷.

وحدت را امضا کردند، بدین قرارند:

۱. سازمان نصر: صادقی (پروانی)، مزاری، حکیمی، نوید، سجادی، هادی و واحدی؛

۲. پاسداران جهاد اسلامی: صادقی نیلی، اکبری، رضوانی، فکرت، غفوری و واعظی؛

۳. حرکت اسلامی: هادی، فیاض، انوری، عصمت اللهی، رضوانی و مدرسی؛

۴. جبهه متحد انقلاب اسلامی: رضایی و واحدی؛

۵. سازمان نهضت اسلامی: سعیدی، باقری، افضلی و جعفری؛

۶. سازمان نیروی اسلامی: قائمی، حسینی و جوادی؛

۷. حزب الله: نماینده وجود نداشت.

۸. دعوت اسلامی: از طرف این جریان، آقای سعیدی نهضت وکالت داشت و این پیمان وحدت را امضاء کرد. (۱) در مراسم با شکوهی، همگان آن را امضاء کردند. اعضا با دست گذاشتن روی قرآن به نام خداوند سوگند یاد کردند که گروه های پیشین را منحل کنند و در راه تشکیلات جدید؛ یعنی «حزب وحدت اسلامی افغانستان» بکوشند. (۲) حزب وحدت اسلامی افغانستان در دوره جهاد یکی از احزاب مهم جهادی بود و پس از دوران پیروزی بر ارتش کمونیستی در سال ۱۳۷۰ ش کنگره دیگری تشکیل شد؛ سرانجام آقای «شهید عبدالعلی مزاری» را به عنوان دبیرکل این حزب برگزیده شد، در این مرحله، این جریان سیاسی شیعی به صورت یک حزب قدرتمند وارد صحنه سیاسی شد و در دوره اول حکومت مجاهدین شرکت کرد. (۳)اکنون نیز عمده ترین حزب سیاسی شیعه از شیعیان است که در عرصه سیاسی نمایندگی می کند.

ج) ائتلاف سازمان ها و جریان های شیعی

ائتلاف و وحدت های بسیاری میان نیروهای شیعی شکل گرفت که همگی آسیب پذیر و شکننده بودند؛ بعضی از تلاش هایی که در این زمینه صورت گرفتند به قرار زیر است:

اولین تلاش وحدت طلبانه در دی ماه ۱۳۵۸ با اتحاد شش حزب شیعی صورت

۱- (۱) . همان، ص۲۳۸-۲۵۰.

۲- (۲) . سیدهادی خسروشاهی، نهضت های اسلامی افغانستان، ص۲۰۲.

۳- (۳) . همان، ص۲۵۱.

گرفت. احزاب تشکیل دهنده این اتحاد عبارت بودند از: شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان؛ نهضت اسلامی افغانستان؛ حرکت اسلامی افغانستان؛ سازمان نصر افغانستان؛ نهضت روحانیت و جوان اسلامی؛ اتحادیه علما. (۱) پس از ناکامی این جریان، تلاش دیگری صورت گرفت تا نیروهای شیعی را برای مبارزه علیه دولت مارکسیستی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی متحد سازد؛ این بار ده حزب در تشکلی به نام «جبهه آزادی بخش انقلاب اسلامی افغانستان» متحد شدند: شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان؛ سازمان نصر افغانستان؛ حرکت اسلامی افغانستان؛ حزب اسلامی رعد افغانستان؛ نهضت اسلامی افغانستان؛ مجاهدین خلق افغانستان؛ نیروی اسلامی افغانستان؛ جنبش اسلامی افغانستان؛ نهضت روحانیت و جوان افغانستان؛ اتحاد علمای افغانستان. (۲) این تشکل نیز بدون آن که کار مهمی انجام دهد، به دلیل ناسازگاری رهبران احزاب تشکیل دهنده آن، پس از عمر کوتاهی از هم فرو پاشید.

ائتلاف دیگری که به منظور متحد ساختن نیروهای جهادی شیعه به وجود آمد، به تشکیل ائتلافی به نام «جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان» انجامید. در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۰ نشست هایی برای اتحاد میان این نهادها صورت گرفت: سازمان نصر؛ نهضت اسلامی؛ اسلام مکتب توحید؛ سازمان فدائیان اسلام؛ فدائیان امت مسلمان افغانستان (فاما)؛ روحانیت و جوان افغانستان (رجا)؛ جنبش اسلامی مستضعفین افغانستان. در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۶ اعلامیه ای از سوی چهار حزب اسلام مکتب توحید، سازمان روحانیت و جوان، سازمان فدائیان اسلام و فدائیان امت مسلمان افغانستان به نام «جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان» منتشر شد. در اسفند ماه ۱۳۶۳ش ائتلافی بین چهار حزب شیعی به وجود آمد که به نام «ائتلاف چهارگانه» مشهور شد. این چهار حزب عبارت اند از: سازمان نصر؛ پاسداران جهاد اسلامی؛ جبهه متحد انقلاب اسلامی؛ نهضت اسلامی. این اتحاد حدود یک سال ادامه یافت، ولی هیچ گونه نتیجه ای عملی در پی نداشت و سرانجام به فراموشی سپرده شد. (۳)

ائتلاف جدی تر در سال ۱۳۶۵ش آغاز شد و در بهار ۱۳۶۶ش به بار نشست،

۱- (۱) . محمد عزیزبختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۰۶.

۲- (۲) . همان، ص۲۰۷.

۳- (۳) . همان، ص۲۰۷-۲۰۸.

هشت حزب جهادی، ائتلافی را به نام «شورای ائتلاف اسلامی افغانستان» تشکیل دادند. احزاب و گروه های عضو شورای ائتلاف عبارت بودند از: جبهه متحد انقلاب اسلامی؛ دعوت اسلامی؛ حزب الله افغانستان؛ حرکت اسلامی؛ سازمان نصر افغانستان؛ پاسداران جهاد اسلامی؛ سازمان نیروی اسلامی؛ نهضت اسلامی؛ شورای انقلابی اتفاق اسلامی. یکی از اهداف اصلی شورای ائتلاف، قطع منازعات داخلی بود و اعضای آن اعلام نمودند که هیچ یک از اعضای ائتلاف هشت گانه، حق تعرض علیه یکدیگر را ندارند. و همه اعضای این ائتلاف آزادند که در همه مناطق، فعالیت های تبلیغاتی، جهادی، دفاتر فرهنگی و در صورت نیاز، پایگاه نظامی داشته باشند. (۱) همان طوری که گفته شد، این ائتلاف در قطع درگیری های داخلی ناموفق بود، ولی در عرصه های دیگر دستاوردهایی داشت؛ از جمله در عرصه مذاکرات با احزاب سیاسی و شوروی سابق تا حد زیادی موفق بود. شورای ائتلاف، از سویی با اتحاد هفت گانه احزاب سنی پیشاور درباره دولت موقت و نحوه و میزان سهم شیعیان در این دولت به بحث نشست؛ از سوی دیگر در مقام نماینده شیعیان افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کرد. شکل گیری ائتلاف در این مرحله تاریخی بسیار ضروری و حیاتی بود و این شورا به رغم کم و کاستی های که داشت، نقش فعال و مثبتی در صحنه سیاسی کشور به نفع شیعیان ایفا کرد.

نخستین حرکت جدی برای وحدت احزاب و گروه های جهادی شیعی در سرطان (مرداد ماه) ۱۳۶۷ به صورت یک کنگره بزرگ، متشکل از فرماندهان جهادی آغاز شد. پس از این، نشست های پیاپی در مناطق برگزار کردند؛ این نشست ها از تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ به مدت نه روز ادامه یافت. در پایان تصمیم نهایی را مبنی بر اتحاد کامل گروه ها اتخاذ و کمیسیونی را مامور کردند که قطع نامه ای با عنوان «میثاق وحدت» آماده کند. این میثاق، در بیست ماده آماده شد و در مراسم با شکوهی، همگان آن را امضا کردند. اعضا با دست گذاشتن روی قرآن، به نام خداوند سوگند یاد کردند که گروه های پیشین را منحل کنند و در راه تشکیلات جدید، یعنی «حزب وحدت اسلامی افغانستان» بکوشند. (۲)

دستاوردهای حزب وحدت اسلامی افغانستان بدین گونه بود:

۱- (۱) . سید هادی خسروشاهی، نهضت های اسلامی افغانستان، ص ۱۸۱.

۲- (۲) . همان، ص ۲۰۲.

۱. قطع درگیری ها و جنگ های داخلی، حزب وحدت با فرستادن هیئت به مناطق گوناگون، آتش جنگ را خاموش کرد.

۲. سازماندهی نیروهای مسلح؛ نیروهای پراکنده نظامی در قالب حزب وحدت اسلامی متمرکز و تبدیل به قدرت نظامی شیعی شدند.

۳. در مذاکرات با احزاب سنی مستقر در پاکستان، از موضع قوی تری برخوردار شده بود.

۴. شیعیان برای نخستین بار، از انزوای سیاسی بیرون آمدند و به اجلاس منطقه ای و بین المللی راه یافتند. (۱) همچنین به صورت یک جریان مقتدر شیعی در صحنه های سیاسی حضور پیدا کردند.

۵. حزب وحدت، به رغم مشکلات درونی و بیرونی در تشکیل جنبش اسلامی به رهبری ژنرال دوستم نقش بسزایی داشته است و آقای محقق از این نظر در مقام معاون جنبش اسلامی ایفای نقش کرد و این حزب توانست در عرصه های سیاسی و اجتماعی اعلان موجودیت کند.

۶. از اقدامات دیگر این حزب همکاری در چاپ پول به عنوان پشتوانه مالی برای شورای هماهنگی بود. آقای دکتر اییلاقی، رئیس بانک ملی افغانستان در دوره حکومت دکتر نجیب الله که برنامه ریزی های لازم را برای اعضای شورای هماهنگی کرد نیز، از سوی رهبر حزب وحدت پشتیبانی می شد.

۷. تلاش فرهنگی و علمی؛ از نمونه های آن، می توان به اعزام دانشجو به کشور آذربایجان و بورس دانشجویان مخابرات در دانشگاه مخابرات تهران که از سوی حزب وحدت رایزنی شده بود، نیز تاسیس پوهنتون بامیان، در سال ۱۳۷۵ با همکاری دبیر و اعضای حزب وحدت اشاره کرد.

۸. احیای هویت: نقش کنونی شیعیان در دولت فعلی افغانستان نیز، از آثار خدمات و کارکرد حزب وحدت اسلامی افغانستان، گرچه که حزب وحدت مقتدر آن زمان، حداقل به پنج حزب با عنوان های گوناگون تبدیل شده است؛ اگر نقشی از طرف دولت به این گونه احزاب سپرده می شود به دلیل وحدت شیعی گروه های گوناگون است که

۱- (۱) . محمد عزیزبختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۱۱.

تحت یک عنوان گرد هم آمده بودند.

حزب وحدت، آسیب هایی نیز داشت، از جمله: کوتاه بودن دوره آن؛ یعنی ازسال ۱۳۶۸ که تاسیس شد تا سال ۱۳۷۴ که این جریان سیاسی و اجتماعی مهم شیعیان افغانستان از هم پاشید و به چند دسته کوچک تبدیل شد.

جدول شماره (۲۰) سازمان های سیاسی شیعیان (۱)

۱- (۱) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان، ص۱۲؛ با اصلاحات نگارنده.

۳-آداب و رسوم شیعیان

اشاره

آیین ها و روش های پسندیده فرهنگ ها را آداب و رسوم می گویند. (۱) واژه آداب را در مردم شناسی چنین تعریف می کنند: هر جامعه دارای الگوهایی است که در ارتباط با یکدیگر از آنها پیروی می کنند؛ مثلا هنگامی که بزرگتر بر کوچک ترها وارد شود برای احترام از جا بلند می شوند، ابراز احترام از راه «نماد» است. در جامعه، بلند شدن و به استقبال آمدن طرف را نماد احترام می دانند. (۲) در جامعه شناسی، آداب و رسوم را همان هنجارهایی دانسته اند که مردم را در برابر شیوه های مرسوم انجام فعالیت های روزانه شان هوشیار می سازند؛ کسانی که خودشان را با آداب و رسوم تطبیق ندهند، مورد تمسخر یا سرزنش قرار می گیرند. (۳)

آداب و رسوم جامعه شیعیان افغانستان از فرهنگ اسلامی برگرفته شده است، آنها خود را پای بند به باورها و ارزش های اسلامی و شیعی می دانند، عنعنات و رسم های موجود میان شیعیان در همه جزئیات زندگی آنها نقش دارند؛ هرگونه دگرگونی اجتماعی و سیاسی و... در قالب دستورهای اسلامی ممکن و هرگونه مغایرت با دین محکوم به شکست است.

ص:۱۳۳

۱- (۱) . فریده رازی، فرهنگ واژه های فارسی سده، ص۱.

۲- (۲) . نیکلاس و دیگران، فرهنگ جامعه شناسی، ص۳۲۴.

۳- (۳) . بروس کوئن، مبانی جامعه شناسی، ص۵۹.

این بخش بعضی نمادها و نمودهای برجسته در آداب و رسوم شیعیان را بررسی

می کند و به آیین های پسندیده در جشن ها، ازدواج، سرگرمی ها (ورزش)، عزاداری ها و شیوه پوشش آنها می پردازد.

۱- جشن ها و شادی ها

اشاره

جشن ها و مراسم شادی آفرین که میان شیعیان افغانی رایج و مرسوم است به دو صورت تقسیم می شود:

الف) جشن های مذهبی

شامل اعیاد فطر، قربان، غدیر، ولادت ائمه علیهم السلام و... است.

یک) عید فطر: نخستین روز ماه شوال که همه مسلمانان جهان به نشانه موفقیت در انجام اعمال ماه مبارک رمضان با شور و شادی جشن می گیرند. این عید به میمنت پایان یافتن ماه مبارک رمضان و برای یک ماه روزه داری برگزار می شود. «از این روی، دارای تقدس و احترام زیادی است.» (۱) عید فطر در افغانستان شکوه بسیاری دارد و به این مناسبت سه روز تعطیل رسمی است. شیعیان در شهرها جشن عید فطر برگزار می کنند؛ نیز شیعیان روستاها این عید را با شکوه تمام برگزار می کنند و به دید و بازدید یکدیگر می روند. (۲)

دو) عید قربان: این عید در روز دهم ذی الحجه الحرام با شکوه بی مانندی، میان مسلمانان افغانستان؛ به ویژه شیعیان برگزار می شود. در این روز، مردم به دید و بازدید یکدیگر می روند و عید را تبریک می گویند.

سه) عید غدیر: شیعیان افغانستان نیز، مانند دیگر شیعیان جهان این روز را گرامی می دارند. با توجه به گذشته تاریخی تشیع، این عید به صورت محدود در برخی مناطق شیعه نشین برگزار می شود. شیعیان افغانستان در بسیاری از ولادت های ائمه معصوم علیهم السلام جشن می گیرند. آنها در مساجد و تکایا گرد می آیند، مداحان و واعظان، در مدح و ثنای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان پاک آن حضرت به سخنرانی و مدیحه سرایی

۱- (۱) . محمد عزیزبختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۲۹۰.

۲- (۲) . سیدمحمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص۳۲۷.

می پردازنـد. مهم ترین مناسـبت های مذهبی که در بعضـی مناطق در میان شـیعیان از آنها تجلیل می شود، مبعث و میلاد پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله ، میلاد امام علی علیه السلام ، میلاد فاطمه زهرا علیها السلام و میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشـریف و میلاد دیگر ائمه است. بایـد این نکته یاد آوری شود که این گونه جشن های مذهبی در همه مناطق مرسوم نیست و تنها در شهرها و برخی روستاهایی بر گزار می شود که روحانیان آگاه و فعالی دارند. (۱)

ب) جشن های ملی

شادی هایی چون جشن استقلال، اعیاد باستانی نوروز و چهارشنبه سوری را شامل می شود.

یک) جشن اسـتقلال افغانسـتان: در این روز، مردم شـیعه، همانند دیگر هموطنان خویش به شادی می پردازند و برای تجلیل از این روز تاریخی، جشن و سرور بر پا می کنند.

دو) نوروز: سـرآغاز سال نو است. نوروز پایان سـرد زمسـتان و آغاز زیبایی های بهار را به ارمغان می آورد. «بهار فصل احیای دوبـاره طـبیعت است، و انسـان که به محیـط طبیعی خود وابسـته است، دوست دارد شـکوفایی دوبـاره طبیعت را جشن بگیرد.» (۲)نوروز را در بسـیاری جوامع، گرامی می دارنـد. نوروز در کشورهای فارسـی زبان (ایران، افغانسـتان و تاجیکسـتان) به منزله عید باستانی است که از گذشته های دور تا به امروز، با شکوه تمام، آن را جشن می گیرند. در افغانستان به مناسبت عید نوروز تعطیل رسـمی است. مراسم نوروز نیز شبیه عید فطر و عید قربان بر گزار می شود. در شـهرها برنامه عید با دید و بازدید از خانه هـای یکـدیگر و تبریک گفتن عیـد صورت می گیرد، و مهمانان صـرفا با چای، آجیل و شـیرینی پـذیرایی می شونـد؛ ولی در روسـتاها برنامه نسـبتاً پر مصـرف است، شب و روز نوروز به خانه های یکدیگر می روند و در کنار هم غذا تدارک می بینند و میل می کنند و در بعضی مناطق، غذا آماده می کنند و در میان مردم توزیع می کنند. (۳) این عید باستانی در شهرهای کابل و مزارشـریف جلوه دیگری دارد. در این روز، اول صبح، مردم در محلی به نام «زیارت سخی» در کابل اجتماع می کنند و همین طور مردم اطراف مزارشـریف در «روضه سـخی» گرد هم می آینـد؛ طی مراسم خاص و سـخنرانان ویژه پرچم شاه ولایت (امام علی) به دست پهلوانان برافراشته می شود. آقای محمد سرور رجا،

۱- (۱) . محمدعزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۲- (۲) . همان، ص ۲۹۵.

۳- (۳) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۱۶۱.

نویسنده کتاب «احیاگر شیعه در افغانستان» در این باره چنین می نویسد:

«مراسم برافراشتن بیرق (پرچم) شاه ولایت در این اواخر آن قدر در کابل با عظمت و با شکوه برقرار می گردید که همان موزیک گارد شاهی که در مقابل قرآن کریم و بیرق ملی و شخصیت های مهم مملکتی در بین عسکری و قوای مسلح مرسوم بود. در آنجا هم بعد از برافراشتن بیرق نواخته می گردید.» (۱)

در جشن ها و شادی های مذهبی معمولا مراسم برگزار می شود؛ سپس به دید و بازدید همدیگر می روند، عید نوروز نیز برای دید و بازدید یکدیگر می روند، محفل جشن به طور خصوصی برپا نمی شود.

سه) چهارشنبه سوری: کشورهای پارسی زبان (ایران و تاجیکستان)، در آخرین چهارشنبه هر سال (اسفند/ حوت) این جشن را برگزار می کنند. در این روز، مردم به دامن طبیعت می روند و آتش روشن می کنند و از روی آن می پرند، آن گونه که از ظاهر این جشن باستانی استفاده می شود، این رسم از زرتشتیان بر جای مانده است. (۲) ولی شیعه های افغانستان، چهارشنبه سوری را در آخرین چهارشنبه ماه صفر هر سال برگزار می کنند. (۳) یکی از نویسندگان درباره این جشن سنتی که به خود رنگ مذهبی گرفته است چنین می نویسد: در برخی نواحی ایران به این جشن رنگی کاملا اسلامی داده و آن را در آخرین چهارشنبه ماه صفر... برپا می دارند.» (۴)

شیعیان افغانستان در این مراسم به گونه ای دیگر به شادی می پردازند؛ کسی از روی آتش نمی پرد، ولی آتش به گونه ای دیگر در کار است. در این مراسم غذایی محلی به نام «حلیم دلده» تدارک می بینند. این غذا را از بلغور گندم، شیر یا دوغ و روغن تهیه می کنند. از اینکه نام چهارشنبه سوری را بر این مراسم نهاده اند و از آتش نیز به نحو دیگری استفاده می کنند، چنین به نظر می رسد که این چهارشنبه سوری با آنچه در کشورهای ایران و تاجیکستان رایج است نسبت هایی داشته باشد. (۵)

ص:۱۳۶

۱- (۱) . محمد سرور رجاء، احیاگر شیعه در افغانستان، ص۱۴۳.

۲- (۲) . محمد مقدم، چهارشنبه سوری، ص۷۹.

۳- (۳) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۹۶.

۴- (۴) . آذر تاش آذر نوش، آداب و رسوم ملی ایران، ص۱۳.

۵- (۵) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۹۶-۲۹۷.

۲- نهاد خانواده

اشاره

(۱)

خانواده، یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن بعضی نیازهای بنیادی آنها در جامعه مسئولیت دارد؛ خانواده از تعدادی انسان تشکیل می شود که از راه نژاد، زناشویی قانونی و شرعی و فرزندآوری، با یکدیگر ارتباط می یابند و طی دوره زمانی نامعلوم با هم زندگی می کنند. در جامعه شیعیان افغانستان، خانواده گسترده رواج دارد که ارتباطات باخویشاوندان دور هنوز برای افراد جامعه اهمیت دارد. روابط خانوادگی در این جامعه، بسیار نزدیک است. افراد خانواده، روابط عاطفی و عمیقی دارند. برخلاف کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه که خانواده هستی وجود دارد. (۲)روابط اجتماعی و عاطفی در این گونه خانواده از هم گسسته شده است.

الف) ازدواج

(۳)

ازدواج عبارت است از عقد و قراردادی که بر اساس آن، یک رابطه جنسی پایدار، و از لحاظ دینی و اجتماعی مشروع، میان دو فرد از جنس مخالف ممکن می شود. هر یک از زوجین حقوق و تکالیفی را می پذیرد که دین، قانون و فرهنگ در ارتباط با همسر، فرزندان، خویشاوندان و کل جامعه بر عهده او گذارده است. در جامعه سنتی افغانستان، ازدواج اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا با ازدواج است که خانواده شکل می گیرد و فرزند به جامعه تحویل می دهد.

مراحل ازدواج عبارت اند از:

یک) ازدواج همگون (۴): بیشتر افراد دوست دارند که با همسرشان همسن باشند و اگر تفاوت سنی وجود دارد، بسیار اندک باشد. هم از نظر دین، باورها و ارزش ها باهم سازگار باشند و هم از نظر طبقه و قیافه ظاهری مورد پسند هم قرار گرفته باشند. در جامعه شیعیان افغانستان، به ندرت اتفاق می افتد که فردی شیعه با دختر سنی ازدواج کند و از آن طرف نیز، بسیار کم پیش می آید که یک سنی با دختر شیعه ازدواج کرده

۱- (۱) . Instituon of family.

۲- (۲) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۳۹.

۳- (۳) . marriage

۴- (۴) . Homogamy

باشد؛ ولی هم طبقه بودن را جدی نمی گیرند؛ از این رو بعضی مشکلات در روند زندگیشان به وجود می آید.

از سن ازدواج شیعیان، آمار دقیقی در دست نیست؛ ولی بر اساس مطالعاتی که در ولایات بامیان، غور و دایکندی صورت گرفته، سن ازدواج در میان بیشتر شیعیان، پایین تر از اقوام سنی مذهب است. این تحقیق که فقط درباره زنان صورت گرفته است نشان می دهد که ۳۷/۷ درصد زنان قبل از پانزده سالگی، ۵۵/۶ درصد بین شانزده تا بیست سالگی و دیگران، در سنین بیست یا بالاتر ازدواج کرده اند. (۱) شیعیان افغانستان افق فکری وسیع تری دارند و سنین بالاتر را نیز تجویز می کنند.گرچه در سال های اخیر مخارج ازدواج در میان شیعیان افزایش یافته است و این امر موجب شده که بسیاری از جوانان نتوانند در زمان دلخواه ازدواج کنند. (۲) و این مسئله باعث شده است که سن ازدواج بالاتر برود.

دو) شیوه همسرگزینی: در میان شیعیان افغانستان، والدین و خویشاوندان نزدیک برای فرد همسر انتخاب می کنند و اقدامات بعدی(پرداخت مهریه حاضر و رضایت پدر زن) را انجام می دهند. رسم نامزدی در آغاز تولد یا کودکی در برخی موارد اتفاق افتاده است، پدر پسر و پدر دختر به توافق رسیدند، کمتر به نظرها و علاقه مندی های جوانانی که قصد ازدواج دارند توجه می شود. (۳) در برخی موارد خانواده ها و بزرگترها در این امر دخالت ندارند: انتخاب آزادانه؛ در این انتخاب، فرد می تواند خود، همسر مورد پسندش را انتخاب کند. در میان شیعیان افغانستان به دو شیوه: درون همسرگزینی(اقوام و آشنایان) و برون همسرگزینی (خارج از اقوام و از دیگر اقوام) صورت می گیرد؛ ولی درون همسر گزینی در جامعه بیشتر اتفاق می افتد.

سه) عقد: در بعضی از مناطق شیعه نشین، در گذشته مرسوم بوده است که پس از خواستگاری، چند تن از خانواده داماد به خانه پدر عروس می رفتند و طی مراسمی چادری بر سر عروس می انداختند؛ پس از آن، این دختر و پسر «زن و شوهر» خوانده

۱- (۱) . موسسه رها، بررسی وضعیت اجتماعی زنان، کابل، ۱۳۸۳، نقل از: شیعیان افغانستان، ص۲۹۸.

۲- (۲) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۷۰.

۳- (۳) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۱۶۳.

می شدند، بدون آنکه عقد شرعی میان آنها خوانده شود. پس از مدتی نیز مراسم عروسی برپا می شد و عقد شرعی جاری می گشت. ولی در سال های اخیر بسیاری از مناطق شیعه نشین، پس از مراسم خواستگاری و توافق دو طرف، در مراسم شیرینی خوری، صیغه عقد را می خوانند. (۱)

چهار) مهریه و شیربها: مهر در فقه اسلامی به معنای وجهی در برابر بضع خوانده شده است. (۲) ولی شیربها، همان طوری که از نام آن برمی آید، هدیه ای است که از سوی داماد به والدین؛ به ویژه به مادر عروس به سپاس زحمات ایشان در شیر دهی یا به طور کلی، حضانت و تربیت دختر پرداخت می شود. (۳) شیعیان در افغانستان، مهر را به منزله یک مسئله شرعی ضمن عقد مشخص می کنند؛ ولی مقدار مهر بسیار ناچیز تعیین می شود؛ همچنین بسیار کم پیش می آید که زن، مهرش را از شوهرش بخواهد، مگر در زمانی که مرد زنش را طلاق دهد. از این رو، در میان این مردم، مهریه کارایی عملی خود را به عنوان وثیقه مالی زن، از دست داده است، به همین دلیل در هنگام خواستگاری و پس از آن، در این امر (مهریه) هیچ گونه حرفی به میان نمی آید.

برخی از شیعه ها، مقداری پول از داماد به عنوان «گله» دریافت می کنند. گله یا شیربها در همه افغانستان رواج دارد. در شهرها، از جمله شهر کابل نیز شیربها می گیرند یا همه مخارج عقد و عروسی را از داماد می گیرند. در برخی از مناطق، مبلغ شیربها به اندازه ای سنگین است که مانعی جدی برای ازدواج جوانان به شمار می آیند. (۴)

پنج) عروسی: مراسمی که زن و شوهر در آن به طور رسمی، آغاز زندگی مشترک خویش را به دیگران اعلام می کنند. در همه فرهنگ ها عروسی با جشن و سرور همراه است. «شیعیان افغانستان نیز به مراسم عروسی بسیار اهمیت می دهند.» (۵)شیعیان افغانستان جامعه ای متدین هستند و تعالیم و آموزه های دینی با حیات آنها در آمیخته است. ازدواج نیز

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۳۰۴.

۲- (۲) . شهید الثانی، روضه البهیه، ج۶،ص۹۷.

۳- (۳) . سید حسین شرف الدین، تبیین جامعه شناختی مهریه، ص ۱۷۱.

۴- (۴) . محمدعزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۳۰۵-۳۰۶.

۵- (۵) . همان، ص۳۰۸.

که امر مهمی در زندگی آنها به شمار می رود، از تاثیرات مذهبی به دور نمانده است. به طور معمول، در مراسم عروسی شیعیان برنامه های خلاف شرع مقدس، اجرا نمی شود، علاوه بر آن، این جشن را در ایام شادی تشیع؛ مانند بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، میلاد ائمه معصوم علیه السلام و دیگر مناسبت های شاد برگزار می کنند. در ایام سوگواری مذهبی، مانند رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ، و ائمه معصوم علیه السلام و دهه محرم، این جشن و مراسم صورت نمی گیرد. (۱)

ب) طلاق

(۲)

پدیده طلاق، در میان شیعیان معمولا بسیار کم صورت می گیرد، مگر در مواردی که اختلافات زن و شوهر خیلی شدید است و مصالحه ثمره چندانی ندارد؛ یا اینکه پیش از ازدواج، آشنایی کامل صورت نگرفته است، یا در موارد اضطراری زن می تواند با اجازه مجتهد طلاق بگیرد؛ ولی در چند سال اخیر کمیسیون مستقل حقوق بشر، نمایندگی هایی را در ولایات دایره کرده است و در رواج طلاق سهم بسزایی دارد؛ در حالی که در زمینه های دیگر نقض حقوق بشر قدرت چندانی ندارد تا در مقابل برخی از زورمداران ایستادگی کند؛ از این روست که فقط می تواند با یک فرد دست و پنجه نرم کند که آن عبارت است از شوهر یک زن، دارای اختلافات اندک. در این صورت، با سرعت هر چه تمام تر اقدام به طلاق می کند.

۳- ورزش و سرگرمی

شیعیان در ایام جشن و سرور برای پر کردن اوقات فراغت و ایام شادی خود، برنامه ها و سرگرمی های تفریحی و متنوعی برای گروه های گوناگون سنی و جنسی دارند. مهم ترین ورزش ها و سرگرمی های مردانه عبارت اند از: کشتی گیری، اسب سواری، نیزه بازی و تیراندازی با تفنگ؛ پسران نوجوان نیز بازی های ویژه ای؛ مانند والیبال و توپ دنده دارند و چند نوع بازی شبیه شطرنج که با دانه های متعدد روی یک تخته بازی می شود. دختران کوچک نیز از چوب، پارچه و نخ، عروسک های

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . Divorce.

کوچک می سازند و با آنها نقش های زنان را برای خود بازآفرینی می کنند. (۱)

الف) کشتی: جامعه شیعی افغانستان، با همه مشکلات فراوان اقتصادی و عدم امکانات ورزشی و شرایط نامساعد، به نمایندگی از ملت افغانستان در مسابقه های خارجی و بین المللی شرکت کرد و مقام های جهانی و افتخارات بین المللی هم به ارمغان آورد؛ از جمله: محمد ابراهیم پهلوان در رشته کشتی افتخاراتی را نصیب کشور افغانستان کرد، در این زمینه به علت شایستگی و استعداد درخشان بسیار خوب درخشید. (۲) وی در این باره چنین بیان می کند:

«مدت سی سال ورزش پهلوانی نموده ام و بیست سال در وزن چهار، قهرمان بودم و ده سال دیگر به حیث مربی ایفای خدمت نمودم. در طول سال های پهلوانی در کشتی های داخلی و خارجی عنوان های خوبی اخذ نمودم و در طی ۲۵ سفر خارجی که داشتم؛ از جمله: مسابقات جهانی و المپیک بین المللی مکزیک به سال ۱۹۶۸م مقام سوم جهان را دریافت کردم... در مسابقات جهانی ژاپن، مونیخ و در المپیک دوم ایتالیا با مرحوم غلامرضا تختی (پهلوان نامی ایرانی) هم اردوی مسابقات بودیم.» (۳) این پهلوان مشهور با اینکه از مشکلات فراوان؛ از قبیل عدم امکانات ورزشی و اقتصادی رنج می برد، توانسته است چنین افتخاراتی را برای ملت افغانستان کسب کند. وی در سال ۱۳۵۸ به صف مجاهدین پیوست، پهلوان نامور شیعه در جامعه افغانستان از احترام زیادی برخوردار است. (۴)

ب) تکواندو: این رشته ورزشی، میان شیعیان رونق بیشتری دارد و در مسابقات کشوری و بین المللی هم مقام کسب کرده است، روح الله نیک پی، یکی از افرادی است که در سال ۱۳۸۷ در المپیک پکن شرکت کرد و در رشته تکواندو، وزن ۵۸ کیلوگرم، مقام سوم جهان را از آن خویش ساخت، و مدال پر افتخار برنز را به کشور خود اختصاص داد. این ورزشکار در بازی های المپیک در نخستین مسابقه تکواندو که در پکن برگزار شد، حریف آلمانی(جرمنی) خود را شکست داد، با یک امتیاز مسابقه دوم

۱- (۱) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۱۶۱.

۲- (۲) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲،ص۷۸.

۳- (۳) . هفته نامه و حدت، ۸ سرطان ۱۳۷۲، ش۱۰۴، ص۱۴.

۴- (۴) . حسین علی (حاج کاظم) یزدانی، پیشین، ص۷۸.

را به ورزشکار مکزیک واگذار کرد و در مسابقه سوم بر ورزشکار انگلیسی پیروز شد. پیروزی این ورزشکار جوان، بیانگر این حقیقت است که به رغم موانع موجود و کمبود امکانات کشور نیز، استعداد درخشش در مسابقات را دارد. او، یکی از بنیانگذارن انجمن تکواندو پومسه در افغانستان است که در مسابقات کره و ژاپن که

در آن بیشتر از ۳۰ کشور شرکت داشتند، با شکست دادن ورزشکارانی از کویت، بلژیک و ژاپن، مقام سوم را به دست آورد. این برد، زمینه آن را آماده کرد که نیک پی در مسابقات تکواندو آسیا در ویتنام نیز شرکت کند؛ حریفان پاکستانی، تاجیکستانی، قرغیزستانی و تایلندی خود را شکست دهد و با کسب مدال نقره و مقام دوم، سهمیه شرکت در المپیک را برای افغانستان به دست بیاورد. در بازی های المپیک چین چهار ورزشکار افغانستان در رشته های ووشو و تکواندو شرکت کردند. رئیس جمهوری اسلامی افغانستان برای قدردانی از این ورزشکار جوان به مسئولان مربوط هدایت داده است که به سپاس موفقیت بزرگ او در المپیک چین یک خانه رهایشی به او جایزه بدهند. این ورزشکار در بازی های المپیک در کشور چین با شکست دادن حریفان آلمانی و اسپانیایی خود در تکواندو پومسه مدال برنز را به دست آورد. (۱)

تصویر شماره (۳) – روح الله نیکپی – تکاندوکار

ص:۱۴۲

۱- (۱) . سایت خبری کابل پرس، wwwkabulpress.org

ج) اسب دوانی: یکی از بازی ها و مسابقات پرطرفدار و هیجان انگیز در میان شیعیان افغانستان است، این مسابقه در میان قبایل دیگر افغانستان نیز مرسوم است؛ برای نمونه، ازبکان شمال افغانستان به «بزکشی» شهرت فراوانی دارند.

د) دیگر ورزش و سرگرمی ها:

یک) فوتبال و والیبال: این گونه ورزش ها در گذشته در محدوده شهرها مرسوم بوده است، امروزه در بسیاری از مناطق دور افتاده افغانستان، رواج یافته است.

دو) توپ دنده (کریکت): وسایل مورد نیاز برای این بازی عبارت اند از: یک توپ کوچک و یک چوب به اندازه نیم متر که سرپهن دارد.

سه) نیزه زنی: در برخی از مناطق هزاره جات مرسوم است.

چهار) تیراندازی: شیعیان در قدیم الایام، در تیراندازی معروف و مشهور بوده اند. (۱)

پنج) بازی های محلی: در بعضی مناطق، بازی هایی مانند: پرتاب سنگ، سنگ گیرگ (این بازی در بین مردم جاغوری مرسوم است)، سورخوردن روی برف (اسکی روی برف)، دویدن(دو میدانی)و... وجود داشته است.

۴- مراسم عزاداری

اشاره

عزاداری ها در میان شیعیان بسیار رایج و مرسوم بوده است؛ در ایام عاشورا و اربعین حسینی و ایام شهادت معصومان علیهم السلام ، دست از کار می کشند و این گونه مراسم را برگزار می کنند؛ برگزاری مجالس که در اصطلاح مردم آن را «خواندن» یا «خواندو» می گویند، در منابر و حسینیه ها صورت می گیرد؛ معادل این واژه در ایران «منبر رفتن» است. مجالس (خواندن) و عزاداری هایی که در حسینیه ها و تکایا برگزار می شود به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- (۱) . مونت استورات، الفنستون، افغانان، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.این مردم شناس انگلیسی در اوایل قرن نوزدهم (۱۸۰۱م) می نویسد: «هزاره ها همه در اسب سواری و تیراندازی ماهرند. هر مرد یک تفنگ فتیله ی دارد دیگر جنگ افزارشان عبارت است از شمشیر ایرانی، یک خنجر باریک و بلند با غلاف چوبی و گاه نیزه.»

الف) ایام شهادت ائمه علیهم السلام

در شهرهای کابل، هرات، مزارشریف و دیگر شهرها، دهه عاشورا به علاوه بقیه دهه های آن و سراسر ماه صفر بدین ترتیب در پنج دهه بعد از عاشورا افرادی علاقه مند و با مکنت به مدت یک دهه مجلس را در حسینیه های شان برگزار می کنند؛ بانی این گونه مجالس تا آخر ماه صفر آن را ادامه می دهند. سوگواری در ایام اربعین حسینی علیه السلام و برگزاری مجالس در این دو مقطع زمانی (دهه عاشورا و اربعین) ضروری است؛ عزاداری در تمام نقاط شیعه نشین افغانستان برگزار می شود و هیچ حسینیه ای نباید تعطیل بماند.

ایام فاطمیه علیها السلام - سیزده تا پانزدهم جمادی الاول - و شب های قدر (شب های ۲۱،۱۹و۲۳ رمضان) و سه روز آخر ماه صفر، مجالس عزا برپا می شوند. از ایامی که بسیار اهمیت داده می شود شب های قدر است که باید مجالس برگزار شوند. در ایام شهادت امام موسی بن جعفر و دیگر ائمه علیهم السلام حسینیه ها در شهرها فعال می شود و مراسم عزاداری صورت می گیرد. (۱) همچنین عزاداری و روضه خوانی به مناسبت های دیگر برگزار می شود.

ب) ایام عمومی

یک) نذر و حاجت: اشخاصی که نذر کردند، معمولا مجلس خواندن را برپا می کنند و از مردم پذیرایی می کنند.

دو) مجالس ترحیم اموات: اگر کسی بمیرد، مردم پیکرش را بعد از غسل و کفن به حسینیه می آوردند و مجلس برگزار می کنند، سپس بر او نماز می خوانند و دفن می کنند. در بعضی مناطق شیعه نشین چون دایکندی، مجلس دیگری به نام «چهلم» برگزار می کنند و فقط در خانه مرحوم مجالس ختم قرآن برگزار می شود؛ در شهرها در حسینیه ها، مراسم فاتحه عمومی برگزار می شود.

سه) مجالس جمعه: اصطلاحا به «جمعه خوانی» معروف است و در بعضی مناطق

۱- (۱) . سید محمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص۳۱۲.

در روزهـای جمعه و بعضـی شب هـای جمعه مردم در حسـینیه ها جمع می شونـد و این مراسم را برگزار می کننـد؛ گاهی نیز، مراسم در منازل صورت می گیرد.

چهار) مجالس دیگر، مانند مجالس گذر و مجالس دوره خوانی و... نیز، در میان شیعیان رایج است. (۱)

۱. چگونگی برگزاری مجالس عزا

امروزه مجالس پس از جمع شدن در حسینیه با ذکر صلوات آغاز می شود، ولی چند دهه پیش، آغاز مجلس با یک رسم ویژه بود که در اصـطلاح به آن «فکر کردن» می گفتنـد. رسم فکر کردن این گونه بود که شـخص فکر کننـده که نوعـا همـان ختم کننـده مجلس بود، با ذکر صـلوات، چند شـعر در مدح و منقبت اباعبدالله الحسـین علیه السـلام می خواند؛ سـپس همگان برای ارواح شهدای کربلا فاتحه قرائت می کردند. این رسم در بعضی مناطق؛ مانند دره صوف ذکر شده است. مجالس در شهرهای بزرگ؛ مثل: کابل، هرات و مزارشریف با آیات قرآن کریم آغاز می شود.

اولین خوانـدنی (ذاکر) روی نخسـتین پله منبر قرار می گیرد؛ سـپس نـوبت به «دیبـاچه خوان» می رسـد؛ در آخر کـار نوبت به سخنران اصـلی می رسد. معمولاً در مراسم هر چند طلبه که موجود باشند به نوبت می خوانند؛ یک ساعت بین چهار نفر تقسیم می شود تا همه بخواننـد و مردم اسـتفاده کنند و هنگام خواندن نیز کسـی بدون عذرخواهی نمی تواند مجلس را ترک بگوید. (۲)

۲. پذیرایی مجالس (نذرهای ایام محرم)

در دهه عـاشورا پـذیرایی از حاضـران در مجلس بسـیار گسترده صورت می گیرد. معمولاـ هر خـانوار یک گوسـفند برای دهه عاشورا آماده می کند و گاهی دو خانوار، یک گاو ذبح می کنند. در این باره آقای لعلی می نویسد:

«هر فامیـل طبق سـلیقه و اشتیاق خاص خود نـذر و عهـد خود را انجام می دهـد و ذبـح گوسـفند، بز، گاو و گوسـفند جزئی از شعـایر مردم است. علاوه بر مصارف دیگر به صورت سـنت مقـدس تاریخی و نافـذ در سراسـر هزاره جات، بالغ بر یک میلیون راس

۱- (۱) . همان، ص ۳۱۲-۳۱۵.

۲- (۲) . همان، ص ۳۱۵-۳۱۶.

گوسفند و بز و گاو ذبح می گردد.» [(۱)](#) مردم را با آبگوشت پذیرایی می کنند و در بعضی مناطق، از مخلوط گوشت نذری با گندم، حلیم درست می کنند و به مردم می دهند. در مراسم اربعین حسینی معمولا اهالی حسینیه «خرج» جمع آوری می کنند و از جمعیت شرکت کننده، پذیرایی به عمل می آورند. در مجالس «نذر» و «ترحیم اموات»، همان بانی، یا بازماندگان مرحوم، از مردم پذیرایی می کنند. در مجالس دیگر معمولا- پذیرایی با حداقل امکانات صورت می گیرد. به طور کلی، این گونه مجالس در حسینیه های شهرهایی؛ مانند: کابل، مزارشریف، هرات برگزار می شود که پذیرایی کمتر دارند؛ زیرا جمعیت شرکت کننده بسیار است و با کلوچه و کیک و... پذیرایی می کنند.

آسیب شناسی عزاداری: در مراسم عزاداری ائمه معصوم علیهم السلام یا در مراسم عزاداری بستگان و نزدیکان، جمعیت با هر گرایش و هدفی گردهم می آیند و زمینه برای یک مبلغ خوب آماده می شود. هرچند مداحی در مراسم عزاداری امامان معصوم، کاری پسندیده و مقدس به شمار می آید که سبب زنده نگه داشتن حادثه عاشورا می شود؛ امروزه برخی از مداحان افراطی در جامعه ما ظهور کرده اند که آگاهانه و ناآگاهانه دست به رفتارهای آسیب پذیر می زنند؛ از جمله: از اشعار پوچ و بی محتوا در محافل عزاداری استفاده می کنند؛ اشعاری غلو آمیز و مخالف باورهای دینی و مذهبی، که از واژه های آن، بوی شرک استشمام می شود؛ همچنین مسئولیت نشناسی برخی مداحان که از این موهبت خدادادی فقط در یک جهت بهره می گیرند، گویی دیگر وظایفشان را در برابر مردم و جامعه ای که در آن زندگی می کنند به فراموشی سپرده اند. البته این مسئله، صرفا به مداحان بازگشت نمی کند، بلکه اشاره به مبلغین جامعه نیز دارد که فقط هنگامی در برابر مردم احساس مسئولیت دارند که آنها را تامین مالی کنند وگرنه هیچ مسئولیتی را در برابر جامعه نمی پذیرند. این موضوع برای شیعیان افغانستان بسیار خطرآفرین است، در صورتی که مبلغین وهابیت مرز نمی شناسند و در فکر تامین کردن مالی از سوی مردم نیستند، فقط به اهداف خودشان فکر می کنند و در این راه استوارند؛ یعنی در راه ناصواب خویش می کوشند، ما از راه صواب و حق خویش نیز گریزانیم !!

ص:۱۴۶

۱- (۱) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۱۴۳.

۵- نوع لباس

اشاره

پوشش، یکی از جلوه های برجسته فرهنگی، مذهبی، ملی و قومی گروه های انسانی است. در بیشتر موارد، با دیدن لباس افراد می توان تعلقات فرهنگی، مذهبی و قومی آنها را شناخت؛ برای نمونه، مردم افغانستان و پاکستان را با پیراهن بلند و دو دامنه و تنبان گشاد، به منزله لباس مشترک آنها می شناسند.

لباس شیعیان مناطق مرکزی افغانستان بدین صورت است:

الف) لباس مردانه

پیراهن: بلند و دارای دو دامن دراز از دو طرف است. در گذشته پیراهن مردانه فراخ و بلند بود؛ ولی بتدریج کوتاه و تنگ شد.

تنبان: شلوار مردانه بسیار گشاد است؛ کمر آن را با نوار محکمی به نام «ازاربند» یا «شول بند» می بندند.

اسکت (جلیقه): بسیاری از مردان یک اسکت بزرگ بر روی پیراهن خودمی پوشند.

کت: پوشیدن کت نیز در میان این مردم معمول است. در گذشته، کت هایی از «برگ» (پارچه دست بافت محلی از پشم خالص گوسفند است) می ساختند؛ ولی امروزه از این کت، دیگر خبری نیست.

پتو (چادر): تقریبا در همه مناطق کشور، مردان ردایی را که حدود یک متر در دو متر است، بر روی دوش خود می اندازند و اگر هوا سرد باشد، آن را دور خودمی پیچند. در بعضی مناطق به این نوع پوشش، چادر و در مناطق دیگر، آن را «پتو»می گویند.

لُنگی: عمامه در بیشتر مناطق افغانستان رایج است. در گذشته، بسیار معمول و مرسوم بوده، ولی اخیرا در میان شیعیان افغانستان بسیار کمرنگ شده است؛ برخی از مو سفیدان و مردان مسن از آن استفاده می کنند.

کفش: در زمان های قدیم کفش پای افراد محلی به نام «چاروق»، میان شیعیان مرکزی رواج داشت. که از چرم ساخته می شد؛ اما امروزه در همه

ص:۱۴۷

مناطق کشور از کفش های چرمی، پلاستیکی و پارچه ای ساخت داخل و خارج استفاده می شود.

کلاه: بیشتر مردان و پسران افغانستان کلاه بر سر می گذاشتند. (۱)

ب) لباس زنانه

پیراهن: پیراهن زنانه تا زیر زانو بلند است و تنه و دامن آن به صورت یک تکه دوخته می شود که البته تنه آن، به نسبت تنگ و دامن آن گشاد است.

تنبان: شلوار زنانه و مردانه تقریبا شبیه به هم است.

کلاه: زنان در بسیاری از مناطق شیعی کلاه بر سر می کردند. چند نوع کلاه زنانه وجود دارد. در بعضی مناطق، کلاه های بلند می پوشند و در بعضی دیگر، به گونه ای دوخته می شود که موها را می پوشاند و در پشت سر آن دنباله ی است که موهای بلند زن را در خود جای می دهد.

چادر: چادر زنانه به اندازه ای است که سر، بازوان و کمرشان را می پوشاند. زنان روستایی صورت خود را از افراد ناآشنا می پوشانند، نه از نامحرمانی که در خانواده و قریه، همیشه با آنها هستند. زنان نیز اسکت، ژاکت، کت، کفش و جوراب می پوشند. (۲) همان گونه که پیش از این اشاره شد، باورها و عقاید مذهبی در شکل و مدل لباس تاثیر چشم گیری داشته است، ولی انحراف از حدود باورها نیز در سنت و فرهنگ عامیانه دیده می شود؛ برای نمونه، در بیشتر محله های افغانستان؛ از جمله محل های شیعه نشین، موهای زنان کاملا زیر چادر قرار نمی گیرد؛ این وضعیت در لباس زنانی که در شهرها زندگی می کنند بیشتر دیده می شود. به تازگی، بیشتر لباس ها را از خارج، وارد می کنند و استفاده می شود.

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۳۳۶-۳۳۷.

۲- (۲) . همان، ص۳۳۸.

۴- وضع فرهنگی و علمی شیعیان

۱- وضعیت فرهنگی شیعیان

اشاره

این قسمت، وضعیت فرهنگی شیعیان افغانستان را بررسی می کند. در آغاز به مقوله رسانه های جمعی می پردازد و پس از آن، وضعیت تعلیم و تربیت در میان شیعیان و نیز نقش شیعیان در رشد و شکوفایی علوم را بیان می کند.

رسانه های همگانی

اشاره

(۱)

امروزه جوامع گوناگون، وقت زیادی برای خواندن روزنامه، مجله، تماشای تلویزیون، شنیدن رادیو، و ارتباط با فرهنگ های دیگر از راه شبکه جهانی (اینترنت) صرف می کنند؛ رسانه ها، هم می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم، آنها را مخدوش سازند؛ رسانه ها، یکی از منابع تعیین کننده هنجارهای اجتماعی برای افراد جامعه به شمار می روند. (۲) در شرایط جدید، حضور رسانه های شیعیان، در بعضی زمینه ها موفق بوده است. تلویزیون در افغانستان رسانه پر بیننده ای به شمار می آید که تاثیر مثبت و منفی دارد. شبکه های تلویزیونی شیعیان در کابل در حدی مطلوب پا به عرصه گذاشته اند. آنها نیز در عرصه مطبوعات و نشریات شیعیان جمعیت فعالی هستند،

۱- (۱) . Mass media.

۲- (۲) . مجید کافی، مبانی جامعه شناسی، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵، ص۸۵.

به طوری که اغلب نشریات کابل با همکاری شیعیان به حیات خود ادامه می دهند. به تازگی بستر برای رسانه های دیداری و شنیداری نیز فراهم شده است. این رسانه ها تازه کارند و از دوره فعالیت آنان در این زمینه مدت کوتاهی می گذرد. چندین شبکه تلویزیونی به ابتکار شیعیان در کشور ایجاد شده است، این کار گامی مثبت برای پیشرفت جامعه به شمار می آید، تعدد شبکه های تلویزیونی سبب شده است که استفاده از ماهواره کمتر و بازار ویدئو کلوپ ها نیز کم رونق شود. شبکه های تلویزیونی توانسته اند، مخاطب های خود را جذب کنند.

رسانه شنیداری جامعه شیعی، در گذشته، خارج از مرزهای افغانستان به اجرای برنامه می پرداخت، از جمله رادیو دری در مشهد و رادیو هزارگی در کویته پاکستان برای شیعیان افغانستان، برنامه اجرا می کرد. پس از پیروزی مجاهدین، در این زمنیه، تلاش هایی صورت گرفت که می توان به رادیو ولایت بامیان اشاره کرد که از سابقه بیشتری برخوردار است و ایستگاه اولیه آن، در دوره حزب وحدت گذاشته شده بود. همچنین، رادیو جاغوری در ولایت غزنی و نیز رادیو دایکندی در ولایت دایکندی، که این رادیو را در سال ۱۳۸۲ برخی انجیزان از یک موسسه خارجی درخواست کردند و کارهای فیزیکی آن انجام گرفت. در سال ۱۳۸۴ رادیو آریانا در شهر کابل راه اندازی شده است. رسانه های شیعیان به طور کلی به سه دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:

الف) تلویزیون

رسانه تصویری شیعیان افغانستان، تازه تاسیس و با سابقه اندك است. تلویویزن هایی که با شخصیت های شیعه در شهر کابل، فعالیت ها و برنامه های خود را آغاز کردند به این شرح است.

یك) شبکه تلویزیون آریانا: این شبکه خصوصی در سال ۱۳۸۴به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرده است. در ابتدا، دفتر مرکزی آن در پنج شهر بزرگ افغانستان دایر شد؛ اکنون، علاوه بر سراسر افغانستان در بیش از یکصد و هشتاد و پنج کشور جهان، حتی در آمریکا و اروپا، مشاهده می شود. این شبکه از نظر رقابتی با «طلوع»، برابری می کند و برنامه های تولیدی آن نیز، کیفیت خوبی دارد. مدیر این

شبکه علاوه بر اداره این مجموعه، به بازسازی راه ها در مناطق محروم افغانستان نیز توجه کرده است.

دو) شبکه تلویزیون تمدن: آیت الله محمد آصف محسنی، در سال ۱۳۸۶ این شبکه را راه اندازی کرد. برنامه های آزمایشی این شبکه در حال حاضر در آسیا و اروپا مشاهده می شود. ریاست آن در ساختمان اجاره ای، بر مقابل حوزه علمیه خاتم النبیین، در غرب کابل در منطقه کارته چهار قرار دارد. این شبکه، خلاف تمام شبکه های تلویزیونی افغانستان از پخش موسیقی و برنامه های نامتعارف خودداری می کند. برنامه های آن درباره مسائل دینی و مذهبی جامعه مسلمان افغانستان است. تلویزیون خصوصی «تمدن» با اهداف مشخص، سعی بر سالم سازی فضای ناسالم فرهنگی افغانستان دارد و جایگاه مناسبی را در فضای رقابتی فرستنده های تلویزیونی کشور برای خود جستجو می کند. این شبکه خصوصی نیز، مثل همه شبکه های تلویزیونی افغانستان ضعف های ملموسی دارد، ولی این قوت را هم داشته است که بسیاری از شبکه ها را به چالش جدی بکشد تا در امر تولید و پخش برنامه های سازنده اقدام کنند. (۱)

سه) شبکه تلویزیونی راه فردا: این شبکه در سال۱۳۸۶ در کابل آغاز به کار کرد و از شبکه هایی است که از سوی آقای محمد محقق حمایت می شود. این شبکه نتوانسته است در کنار شبکه های حرفه ای جایی برای خود باز کند. تلویزیون راه فردا از کمبود بودجه رنج می برد. آقای محقق در صدد باز کردن راهی برای تمویل این شبکه است. کاربرد مثبت این شبکه در حادثه هجوم کوچی ها در بهسود بود که در قسمت اطلاع رسانی برای مردم خوب عمل کرد.

چهار) شبکه تلویزیونی کوثر: این شبکه خصوصی با حمایت آیت الله نوراحمد تقدسی، یکی از علمای برجسته شیعیان و امام جمعه غرب کابل، راه اندازی و آنتن فرستنده آن نصب شده است. مدیر مسئول این شبکه مذهبی، آقای غلام حسین خرد است و باید افزود که این تلویزیون را آیت الله تقدسی تاسیس و برنامه هایش را در بهار ۱۳۸۸ش در شهر کابل آغاز کرد.

ص:۱۵۱

۱- (۱) . م.س.د، تلویزیون افغانستان از دیروز تا امروز، سایت اینترنتی سوره مهر پایگاه رسمی، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۷.

پنج) شبکه تلویزیونی نگاه: این شبکه تلویزیونی جدید را معاون دوم رئیس جمهور اسلامی افغانستان، محمد کریم خلیلی، با نام «نگاه» در افغانستان راه اندازی کرده است که ریاست آن را عالم خلیلی (۱) و مدیریت مالی آن را حاجی نبی (۲) به عهده دارد؛ این ایستگاه تلویزیونی در حال جذب کادر فنی و پرسنل است. کار ساختمان این شبکه در جریان بوده که اسکلت بندی اش رو به اتمام است، امید می رود که به زودی کار خود را آغاز کند. نگاه، شبکه ای است از سوی حزب وحدت اسلامی آقای خلیلی حمایت مالی می شود. تجهیزات مورد نیاز تلویزیون نگاه، خریداری شده و این شبکه در حال جذب نیروی انسانی است. اکنون شورای۱۲ نفره، کار سیاستگذاری تلویزیون را به عهده دارد؛ «دای فولادی» (۳) و «محمد حسین محمدی» (۴)با این شبکه همکاری دارند. همچنین با تکمیل کادر تلویزیون، قرار است اولین گروه از کارمندان آن برای یک دوره کوتاه آموزشی به هند یا ایران اعزام شوند. ساختمان تلویزیون نگاه، اکنون در غرب کابل (کارته سه) قرار دارد؛ ولی درآینده با آماده شدن مرکز اصلی آن در شهرک سبز به آنجا منتقل خواهد شد. (۵)

شش) تلویزیون بامیان: نقی احسانی تقریبا در سال ۱۳۸۴ش در مرکز بامیان این تلویزیون را به صورت خصوصی راه اندازی کرد. آمریت رادیو و تلویزیون در بامیان بیشتر به تقویت رادیو و تلویزیون ملی می پردازد و توجهی به رسانه خصوصی ندارد. این تلویزیون بیش از سه سال است که رئیس ندارد و آقای ناصر سیف، کارمند با سابقه آن، سرپرستی این تلویزیون را به عهده دارد.

ب) رادیوها

یک) رادیو راه فردا: این رادیو وابسته به تلویزیون راه فرداست که توضیح آن گذشت.

۱- (۱) . پسر استاد خلیلی.

۲- (۲) . برادر استاد خلیلی.

۳- (۳) . نویسنده و تحلیل گر مسائل سیاسی و اجتماعی.

۴- (۴) . نویسنده و تحصیل کرده امور سینمایی.

۵- (۵) . نما پایگاه انیترنتی نهضت مدنی افغانستان، www.noma-afq.org.

دو) رادیو نگاه: این رادیو نیز از زیر مجموعه های تلویزیون نگاه است.

سه) رادیو بامیان: این شبکه شنیداری را موسسه انترنیوز راه اندازی کرده است و مسئول آن، علی عرفان، کارمند سابق رادیو دری مشهد است. این رادیو به دلیل کوهستانی بودن مناطق، فقط تا شعاع ده کیلومتری دریافت می شود.

چهار) رادیو دایکندی: این رادیو را نیز موسسه انترنیوز با صاحب امتیاز مشترک محمد حسین علیزاده و محمد رجا و مدیرمسئول دومی در شهر نیلی، مرکز ولایت دایکندی در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۳ش با ۶ نفر کارمند راه اندازی شده است. این رادیو، آزاد، مستقل و غیر دولتی است و دوازده ساعت، در موضوعات آموزشی، حقوق بشر، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، صحت(بهداشت)، زنان، سرگرمی و تفریحی روی موج اف ام برنامه پخش می کند و محبوب ترین رادیو در دایکندی است.

پنج) رادیو جاغوری: این رادیو در سنگماشه، مرکز جاغوری قرار دارد؛ در روز ده ساعت برنامه در زمینه های گوناگون پخش می کند و دارای ۸ کارمند است. در غنی سازی برنامه های این رادیو مردم نیز همکاری شایسته ای دارند. این رادیو حدود ۸۰ درصد نواحی جاغوری را پوشش می دهد. (۱)

نیازمندی جامعه شیعه به افراد مجرب در زمینه های صوتی و تصویری بسیار جدی است. مسئولان آگاه باید در این عرصه گام هایی بردارند تا بتوانند برخی افراد را برای تربیت کادر فنی و در زمینه های رادیو و تلویزیون به صورت مجری، گزارشگر، تحلیل گر به کشورهای خارج بورسیه کنند.

رسانه در هر کشور دارای اهمیت است؛ اکنون، در عصر ارتباطات، رسانه نقش بسیار مهمی در تقویت مقتدر شدن جوامع دارد؛ اگر شیعیان بتوانند برای شکوفایی و اعتلای جامعه خویش، از این اهرم استفاده مناسب کنند، می توانند دستاوردهایی همانند احیای هویت، فرهنگ و باورهای دینی خود را در پی داشته باشند. این گونه رسانه ها کار دولت را نیز مشکل ساختند؛ زیرا اگر دولت بتواند رسانه های ملی خود را در این آشفته بازار رسانه ای، آن هم از نوع تصویری تقویت کند، به سوی منافع ملی و

۱- (۱) . علی اکبر شریفی(رهگذر)، رسانه های شیعیان، www.shiaonline.net.

همبستگی بین اقوام گام برداشته است، وگرنه شبکه های خصوصی برای تامین منافع خودشان هر کاری را انجام می دهند؛ حتی اگر این منافع در از هم گسستگی و جدایی اقوام و مذاهب افغانستان نهفته باشد. تقویت رسانه ملی افغانستان، هم تقویت دولت و هم تقویت ملت عزیز این کشور است.

در مجموع، تعداد شبکه های فعال و در حال فعال شدن تقریبا به بیست کانال تلویزیونی می رسند. این شبکه ها در ترویج اندیشه های تمویل کنندگان خویش به کار گرفته شده اند و این مسئله حاکی از آن است که علاقه مندی های جامعه افغانستان گوناگون هستند. در برخی موارد فعال شدن این گونه، رسانه نشان از آن دارد که بتواند همگام با فضای موجود، ادامه حیات دهد. گرچه کمبود برق سبب می شود که علاقه مندان، نتوانند برنامه ها و سریال های مورد نظر خویش را به صورت درست پی بگیرند. در همین حال، تعداد زیادی از شبکه های رادیویی نیز در سطح افغانستان و شهرهای بزرگ به پخش برنامه می پردازند که به طور عمده، ادامه کارشان به کمک های خارجی بستگی دارد.

ج) مطبوعات (نشریات)

رسانه های نوشتاری در افغانستان، به اندازه رادیو و تلویزیون پر مخاطب نیستند. گرچه نشریات در کشور پر تعداد است، هر جریان و سازمانی ویژه خود، نشریه دارند. مخاطبان نشریات، از قبیل: روزنامه، هفته نامه و مجله ها را افراد خاصی تشکیل می دهند. روزنامه ها معمولا به اداره ها و وزارتخانه ها فرستاده می شوند. در مقایسه با گذشته، روزنامه ها از لحاظ محتوا حرفه ای تر شده اند، اما کیفیت کاغذ پایین و تعداد صفحات محدود است. دکه فروش روزنامه و نشریات در سطح شهر کمتر به چشم می خورد. (۱) احزاب و سازمان های غیر حکومتی (N.G.O) که دارای روزنامه، مجلات و هفته نامه های متعددی هستند اغلب، نشریات را رایگان پخش می کنند. در آغاز، به سازمان ها و اداره ها و پس از آن، میان افراد و شخصیت های سیاسی، فرهنگی و...توزیع می کنند.

شیعیان افغانستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با آغاز جنبش های رهایی

۱- (۱) . نبی قانع زاده، کابل که من دیدم (قسمت آخر) www.arman.ir.

بخش در کشور توانستند برخی موانع فکری و فرهنگی خویش را برطرف کنند و سرنوشتشان در عمل به دست خودشان افتاده بود. از آغاز انقلاب تا کنون، بیش از ۳۰ سال می گذرد که این گروه قومی و مذهبی رشد صعودی داشته است و در همین مقطع زمانی یاد شده، در عرصه های مختلف شایستگی شان را به اثبات رسانده اند؛ هم اکنون نیز به نظر کارشناسان فرهنگی حداقل ۵۰ درصد مطبوعات افغانستان به دست آنها تولید، تغذیه و اداره می شود؛ افزون بر آن، بهترین و با کیفیت ترین نشریات نیز متعلق بدین گروه قومی و مذهبی است. به نظر سید عسکر موسوی، هزاره ها نخستین نشریه مستقل خودشان، غرجستان را منتشر کردند و در آن، آزادانه از حکومت وقت انتقاد می کردند، بلکه برای اولین بار تبعیض غیر انسانی تحمیل شده بر خود را طی سالیان دراز از سوی پشتون های حاکم مورد بحث قرار دادند.

یک) روزنامه ها

روزنامه افغانستان www.dailyafg hanistan.com

این روزنامه، از زیر مجموعه «گروه روزنامه های افغانستان» است که صاحب امتیاز آن، دکتر حسین یاسا از نظر سیاسی به آقای محقق نزدیک است و مدیر مسئول آن، محمود حکیمی نام دارد. این روزنامه، نخستین اولین روزنامه شیعیان در کشور است و به زبان های دری(فارسی) و پشتو با تیراژ ۴۸۰۰، به طور مرتب و فعال نشر می شود و نیز نخستین روزنامه ای است که نسخه الکترونیکی آن، همزمان، در پایگاه اینترنتی این روزنامه قرار می گیرد.

روزنامه آوتلوک افغانستان www.outlook afghanistan.net

این روزنامه به زبان انگلیسی نشر می شود و از زیر مجموعه «گروه روزنامه های افغانستان» است. روزنامه آوتلوک در بیشتر سفارت های کشورهای خارجی، موسسات غیر دولتی، آژانس های سازمان ملل، استادان و دانشجویان دانشگاه ها، کارمندان بخش های دولتی و غیر دولتی، مسافران و جهانگردان خارجی که از افغانستان بازدید می کنند، اداره های دولتی، نهادهای آموزشی، نهادهای اجتماعی، شرکت های تجارتی، نیروهای خارجی و... در کابل توزیع می شود.

روزنامه راه نجات www.rahenejatdaily.com

این روزنامه، به سید حسین عالمی بلخی، نماینده شورای ملی وابسته است و به زبان های پشتو، دری و شاید انگلیسی، مطلب نشر می کند.

هفته نامه صحیفه www.sahifaweekly.com

این هفته نامه، به حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان به رهبری محمد اکبری، نماینده مردم بامیان در پارلمان کشور اداره می شود. مدیر مسئول آن، سید زکریا راحل می باشد. (۱)

هفته نامه سروش ملت www.voiceadalat.com

این هفته نامه، به بنیاد عدالت و توسعه به ریاست دکتر جعفر مهدوی وابسته است. مدیر مسئول این نشریه، به عهده عبدالطیف نظری می باشد. این هفته نامه، از سال ۱۳۸۶ش به جمع مطبوعات افغانستان پیوست.

هفته نامه مشارکت ملی www.wahdat.net

این هفته نامه، بسیار فعال و پر محتوا و از مجموعه ارگان نشریاتی حزب وحدت اسلامی افغانستان به شمار می آید. شاید علت محافظه کار بودن این نشریه را بتوان حضور آقای محمد کریم خلیلی، رهبری حزب مذکور در مقام معاون دوم رئیس جمهوری در کابینه دولت دانست و به همین سبب، خیلی موضع تند انتقادی علیه کارکرد دولت نمی تواند بگیرد. مطالب آن به دو زبان دری و پشتو منتشر می شود. مدیر مسئول این هفته نامه، حفیظ الله زکی و سردبیر آن، اسدالله سعادتی است.

هفته نامه اقتدار ملی www.eqmweekly.com.af

حزب اقتدار ملی افغانستان به رهبری سید علی اکبر کاظمی، این هفته نامه را نشر می کند. مدیر مسئول آن، سید محمد علی رضوانی است. اقتدار ملی، یکی از هفته نامه های فعال به شمار می آید و در موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی، حقوق بشر و... به نشر مطالب می پردازد. این هفته نامه در سال ۱۳۸۲ش برنده جایزه ای از طرف کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، به دلیل انعکاس مسایل حقوق بشری شده است.

هفته نامه انصاف www.ensafweekly.com

یکی دیگر از هفته نامه هایی که شیعیان منتشر می کنند هفته نامه انصاف، وابسته به

۱- (۱) . علی اکبر شریفی(رهگذر)، رسانه های شیعیان، (www.shiaonline.net).

خبرگزاری صـدای افغـان (آواپرس) است. بـا توجه به اینکه این هفته نامه، منبع خبری به نسـبت قوی ای دارد، روشن است که دست کم از نظر خبری از دیگر هفته نامه ها ممتازخواهد بود.

هفته نامه بهار: صاحب امتیاز، سـید انور اعلا رحمتی. مدیرمسئول، سید حسین موحد بلخی. این هفته نامه در ۸ صفحه، در قطع ۳۰ علیه السلام ۵۰ منتشر می شود و از نظر سیاسی، میانه روست.

هفته نامه وحدت ملی: صاحب امتیاز آن، علی اکبر قاسـمی و مدیرمسـئول آن بر عهده حسین رحمتی است. این هفته نامه در ۸ صفحه و در قطع ۳۰ علیه السلام ۵۰ منتشـر می شود. وحدت ملی از نظر سیاسـی موضع انتقادی دارد، ولی از سـطح متوسـطی برخوردار است. مجموع هفته نامه های فعال شیعیان افغانستان که در کشور انتشار می یابد همین تعداد است.

دو) خبرگزاری ها

خبرگزاری ها در وابسـتگی رسانه ها در زمینه اخبار و گزارش ها نقش ممتاز و اساسـی دارنـد و در اصول، رسانه ها بدون اتکا به خبرگزاری هـا نمی تواننـد بخش هـای خبری خود را اداره و تـامین کننـد؛ زیرا این کـار از نظر اقتصـادی، نیروی انسانی و... برای رسـانه ها به صـرفه نخواهـد بود. جامعه تشیع و هزاره افغانسـتان در کنار خبرگزاری های دولتی کشور، اقـدام به تاسـیس خبرگزاری هایی کرده اند که در نوع خود، کار بسـیار اساسی و بنیادی به حساب می آید. رسانه های داخلی را تغذیه می کند و نیز می تواند مظلومیت و فریاد حق طلبی خود را به گوش دیگران برساند.

خبرگزاری صدای افغان (آواپرس) www.avapress.com

خبرگزاری صـدای افغان(آوا) اولین رسانه از این دست است که پس از سـقوط طالبان و بر سـرکار آمـدن حاکمیت جدید، به صـورت غیردولـتی تاسـیس شـد. این خـبرگزاری را سـید عیسـی حسـینی مزاری در ۲۶ حـوت ۱۳۸۰ در شـهر کابـل بنـا نهاد. خبرگزاری آوا اکنون در افغانسـتان یکی از خبرگزاری های مهم و تاثیرگـذار به شـمار می رود و همه برنامه های خبری آن را دفتر مرکزی در کابل هدایت می کند. اخبار داخلی، علاوه بر دفتر مرکزی کابل، از دفاتر پنج گانه هرات، مزارشریف، بامیان،

جلال آباد و قندهار به دست می آید. خبرگزاری صدای افغان(آوا) اولین رسانه افغانی است که در کشورهای ایران، پاکستان و بعضی کشورهای اروپایی و آمریکایی نمایندگی و همکارانی دارد که در بخش تامین اخبار خارجی، آن را یاری می رسانند. گزارش ها و اخبار این خبرگزاری به زبان های پشتو و دری منتشرمی شود.

خبرگزاری افغان ایرکا www.afghanirca.com

یکی دیگر از خبرگزاری هایی که به دست شیعیان راه اندازی شده افغان ایرکاست. بانی و صاحب امتیاز این خبرگزاری، محمد حسن جعفری، رئیس مجمع فرهنگی انقلاب اسلامی افغانستان و دبیرکل حزب رفاه ملی افغانستان است. به نظر می رسد این خبرگزاری به گستره و فعالیت «آوا» نیست، ولی امید می رود که در آینده، گسترده و فراگیر و فعال تر شود. (۱)

تصویر شماره (۴) کتاب فروشی رسالت

ص:۱۵۸

۱- (۱) . همان.

تحولات چشم گیری در صنعت چاپ و انتشار رخ داده است. تقریبا یک صد مطبعه(چاپخانه) در سطح افغانستان، آغاز به کار کرده است.

عرضه محصولات فرهنگی، مانند کتاب بیشتر شده و بازار کتاب فروشی رونق گرفته است. در بازار کتاب، اغلب کتاب ها با چاپ ایران عرضه می شود؛ در کنار اینها تعداد معدودی کتاب های چاپ افغانستان نیز، جلب توجه می کند که می توان آن را گامی مثبت در زمینه چاپ کتاب به شمار آورد. در یک جمع بندی منصفانه درباره فرهنگ مطالعه و پژوهش، باید گفت تعداد انگشت شماری از جامعه افغانستان به این امر اهتمام می ورزند: دانش آموزان که در موسسات عالی به تحصیل می پردازند، صاحبان قلم و جراید؛ همچنین افرادی که در این کشور با مسائل سیاسی و اجتماعی سروکار دارند.

وضعیت معارف و آموزش کشور: هنوز در مرکز کابل مکاتبی وجود دارند که شاگردان آن در زیر خیمه درس می خوانند؛ این در حالی است که وزارت معارف، خود را یکی از وزارت خانه های موفق افغانستان می شمارد؛ گرچه اقدامات و فعالیت های شایسته این وزارت در زمینه مواد درسی گروه های جهت تدوین وتالیف متون درسی مصروف هستند. نتیجه کاری این گونه تلاش ها چاپ بعضی مضامین تعلیمی جدید است که در مقایسه با مواد درسی که پیش از این استفاده می شد، هم از نظر کیفیت کاغذ و هم از نظر محتوا بهترند. در زمینه تحصیلات عالی و دانشگاهی؛ به ویژه پوهنتون کابل، در دوره های گذشته در این مرکز علمی، بیشتر افرادی تحصیل می کردند که از طبقه اشراف و بالا یا متوسط جامعه افغانستان، امکان تحصیل برایشان فراهم بود؛ اکنون پس از تحولات سیاسی در این چند سال جهاد و تجربه تلخ حاکمیت طالبان و به وجود آمدن حکومت مرکزی، این معادله کاملا به هم ریخته است. حالا از همه قشرها و اقوام موجود در افغانستان در کنار هم و باهم در این گونه مراکز دانشگاهی تحصیل می کنند. هنگامی که وارد محوطه زیبا و سرسبز پوهنتون کابل می شوی که نگاه هر بیننده را به خود جلب می کند. می بینی که مشتاقان علم و دانش را قشرهای گوناگون تشکیل می دهند. جالب است که هر قشر و قوم را از طرز لباس پوشیدنشان تشخیص می دهی. هر محصل با همان فرهنگ و لباس کشوری که قبلا بوده است، در محوطه دانشگاه مشاهده می شود. در کل، طرز پوشش خانم ها در مقایسه با گذشته متفاوت تر

شده است؛ در گذشته، بیشتر خانم ها مقید به استفاده از چادری (بقره برقع) آن بودند،

ولی اکنون به آن فرهنگ پای بند نیستند.

آموزشگاه های زبان انگلیسی و کامپیوتر و... در بعضی نقاط شهر به آموزش می پردازند. وقتی از انگیزه های کسانی که در این مراکز مشغول یادگیری هستند بپرسی جواب درست و حسابی ندارند. تعداد کمی از آنها می گویند که مترجم خواهیم شد، یا شاید هنگامی که به کشورهای خارجی رفتیم به دردمان بخورد. (۱)

د) شبکه های ارتباطی(تلفن همراه)

در بخش شبکه ارتباطی (موبایل) افغان بیسیم که نخستین عرضه کننده محصولات شبکه ماهواره ای است، شبکه ماهواره دیگری به نام روشن وجود دارد و بیشتر شهرهای کشور را خدمات - رسانی می کند.

یک) شرکت افغان بیسیم (۲)

نخستین شبکه تلفن همراه که در کابل آغاز به کار کرد و با توجه به بازار بکر پیش رو، دامنه توسعه آن به اغلب شهرهای کشور رسید. شرکت مخابراتی افغان بیسیم، نخستین عرضه کننده خدمات GSM در افغانستان، در ارائه خدمات بهتر مخابراتی پیشتاز بوده است. افغان بیسیم، برنامه هایی بلند مدت برای آینده مخابرات افغانستان دارد. این شرکت را رئیس جمهور(حامد کرزی) در اپریل سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ه- ش) افتتاح کرد.

این شبکه، با عرضه کردن خدمات مخابراتی موبایل و اینترنت در افغانستان، کاری مهم و تاریخی را انجام داده است. این شرکت تلاش دارد تا موانع مخابراتی با توسعه خدمات جدید و گسترش آن، افغانستان را تحت پوشش مخابراتی قرار دهد. افغان بیسیم یک شرکت خصوصی است، که انجنیر احسان الله بیات، آن را تاسیس کرده است؛ با این دیدگاه که افغانستان را به وسیله تکنولوژی مدرن با جهان مرتبط سازد. این شرکت، برای تامین آینده بهتر کشور در برنامه های بلند مدت، متعهد است. افغان بیسیم، قراردادی ۱۵ ساله با وزارت مخابرات افغانستان که ۲۰ درصد سهم شرکت به آن تعلق دارد، منعقد کرده و متعهد به عرضه خدمات بهتر و مبتکرانه به مشترکین این شرکت شده است. (۳)

۱- (۱) . بنی قانع زاده، کابل که من دیدم (قسمت آخر).

۲- (۲) . Afghan wireless.

۳- (۳) . سایت بیسیم افغان www.afqhan-wireless.com .

تصویر شماره (۵) آنتن افغان بیسیم

دو) شرکت روشن (۱)

دومین شـرکت تلفن همراه در افغانستان وارد بازار شد. روشن، یک شرکت چند ملیتی است که با سرمایه بنیاد آغاخان فعالیت خود را آغاز کرده است. ورود این شـرکت چنـد ملیتی در عرصه مخابرات، سـبب شـد تا رونـد رشـد و توسـعه این صـنعت در افغانسـتان سـرعت بیشتری بیابـد. رقابت آزاد میان دو شـرکت افغان بیسـیم و روشن سـبب کاهش قیمت ها و رونق روند توزیع سیم کارت در کشور شد. همچنین موجب شد که دو شرکت برای پوشش بیشتر و جلب مشتری به تسلط سراسری در افغانستان فکر کنند.

توزیع سیم کارت و خدمات رایگان

رقـابتی شـدن بـازار سـرویس تلفن و ارتباطات در افغانسـتان، منجر به این شـد بعضـی شـرکت های موبایل برای جلب رضایت مشتری، ارائه خدمات رایگان را نیز مد نظر قرار دهند. از چندی پیش، در پی افزایش رقابت میان شـرکت های خصوصی تلفن همراه در افغانسـتان، توزیع رایگـان سـیم کارت نیز آغاز شـد. مـدتی است شـرکت افغان بیسـیم اعلام کرد که همه شـهروندان افغانسـتان می توانند سـیم کارت این شـرکت را به صورت رایگان دریافت کنند. رقابت فشرده میان شرکت های خدمات تلفن همراه در افغانستان، سبب پایین آمدن

۱- (۱) . Roshan.

هزینه های مکالمات می شود. هم اکنون شرکت های نامبرده که بیش از ۱۶۰ شهر افغانستان را تحت پوشش دارند در تلاشند تا با ارائه خدمات جانبی از قبیل پیام کوتاه (sms) و محاسبه قیمت مکالمه به صورت ثانیه، خدمات بیشتری را به مشتریان ارائه کنند.

شرکت تلفن همراه روشن در افغانستان به ارائه خدمات اینترنتی به صورت آزمایشی از طریق تلفن همراه پرداخته است. این شرکت، خدمات اینترنتی (GPRS) خود را برای مشترکینش ارائه می کند؛ از این پس، آنها می توانند نامه های پست الکترونیکی خود را از طریق تلفن همراه دریافت و به دوستان خود ارسال کنند و نیز می توانند از طریق شبکه اینترنت از آخرین اخبار در جهان، آگاه شوند. (۱)

لیست برخی انجینران که در شبکه های تلفن همراه (افغان بیسیم و روشن) کارهای فنی انجام می دهند، عبارت اند از:

جدول شماره (۲۱) برخی از انجینران - افغان بیسیم و روشن

۲- وضعیت تعلیم و تربیت شیعیان

اشاره

تعلیم و تربیت به روش سنتی و به صورت مکتب خانه در بسیاری از مناطق شیعی وجود داشته است. در گذشته، مکتب خانه ها و مدارس علمی شیعه ها جایگزین نظام آموزشی بوده و عملکرد این دو نهاد در زمینه سواد آموزی احکام و معارف دینی بسیار مثبت و سازنده بوده است. در گذشته که نظام تعلیم و تربیت رسمی وجود نداشت، مکتب خانه ها افزون بر آموزش عمومی، وظیفه تربیت مقدماتی عالمان دینی را نیز به عهده داشتند. شاگردان مستعد مکتب خانه ها پس از فراگیری سواد و مقدمات علوم

ص:۱۶۲

۱- (۱) . مختار هانی، نگاهی به روند توسعه ارتباطات و مخابرات در افغانستان، ۱۱ / ۵ / ۱۳۸۶ - سایت آرمان.

متداول، برای ادامه تحصیل به مدارس علمیه می رفتند. در مناطق شیعه نشین در دهه های اخیر نیز مکتب خانه ها همین نقش را کم و بیش ایفا می کردند. آقای بختیاری در این مورد می نویسد:

«...میزان با سوادی در میان مردان به ۷۰ درصد می رسد که سهم مکتب خانه ها در آن بیش از ۹۰ درصد است. یعنی زمانی که مدارس دولتی کمتر از ۱۰ درصد پسران را تحت پوشش آموزش قرار می داد، مکتب خانه ها به بیش از ۶۰ درصد پسران علم می آموختند.» (۱)

مکتب خانه ها در گذشته، مانند نداشتند و کارکرد آنان برابر با شرایط زمانه، بسیار عالی و چشمگیر بود. برای مدتی مکتب خانه ها در کنار مدارس، در مقام یک رقیب به کار خود ادامه می دادند.

شیوه تعلیم و تربیت شیعیان

اشاره

شیعیان در افغانستان دارای روش های آموزشی بودند که اولین روش آن، مکتب خانه و پس از آن، مدارس علوم دینی است. شیعیان افغانستان با بهره از فرهنگ غنی خویش که ریشه در اسلام دارد به نظام آموزش سنتی اسلامی به نام مکتب دسترسی داشتند. این شیوه آموزش که در خارج از دنیای اسلام کمتر شناخته شده است، برگرفته از آثار و یافته های محققان مسلمان طی۱۴ قرن گذشته و یکی از عالی ترین دستاوردهای تمدن اسلام است. خلاف تصوری که درباره نظام آموزشی مکتب، هم در غرب و هم در بعضی کشورهای اسلامی وجود دارد، این گونه مراکز، منحصرا به مطالعه اسلام و متون مذهبی اختصاص نداشت. در بسیاری از همین مراکز بود که متون تمدن های قدیمی یونان، هند و چین را به عربی ترجمه و مطالعه می کردند. موضوعات گونان علوم، از فلسفه گرفته تا مذهب، از منطق و ادبیات گرفته تا فیزیک، شیمی، ریاضیات، پزشکی، و روانشناسی و... تدریس می شد. دانشمندان بزرگ جهانی، چون بوعلی سینا، فارابی، مولوی، ابوریحان و بسیاری دیگر از اندیشمندان از این مراکز علمی برخاستند. (۲) مکتب خانه قدیمی ترین پایگاه آموزش و پرورش در بیشتر کشورهای اسلامی بوده و در

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۲- (۲) . سید عسکر موسوی، هزاره های افغانستان، ص ۲۲۴.

بسیاری از کشورها از بین رفته است. در افغانستان تا مدت ها این نظام آموزشی، استوار بود تا اینکه نظام آموزشی رسمی کشور شروع به فعالیت کرد. نظام تعلیم و تربیت جدید جایگزین نظام تعلیم و تربیت مکتب خانه شد، ولی نظام آموزشی مکتب خانه، در میان شیعیان افغانستان مرسوم و معمول بود و در بعضی مناطق، تا این اواخر ادامه داشت؛ اما امروزه در افغانستان، از این نظام آموزشی خبری نیست. مکاتب (مدارس دولتی) در سراسر کشور فعالیت دارند و حتی کورس حیات برای افراد بی سواد در دورترین نقطه افغانستان برگزار شده است و به طور عالی از این گونه فعالیت های آموزشی استقبال می شود.

۱– مکتب خانه

پسران در مکتب خانه، با مقدمات علوم دینی آشنا می شوند، افرادی که استعداد لازم را برای ادامه تحصیل علوم دینی از خود نشان می دهند، برای ادامه تحصیل به مدارس علمیه محلی می روند. بدین ترتیب، مکتب خانه به نوعی خاستگاه اصلی علما و روحانیان است؛ زیرا بیشترین افراد را در مدارس علوم دینی تشکیل می دهند. از آنجا که مکتب خانه ها به شکل سنتی اداره می شوند، دختران در آنان حضور بسیار کم دارند. افزون بر این، عرف جامعه اجازه نمی دهد که دختران بالغ به مکتب خانه بروند. از این رو، دختران اندکی در مکتب خانه به تحصیل می پردازند و سطح تحصیلات شان از پسران، پایین تر است.

الف) نظام آموزشی مکتب خانه

مواد درسی مکتب خانه ها به روخوانی فارسی، قرائت قرآن کریم، احکام فقهی و ادبیات عرب محدود می شود. این یادآوری لازم است که بیشتر دانش آموزان از دو موضوع نخست فراتر نمی روند؛ زیرا وقتی خواندن فارسی و قرائت قرآن کریم را پشت سر گذاشتند، مکتب خانه را ترک می کنند و وارد بازار کار خانوادگی و محلی می شوند. از سوی دیگر، درس های عربی فقط بر اساس یک سنت باقی مانده، و تنها برای دانش آموزانی مفید قرار می گیرد که در مراحل بعد وارد مدارس علمیه شوند و به ادامه تحصیل علوم دینی پردازند.

همان گونه که پیش از این اشاره شد، استاد مکتب خانه، اصول دین و احکام فقهی را به زبان ساده به دانش آموزان می آموزد. برای مثال، اصول پنج گانه دین و مذهب، صفات سلبی و ثبوتی خداوند، فروع دین (نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری)، احکام نماز (مقدمات نماز، مقارنات نماز، شکیات و سهویات نماز)، نجاسات و مطهرات، به طور معمول در مکتب خانه به دانش آموزان آموخته می شود. (۱) نقش مکتب خانه ها در تبلیغ و ترویج دین و گسترش معارف دینی بسیارند. سطح معارف دینی که در مکتب خانه تدریس می شود پایین است و معلمان مکتب خانه ها توانایی چندانی برای آموزش سطح عمیق تر آن ندارند؛ ولی از آنجا که این آموزش در سنین کودکی و برای مدت طولانی به صورت تکراری انجام می شود، تاثیر ماندگاری بر ذهن دانش آموزان بر جای می ماند، به طوری که آنها در بزرگسالی حجم وسیعی از این معلومات دینی را فراموش نمی کنند. یکی دیگر از برنامه های مکتب خانه ها، آموزش خط فارسی است. شاگردان، تخته چوبی، قلم و دوات را که وسایل اصلی خطاطی به شمار می روند، از منزل به مکتب خانه می برند و در ساعات معین مشغول خطاطی می شوند. آموزگاران که خط خوش دارند، برای یک یا چند نفر سر مشقی می نویسند و آنها موظفند که به دقت از روی آن مشق کنند. پس از آنکه دانش آموزان مشق های خود را تکمیل کردند، آنها را به نوبت نزد معلم مکتب می برند و استاد مشق ها را با دقت مشاهده می کند، کنار هر کلمه ای که خوب مشق نشده، صورت درست تر آن را مشق می کند. (۲) دانش آموزان نیز باید کلمات را چند بار بنویسند. از آنجا که دانش آموزان در کنار درس های خویش برنامه ندارند، تعلیم خط، هم املا و آموزش مشق فارسی و هم، آموزش خوشنویسی به شمار می آید. در مکتب خانه ها سواد، احکام دینی و خط آموخته می شود.

ب) شیوه اداره مکتب خانه

مکتب خانه ها در مساجد هر قریه، یا در منازل مسکونی و حسینیه ها و تکایا، در مناطق مرکزی افغانستان (که «منبر» نامیده می شود) تشکیل می شوند. اهالی قریه برای

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۳۷-۲۴۰.

۲- (۲) . همان، ص ۴۰.

استخدام ملا- یا روحانی محل به طور قرار دادی در ازای مقدار معینی گندم، یا پول نقد به مدت یک سال مسئولیت اداره مکتب خانه و آموزش را به عهده ملا- (روحانی) می گذارند. او وظیفه دارد به کودکان و نوجوانان قریه علم بیاموزد، صیغه های نکاح و طلاق را بخواند، و دفن و کفن اموات قریه را انجام دهد. در بیشتر مناطق، اداره مکتب خانه و تعلیم و تربیت کودکان، وظیفه مهم و اصلی ملای قریه به شمار می آید. مکتب خانه ها در هفته، پنج روز (از شنبه تا چهارشنبه) بازند. روزهای پنج شنبه و جمعه، ایام تعطیل مکتب خانه هاست. شاگردان در طول هفته موظفند آنچه را که خوانده اند در روز چهارشنبه که آخرین روز درسی هفته محسوب می شود، به صورت شفاهی امتحان دهند. آنها از آغاز صبح که به مکتب خانه می آیند، در اتاق درس بر روی زمین می نشینند و به درس خواندن مشغول می شوند. آنها تا ظهر باید با صدای بلند درس های خویش تکرار کنند. هنگام ظهر، برای خواندن نماز و صرف غذا به مدت یک الی دو ساعت، درس تعطیل می شود؛ سپس بار دیگر کلاس درس تشکیل می شود و تا پایان عصر ادامه پیدا می کند. در مجموع، روزانه حدود هفت تا هشت ساعت مکتب خانه دایر است و شاگردان در روز، یک نوبت یا دو نوبت از استاد خویش درس می گیرند. (۱)

۲- مدارس علوم دینی

مدارس علوم دینی را در افغانستان مدرسه می نامند که علمای دینی برای تعلیم و تربیت روحانیان و طلاب علوم دینی، تاسیس و اداره می کنند. در گذشته، مدارس علمیه، عالی ترین موسسات علمی به شمار می رفتند، و کارکردهای بسیاری را در رشد و توسعه علوم و پرورش و آموزش شخصیت های برجسته انجام می دادند؛ ولی امروزه نهاد دیگری به نام «دانشگاه» وظیفه مدارس علوم دینی را بر عهده گرفته است؛ یعنی آموزش بسیاری از رشته های علمی را در برنامه های خودش دارد، ولی مدارس علمیه، تنها به منزله عالی ترین مؤسسات علوم دینی مطرحند. (۲) در مدارس علوم دینی، تحصیلات عالی تر مد نظر است؛ زیرا تحصیلات ابتدایی، از قبیل: آموختن سواد دری،

۱- (۱) . همان، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۲- (۲) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۳۴۳.

خوانـدن قرآن کریم، عقایـد و شـرح حلال و حرام و... در مکتب خـانه هـا آموزش داده می شود؛ اما در مـدارس علوم دینی، نصاب تعلیم و تربیت بالاتر از نصاب تعلیمی مکتب خانه است.

افرادی که در مـدارس علمیه تحصـیل می کننـد تا به مرحله عالی تر برسـند، در ایام مـذهبی به قریه های اطراف می رونـد و به تبلیغ و ترویـج احکام، اخلاق و عقاید و آموزش معارف دینی می پردازند. پس از تخریب حسـینیه ها، تکایا و مدارس شـیعیان به فرمـان امیر عبـدالرحمان خـان، فعـالیت های دوباره مـدارس علوم دینی را در افغانسـتان، مقارن با مرگ نادرخان (نادر شاه) دانسته اند. آقای دولت آبادی درباره آغاز فعالیت های دینی و فرهنگی شیعیان افغانستان می نویسد.

«آغاز دوباره فعالیت، روشـنی بخش فرهنگی (پس از مرگ نادرشاه) در این منطقه است. از این تاریخ به بعد علاوه بر مدارس (علمیه)، تکیه خانه های هزاره جات، تکیه خانه های شـهر کابل، مزارشـریف، هرات و قندهار نیز رونق تازه می یابند و کم کم دروس ابتدایی (مکتب خانه) مساجد، به سطح مدرسه (علمیه) کشیده می شود.» (۱)

آقای اخلاقی درباره مدارس علمیه شیعیان در شهرها چنین می نویسد:

«آیت الله سـید علی احمـد حجت مدرسه و تکیه خانه ای درست نمود، برای اولین بار، پس از وی آیت الله سـید سـرور واعظ، آیت الله شیخ محمد امین افشار...و شمار دیگری از علمای کابل، از جمله شاگردان مرحوم حجت بودند.» (۲)

مـدارس علمیه شـیعیان در شـهرهای افغانسـتان در اواخر حکومت محمد ظاهر شاه رشد و گسترش یافت. در اینجا از بیان آمار، ویژگی هـا و اسـامی مـدارس دینی شـیعه برای رعـایت اختصـار صـرف نظر می شـود. اولیـور روا، نویسـنده خـارجی در زمینه بازگشایی مدارس دینی تشیع در مرکز ولایات این گونه می نویسد:

«در سال های ۶۰ چنـدین مدرسه علوم دینی از سوی شـیعیان در ولایات افتتاح شد و مدارس شـهرها نوسازی شدند. در هزاره جات، سید بهشتی به افتتاح مدرسه تخت

۱- (۱) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص ۴۶۶-۴۶۷.

۲- (۲) . محمد اسحاق اخلاقی، هزاره ها در جریان تاریخ، ص ۵۴۶.

ورس همت می گمارد... در کابل، واعظ... به مدیریت مدرسه محمدیه می رسد... در قندهار شیخ آصف محسنی شاگرد قدیمی آیت الله خویی در نجف، سر بر می آورد.» (۱)

آقای دولت آبادی، آمار و ارقام مدارس علوم دینی شیعیان را این گونه نوشته است:

در مجموع، ۱۵۷ مدرسه دینی بدون مشخصات نام برده شده است. در ولایت ارزگان (دایکندی) ۲۵ مدرسه، در بامیان ۲۹ مدرسه، در غزنی ۳۱ مدرسه، غور ۱۷ مدرسه، میدان و پروان ۳۸ مدرسه و سمت شمال ۲۲، در لیست مزبور مدارس شهرهای قندهار، هرات، جوزجان، مزار و کابل درج نشده است. با این تعداد مدارس دینی شیعه از آن جهت مورد بررسی قرار گرفته است که خلا ناشی از فقدان مدارس دولتی در دوران حاکمان ظالم و حتی در دوره انقلاب، از طریق مدارس دینی جبران می گردید. (۲) اینجاست که شیعیان افغانستان بمراتب با سوادتر از سایر مردم کشورند، ولی مدرک تحصیلی رسمی ندارند.

۳- مدارس دولتی

تا اواخر دهه بیست شمسی، دولت حاکم بر کابل، هیچ گونه اقدامی برای با سواد کردن مردم شیعه، آموزش کودکان این سرزمین نکرد، حتی یک مدرسه (مکتبی) نیز بنا نکرد. در مناطقی که برادران اهل سنت و تشیع با هم و در کنار هم زندگی می کردند، مثل بیشتر شهرهای تاریخی و کلان شهرها، کودکان مردم شیعه؛ به ویژه هزاره ها، در مدارس پذیرفته نمی شدند و اگر تعداد اندکی در بعضی مدارس نامرغوب پذیرفته می شدند، هم در دوره ثبت نام و هم در دوره آموزش و فارغ التحصیلی محکوم به تقیه بودند. پس از قیام های متعدد شیعیان؛ به ویژه قیام «ابراهیم گاو سوار شهرستانی» در سال ۱۳۲۴ش، قیام شهید بلخی، در سال ۱۳۲۹ ش و قیام مردم شجاع جاغوری در سال ۱۳۳۳ ش بود که دولت مجبور شد تا مقداری از ظلم و تعصب خویش بکاهد و بودجه ای هر چند اندک برای احداث مکاتب در هزاره جات اختصاص دهد و تعدادی از آموزگاران را بدان سو بفرستند و شهرها نیز فرزندان شیعیان و هزاره ها را در برخی مدارس دولتی و

۱- (۱) . اولیور روا، افغانستان، اسلام و نوگرایی، ص۸۵.

۲- (۲) . بصیراحمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص۴۶۷.

دانشکده ها راه دهند. (۱) درباره راهیابی شیعه ها به مدارس دولتی، آقای مقصودی می نویسد:

«در سال۱۳۴۴ ش به حیث وکیل فرمانداری ناهور وارد پارلمان افغانستان شدم، در تمام ساحه ۱۲۰ هزار نفری ناهور یک مدرسه ۳ کلاسه در منطقه خوات وجود داشت که دارای ۷۰-۶۰ نفر شاگرد بود. مسئولیت تدریس آن به عهده یک تن از اهالی به نام غلام حسین بود.» (۲)

رشوه دادن برای حذف اسم فرزند از لیست جدید الشمولان مکتب در مرکز هزاره جات چنان مرسوم شده بود که فقط پسرانی که اولیائشان پول رشوه نداشتند، آن هم در مرکز حکومت، توانستند به درسشان ادامه بدهند؛ از جمله پروفسور سید امیرحسن یار از مرکز پنجاب و پروفسور سید علی اکبر شهرستانی از مرکز شهرستان را می توان نام برد، افراد انگشت شمار دیگری را می توان از حواشی هزاره جات یافت که با نداشتن پول رشوه و یا اینکه سکونت آنها در مراکز حکومتی بوده اند توانستند به مدارج بالای علمی برسند. (۳)

این گونه رفتار ناعادلانه حکومت های وقت افغانستان را با شیعیان در همه زمینه های مختلف می بینیم.

۴- دانشگاه های شیعیان افغانستان

دوره کنونی فضای سیاسی و اجتماعی جامعه افغانستان تا حدودی بازتر شده است و شیعیان نیز به امر تاسیس موسسات و مراکز عالی تعلیم و تربیت همت کرده اند که عبارت اند از:

الف) پوهنتون (دانشگاه) بامیان: پوهنتون بامیان در مرکز ولایت باستانی بامیان واقع شده است که با آثار تاریخی و مناظر طبیعی خود، شهرت جهانی دارد.شهر بامیان که گذشته تاریخی دوهزار ساله دارد و در قلب کشور افغانستان

۱- (۱) . عبدالمجید ناصری داودی، مشاهیرتشیع افغانستان، ج۲، ص۵۳.

۲- (۲) . عبدالحسین مقصودی، هزاره جات سرزمین محرومان، ص۵۱-۵۲.

۳- (۳) . سید محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی، شیعیان افغانستان، ص۴۰۷و۴۰۸.

قرار گرفته، از جنبه های گوناگون دارای اهمیت است؛ سابقه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، طبیعت بکر و بی مانندی دارد؛ با این همه، این منطقه مهم از کشورتاکنون به دلایل گوناگون، توسعه نیافته است؛ از این رو پوهنتون بامیان باهدف توسعه این منطقه، نیز برای گسترش علم و دانش مردم افغانستان تاسیس شده است.

پوهنتون بامیان ابتدا در سال ۱۳۷۵ به ریاست دکتر محمد کاظم تورا تاسیس شد و تا سال ۱۳۷۸ فعال بود، در این سه سال فعالیت، حدود ۵۰۰ دانشجو در رشته های زراعت، ادبیات و علوم، مشغول به تحصیل بوده اند؛ اما با تصرف بامیان به دست طالبان، ادامه تحصیل غیر ممکن شد و تمام امکانات آن از بین رفت، ساختمان آن نیز، به پایگاه نیروهای طالبان تبدیل و پس از آن تخریب شد. (۱)

تصویر شماره (۶) نمایی از پوهنتون بامیان

در دوره پس از سرنگونی طالبان و با روی کار آمدن دولت جدید بار دیگر حامد کرزی، رئیس دولت موقت، فرمان تاسیس پوهنتون بامیان را در سال ۱۳۸۲ صادر کرد و این بار دکتر محمد سرور مولایی به ریاست این پوهنتون منصوب شد. ساختمان مخروبه سابق را موسسه «پی آرتی» بامیان، بازسازی کرد؛ در ۱۵

۱- (۱) . در دوره فعالیت حزب وحدت اسلامی افغانستان در بامیان، این دانشگاه در شرایط بحرانی آن روز، با همت استاد خلیلی، رهبر حزب وحدت و همکاران ایشان افتتاح شد. پس از تاسیس دانشگاه بامیان بیش از ۶۰۰ محصل و ۳۴ استاد با حقوق مناسب در این دانشگاه جذب شدند و مدت دو سال به فعالیت خود در بخش های مختلف ادامه داد.

حمل۱۳۸۳ (۳ اپریل ۲۰۰۴) با حضور محمد کریم خلیلی، معاون رئیس جمهور و دکتر محمد شریف فایض، وزیر تحصیلات عالی افتتاح شد. از نیمه سال۱۳۸۴ تاکنون ریاست این پوهنتون را دیپلوم انجنیر، محمد عارف یوسفی به عهده دارد. در چهار سال گذشته، فعالیت های علمی این پوهنتون در قالب دو فاکولته (دانشکده) زراعت و تعلیم و تربیت تنظیم شده است. هم اکنون در فاکولته زراعت گروه های کشاورزی، باغداری، علوم حیوانی و جیولوجی (زمین شناسی) و در فاکولته تعلیم و تربیت دیپارتمنت های (گروه های) ریاضی، فیزیک، کیمیا، بیولوژی، جامعه شناسی، تاریخ و ادبیات دری فعال اند. همچنین قرار است با فراهم شدن امکانات، در اولین فرصت فاکولته های علوم اجتماعی و ساینس (علوم پایه) نیز در این پوهنتون فعال شود. (۱) نخستین جشن فراغت از تحصیل دانشجویان این دانشگاه در تاریخ ۲۰ جدی ۱۳۸۶ برگزار شد؛ حدود صد تن از دانشجویان این پوهنتون، فارغ التحصیل شدند که از این تعداد، فقط دو تن آنها از طبقه اناث بودند. به مناسبت فراغت اولین دوره از فارغ التحصیلان این دانشگاه، محفلی با حضور مقامات دولتی، اعضای مجامع مدنی، موسسات داخلی و خارجی و متنفذین بامیان در آن دانشگاه دایر شده بود. (۲)در ابتدای سال۱۳۸۷ تعداد دانشجویان این پوهنتون در مجموع، حدود۷۰۰ نفر(به شمول ۳۸ محصل دخت) و تعداد استادان آن، ۵۶ تن(به شمول سه استاد زن) بودند. البته در همین سال پوهنتون بامیان به طور رسمی ظرفیت پذیرش جدید خود را ۴۰۰ نفر اعلام کرده است. این یادآوری لازم است که پوهنتون بامیان، یک نهاد جدید است.

این دانشگاه، کادر علمی جوان دارد، ولی امکانات آن محدود است. یک کتابخانه مرکزی و مرکز کامپیوتر که به طور محدود به اینترنت متصل هستند. سه لابراتوار (آزمایشگاه) فیزیک، کیمیا و بیولوژی، از جمله امکانات موجود است. تعمیر(ساختمان) اداری و تدریسی، سالن کنفرانس(خانه علم) و تعمیر خوابگاه (لیلیه)

۱- (۱) . سایت پوهنتون بامیان.

۲- (۲) . هفته نامه مشارکت ملی، شماره ۲۴۷، دوشنبه ۱/دلو/۱۳۸۶، ص۱.

دختران، شامل امکانات فیزیکی پوهنتون هستند. مشکلات اصلی، کمبود فضای کافی برای تدریس، خوابگاه برای دانشجویان پسر و مکان رهایشی مناسب برای استادان است. انتظار می رود در آینده نزدیک، مشکلات و موانع موجود، بر سر راه توسعه پوهنتون بامیان برداشته شود.

تصویر شماره (۷) جشن فارغ التحصیلی - پوهنتون بامیان

فاکولته زراعت: فاکولته زراعت یکی از بخش های اساسی این پوهنتون به شمار می رود که ابتدا در سال۱۳۷۵ تاسیس شد و در سال۱۳۸۳، وقتی پوهنتون را بازگشایی کردند نیز، یکی از دو فاکولته اولیه فعال شده بر همین اساس، تاکنون بیشترین دانشجویان پوهنتون بامیان در این فاکولته جذب شده اند. این فاکولته در سال۱۳۸۶ برای نخستین بار ۶۵ نفر فارغ التحصیل داشته است. این فاکولته از چهار گروه تشکیل شده است که عبارت اند از:

۱. کشاورزی(اگرونومی)

۲. باغداری(هارتیکالچر)

۳. علوم حیوانی(مالداری)

۴. زمین شناسی(جیولوجی)

فاکولته زراعت پوهنتون بامیان، متاسفانه تاکنون به حد لازم توسعه نیافته است و فارم تحقیقاتی، لابراتوار و کتابخانه تخصصی ندارد. امید است در آینده با توجه بیشتر وزارت تحصیلات عالی و همکاری موسسات، مشکلات رفع و امکانات مورد نیاز فراهم شود. (۱) تاسیس پوهنتون بامیان را می توان نخستین گام مبثت در زمینه توسعه تعلیم و تربیت، از سوی جامعه شیعه شمرد که کاری بسیار خوب و شایسته است؛ ولی موانع موجود در پروسه تحصیل فرزندان شیعیان آن قدر زیادندکه چنین مراکز علمی با توان اندك جوابگوی آن همه داوطلب نمی باشند؛این گونه فعالیت ها توجه بزرگان و دلسوزان این جامعه را بیشترمی خواهند.

ب) موسسه تحصیلات عالی فیض محمدکاتب: در تاریخ ۶ حوت ۱۳۸۶ در جلسه ای که شورای وزیران افغانستان، در قصر شاهی شهر جلال آباد برگزار کردند، با درخواست مجوز فعالیت دانشگاه کاتب رسما موافقت شد، با این شرط که موسسه عالی در صورتی می تواند برنامه های آموزشی خود را آغاز کند که سویه علمی استادان آن کمتر از ماستری (فوق لیسانس) نباشد. صاحب امتیاز دانشگاه کاتب «انجینر ابراهیم قاسمی» نماینده مردم کابل در پارلمان و مدیریت آن «دکتر محمد امین احمدی» است. ساختمان اصلی این دانشگاه در حال حاضر در کارته سه غرب شهر کابل قرار دارد و تعدادی از اعضای هیئت علمی آن به کار تدوین و تنظیم مواد درسی مشغول هستند. نظام درسی دانشگاه کاتب بر اساس معیارهای مدرن و به صورت واحدی (کریدتی) است و از طریق امتحانات کنکور سراسری دانشجو می پذیرد. این دانشگاه در رشته های علوم انسانی حقوق، علوم سیاسی، تاریخ، جامعه شناسی، مدیریت و باستان شناسی پذیرش دانشجو دارد و طبق برنامه های پیش بینی شده، در سال های آینده، رشته های فنی و پزشکی نیز در آن تدریس خواهد شد. (۲)

۱- (۱) . سایت پوهنتون بامیان.

۲- (۲) . نبی قانع زاده، کابل که من دیدم (قسمت آخر)، www.armans.info

تصویر شماره (۸) مؤسسه تحصیلات عالی کاتب رحمه الله

عنوان دانشگاه کاتب از نام «فیض محمد کاتب هزاره» مولف کتاب ارزشمند «سراج التواریخ» گرفته شده است؛ کاتب به پدر تاریخ نویسی افغانستان شهرت دارد. (۱) موسسه تحصیلات عالی کاتب، به همت دانش آموختگان شیعه در شهر کابل برنامه های تحصیلی خود را آغاز کرد. در رشته های علوم سیاسی۱۶۵ دانشجو، در رشته حقوق۱۶۵ دانشجو و در رشته جامعه شناسی ۶۰ دانشجو پذیرفتند، از لحاظ ترکیب جمعیتی، ۸۰ درصد (پشتون، تاجیک و ازبک) و ۲۰ درصد (هزاره) را شامل می گردد. (۲) در حالی که انتظار می رفت فرزندان محروم شیعه در این دانشگاه تحصیل کنند، کسانی می توانند در این موسسه مشغول به فراگیری علم و دانش شوند که توان مالی مناسبی دارند. تعدادی از جوانان که در سازمان های (N.G.O) خارجی کار می کنند و معاش خوبی دارند، می توانند از این موسسه عالی بهره ببرند. در همین حال، تعدادی از جوانان بنا به دلایلی نتوانسته اند وارد پوهنتون شوند و آرزوی تحصیل در این گونه مراکز علمی را دارند، ولی به علت فقر و ناداری

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . مصاحبه دکتر محمدجواد صالحی معاون آموزشی دانشگاه کاتب، سایت مجمع علمای جاغوری.

نمی توانند به چنین موسسات تحصیلات عالی راه پیدا کنند. (۱) امید است که این دانشگاه، فقط فعالیت های علمی خود را در شهر کابل متمرکز نکند و در دیگر ولایات نیز دانشکده ها و گروه های خود را توسعه دهد. تا عده ای زیادی از تحصیل کردگان شیعی را به عنوان اعضای هیأت علمی و استادان به خدمت بگیرد و برای نشر و تعمیق علوم میان نسل جوان جامعه افغانستان تلاش کند. اگر از دوره ای که آموزش رسمی در افغانستان آغاز شد به شیعیان فرصت داده می شوند و در حق آنها تبعیض روا داشته نمی شد، به یقین امروز ما شاهد درخشش فرزندان شیعه در همه جای افغانستان می بودیم؛ ولی با توجه با آن همه مشکلات و حق کشی ها، امروز شاهد بالندگی و رشد فرزندان این مردم در دو ولایت بامیان و دایکندی هستیم که در میان ۳۴ ولایت، دانش آموختگان این دو ولایت، رتبه اول و دوم کنکور ۱۳۸۷ مراکز و موسسات آموزش عالی افغانستان را کسب می کنند. به طوری که تعداد دانش آموزان ولایت بامیان شرکت کننده در کنکور، ۱۳۰۰ تن بوده اند و تعداد پذیرفته شدگان، ۱۲۵۹ تن، از این تعداد فقط ۴۱ تن آنها از امتحان ناکام شدند. بامیان و دایکندی (تازه تاسیس) از ولایت های محروم افغانستان، هستند و امکانات آموزشی مناسبی ندارند، در میدان رقابت علم با دیگر ولایت ها که امکانات آموزشی و کمک آموزشی فراوان در دست دارند، نه تنها برابری می کنند، بلکه یک گام بالاتر از آنها قرار می گیرند. واقعا این گونه اخبار برای جامعه شیعه مسرت بخش است. (۲)

ج) موسسه تحصیلات عالی سادات: موسسه تحصیلات عالی خصوصی سادات با اخذ جواز، از وزارت تحصیلات عالی افغانستان در شهر مزارشریف ایجاد شد و با پذیرش فارغ التحصیلان صنف دوازدهم تدریس را آغاز کرد. براساس گفته مهدی توانا، رئیس موسسه تحصیلات سادات، این موسسه تحصیلات عالی در سطح دانشگاه بوده و دارای دانشکده انجینری بخش ساختمانی، کمپیوتر و ساینس است. در این دو بخش، تعداد ۵۵ تن فارغان صنوف دوازدهم، پس از سپری کردن امتحان کنکور - تحت نظارت وزارت تحصیلات عالی که تمام موسسات تحصیلات عالی خصوصی را در کشور نظارت می کند - پذیرش شده اند.

به منظور ساخت ساختمان دانشگاه، ۳۰ جریب زمین را که در داخل شهر مزارشریف

۱- (۱) . نبی قانع زاده، کابل که من دیدم، www.armans.info.

۲- (۲) . انجمن فرهنگی جوانان دایکندی؛ www.dikundi.com.

موقعیت دارد به وزارت تحصیلات عالی سپرده شده و درآینده نزدیک کار ساخت آن را آغاز می گردد. این سومین موسسه تحصیلات عالی خصوصی است که در ولایت بلخ ایجاد شد، پیش از این موسسه، دو دانشگاه خصوصی دیگر به نام آریا و دانشگاه مولانا جلال الدین محمد بلخی بنیاد نهاده شده بود. (۱)

د) موسسه تحصیلات عالی چراغ: این موسسه به همت دکتر چراغ علی چراغ در رشته های علوم طبی (پزشکی) در کابل تاسیس شده است.

ه) دارالمعلمین بامیان: این دارالمعلمین در سال ۱۳۸۶ش در مرکز بامیان بنا شده است. در پایان اولین دوره این مرکز علمی، ۸۹ نفر که ۷ تن آنان دختر بودند فارغ التحصیل شدند و مراسمی بدین مناسبت در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۶ش با حضور عبدالاحد مبارز، رئیس این مرکز، خانم دکتر حبیبه سرابی، والی بامیان، محمدرضاادا، رئیس معارف (آموزش و پرورش) این ولایت برگزار و گواهی نامه فارغان اعطا شد.

و) دارالمعلمین فیض محمد کاتب: این مرکز در ولسوالی جاغوری، یکی از مناطق هزاره نشین واقع است که از کمبود امکانات لازم رنج می برد. (۲)

اگر ولایات شیعه نشین را در نظر بگیریم علم آموزی در سطح وسیعی آغاز شده است؛ استقبال از آموزشگاه حیات برای خانم های بی سواد از این نمونه به شمار می آید.

۳- وضعیت علمی شیعیان

اشاره

این نوشتار، فعالیت های علمی و فرهنگی شیعیان افغانستان را بررسی می کند؛ همانند: تاریخ نگاری، حکمت، ریاضیات، نجوم و ستاره شناسی و هر دانشی که تشیع در شکوفایی و گسترش آن نقش وارد؛ همچنین ادبیات (شعر) را که یکی از میراث های فرهنگی کشور افغانستان، زبان و ادب فارسی (دری) است و سابقه آن در افغانستان به زمان های بسیار دور بازمی گرد، طی پنج قرن - آغاز از قرن دهم هجری تا اواخر قرن چهاردهم - مطالعه می کند.

۱- (۱) . www.dw-world.de deutsche welle.

۲- (۲) . علی اکبر شر شریفی، دانشگاه ها و مراکز تحصیلات عالی شیعیان افغانستان، www.shiaonlinene.net

الف) از آغاز قرن دهم تا پایان قرن سیزدهم هجری

یک) قرن دهم هجری

افرادی که در این قرن به فعالیت های علمی پرداختند عبارت اند از:

- معین الدین فراهی هروی، مشهور به ملا مسکین و متخلص به معینی (۹۰۷ه- ق): اثری دارد به نام «احسن القصص» این اثر با حدیث، تصوف، آیه های قرآنی و آرایه های ادبی همراه است، گویا بخشی از تفسیر خویش را به نام «حدائق الحقائق فی کشف الاسرار و الدقایق» آورده که در آن آیه ها را به فارسی برگردانیده، سپس تفسیر کرده است. (۱)

- ابدال بلخی شاعری در دستگاه صفوی (۹۳۰-۹۰۶ه- ق): وی نخست «مطیعی» تخلص می کرد، اما بعدها به ابدال که گویی نام وی بوده است. او در سرودن انواع شعر، به ویژه هزل و هجو مهارت داشت. (۲)

- صدرالدین ابراهیم امینی هروی (۹۴۱-۸۸۲ ه- ق): او یکی دیگر از شعرا و تاریخ نویسان است. وی که مدتی در دست حاکمان ازبک گرفتار بود، در سال ۹۱۶ق از زندان رها شد و به شاه صفوی پیوست. در سال ۹۱۸ق اثری به نام «مناجات» در شرح و ترجمه مناجات علی علیه السلام نوشت. و در سال ۹۲۲ق اثر دیگری به نام «نظم الجواهر» در شرح دیوان علی علیه السلام نگاشت. نیز در سال ۹۲۷ ه- ق اثری به نام «فتوحات شاهی» تالیف کرد. و آثار دیگر او: «ترجمه دیوان امام علی بن ابی طالب»، «مناظره مهر و مکتوب» و «دیوان شعر» در یک مجموعه در دانشگاه تهران نگهداری می شود. (۳)

- قاسم بن یوسف ابونصر هروی: اثری به نام «ارشاد الزراعه» (۹۲۱ ه- ق) دارد، که موضوعات مندرج در این اثر شناخت زمین زراعتی، غلات، پیوند تاک، سبزی ها، گل ها و درختان، میوه ها و خوراکی هاست؛ نیز واژگان کشاورزی، نام محصولات زراعی و

۱- (۱) . ابوالقاسم گرجی، دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یار شاطر، ج۹،ص۱۲۰۸ و حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان، ج۳، ص۴۴.

۲- (۲) . سعید نفسیی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج۲، ص۳۱۷.

۳- (۳) . همان، ج۱، ص۶۶۶؛ حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان، ج۳، ص۱۲۶.

سنت های کشاورزی را در سده های گذشته آورده است. (۱)

- جلال الدین محمدآگهی خراسانی(۹۳۲ ه- ق): او یکی از شاعران شیعه بود؛ از این رو به دربار سلطان حسین بایقرا که فرهنگ دوست و شیعه مسلک بود، رفت و آمد داشت و به روزگار شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ ه-.ق.) مورد بی توجهی شاه صفوی واقع شده بود؛ قصیده ای دارد، به نام «شهر آشوب» که در جواب قصیده «دریای ابرار» امیر خسرو دهلوی سروده است و در آن به بدگویی حکام، امرا و اعیان و اشراف هرات؛ از جمله به نام امیر سلطان ترکمان پرداخته است. در آخر قضیه جان خویش را بر سر این می دهد. (۲)

- خواجه ابن علی واقفی هروی: دیگر از شعرای این قرن است که وی آثاری دارد در این زمینه، به نام های: «نفایس المآثر» و «مجمع الشعرای جهانگیرشاهی» (۹۷۹-۹۷۲ ه- ق). (۳)

- تقی الدین محمد هروی: یکی دیگر از شعرای این قرن بوده است که در دستگاه سام میرزای صفوی(۹۷۴ه- ق) منصب داشته است. شعر نیز می سرود و از انواع شعر، بیشتر غزل می سراید و نیز در صنایع شعر، عروض و معما ماهربود. (۴)

- عطاالله بن حسام واعظ هروی: در زمینه تاریخ نویسی کتابی به نام «روضه المجاهدین» دارد به نثر فارسی در تاریخ جنگ های مسلم بن عقیل (۶۰ه- ق)، مختار ثقفی (۶۷ ه- ق)؛ این کتاب در یک مقدمه، بیست و یک باب و یک خاتمه نوشته شده است و به «شاه تهماسب یکم صفوی» (۹۸۳-۹۳۰ه- ق) هدیه شده است. (۵)

- محمد اصغر، اشرف خان میر منشی(۹۸۳ه-.ق): شاعر و خوشنویس بوده است که بیشتر تذکره نویسان او را از سادات حسینی مشهد دانسته اند. (۶) از لابه لای کتاب های تاریخی و منابع ادبی با دشواری های فراوان می توان نام چند شاعر و ادیب و نویسنده جامعه شیعی را در این دوره یافت.

ص:۱۷۸

۱- (۱) . همان، ص۷۳.

۲- (۲) . همان، ص۱۲.

۳- (۳) . همان،ص۱۰۷۸.

۴- (۴) . همان، ص ۲۶۰.

۵- (۵) . همان، ص۴۷۲.

۶- (۶) . دایره المعارف آریانا، ج۳، ص۱۷۴.

دو) قرن یازدهم هجری

در این قرن، افرادی معرفی می شوند که در زمینه های ادبیات، تاریخ، علوم قرآن، حدیث و... آثاری دارند:

- میرزا اسماعیل انسی شاملوی هروی (۱۰۲۶ه-.ق): شاعر هروی از مردم هرات بوده است، وی شاعر توانا و دارای ذوق و قریحه عالی بوده است، در سرودن انواع شعر، به ویژه غزل و رباعی استاد بود و در شاعری از سبک هندی پیروی می کرد. (۱)

- ترابی بلخی (۱۰۴۰ه-.ق): شاعری است از مردم روستای خواجه خیران، در نزدیکی بلخ واقع بوده است، تنها اثر از وی یک مثنوی در ۱۰۰۰ بیت به نام «لطیفه العذب» درباره مکر زنان به جای مانده است. (۲)

- محمود بن امیر ولی بلخی: اثری به نام «بحر الاسرار فی معرفه الاخیار» در سال (۱۰۴۵ه-.ق) تألیف نموده است و در زمینه های نجوم، اسرار علویات، اخبار، تاریخ، جغرافیا و گزارش های مولف را شامل می باشد. (۳)

- میرزا برخوردار (۱۰۴۸-۱۰۰۴ه-.ق): شاعری متخلص به «ممتاز» مجموعه ای از حکایات به نام «رعنا و زیبا» فراهم آورده است و سپس نام آن را «محفل آرا» گذاشت از فراه به مشهد آمد. تحریر تازه ی آفرید به نام «محبوب القلوب» (۴)

- حسن خان شاملو (۱۰۵۰ق): در زمینه شاعری و خوشنویسی چهره دست بوده است و یکی از دولتمردان دربار صفوی بوده است. مجموعه ای به نام «منشآت» دارد. (۵)

- شیر محمد خان هزاره ملقب به «قلیچ خانی»: در زمینه ستاره شناسی ماهر بوده است. از وی کتابی به نام «اختر جمالی» و «اختر هزاری» (۱۰۵۲ه-.ق) در این رشته به یادگار مانده است. و در سال ۱۰۶۵ه-.ق از دنیا رفته است. (۶)

۱- (۱) . آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج۹، ص۱۰۷.

۲- (۲) . دایره المعارف آریانا، ج۳، ص۵۴۸.

۳- (۳) . حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان، ج۳، ص۱۵۶.

۴- (۴) . ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۱۸۲.

۵- (۵) . حسن انوشه، پیشین، ص۳۳۳.

۶- (۶) . احمد منزوی، فهرست کتب خطی کتابخانه گنج بخش، ج۱، ص۱۶۵-۱۶۶؛ حسین علی یزدانی(حاج کاظم)، تاریخ تشیع افغانستان، ص۸۸-۸۹.

– ملا موسی هزاره: در زمینه علوم قرآنی، اثری به نام «کشف الآیات» دارد که نسخه یگانه آن در کتابخانه سلطان المتکلمین وجود دارد و بر آن تملیک به نام «شاه رحمت خان» دیده می شود. این فهرست در سال ۱۰۵۶ه–.ق نوشته شده است. (۱)

ربیع هجوساز: شاعری در اواخر این قرن بوده که در حدود ۱۰۸۳ ه–.ق از دنیا رفته است. (۲) در این قرن به تعداد انگشت شماری از شخصیت های شیعه بر می خوریم که در زمینه های گوناگون علمی فعالیت کردند.

سه) قرن دوازدهم

در این قرن افرادی را معرفی می کنیم که در زمینه های علوم قرآن، تاریخ و... شهرت دارند.

– محمدکاظم قاری قندهاری: اثری در زمینه علوم قرآنی دارد، به نام «قواعد قرآن» (۱۱۰۳ه–. ق) که درباره این اثر قندهاری، آقا بزرگ تهرانی مطالبی را در کتاب «الذریعه» آورده است: «قواعد قرآن» کتابی است که به زبان فارسی نگارش یافته و درباره تجوید قرآن مطالب بسیاری دارد که به نجف قلی خان (حاکم وقت) قندهار تحویل شده است. این کتاب در قالب نظم، قواعد و تجوید قرآن است که جمعا دارای ۲۵۰۰ بیت، یک مقدمه، دوازده قاعده، بیست فایده و یک خاتمه می باشد. فایده ی نوزدهم در ساعات مناسب استخاره نمودن است و فایده بیستم درباره نحوه و انواع استخاره است که آن را با حروف هجا بیان داشته است. (۳)

– ملا عطا اعجاز هروی: از شعرای قرن دوازدهم است که در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ه–. ق) به اصفهان رفت و اثری به نام «شهر آشوبی» در تعریف اصفهان دارد. (۴)

– میرزا محمد علی تمنای کابلی (۱۱۶۰ه– ق): نویسنده و شاعری در این قرن بوده است، وی در دربار فرخ سیر در شاه جهان آباد به کتابت «شاهنامه» پرداخت. (۵)

۱– (۱) . آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج۱۸، ص ۲۰؛ ذیل کلمه کشف الآیات.

۲– (۲) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، تاریخ تشیع در افغانستان، ص ۹۱.

۳– (۳) . آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج۱۷، ص ۱۸۹.

۴– (۴) . حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان، ج۳، ص ۲۶۱.

۵– (۵) . همان، ص ۸۵.

- میرزا محمد هاشم بهشتی: دبیر و ادیب ایرانی تبار افغانستانی، در سال ۱۱۶۰ ه-.ق در سمت منشی حضور در دستگاه احمد شاه درانی (۱۱۸۶-۱۱۶۰ه-.ق)، در زمان تیمور شاه (۱۲۰۷-۱۱۸۶ه-.ق) به سر می برده است، مدتی منشی حضور دیوان بیگی وکیل الدوله عبدالله خان فوفلزایی بود. اثری تحت عنوان «نگارستان سلطانی» دارد. (۱)

- میرزا محمد رضا برنابادی (۱۲۲۰-۱۱۶۴ه-.ق): مستوفی، نویسنده و شاعر افغانستانی و دارای آثار زیادی است؛ از جمله: «تذکرهٔ برنابادی» و «چهل حدیث»، نیز در آثار شهر هرات «دیوان غزلیات» وی دیده می شود. (۲)

- مولانا محمد حسن عارف هروی (۱۲۵۴-۱۱۸۱ه-.ق): در زمینه عرفان، دست توانایی داشت، در مدت نه چندان زیاد نام و شهرتی در عالم علم و عرفان به دست آورد و در میان مردم و دولتیان هرات مقامی شامخ کسب نمود: «تا هنگام سفر شاه... محمد شاه قاجار... آن پیر عالی درجات را از بلدهٔ هرات با کمال احترام روانه این آستان (قدس رضوی) نمود...» (۳)

- محمد علی متخلص به شرر: در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری می زیست. او اصالتا از سرزمین داور (گرمسیر) بود که به قندهار منتقل و ماندگار شده است. بنابر گزارشی، یک مجموعه ۸۰۰ بیتی دارد که شامل چهار قصیده، یک ترجیع بند و یک مخمس و تعدادی غزل و ابیات متفرقه دیگر است. یکی از ویژگی های سروده های شرر این است که در لابه لای آنها بعضی نکات تاریخی را می توان مشاهده کرد؛ مثل: تاریخ وفات بزرگان و مدایح رجال روزگار. (۴)

چهار) قرن سیزدهم هجری

- کلب علی خان شرر جغتویی (قرن سیزدهم): در میان گروه سرایشگران سده

۱- (۱) . همان، ص۱۸۷.

۲- (۲) . مجله آریانا، سال ۲۷، ش۶، ص۹۹ و سامیه عبادی روشنگر، «میرزایان برنا باد»، خراسان، سال دوم، ش دوم، حمل جوزای ۱۳۶۱ش، ص ۱۵۰-۱۶۶.

۳- (۳) . میرزا عبدالرحمن مدرس، تاریخ علمای خراسان، مقدمه، ص۷۲و۷۳.

۴- (۴) . حسین علی یزدانی(حاج کاظم)، تاریخ تشیع در افغانستان، ص۱۰۷و۱۰۸.

سیزدهم که متمایل به سبک هندی و تبعیت از بیدل بود یگانه نسخه از «دیوان شرر» جغتویی در نزد خانواده محمد علی لعلی وکیل سابق جغتوست. (۱)

- ملاـ مسکین دهمزنگی: یکی دیگر از شعرای اوایل قرن سیزدهم است، او سرایش خویش را در قالب های گوناگون غزل، قصیده، دوبیتی و... آزمود. پوهاند شهرستانی درباره او می نویسد: «مسکین دیوانی بزرگی دارد و از جذبات عشق و عرفان مملو می باشد...»

یاران فتاده است سرو کار من چسان با پر جفای قافیه تنگی که واخ واخ

مسکین بگو که کرد ترابی گنه شهید پیمانه نوش و مست دو رنگی که واخ واخ مسکین علاوه بر این گونه سرایش شعر در زمینه های محلی هم شعر سروده است. (۲)

- کلب علی جوانشیر کابلی (زنده ۱۲۴۱ق): او یکی از نویسندگان این قرن است که از او تنها اثرش به نام «مجالس طریق الحق» به یادگار مانده است. (۳)

- محمد تقی هروی (۱۲۹۹-۱۲۱۷ه- ق): وی یکی دیگر از اندیشمندان این قرن است که در رشته های گوناگون فقه، اصول، کلام و ریاضی آثار با ارزشی دارد؛ از جمله:

۱. نهایه الامال فی کیفیه الرجوع الی علم الرجال؛ ۲. توضیح الحساب؛ ۳. الحدیقه النجفیه؛۴. تلخیص تحفه الابرار؛ ۵. کاشف الاستار؛ ۶. عیون الاحکام؛ ۷. طریق النجاه؛ ۸.مناسک الحج و... آقا بزرگ تهرانی ۳۰ اثر وی را نام برده است. (۴)

- محمدم حسن شباب قندهاری (زنده ۱۲۹۲ ه-.ق): از شاعران عارف که اشعار عرفانی بسیاری داشته است؛ امروزه از سرنوشت اشعارش خبری نیست؛ برخی تذکره نویسان نمونه اشعار وی را ذکر کرده اند، یکی از تذکره نویسان درباره این شاعر چنین می نویسد: حالاتش را مجملا شنیده طالب ملاقاتش بودم بعد از ملاقات، کمال مهربانی به هم رسانید و در جمع بعض اشعار معاصران هم فی الجمله همراهی کرد. اما در مراتب شاعری همان غزل سرایی را اختیار کرده، لیکن چون بیشتر در هندوستان و افغانستان به سر برده و با ادبای آن سامان معاشرت نموده با این که خیلی ملاحظه

۱- (۱) . حسین نایل، سیری در ادبیات سده سیزدهم، ص ۳۲۳.

۲- (۲) . دایره المعارف آریانا، ج۶، ص۱۲۵.

۳- (۳) . آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج۱۹، ص۳۶۱و۳۶۲.

۴- (۴) . همو، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج۱، ص۲۱۲-۲۱۵.

می کند باز گاهی در اشعارش معانی باریک او را از ذهن به هم می رسد...

نبرده و نبرد بی کسی به مطلب ما ز درد عشق تو، ارجان رسیده بر لب ما

بکن به جان من ای شوخ آنچه می خواهی که نیست شکوه زبیداد دوست مشرب ما (۱)

- میرزا محمد ابراهیم گوهری هروی(۱۲۵۶ه- ق): شاعر قرن چهاردهم که دارای آثاری در این زمینه است: «طغیان البکا»، «دفتر حسینی»، «جواهر المواعظ» و «ریحان العرفا ذریعه الرضویه» که به چاپ رسیده است. (۲)

- ملا محمدکاظم خراسانی(۱۳۲۹ - ۱۲۵۵ ه- ق): معروف و مشهور به «آخوند خراسانی» فرزند ملا حسین هروی، از دانشمندان اصولی و فقهی کم نظیر بوده است. (۳)

آثار علمی آخوند در دو حوزه صورت پذیرفته است:

- در زمینه تالیف کتاب های علمی: در زمینه اصول و فقه، از جمله آثار ماندگار علمی وی - کفایه الاصول - را می توان نام برد که پس از ظهور تا به امروز در مراکز علمی و حوزوی می درخشد. این کتاب آخرین متن درسی به شمار می آید و در میان دین پژوهان اسلامی در اصول رسمیت عام و تام یافته است. در کتاب «نجف کانون تشیع» درباره آثار گران بهای «آخوند خراسانی» آمده است: «کفایه الاصول، کتاب الاجاره، کتاب اجتهاد و تقلید، حاشیه بر اسفار و حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ انصاری.» (۴)و نیز کتاب «الفواید» که مشتمل بر قواعد مهم فقه و اصول می باشد و کتاب «روح نجات» در فقه و رساله های دیگر از آثار آخوند است. (۵)

- در زمینه تدریس علوم و معارف: شاگردان آخوند خراسانی، از مرز هزار نفر گذشته بود، چنانچه در یکی از منابع این طور آمده است:

۱- (۱) . سید احمد دیوان بیگی شیرازی، حدیقه الشعرا، ج۲، ص۸۳۲ و ۸۳۳.

۲- (۲) . حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان، ج۳، ص۸۴۳.

۳- (۳) . جمعی از نویسندگان، نجف کانون تشیع، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . محمد آقا نجفی قوچانی، برگی از تاریخ معاصر، حیات الاسلام فی احوال آیه الملک العلام، ص۱۱.

«پس از آنکه میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت فرمود صاحب کفایه به تدریس جمعی از طلاب دینیه اشتغال یافته تا آنکه شمار حاضرین حوزه اش متجاوز از هزار نفر بوده و صد و بیست تن از آن جمله مجتهد مسلم بودند و در اواخر آوازه اش عالم گیر و مسلم برنا و پیر و مرجع تقلید امامیه بوده....» (۱)

در این قرن، علوم رو به رشد است و در زمینه های علمی می توان آثاری بسیاری یافت.

ب) از آغاز قرن چهاردهم هجری به بعد

در این قرن، شیعیان در زمینه های مختلف علوم و در توسعه و تعمیق آن، رشد چشم گیری داشتند. برای رعایت اختصار، این علوم به دو دسته تقسیم می شوند:

یک) علوم تجربی و نقلی: علوم و دانش های متداول که شیعیان در آن نقش داشته اند؛ در این قسمت آثار برخی افرادی آورده می شود که در زمینه تاریخ نگاری، مانند ملا افضل ارزگانی و کاتب که نقش مؤثری در تاریخ نگاری داشتند می توان نام برد.

- ملا محمد افضل ارزگانی: اثری به نام «مختصر المنقول در تاریخ هزاره و مغول» دارد که در سال ۱۳۳۱ق به چاپ رساند.

- ملا فیض محمد کاتب هزاره: مورخ مشهور و در حقیقت پدر تاریخ افغانستان، در رشته های گوناگون علمی تبحر داشته است و تلاش های فراوانی کرده که شرح می دهیم:

۱. در زمینه تاریخ نویسی: آثاری چاپ شده و چاپ نشده و دفترهای استنساخ شده به خط زیبای کاتب شناخته شده است که عبارت اند از:

الف) تحفه الحبیب - جلداول: این کتاب در دو جلد نوشته شده است و رویدادهای مملکت را از (۱۱۶۰- ۱۲۹۷ ق) در بردارد، قرار بوده که جلد سوم آن، درباره حوادث سال های ۱۲۹۷ ق تا دوره مولف تالیف شود. جلدهای۱و۲ آن را حبیب الله خان با مشورت سه تن از دانشمندان مجرب دربار اصلاح (سانسور) کردند، به طوری که اعتراضات را در حواشی کتاب نوشتند و پاره ای از مطالب غیرضروری خط کشیدند. بر اثر نظریات محافظه کارانه و تعصب آلود، تحفه الحبیب مصادره و از چاپ باز داشته شد؛ مولف مورد سرزنش و توصیه های موکد، دوباره به تحریر تاریخ مورد

۱- (۱) . میرزا محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج۱، ص ۱۴.

نظر با نام دیگر، موظف شد و این بار کتاب سراج التواریخ را به نگارش درآورد که هر بخش آن پس از تدوین، بدون درنگ بررسی می شد.

ب) تحفه الحبیب - جلد دوم: در سال ۱۳۲۲ ق نوشته و طی ۸۸۵ صفحه تدوین شده بود؛ بیشتر حوادث سال های (۱۲۵۸ - ۱۲۹۷ ق) روایت می کرد، از لحاظ زمانی به اجداد حبیب الله خان ارتباط داشت، بیشتر، آن زمان را بررسی می کرد و مطالب فراوانی بنا بر اقتضای سیاست وقت، از آن حذف شد.

ج) تحفه الحبیب - جلد سوم: با وجود تلاش بسیاری از مورخان، نسخه سوم آن نگارش نشده است؛ در حالی که اخیرا نسخه ای از جلد سوم آن را در آرشیو ملی افغانستان دیده اند که به خط ریز از مولف برجای مانده؛ گویا اصلاح و پاکنویس نیز نشده است.

د) سراج التواریخ - جلد اول: رویدادهای سال های(۱۱۶۰ - ۱۲۵۸ ق) را - که مدت ۹۸ سال است - در بر دارد، در روز سه شنبه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۳۱ قمری به پایان رسید و در همان سال چاپ شد.

ح) سراج التواریخ - جلد دوم: کار تدوین این جلد از ۱۲۵۹؛ یعنی زمان استقرار امارت دوست محمد خان آغاز شده و بین سال های (۱۳۲۵-۱۳۳۱ق) به اتمام رسیده است.

ط) سراج التواریخ - جلد سوم: به رخدادهای سال های (۱۳۱۴ - ۱۲۹۷ ق) اختصاص یافته است.

جلد سوم سراج التواریخ، مهم ترین و بزرگ ترین بخش این اثر است.

ی) سراج التواریخ - جلد چهارم: رویدادهای زمان حکمروایی حبیب الله خان را به رشته تحریر درآورده است، از این رو حبیب الله خان علاقه زیادی به تدوین تاریخ دوره اخیر افغانستان، به ویژه دوره حکومت خود داشت. (۱) «تاریخ حکماء» (۱۳۰۲ش)، «نژادنامه افغان»، «فیضی از فیوضات»، «تاریخ عصر امانیه»، «فقرات شرعیه سیاست کشور داری» و «تذکره الانقلاب».

دو) در زمینه های تدریس، تالیف و تصحیح متون درسی مدارس دولتی مشارکت داشت و

۱- (۱) . حسین نایل، پژوهشی در بازنمایی و بازشناسی آثار کاتب، مجله سراج، سال سوم شماره ۱۲، ص۲۴۷- ۲۴۹.

نقش زیادی در این زمینه دارد. ملافیض محمد کاتب، در دوره امان الله خان، ماموریت یافت که در زمینه متون درسی مدارس افغانستان به تهیه و تالیف کتب درسی مدارس بپردازد؛ او در کنار تدوین متون درسی مدارس و این همه اشتغال، به تصحیح متون کتب درسی مکاتب و تدریس به دانش آموزان پرداخت. حسین نایل در این باره می نویسد:

«از سال ۱۳۳۷ه-.ق به بعد، کاتب از دارالانشاء به دارالتالیف منتقل گردید تا در تهیه و تنظیم کتاب های درسی با دیگر اعضای دارالتالیف، ساعی به خرج دهد. او در دارالتالیف افزون بر ابراز نظر راجع به کتاب های درسی، آثار دیگری را که از آن اداره برای چاپ آماده ساخته می شد نیز از نظر اهمیت موضوع و شکل نوشته و مسائل دستور و ادبی بررسی می کرد و خود نیز به نوشتن کتاب و مقاله می پرداخت. او چند گاهی در «مکتب حبیبه» وقت، به حیث معلم نیز انجام وظیفه نمود.» (۱)

در میان یادداشت های کاتب آمده است که او کتابی به نام «تاریخ عمومی افغانستان» تدوین نموده است که جزو کتب درسی مدارس دولتی بوده است. کتاب «تاریخ حکمای متقدم» در سال۱۳۰۲ش برابر با ۱۳۴۲ه- ق در مطبعهٔ معارف کابل به چاپ رسید و تالیف «فقرات شرعیه» در باب مسائل شرعی و اسلامی در سال ۱۳۰۰ ه- ش پایان یافت. این کتاب ها جزو متون درسی مدارس دولتی بوده است که در مکاتب تدریس می شد. (۲)

ملافیض محمد کاتب، در آغاز به شمول امور نویسندگی (۱۳۱۰ق) نسبت خط نستعلیق خوب، بیشتر به استنساخ کتاب های مورد توجه مقامات درباری موظف ساخته می شد، به همین سبب به «کاتب» شهرت پیدا کرد و پس از آن، این کلمه را به جای تخلص، پیوست نام خود گردانید و صفت «ملا» که پیشوند نام اوست به دانش او در علوم اسلامی مربوط می شود که آن هم با نام او پیوستگی محکم یافته است. وی آثار فراوان را با خط زیبای خویش استنساخ نمود، از این رو بود، که بسیاری از نویسندگان افغانستانی، کاتب را «تاریخ شناس خوشنویس» ملقب نموده اند. (۳)

۱- (۱) . همو، یاد نامه کاتب، کابل، مطبعه دولتی، ۱۳۶۵، ص ۱۴.

۲- (۲) . ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج۱و۲، ص ۷-۱۱.

۳- (۳) . دکتر سید علی رضوی غزنوی، «ملا فیض محمد کاتب و سراج التواریخ» سراج، قم ۱۳۷۷، ش ۱۵، ص ۲۵۰-۲۵۴.

جدول شماره (۲۲) آثار و تالیفات کاتب

– علامه حیدر قلی خان سردارکابلی (۱۳۵۷–۱۲۹۳ه– ق): این نویسنده در زمینه علوم حدیث، فقه و اصول و ریاضی و... آثار مکتوب فراوان دارد و آنچه به صورت کتاب مستقل درآورده، بدین شرح است:

۱. الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام (چهار جلد)؛ ۲. جمع اشعار ابی طالب به صورت دیوان شعر؛ ۳. غایه التعدیل فی معرفه الاوزان و المکاییل؛ ۴. تبصره الحر، فی تحقیق الکر؛ ۵. شرح خطبه حضرت زینب در کوفه؛ ۶. العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص در عمال فلکی و... نزدیک به ۳۰ اثر با ارزش در زمینه های علمی، از وی نام برده شده است. علامه سردار کابلی نه تنها در علوم و فنون گوناگون، سرآمد روزگار بود، در میدان عمل و زهد، قناعت، ادب و فضایل اخلاقی نیز از عجایب و مفاخر جهان اسلام و تشیع به شمار می آمد. او در زمینه های حدیث، ریاضی، فقه و اصول و

تاریخ، از سرآمد روزگار خویش محسوب می شود. (۱)

– سید محمد ابراهیم عالمشاهی: این مولف در زمینه حقوق آثاری دارد، به نام های: «حقوق بین الملل عمومی»؛ «روحیات و آثار آن در پیداگوژی(ترجمه)»؛ «اصول محاکمات» (۱۳۱۹)؛ «صحنه زندگانی»؛ «مشعله» و «شام تاریک صبح روشن(داستان)». (۲)

پوهاند سید علی اکبر شهرستانی: در زمینه ادبیات محلی نام آور بوده است که آثار وی در این زمینه عبارت اند از: «دین اسلام»، (جلد اول، ترجمه) (۱۳۳۶)، «قاموس لهجهٔ دری هزارگی» و «نمونه هایی از فرهنگ شفاهی هزارگی». (۳)

– محمد اسماعیل مبلغ: کتاب های فراوانی با موضوع حکمت و عرفان دارد؛ از جمله: «جامی و ابن عربی» (۱۳۴۳)، «دین تریاک نیست با مقدمه استاد جلال الدین فارسی» در سال ۱۳۶۳ در تهران چاپ شده است. «نقد فلسفه از نگاه جامی»، «تعلیق نگاهی به سلامان و ابسال جامی». (۴)

– دکترصادق علی یاری (مترجم): آثار ترجمه شده او در بخش پزشکی و طب عبارت اند از:

«تغذی و میتابولیزم و تنظیم حرارت»، «الکترو فیزیولوژی عضله»، «فیزیولوژی چشم و گوش» و «فیزیولوژی اعصاب مرکزی».

– آیت الله سید سرور واعظ بهسودی: در رشته اصول فقه تبحر داشته و در این زمینه، کتاب «مصباح الاصول» را در سال ۱۳۴۵ تدوین کرده است، از دیگر آثار ارزشمند وی کتاب «خاطرات زندان» می باشد. (۵)

– عبدالکریم میثاق (داستان و رمان): «هفت قصه»، (۱۳۵۱)، «لبخند مادر»، (۱۳۵۲)، «پرواز فرشته»، «راه»، (۱۳۵۲)، «میلودی دریاچه»، (۱۳۵۴) و «پلار»، (۱۳۵۴)، «راه سبز»، (۱۳۵۷)، (۱۳۶۷)، «نرگس آبی»، (۱۳۶۹).

۱- (۱) . کیوان سمیعی، زندگانی سردار کابلی، ص۵ و ۶.

۲- (۲) . حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره جات، ص ۲۳۱.

۳- (۳) . همان، ص ۲۳۰.

۴- (۴) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، زندگی نامه مبلغ، هفته نامه وحدت، ش ۱۳۲، پنج شنبه۱۸، ۱۳۷۳، ص۱۳.

۵- (۵) . سید سرور و اعظ بهسودی، مصباح الاحکام، ص ۱۳۸۹.

– دکتر امیر شاه حسن یار: «اکولوژی مناطق مرکزی» (۱۳۵۱)، «نباتات عمومی (جلد اول)، به همکاری اولاف اندرس» (۱۳۵۲)، «نباتات عمومی (جلد دوم)، به همکاری اولاف اندرس» (۱۳۵۲). (۱)

– نور علی هوا باز(خلبان): آثاری متعدد از وی به جا مانده است؛ از جمله آنها می توان به: «تعلیم نامه پرواز» (ترجمه)، «پروازهای جنگی و یادداشت های پیلوت»، «ناویگشین (کشتی رانی)» و «تعبیه و سوق الجیش (آمادگی عملیات)» اشاره کرد. (۲)

– علامه محمد علی مدرس: در ادبیات عرب ادیب و صاحب نام بوده است و آثاری علمی او به دو دسته تقسیم می شود:

آثار متعدد نوشتاری مدرس: «مکررات المدرس (شرح سیوطی)»، «الکلام المفید المدرس و المستفید (شرح صمدیه)»، «المدرس الافضل فیها یرمز و یشار الیه فی المطول (شرح مطول در هفت جلد)»، «اعراب سوره الفاتحه»، «الشواهد المنتخبه للکتاب السیوطی»، «تصحیح و تعلیقه جامع المقدمات»، «القواعد النحویه در شرح عوامل النحو» و...

آثار گفتاری مدرس: نوارهای درسی علامه مدرس ثبت و ضبط و در تمام شهرها و حوزه های علمیه کشورهای اسلامی توزیع و نشر شد. از علامه مدرس و ادیب مشهور در حدود سه هزار نوار (کاست) در موسسات مختلف و نوارخانه ها موجود است که شامل دورس ادبیات، کلام، منطق، اصول و فصاحت و بلاغت می شود. (۳)

– میر محمد حسن ریاضی(هدی): در امر تدریس، تالیف و تصحیح متون درسی مدارس دولتی، نقش فعال داشت. او در بازسازی نصاب تعلیمی در وزارت معارف (آموزش و پرورش) افغانستان شهرت دارد؛ همچنین در کنار تدریس و تالیف به تصحیح متون درسی مکاتب مشغول بوده و فعالیت هایی در این زمینه انجام داده است.

آثار متعدد دکتر ریاضی هدی که در زمینه فیزیک و ریاضی چاپ شده است:

۱. راهنمای آزمایش های فیزیک، ۶جلد. (برای صنوف هفتم تا دوازدهم).

۲. راهنمای آزمایش های فیزیک، (برای معلمان).

۱- (۱) . حسین نایل، سرزمین و رجال هزاره جات، ص ۲۳۰-۲۳۲.

۲- (۲) . همان، ص۳۳۹.

۳- (۳) . عبدالمجید ناصری داوودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج۱، ص۱۷۸.

۳. روش های فیزیک هدی.

۴. آزمایش های فیزیک پایه (مکانیک و...).

۵. ترجمه فیزیک الکترینکس. (۱)

دکتر ریاضی پس از ریاست تدریسات ثانوی وزارت تعلیم و تربیت، دارای کرسی در دیپارتمنت (گرده) فیزیک و ساینس(علوم) ملی افغانستان گردید. دو سال بعد، برای فراگیری فیزیک کاربردی به بیروت لبنان اعزام شد، در مدت یک سال و نیم، با کسب مدرک تخصصی در فیزیک کاربردی به کشور مراجعت کرد و تدریس فیزیک در پوهنتون (دانشگاه) کابل را به عهده گرفت؛ سپس به ریاست شورای تجدید نظر کتب فیزیک مکاتب (مدارس) کشور انتخاب گردید. (۲)

- داد علی نیرو: «ماهیت کمک های آمپرپالیزم».

- جان علی نور زاد: «تفسیر سیاسی و حقوقی قانون اساسی».

- محمد حسین طالب: «اشعار واصل» (۱۳۶۷)

- محمد یونس طغیان: «آشتی در شاهنامه...» (۱۳۶۹).

برخی افرادی که در دوره معاصر فعالیت های علمی داشتند عبارت اند از:

- حاج کاظم یزدانی: آثار منتشر شده وی عبارت اند از: پژوهشی در تاریخ هزاره ها (دو جلد)؛ تاریخ تشیع در افغانستان؛ دفاع هزاره ها از استقلال افغانستان؛ درس مبارزه از قیام موسی علیه السلام و فرزندان کوهساران.

- علی جان زاهدی (۱۳۲۴ ش): آثار چاپ شده او عبارت اند از: ویژگی های یک مجاهد؛ استاندارد تفکر اسلامی؛ خاطرات(دو جلد)؛ مبانی تفاهم ملی؛ استراتژی مبارزاتی ائمه معصوم علیهم السلام ؛ (۳) روایت شکست اقوام محکوم در افغانستان و موضوعات اخلاقی و انتقادی، تا حدودی محتوای کتاب های آقای زاهدی را در برمی گیرد.

- بصیر احمد دولت آبادی: آثار چاپ شده: شناسنامه افغانستان؛ شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان؛ طرح صلح و تفاهم ملی در افغانستان؛ افغانستان از ابدالی تا

۱- (۱) . همان، ج۱، ص۱۱۶.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان، ج۳، ص۱۱۹.

تره کی؛ شورای ائتلاف؛ ملافیض محمد کاتب هزاره، مورخ دور اندیش و هدف دار افغانستان؛ معرفی نامه افغانستان؛ هزاره ها، پناه گزینی و کتمان هویت؛ هزاره ها از قتل عام تا احیای هویت.

آثار آماده چاپ: مراکز علمی و فرهنگی افغانستان؛ شناسنامه انقلاب؛ شناسنامه علما و دانشمندان افغانستان؛ جامعه شناسی سیاسی افغانستان؛ افغانستان ناشناخته؛ از چهار کنت تا شمیران، همراه با استاد مزاری؛ از مزار بگویم یا از مزاری؟؛ شناسنامه دولت آباد؛ شناسنامه مجله حبل الله؛ روزنامه نگاری مهاجرین، تفاوت شعار با عمل؛ مردم و رهبر شهید(مجموعه نامه های رهبر شهید مزاری)؛ عزاداری امام حسین در افغانستان؛ زندگی نامه ابراهیم خان گاوسوار. (۱)

- عبدالمجید ناصری داوددی (۱۳۴۳): کتاب های منتشر شده او عبارت اند از: مشاهیر تشیع در افغانستان (در سه جلد)؛ تشیع در خراسان عهد تیموریان؛ تاریخ تشیع در افغانستان (آغازتا قرن هفتم)؛ انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت؛ زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان. آثار آقای ناصری رویکرد تاریخی دارد و او نیز در زمینه تاریخ تشیع افغانستان پژوهش کرده است.

- حمزه واعظی(۱۳۴۷ش): اثرهایی که از او به چاپ رسیده عبارت اند از: سروها و توفان ها (مجموعه خاطرات مجاهدین)؛ بدورد خاک اولیا (ادبیات مقاومت)؛ میدان هوایی گردیز(ادبیات مقاومت)؛ سرخ جامه گان بامدادی (ادبیات مقاومت)؛ قره (ادبیات مقاومت)؛ عبور از هلمند (ادبیات مقاومت) و افغانستان و سازه های ناقص هویت ملی (جامعه شناسی سیاسی).

آثار آماده چاپ: افغانستان و سازه های ناقص هویت ملی (جلد دوم)؛ زنان و دگردیسی شناخت ذهنی؛ دانش نامه فرزانگان افغانستان؛ مولفه های عبور از مرحله قومی(مجموعه مقالات سیاسی)؛ سازوکار فرهنگ (مجموعه مصاحبه های رادیویی و مطبوعاتی). (۲)

۱- (۱) . سایت کانون توسعه و تعاون افغانستان، معرفی بخشی از آثار...بصیراحمد دولت آبادی .www.afghanistan.fi/index.php

۲- (۲) . سایت حمزه و اعظی؛ www.hamzehvaezi.com.

– علی پیام: آثار نشر شده وی عبارت اند از: قطعه ای از بهشت (مجموعه داستان)؛ سنگ ملامت (مجموعه آثار ادبی نویسندگان مهاجر ایران – کاری مشترک با محمد جواد خاوری).

آثار آماده چاپ: حقوق اقتصادی زن (مباحث حقوقی)؛ سایه روشن ها (نقد و نظرهای ادبی). (۱)

– دای فولادی: اثرهای منتشر شده: افغانستان قلمرو استبداد؛ ایمان و آزادی؛ پس از صد سال سکوت؛ قرن خموش؛ دموکراسی چیست؟؛ رابطه دین و فرهنگ با قدرت؛ درک ضروری اشکال مبارزه؛ قبله خون؛ سخنان رهبر شهید مزاری؛ چه باید کرد. (۲) آثار آقای دای فولادی، بیشتر رویکرد سیاسی و اجتماعی دارد.

– محمد جواد خاوری: آثار چاپ شده او عبارت اند از: قصه های هزاره های افغانستان؛ پلگ گونگو: مجموعه شعر هزارگی؛ گزیده ادبیات معاصر(مجموعه داستان)؛ گل سرخ دل افگار(تازه ترین آثار داستانی)؛ امثال و حکم مردم هزاره.

برای رعایت اختصار به معرفی برخی افراد و آثار آنان بسنده کردیم. پس شیعیان در توسعه و رشد علوم در قرن چهاردهم، نقش بسزایی داشتند و در زمینه های گوناگون علمی، قلم فرسایی کرده اند؛ از جمله در زمینه ادبیات و شعر حضور پررنگی دارند. در این دوره، شیعیان افغانستان گام های جدی تری از قبل برداشته اند، در عرصه های گوناگون علمی، رو به شکوفایی و بالندگی هستند.

ج) ادبیات و شعر در قرن چهاردهم هجری

اشاره

ادبیات در افغانستان در دو قالب رشد کرده است که عبارت اند از:

یک) مرثیه سرایی

یکی از گونه های ادبی، مرثیه سرایی است که در ادبیات دری پیشینه ویژه ای دارد. این نوع سروده (شعر) که در مصایب واقعه کربلا و بسیاری از وقایع دیگر سروده

۱- (۱) . وبلاگ علی پیام؛ www.payaam۸۱.persian.blog.ir.

۲- (۲) . حسین مبارزه، دانشجویی رشته جامعه شناسی.

می شود، بار عاطفی، احساسی اجتماعی و مذهبی دارد. مرثیه، روش و سبک خاصی ندارد، بلکه سراینده با توجه به طبع و ذوق خود، سبک دلخواه یا وزن شعری را که طنین موسیقیایی داشته باشد، گزینش می کند و مرثیه را می سراید. مرثیه سرایان افغانستان، در شرایطی مرثیه سرایی می کردند که بر فضای جامعه احتناق حکومت می کرد و از لحاظ ساختار مذهبی دشواری های بسیاری وجود داشت. این نوع سروده ها در دوران استبداد و اختناقی که بر فضای افغانستان سایه افکنده بود و شیعیان دارای کوچک ترین حقوق اجتماعی و آزادی سیاسی نبودند، با شهامت و از خود گذشتگی سرایندگان خویش، جریانی مبارزاتی را به وجود آورد. از میان مرثیه سرایان معروف شیعه در افغانستان، نام سه نفر بیشتر بر سر زبان هاست: محمد نبی واصل، سید کاظم بلبل و محمد ابراهیم ترکمن معروف به «ذکاء» که در محافل مذهبی افغانی شهرت فراوانی دارد.

- میرزا محمد نبی واصل (۱۲۴۴-۱۳۰۹ق): از چهره های ماندگار عرصه شعر و مرثیه و از مرثیه سرایان بنام افغانستان است که اشعاری زیادی در منقبت و مدح اهل بیت علیه السلام سروده است. او در زمینه های مختلف شعر سروده است، اما بیشترین آثار وی در حوزه مفاهیم مذهبی و دینی قرار دارد. (۱) «منتخب آثار واصل» به همت مرحوم طالب حسین قندهاری گردآوری و چاپ شده است که اکنون نایاب است. (۲) از آثار واصل، شعر «در دشت کربلا» از کتاب مرثیه سرایان افغانستان انتخاب شده است:

گر از یعقوب تنها یوسفی اندر جهان گم شد به دشت کوفه از ختم رسل یک دودمان گم شد

چرا بر هم نشد شیرازه ی اوراقت ای گردون چو در دشت بلا قرآن ناطق از میان گم شد

تن پاک حسین از نعل سم مرکب دشمن چنان پامال شد کز وی نشان استخوان گم شد (۳)

۱- (۱) . سید محمد کاظم بلبل، مرثیه سرایان افغانستان، ص۱۰۹.

۲- (۲) . حسین نائل، سرزمین و رجال هزاره جات، ص ۳۴۰.

۳- (۳) . محمد نبی و اصل، مرثیه سرایان افغانستان، ص۱۱۱.

- سید محمد کاظم بلبل (۱۳۳۴ق): او از شاعران اهل بیت عصمت و طهارت است، از نمونه شعرهای وی، این شعر با عنوان «حسین» سروده شده است:

زبان ناطقه لال است در ثنای حسین مگر ثنای حسین را کند خدای حسین

دمی که بر سر دوش نبی نهادی پا گذشت از سر عرش افسر کلاه حسین... (۱)

در اشعار بلبل نیز، مضامین دینی و مذهبی در قالب مرثیه ها و سروده ها پدیدار شده است؛ شهیدان کربلا و واقعه عاشورا را می توان از مهم ترین موضوعات مورد توجه دانست. این شاعران گرچه مورد بی مهری ارباب مطبوعات و جراید و مورخان قرار گرفته اند، همچنان از نظر مردم باعظمت و بزرگ هستند زیرا؛ روایانی ساده و بی تکلف که مدعی هیچ هنری نیستند و فقط به وظیفه ای عمل می کنند که از این ناحیه بر خویشتن احساس می کنند.

- محمد ابراهیم ترکمنی متخلص به «ذکاء» (۱۲۹۰ش): وجه مشترک تمام این مرثیه ها و سروده ها، تکیه بر جنبه های عاطفی واقعه کربلا و مناسبت های مذهبی دیگر است؛ و نه نگاه ژرف و عمیق به زوایای قضیه، از باب مثلا تحلیل فلسفی و عملی که دایره بزرگ تری از مخاطبان را در برگرفته باشد. مخاطبان این مرثیه ها به طور عموم توده های پایین جامعه هستند و تحلیل این مصائب نیز به تناسب درک و توانایی فهم عامه صورت پذیرفته است. در آثار ذکاء نیز، شاهد این نوع نگرش هستیم:

«ای زهجر تو جهان غمکده تا نفخه سور» ای ز هجر تو جهان غمکده تا نفخه سور

آدم و جن و ملک غمزده تا شور نشور کعبه از ماتم جانکاه تو پوشیده سیاه

کربلا خون جگر داده ز قتل تو عبور ذکاء اثری به نام «خزینه الدور» نیز دارد. (۲)

۱- (۱) . همان، ص۳۶.

۲- (۲) . همان، ص۶۹ و عبدالمجید ناصری داوودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج۲، ص۱۲۰.

دو) ادبیات و شعر مقاومت

- شهید سید محمد اسماعیل بلخی (۱۳۴۷-۱۳۹۲ق): شعر مقاومت افغانستان با نام او آغاز می شود. شهید بلخی برای دفاع از ارزش های دینی در برابر مظاهر بیگانه می ایستد و مبارزه را آغاز می کند. علامه بلخی، از پیشگامان شعر مقاومت است؛ دو دهه ۳۰و۴۰ شمسی که مدت ۱۴ چهارده سال در زندان های «همزنگ» و «پلچرخی» در دستان حکام وقت افغانستان گرفتار بود، بخشی از حیات سیاسی - مبارزاتی این شهید را در بر می گیرد. او در زندان نیز به مبارزه خویش ادامه می دهد و با سرودن شعر، مردم را از خطر ایجاد اختلاف به دست دشمنان جامعه آگاه می سازد. بیشترین شعرهای وی در زندان ها سروده شد و با کاغذ سیگار به میان مردم می آید:

چه ابتلاست که در هر بلاد می نگرم نزاع مذهب و جنگ و نفاق می نگرم

به نام صلح به اسباب جنگ می کوشند ز هر تفرقه در اتحاد می نگرم... (۱)

شخصیت علامه بلخی، ابعاد فراوانی دارد که به واقع نمی توان جایگاه او را فقط در شعر و شاعری منحصر کرد، بلکه می توان شعر را بخشی اندک از حیات او دانست و از سوی دیگر نمی توان سروده ها و آثار او را محمل اندوه شخصی و آمال خصوصی او دانست؛ او از یک نظر متفکری است که شعر را پلی ساخته تا اندوخته های علمی و معرفتی خود را از آنجا، همانند سنایی و عطار و بسیاری از عارفان بیدار دل و روشن ضمیر دیگر معرفی و بیان کند. علامه بلخی، هم، مبارزی است که در راه بیداری نسل جوان و روشن فکر افغانستان در برابر نیروهای استبدادی فعالیت می کند؛ هم، خطیبی که در جایگاه ارشاد مردم خوابیده در توفان مهلکی قرار می گیرد که از هر سو باورهای آنها را به نشانه رفته است.

ز یک نگاه تو شد سرنوشت ما معلوم پس از هزار قیامت بحال اغاییم...» (۲)

۱- (۱) . سید اسماعیل بلخی، دیوان بلخی، ج۱، ص۱۷۹.

۲- (۲) . همان، ص۱۸۲.

بخش زیادی از سروده های بلخی مضمون دینی دارند که از نظر تعریف هنری و امروزی می شود آنها را شعرهای «مناسبتی» و «دینی» نام نهاد. این گونه شعرها در تاریخ زبان و ادبیات فارسی دارای سابقه طولانی هستند؛ به ویژه در ایران و افغانستان که از قرن های خیلی دور، شاعران در گرامی داشت وقایع مربوط به دین و مذهب و مناسبت های دینی، شعر سروده اند؛ آثار شعری مناسبتی بلخی، بیشتر در بستر مسائل رویدادهای خاص مذهبی شکل یافته است؛ برای مثال، اشعار مربوط به واقعه عاشورا که یکی از حماسه های درخشان تاریخ اسلام به شمار می آید، فرازی است که بسیاری از سروده های این شاعر را در بر می گیرد. شعر معروف «بلخی» با عنوان «رهبر آزادی» در محافل ادبی افغانستان، شهرت زیادی دارد.

در دشت عراق آمد آن رهبر آزادی آزاد توان بردن ره در بر آزادی

با رمز تبسم فاش می گفت به هرگامی امضای من از خون است در دفتر آزادی (۱)

– سید فضل الله قدوسی (۱۳۴۲): او عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات است. دفتر شعری دارد به نام «خاکستر صدا» (۱۳۷۵) و «جهاد با دست های خالی» (۱۳۷۴). (۲)

چندی است مرغ دل پی رفتن زلانه نیست او را به سر هوای بهار و ترانه نیست

چون بلبل جدا شده از باغم و مرا میلی برای پر زدن از آشیانه نیست (۳)

– سید ابوطالب مظفری (۱۳۴۴): او با گروهی از هم میهنان هنرمند و ادب پرور خویش مجله ای به نام «در دری» در مشهد به راه انداخت، اما پس از ۱۳ شماره، نام آن را به «خط سوم» تغییر دادند. تعدادی از آثار وی: «سوگنامه بلخ» (۱۳۷۲)، «شعر مقاومت افغانستان» (۱۳۷۲)، «مجموعه شعر ۴۲ گزیده ادبیات معاصر» (۱۳۷۸) (۴)

۱- (۱) . همان، ص۲۲۷.

۲- (۲) . حسن انوشه و حفیظ الله شریعتی «سحر»، افغانستان در غربت، ص۲۸۷.

۳- (۳) . همان، ص۲۸۸ و فضل الله قدوسی، مشرق گلهای فروزان، ص ۱۱۰.

۴- (۴) . همان، ص۳۱۵ و سید ابوطالب مظفری، مجله شعر، تهران، سال دوم، ش۱۳، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، مهر ۱۳۷۳، ص ۷۲.

دلم هوای وطن کرده است و جار زده است سفر ز روی وطن پرده را کنار زده است

به کوچه های پر از خون و خاک شعله ورم که سوز و آه آتش بر این دیار زده است؟

سراغ خانه گل چهره را به شهر شدم شبانه گفت: از این کوچه سار بار زده است (۱)

- محمد کاظم کاظمی: چهره ای نام آشنا در ادبیات امروز افغانستان که نقش برجسته ای در رشد و بالندگی شعر مقاومت داشته است. بعضی آثار او عبارت اند از: «پیاده آمده بودم پیاده خواهم رفت» (۱۳۷۰)، «همزبانی و بی زبانی» (۱۳۸۲)، «شعر فارسی و روزنه» (۱۳۷۷)، «شعر مقاومت افغانستان» (۱۳۷۰) و «صبح در زنجیر» (۱۳۷۱) نمونه ای از شعر کاظمی:

بازگشت

غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت

طلسم غربتم امشب شکسته خواهد شد و سفره ام - که تهی بود - بسته خواهد شد (۲)

شیعیان در زمینه رشد و توسعه علوم در بعضی دوره ها تاثیر گذار بوده اند؛ همین طور در زمینه های علمی؛ مانند: تاریخ نگاری، حکمت، ریاضیات، نجوم و ستاره شناسی و ادبیات کشور، نیز در شکوفایی و گسترش آن، نقش داشته اند.

گرچه در قرن های ۱۰و ۱۱و ۱۲ هجری، چندان رشد و توسعه علوم را در میان شیعیان شاهد نیستیم، افراد محدودی شیعه وجود دارند که در بعضی حوزه های علمی نقش آفرین بوده اند؛ ولی در قرن های ۱۳ و ۱۴ هجری، شاهد رشد و شکوفایی علوم در میان شیعیان هستیم که از قرن ۱۳ به بعد روند صعودی داشته است. شیعه ها در زمینه های گوناگون علمی در قرن ۱۴ و پس از آن، سیر رو به رشد داشته اند؛ به ویژه در بخش ادبیات، تاریخ نگاری و خلق آثار این چنینی، اندیشمندان شیعه بسیاری می شناسیم.

۱- (۱) . همان، ص۳۱۶.

۲- (۲) . حسن انوشه و حفیظ الله شریعتی «سحر»، افغانستان در غربت، ص۳۵۱.

شعر و شاعری در دو قالب، میان شیعیان رشد کرده است: یکی در قالب مرثیه سرایی و دیگر در قالب ادبیات (شعر) مقاومت. از میان مرثیه سرایان معروف شیعه در افغانستان به نام سه نفر بر می خوریم: محمد نبی واصل، سید کاظم بلبل و محمد ابراهیم ترکمن، معروف به «ذکاء» که در محافل مذهبی و ادبی افغانستان شهرت فراوانی دارد. شعر مقاومت با نام علامه شهید (بلخی) آغاز می شود که برای دفاع از ارزش های دینی در برابر مظاهر بیگانه ایستاد و مبارزه کرد.

ص:۱۹۸

۵- نهادهای مدنی و اجتماعی شیعیان

اشاره

نهادهای مدنی و اجتماعی شیعیان در افغانستان به سه دسته تقسیم پذیرند:

۱- سازمان روحانیت

اشاره

روحانیت را یک جمعیت فعال فرهنگی و اجتماعی می توان شمرد. ماهیت و ساختار زندگی عالمان در جامعه به گونه ای شکل گرفته که همواره اندوه و شادی آنها با مردم گره خورده است. آنان از نزدیک دردهای مردم را لمس می کردند و در پی درمان آنها گام برمی داشتند. جامعه شناسی عالمان دینی افغانستان از آموزه های اسلامی و میزان معارف الهی سرچشمه می گیرد. این قسمت، سازمان روحانیت شیعیان در افغانستان را بررسی می کند که به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف) تشکیلات روحانیت

روحانیت، سازمان (غیر رسمی) و شبکه مرتبط اجتماعی ای است که در دوره امام جعفرصادق علیه السلام رسمیت یافته است. «برای نخستین بار در میان جامعه مسلمین (شیعه و سنی) زیر بارش فضل و کمالات و تعلیمات امام صادق علیه السلام و توسط آن حضرت، علمای اسلام به صورت یک واحد اجتماعی مستقل، موجودیت و موضوعیت یافتند، مکتب ها و مدارس دینی و آموزشی به شکل نوین ظهور کردند، علوم و علمای اسلام،

هویت حوزه مستقل به دست آوردند.» (۱) بنابراین، روحانیت دارای سازمان و هویت مستقلی است که در هر نقطه از جهان قرار داشته باشند، دارای مسئولیت های مشابهند و دارای وظایف یکسان در زمینه های گوناگون، که برخی از مسئولیت های این سازمان، هدایت و ارشاد جامعه است، در واقع روحانیت آگاه و عامل، امانتدار واقعی پیامبران الهی است. (۲) در افغانستان، مانند سایر کشورها، عالمان و روحانیان دارای وحدت و کارکردهای مشابه هم هستند. روحانی پس از طی کردن دوره های تحصیلی، آنچه را فرا گرفته است برای مردم آموزش می دهد، بدون اینکه نهادی خاص، متکفل جهت دهی و ساماندهی باشد، روحانیت، این امر را رسالت دینی می داند و برایش فرقی نمی کند که در کجا و در چه جایی به این امر بپردازد.

ب) اهداف و کارکردهای روحانیت

اشاره

فعالیت های روحانیت در برابر جامعه بدین شرح است:

یک) رسالت مداری

رسالت عمده و اصلی علما و روحانیت متعهد در طول تاریخ این بوده است که میراث گران بهای انبیای عظام؛ یعنی دین و شریعت الهی را از گزند تهاجمات و تحریفات نگه دارند و پا به پای پیشرفت زمان و مقتضیات آن، کاروان بشری را به سوی اهداف بلند هدایت و رهبری کنند؛ از همه مهم تر اینکه با مبارزه علیه استعمارگران و حکومت های استبدادی، حاکمیت بر حق شریعت و طریقت الهی و توحیدی را در زمین برقرار سازند. پاسداری از دین و جامعه اسلامی به عهده عالمان و اندیشمندان دینی است و نیز ایستادگی در برابر استعمار و فرهنگ آن، رسالت روحانیان شیعه در کشورهای اسلامی است. در این باره، آقای حکیمی به نقل از دکتر شریعتی می نویسد:

«... در زیر هیچ قرارداد استعماری امضای یک آخوند نجف رفته نیست. پیشاپیش

ص:۲۰۰

۱- (۱) . عمید الدین باقی، کاوشی درباره روحانیت، ص ۱۵.

۲- (۲) . همان.

هر نهضت مترقی ضـد اسـتعماری در این کشورهـا (کشورهـای اسـلامی) همواره بـدون اسـتثنا قیـافه یـک یا چنـد عالم راستین اسلامی و به خصوص شیعی وجود دارد.» (۱)

در حقیقت، عالمان شیعه افغانستان در همه دوره ها در راه اندازی قیام آزادی بخش علیه استعمارگران پیشتاز بوده اند و در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند و در راس هر جنبش آزادی خواهانه حضور داشته اند.

دو) توسعه آموزش (تعلیم و تربیت)

۱. مـدارس علمیـه: یکی از مهم ترین وظـایف روحانیـان و عالمـان دینی، تربیت طلاـب و محصـلان علـوم دینی است. مدرسـه علمیه، محل تعلیم و تربیت است؛ در بیشتر شـهرها و روسـتاهای افغانسـتان، مـدارس خرد و کلان وجود دارد، که در هرکـدام، عـده ای به تحصـیل علوم دینی می پردازنـد. برخی از علما به رغم کمبود امکانات، توانسـته اند، شاگردان بسیار خوبی تربیت کننـد. در مـدارس روسـتایی، سـطح درس تا لمعه دمشـقیه و گاهی بالاتر از آن می رسـد، ولی در کابل، دروس سـطح به طور کامل تدریس می گردد و اخیرا حتی یکی، دو درس خارج نیز برای طلاب سطوح بالاتر برگزار می شود. (۲)

۲. مکتب خـانه هـا: گروهی از روحانیت، به ویژه آنهایی که در سـطح علمی پایین تری قرار دارنـد، مکتب خانه ها را اداره می کننـد. مکتب خانه ها در گذشـته،یگانه راه سواد آموزی به شـمار می رفت. حدود یک قرن است که دولت ها مکاتبی را برای سواد آموزی و تعلیم و تربیت کودکـان و نوجوانـان تاسیس و اداره می کننـد. مکتب خانه ها برای شـیعیان افغانسـتان تا قبل از انقلاب اسـلامی افغانسـتان، مهم ترین و مطمئن ترین شـیوه تحصیل کودکان بود؛ ولی در سال های پس از جهاد و جنگ های خانمان سوز داخلی، مردم و موسـسات خیریه در بسیاری از مناطق شیعی مدارسی ایجاد نمودند که کم کم دایره فعالیت مکتب خانه ها را تنگ تر ساختند. باید به یاد داشت که مکتب خانه ها به دست

۱- (۱) . محمد رضا حکیمی، هویت صنفی روحانیت، ص ۱۸.

۲- (۲) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۲۹۱.

روحانیون اداره می شدند و آنها نقش بسیار فعال در سواد آموزی و آموزش تعالیم دینی دارند. (۱)

سه) تحکیم و بهبود روابط اجتماعی

به دلیل نفوذ و اقتدار علما در میان مردم، نه تنها سران قبایل و خوانین، بلکه سلاطین افغانستان نیز در ظاهر، خود را ملزم به متابعت از نظریات آنها می دانستند، در تصمیم گیری های مهم، مانند: وضع قانون، اعلان جنگ داخلی یا خارجی در مراسم تاجگذاری و... به رای و دیدگاه آنها اهمیت می دادند و یا از نفوذ اجتماعی آنها برای رسیدن به آرمان های خویش بهره برداری می کردند. (۲) حاکمان این گونه بهره برداری ها را از برخی علما می کردند، بیشتر روحانیان به صورت کارشناس دینی و مذهبی و راهنمایان واقعی، مورد پذیرش مردم بودند؛ حتی برخی حاکمان از این نوع ارتباط برخی روحانی نمایان به نفع خود استفاده می کردند. آقای هدی درباره پیوند مستحکم مردم و روحانیت در جامعه افغانستان، چنین می نویسد:

رابطه مستحکم روحانیون مذهبی با مردم را در تاریخ جامعه شناسی مذهبی و سیاسی افغانستان، در طی قرون متمادی و در ادیان مختلف شاهد بودیم و به همین دلیل تمایل طبیعی توده های مردم با روحانیت، به صورت اصل در تحلیل های جامعه شناسی مردم افغانستان باید در نظر گرفته شود، بخصوص که در مذهب و آیین، مهم ترین نهاد اجتماعی و اصلی ترین شیرازه بند، روابط اجتماعی در میان این سرزمین بوده و هست.

نهادهای مهم را در جامعه مذهبی افغانستان، مسجد، حسینیه و مدارس دینی تشکیل می دهند. مسجد که تجلی گاه اصلی بیعت مردم با روحانیت، امام جماعت و امام جمعه و... است، می تواند در تعبیر جامعه شناسی نوین، محل ارتباط میان مردم و رهبران مذهبی آنها باشد، نوعی ارتباط چهره به چهره (Face to Face) و نقش روحانیت را در ارشاد و آموزش نظارت و بسیج مردم نشان می دهد؛ به ویژه آنهایی که

۱- (۱) . همان، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

۲- (۲) . علیرضا علی آبادی، افغانستان، ص ۳۳- ۳۲.

در قلمرو جغرافیایی حسینیه و مسجد محل قرار دارند. تحلیل های امام جماعت و روحانی درواقع بستر خط فکری مردم را تشکیل می دهد و بدین لحاظ اگر روحانی، یک فرد انقلابی و آگاه و دانشمند باشد، فرهنگ مذهبی، سیاسی و اجتماعی مردم نیز، به صورت القایی، متعالی می شود. (۱)

آقای واعظی درباره روابط روحانیت و جامعه این گونه می نویسد:

در جامعه مذهبی افغانستان رابطه مردم با نهاد روحانیت پیوند نزدیک روحی، معنوی و پر از اعتماد و اطمینان است. یک روحانی، امین ترین فرد و مهم ترین عنصر معنوی می باشد که هزاره ها (شیعه) و تمامی مردم مسلمان افغانستان در جزئی ترین و پنهانی ترین رازها و نیازهای مذهبی، خصوصی، خانوادگی و اجتماعی خویش به او مراجعه می کنند و توده های مذهبی، ملاـ و روحانی را در همه امور اجتماعی و زندگی خود پناهگاه امین و معتمد و رازدار می دانند. به همین دلیل است که نهاد روحانیت از دیرباز تاثیر گذار و مقدس و مورد اعتماد در جامعه بوده است. (۲) جامعه شیعه، روحانیت خویش را امانتدار در دین، اسرار و رازهایش می دانند که این مسئله، مسئولیت عالمان را چند برابر می کند تا بتوانند امانتداران واقعی باشند.

چهار) تبلیغات مذهبی

یکی از مهم ترین وظایف روحانیت، تبلیغ دین است. در افغانستان، همواره عالمان دین به این مهم اهمیت می دهند و برای موثر واقع شدن تبلیغ تعالیم دینی و ایجاد باورمندی در میان مردم، شیوه های تبلیغی دارند. با اهمیت ترین ایام تبلیغات مذهبی در میان شیعیان افغانستان به شرح زیر است:

۱. ماه محرم: برای زنده نگه داشتن ایام سوگواری سالار شهیدان، حسین بن علی علیه السلام ، واعظان و خطیبان، معارف و آموزه های دینی را در این ایام برای مردم بیان می کنند. در میان شیعیان مرسوم است «از اول ماه محرم تا روز سیزدهم محرم عزاداری می کنند.» (۳) ماه محرم،

۱- (۱) . میر محمد هدی، بلبل، ص ۲۲.

۲- (۲) . حمزه واعظی، مجله سراج، سال ششم، شماره ۱۶و۱۷،ص ۱۰.

۳- (۳) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۳۹۳.

مهم ترین فرصت تبلیغی در این کشور است؛ زیرا همه مردم با آمادگی برای شنیدن نصیحت به مساجد می روند. هم، فرصت کافی است که مبلغ کمر همت را ببندد و تعالیم اسلامی را برای مردم بازگو کند، هم، برای مردم فرصت خوبی است که برای ارتقای آگاهی دینی خویش از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

۲. بیست و هشتم صفر و ایام شهادت امامان معصوم علیهم السلام : در این گونه ایام و مناسبت ها، مردم برای اقامه عزا در مساجد و تکایای شهرها و روستاها گرد هم می آیند، روحانیان و مداحان اهل بیت می توانند از فرصت پیش آمده، نهایت بهره برداری را در جهت نشر معارف اسلامی ببرند. (۱)

۳. اعیاد مذهبی: به مناسب ایام میلاد معصومین علیهم السلام و همین طور به مناسبت های اعیاد ملی چون نوروز و چهارشنبه سوری و نیز اعیاد مذهبی چون عید قربان، عید فطر و عید غدیر خم، در بسیاری از مساجد و حسینیه ها با حضور علما و اندیشمندان دینی مراسم جشن و سرور برگزار می گردد. (۲)

۴. حل و فصل دعاوی: عالمان شیعه در افغانستان در قسمت مصالحه و فیصله دعاوی در میان جامعه نقش بسیار موثری دارند. چنانچه دعاوی به محاکم دولتی کشیده شود، بسیار طول می کشد، چه بسا اصلا طرفین دعوا به حق نرسند و با رشوه ستانی های کلان، حق ناحق می شود؛ ولی در حل و فصل نزاع ها نزد عالمان شیعه، پس از استماع شکایت و دفاع طرفین، حکم را طی چند ساعت یا چند روز صادر می کنند، بدون اینکه آنها ناراضی باشند.

درباره حل دعاوی به دست علما، آقای بختیاری می نویسد:

زن جوانی (در حدود بیست ساله) با پیر مردی که دو نفر زیر بغلش را گرفته بودند، آمده بودند و زن تقاضای طلاق می کرد، اگر این موضوع به دادگاه کشیده شود، مطمئنا ماه ها طول می کشد تا حل شود، ولی در آنجا آقای تقدسی تنها در مدت بیست دقیقه قضیه را فیصله داد. نخست شکایت های هر دو طرف را شنید و

۱- (۱) . محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۳۱۲.

۲- (۲) . همان، ۳۲۷.

مطمئن شد که امکان ادامه زندگی وجود ندارد، سپس صیغه طلاق را جاری کرد. (۱)

دربـاره کـارکرد و نقش علمـا در مسـند قضـاوت، مطالبی در بخش نظام قضایی محلی آمـده است که در اینجا به طور اختصار آورده ایم.

پنج) سیاست

عالمان و روحانیان افغانسـتان هیچ گاه در مقابل حاکمان مسـتبد کوتاه نیامده اند و در طول تاریخ، به مقاومت و ایسـتادگی در برابر نظام های ناکارآمد، پرداخته اند و لحظه ای از این رسالت غافل نشده اند و در مقابله با حکومت های ستمگر دو روش را پیشه خویش ساخته اند:

الف) عـدم سـازش بـا حاکمان سـتمگر: علما در جامعه افغانسـتان، به ویژه در جامعه شـیعه از جایگاه والایی برخوردارنـد و دژ اجتماعی مستحکمی برای مردم هستند. تلاش نظام های حاکم در جهت به انزوا کشاندن عناصر مذهبی و روحانی به خاطر آن بود که این قشـر، نتوانـد حرکتی انجام دهد و موضع و جهتی را انتخاب کند که وجهه و موقعیت سیاسـی، اجتماعی و نظامی را زیر سؤال ببرد یا مورد تهدیـد جدی قرار دهد، چه اینکه این عناصـر نیروهایی را تشـکیل می دادند که به عنوان مخالفین بالقوه همسویی و هماهنگی هایی با سـیاست های نظام نداشـته و حاضر به اطاعت و یا سازش نبودند و در میان مردم هم از موقعیت و صلاحیت خوبی برخوردار بودنـد، بـدین جهت بود که نظام ها... با تهدیـد آرام آنها را منزوی سازنـد و از شـرکت در فعالیت های مهم اجتماعی باز دارند. (۲)

ب) مقـاومت در برابر حاکمـان سـتمگر: در این شـیوه، روحانیت به طور مسـتقیم در مقابل نظام های اسـتبدادی افغانسـتان وارد صحنه می شدنـد و در برابر حکومت هـا موضع می گرفتنـد. حاکمان افغانسـتان، همیشه از روحانیت احساس خطر می کردنـد؛ زیرا عالمان شـیعه به روشـنگری اسـتبداد آنها در میان مردم و جامعه می پرداختند و با توجه به نفوذ روحانیت، بسیاری از مردم در کنار ایشان قرار می گرفتند. حکومت های افغانستان،

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری. شیعیان افغانستان، ص ۳۹۶.

۲- (۲) . حمزه واعظی، روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۷۰، شماره ۱۴۴۲۱، ص ۵.

هیچ گاه از بی عدالتی ها دست نکشیدند، همیشه روحانیان را تهدید، حبس، تبعید و سرکوب می کردند؛ حتی آنها را به شهادت می رساندند. مانند قاضی عسکر و کاتب و... در دوره سلطنت عبدالرحمان، بسیاری از علما و روحانیت شیعه در سیاه چال های مخوف بدست جلادان رژیم سلطنتی وی، جان سپردند، یا مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش شدند. (۱)

حاکمان و مزدوران استکبار جهانی، مانند: چون انگلیسی ها، شوروی ها و آمریکائی ها و گروهک طالبان که دست پرورده برخی فرقه های منحرف است، برای نابودی عالمان شیعی اقداماتی کردند و بسیاری از آنها را به شهادت رساندند؛ از جمله آنها دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، شهید عبدالعلی مزاری است.

روحانیت شیعه در طول تاریخ افغانستان، مورد آماج حملات و آسیب های متعصبین بوده اند. در دوره امیرعبدالرحمان که شیعیان را مورد قتل عام قرار دادند، در درجه اول آن، روحانیت بوده است. در دروه حکومت حبیب الله خان، باز هم مناطق شیعه نشین مورد حملات آنها قرار گرفت و مردم شیعه مجبور بودند که در نماز جماعت علمای اهل سنت شرکت ورزند و به امامت آنها نماز گزارند. (۲) همان طوری که پیش از این اشاره شد، روحانیت در بیدار کردن مردم نقش اساسی و تعیین کننده ای داشتند؛ از این رو، علمای شیعه در دل های مردم جا داشتند و از آنها پیروی می کردند. در جامعه تشیع افغانستان، روحانیت نقش سازنده و بارزی در ایجاد ابنیه تاریخی و مذهبی، مدارس علمی، آبادانی و ترمیم و تجدید بنا و راه های مواصلاتی مردم شیعه داشتند. از طرف دیگر در امر تعلیم و تربیت و باسواد کردن فرزندان شیعه، هنگامی که درهای مکاتب دولتی بر روی آنها بسته بودند، سعی و تلاش فراوان کردند و در زمینه بیان احکام دین نیز نقش بسزایی داشتند. از همه مهمتر اینکه در نهضت های آزادی بخش، روحانیت در مقام فرمانده، از همگان پیشگام تر بودند؛ در رسمی کردن مذهب شیعه در افغانستان تلاش های زیادی صورت گرفت که در این میان، می توان از آقای حجت نام برد که در دوره ای که شیعیان در تقیه به سر می بردند

۱- (۱) . همان، ص۵.

۲- (۲) . محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ۲۱۸ و ۲۱۹.

این فضا را می شکند و شیعیان را از تقیه خارج می کند. مردم شیعه افغانستان علاقه بسیاری به روحانیت دارند و خصوصا به آنهایی که نماینده مجتهد و مرجع تقلید باشند و یا اینکه خود آنها به درجه اجتهاد رسیده باشند در یک کلام می توان گفت: روحانیت شیعه، کارنامه مطلوبی در میان جامعه شیعه افغانستان دارند و آیات عظام شیعیان افغانستان، نمونه مطلوب و حقیقی روحانیت می باشند. (۱)

شش) اجتهاد و مرجعیت

مهم ترین هدف و کارکرد روحانیت شیعه، این است که بتواند بالاترین مرحله علمی را در فقه و اصول به دست آورد و به درجه اجتهاد نایل شود. درباره مجتهد جامع الشرایط در رساله های عملیه این گونه آمده است: مجتهدی که جامع شرایط مرجعیت باشد می تواند دیدگاه های فقهی خود را در کتابی منتشر سازد تا مردم از وی تقلید کنند. مرجعیت در مذهب شیعه تداوم و استمرار مسیر نبوت و امامت است؛ زیرا مراجع تقلید در واقع بیان کنندگان و مفسران قرآن کریم و احادیث شریف اند. بنابر مذهب اثنی عشری، کسانی که خود مجتهد نیستند و نمی توانند احکام را از منابع استخراج کنند، و همچنین نمی توانند به گونه ای عمل کنند که جانب احتیاط را نگاه دارند، از مجتهد جامع شرایط تقلید کنند. (۲)در گذشته، شیعیان افغانستان معمولا از مراجعی تقلید می نمودند که در حوزه های کهن نجف و قم به سر می بردند، مردم شیعه فقط با وکلای آنها در ارتباط بودند؛ از این رو وجوهات شرعی خویش را به وکلای مراجع تقلید خویش تحویل می دادند، آنها نیز بخش اندکی از این وجوهات را صرف نیازمندی های منطقه می نمودند و بقیه را به دفاتر مراجع در نجف یا قم می بردند. (۳)مقوله مرجعیت در میان جامعه تشیع افغانستان کاملا تازه است؛ زیرا بسیاری از عالمان شیعه افغانستان به مرحله اجتهاد رسیدند، ولی شرایط برای تدوین رساله عملیه و تقلید مردم از آنها مناسب نبود؛ اما آرزوی دیرینه شیعیان افغانستان جامه عمل پوشید و با تلاش بسیار برخی علمای شیعه،

۱- (۱) . همان. ۳۲۳.

۲- (۲) . ر.ک: مسئله اول رساله های عملیه مراجع تقلید.

۳- (۳) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۳۹۰.

مرجعیت در این سرزمین راه یافت؛ از جمله این عالمان: علامه مدرس افغانی (۱۲۸۴ش)، (۱) آیت الله شیخ محمد امین افشار (۱۲۸۸ش)، (۲) آیت الله سلطان محمد ترکستانی (۱۲۹۱ش)، (۳) آیت الله سید محمد سرور واعظ بهسودی (۱۲۹۵ش) (۴) و... بودند. در گذشته، روحانیت شیعه افغانستان به مرحله اجتهاد می رسیدند و نمی توانستند در جایگاه مرجع تقلید مردم شیعه افغانستان حضور یابند. پس از تلاش علمی و زهد و پارسایی دو تن از مراجع عظام به این مقام عظمی نایل شدند که در این نوشتار معرفی می شوند:

الف) آیت الله العظمی قربانعلی محقق کابلی (ت۱۳۴۹ق): مرجع تقلید، محقق ژرف نگر دوره معاصر حضرت آیت الله قربانعلی محقق کابلی، از شاگردان برجسته، حضرت آیت الله العظمی خویی رحمه الله در نجف اشرف بود که در سایه آراستگی معنوی، استعداد سرشار و با روحیه دانش اندوزی خویش توانست نظر استاد فرزانه را جلب کند؛ بدین ترتیب دقت علمی و توان تحقیقی او، شایسته ارزیابی شد و این امر از تقریظ استادش بر جلد اول تقریرات درسش که با قلم روان به نگارش درآورده است، کاملا روشن است.

تصویر شماره(۹) حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی

ص:۲۰۸

۱- (۱) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، دفاع هزاره ها از استقلال و... ص ۳۲.

۲- (۲) . حسین شفایی، زندانیان روحانیت تشیع افغانستان، ص۶۰.

۳- (۳) . ع. عرفانی، مرثیه سرایان افغانستان، ص ۷۰.

۴- (۴) . محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۲۲۵.

وجود پر برکت معظم له، منشا خدمات فراوان مذهبی، علمی، فرهنگی و جهادی در جهان اسلام، به ویژه در افغانستان بوده است؛ اما طلایه داری او در احراز مقام عظمای مرجعیت و منصب بلند پایه فتوا جلوه بیشتری دارد. (۱) در زمستان ۱۳۷۲ش رساله عملیه خویش را بنا به درخواست بسیاری از مومنان و فاضلان، تدوین کرد و در طی ۶۶۴ صفحه و ۳۱۰۳ مسئله به نشر سپرد. حمایت های بی دریغ حزب وحدت اسلامی افغانستان از ایشان که در آن دوره، یگانه حزب مقتدر شیعه به شمار می رفت و در عرصه های گوناگون سیاسی و اجتماعی عرض اندام کرده بود؛ همچنین تلاش های شبانه روزی شیعیان، سبب شد. تا مرجعیت آیت الله العظمی محقق، مطرح شود و سیلی از مشتاقان به سوی معظم له روی بیاورند. آثار دیگر ایشان به این شرح است:

المباحث الفقهیه(جلد ۱. الجتهاد و التقلید؛ جلد ۲. الطهاره؛ جلد ۳. الطهاره)، کتاب الخمس، وظیفه القضاه، تحریر العروه الوثقی، مناسک حج به زبان فارسی، مناسک حج بزبان عربی، نصایح اخلاقی. (۲)

آیت الله محقق، بیش از ۱۴ سال است که به تدریس «خارج فقه» در حوزه علمیه قم اشتغال دارد، عده زیادی از فضلا و طلاب جوان از محضر ایشان کسب فیض می کنند.

ب) آیت الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (۱۳۵۳ق): معظم له در سال ۱۳۶۹ ق برای تکمیل آموخته های دانش خویش و رسیدن به مقام منیع اجتهاد، رهسپار حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف گردید؛ پس از تحصیل در سطوح عالی به جمع شاگردان آیت الله خویی پیوست، در میان شاگردان استادش به زودی درخشید و مورد توجه آن استاد قرار گرفت. استاد روش او را برگزید اجازه نشر نوشته هایش را به عنوان تقریرات درس خارج اصول به نام «محاظرات» داد. آیت الله فیاض چندین بار از طرف آیت الله خویی به صورت نماینده تام الاختیارش به مراسم حج فرستاده شد. آیت الله خویی مسائل و استفتائات مقلدان خویش را به وی واگذار می کرد و در حوزه علمیه نجف نیز، او مسئول پاسخ به استفتائات مقلدان آن مرجع بود و از سراسر جهان مقلدان آقای خویی رحمه الله می آمدند.

۱- (۱) . محمد عیسی محقق خراسانی، المؤلفون الافغانیون المعاصرون، ص ۴۱- ۴۲.

۲- (۲) . www.mohaqeqkaboli.org.

آقـای فیاض پاسـخ به مسائل و اشـکالات آنها را می گفت و با شخصـیت علمی و مبانی اسـتادش آشـنایی کامل داشت، فتاوی استادش را با قلم روان تدوین می کرد و استادش با ملاحظه صحت آنها را تایید و امضا می کرد. (۱)

تصویر شماره(۱۰) حضرت آیت الله العظمی فیاض

آثـار علمی فراوان از آیـت الله فیـاض در دست چـاپ است و تعـدادی نیز به نشـر رسـید. آثـار وی در هر بخش ارزشـمندند و جایگاه بلنـدی نزد دانشـمندان حوزه و اهل پژوهش دارنـد و این، از توانمنـدی فوق العاده او در عرصه اسـتنباط احکام شـرعی حکایت می کند. عناوین و فهرست آثار وی بدین شرح است:

المحاظرات فی اصول الفقه (در مجموع، ده جلد است که پنج جلد آن به نشـر رسیده است)؛ تعالیق مبسوطه علی العروه الوثقی (پانزده جلدی که بخشی از آن به چاپ رسیده است)؛ منهاج الصالحین (سه جلد)؛ المباحث الاصولیه (شش جلد و ادامه دارد)؛ الاراضـی؛ احکـام البنوک؛ مناسـک حـج؛ النظره الخـاطفه فی الاجتهـاد؛ المختصـر فی احکام العبادات؛ رساله توضـیح المسائل (فارسی)؛ رساله استفتائات به زبان عربی. (۲)

بنابراین، مرجعیت در جامعه تشیع افغانسـتان به آرزویی دیرینه تبدیل شده بود. بسـیاری از عالمان و دانشمندان شیعی افغانستان از لحاظ علمی به مراحل اجتهاد راه پیدا کردند؛ اما

۱- (۱) . عبدالمجید ناصری داودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۲- (۲) . همان.

به صورت وکیل و نماینده مراجع عظام عراق و ایران و... به ایفای نقش می پرداختند. با توجه به شرایط آن روز همین مسئله کافی بود؛ اما پس از مساعد شدن اوضاع شیعیان در افغانستان، نیاز بیشتری به مراجع تقلید داشتند. از این میان، حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، با کوشش بسیار و اهتمام علمی توانست به مرجعیت تام شیعیان افغانستان برسد. بنابراین آیت الله محقق را از پیشگامان نهاد مرجعیت در افغانستان می توان یاد کرد که در این صحنه خوب درخشید و پاسخ های بی جواب مردم شیعه افغانستان را با تدوین رساله احکام دینی خویش جواب داد. معظم له، این خودباوری را برای اندیشمندان افغانستان به ارمغان آورد که پس از تحصیل در دوره های خارج اصول و فقه و پژوهش در این علوم و در سایه زهد، افرادی می توانند به این جایگاه علمی برسند. پیش از ایشان، حضرت آیت الله العظمی محمد اسحاق فیاض در حوزه علمیه نجف اشرف، مقام اجتهاد و مرجعیت را احراز کرده بود و چشمه جوشان علمی در آن حوزه شده بود؛ بسیاری از شیعیان و مشتاقان از سراسر جهان، گرد وجود ایشان می چرخند و از دیدگاه های جدید وی در بسیاری از علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام بهره می گیرند.

۲- نظام قضایی (داوری) شیعیان

اشاره

مذهب «حنفی» از لحاظ قانونی، همواره تنها مذهب رسمی افغانستان بوده که اقوام مختلف ساکن افغانستان را شامل می شده است. (۱) در گذشته، حکومت افغانستان متصدی امور قضایی مردم (شیعه و سنی) و تابع تصمیمات و صلاح دیدهای قاضی (حنفی) بوده است، قضات دارای اختیارات گسترده بوده اند، نیز نوع مجازات و کیفر متناسب با جرایم را از پیش تعیین نمی کردند و درواقع مجازات، تابع دیدگاه و رای شخص قاضی بود. در دوره امان الله خان که دست به اصلاحات قضایی زد با همکاری برخی از فقهای نواندیش، مثل «مولوی عبدالواسع قندهاری» کتاب «تمسک القضا امانیه» را تدوین کرد. در این کتاب مبانی و صلاحیت های قضات را محدودتر کرد و از همه مهم تر اینکه به تعریف و تعیین مجازات و جرم نیز پرداخت که از این پس، هر قاضی نمی تواند طبق برداشت های شخصی خویش حکم صادر کند.

۱- (۱) . سید عبدالقیوم سجادی، جامعه شناسی سیاسی افغانستان، ص ۹۱.

غبار درباره اصلاحات قضایی چنین می نویسد:

«این (کار) در افغانستان یک تغییر اساسی فقهی بود که به عمل آمد و صنف قضات را برای همیشه از دولت و تحولات جدید متنفر و بیزار ساخت، محاکم طبق احکام قانون اساسی از مداخلات دیگران آزاد و محاکمه متهمین نیز علنی گردید.» (۱)

از این پس، محاکم بر اساس قانون مدون در قانون اساسی کشور احکام را صادر می کرد.

بار دیگر در سال ۱۳۸۲ش آزادی های بیشتری در امور قضایی قانون اساسی کشور درباره مذاهب و فرقه ها قایل شدند که مسوده قانون اساسی افغانستان به دست حقوق دانان (شیعه و سنی) این کشور تدوین گردید و به تصویب لویه جرگه «تصویب قانون اساسی» رسید. در ماده دوم «قانون اساسی» درباره «دین» و اجرای احکام مردم افغانستان آمده است: «دین مردم افغانستان، دین مقدس اسلام است و پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام و قانون آزاد می باشند.» (۲) نیز در ماده ۱۳۱ قانون اساسی آمده است: «محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.» (۳)

قانون احوال شخصیه اهل تشیع، در طی ۱۸ فصل و ۲۴۹ ماده، در۱۰حمل۱۳۸۷ به تصویب ولسی جرگه (مجلس شورای ملی) و در تاریخ ۴ حوت ۱۳۸۷ به تصویب مشرانو جرگه (مجلس سنا) رسید، نیز در به تاریخ ۲۹ حوت ۱۳۸۷ از سوی رئیس جمهور توشیح شد. قانون احوال شخصیه تشیع پس از توشیح، ضمانت اجرایی پیدا کرد و از این پس، محاکم، موظف هستند قضایای احوال شخصیه اهل تشیع را مطابق این قانون، حل و فصل کنند. قانون احوال شخصیه تشیع بر اساس ماده ۱۳۱ قانون اساسی کشور تدوین، تصویب و توشیح شده است.

دستگاه متصدی حل دعاوی و داوری شیعیان افغانستان به دو دسته تقسیم می شود:

۱- (۱) . میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج۲، ص ۱۲۴۹.

۲- (۲) . قانون اساسی افغانستان «مسوده»، افغانستان، ۱۲ عقرب ۱۳۸۲.

۳- (۳) . همان.

الف) نظام داوری حکومتی

در این گونه نظام، دولت ها اعمال و اجرای احکام و اموری، مانند وقف و سرپرستی از یتیمان و... در بحث مجازات، از «حدود» گرفته تا «قصاص» را به عهده داشتند، وجود چنین نظام بازدارنده در میان شیعیان، نقش موثری در کنترل و کاهش جرم و جنایت طایفه ای و محلی ایفا می کرد و براساس فقه و مذهب حنفی، احکام صادر می شد، و شیعیان مجبور بودند که از این گونه احکام در اموری؛ مثل: نکاح، طلاق، دیات، قصاص، تخلفات حقوقی و... پیروی کنند؛ یعنی به موازین شرعی فقه حنفی تا دوره امان الله خان، که پس از آن طبق قانون اساسی اجرا و مردم شیعه به اجرای آن ملزم می شدند.

آقای واعظی درباره رشوه خواری و بی عدالتی دستگاه قضایی حکومتی چنین می نویسد:

«... اما به کلی از فساد، رشوه خواری، جانبداری و سلیقه ای عمل کردن هم مبری نبود. فقدان قانون و سیستم کنترل قانونی و آزادی قضات از قید مقررات قانونی و نظارت موجب می گردید که احکام صادره، گاه خلاف اصل و حقیقت صادر گردد.» (۱)

این گونه نابرابری ها، از فرمان های صادر شده خلاف اصل و واقع در زمان های حاکمان وقت افغانستان بسیار اتفاق افتاده است که در این نوشتار برای نمونه از آقای قندهاری ذکر می کنیم که در جریان یک فیصله دعوی در زمان حکومت ظاهرشاه بوده است. وی درباره این فیصله می نویسد: یک نفر شیعه به قتل رسیده به دست افغان (کوچی) و پای یک رأس شتر شکسته (زخمی) شده است، طبق این فیصله به وارثین شیعه ۶۰۰ افغانی می پردازد (به عنوان دیه یک نفر)، اما بابت زخمی شدن شتر کوچی به تهمت مردم را می گفت که پای شترم را زخمی نمودید و کسی هم ندیده بود که واقعا شتر زخمی شده باشد. قضات، مبلغ ۳۷۰۰ افغانی از مردم شیعه بابت خسارت پای شتر کوچی دریافت کردند. (۲) در حکومت های افغانستان، عدالت درباره شیعه، اصلا

۱- (۱) . حمزه واعظی، افغانستان و سازه های ناقص هویت ملی، ص ۱۹۰.

۲- (۲) . طالب قندهاری، نگاهی به افغانستان امروز و دیروز، ص ۳۵.

اجرا نمی شد که هیچ! گاهی اوقات دولت ها علیه مردم شیعه پرونده های جعلی درست می کردند. در این باره آقای لعلی می نویسد:

«ترتیب دادن پرونـده های جعلی از قبیل مفقود شدن شتر و رمه ی گوسـفندان، بهانه دیگری بود تا به حکومت عارض شوند و آن گاه حکومتیان می دانستند که چه کارکنند.» (۱)

پرونـده هـای سـاختگی فقـط به تاییـد یکی از مقامـات دولتی می رسـید، لازم الاجرا می شـد و نیز خزانه ی دولت حکم قبر را داشـت کـه هرچـه در حسـاب آن واریز می شـد دیگر بر نمی گشـت؛ محـاکم قضـایی و مرافعـه از این قبیـل کارهـا را در دهه دموکراسـی و بعد از آن؛ یعنی در زمان صدارت داود خان، که شـیعیان را به آن گرفتار کردند و به مرور زمان زیر بار سـنگین این گونه نابرابری ها، کمر شیعه ها را خرد کردند. (۲)

آقای مقصودی درباره یک پرونده جعلی در سال ۱۳۳۶ش می نویسد:

پرونـده جعلی علیه مردم قریه جات مربوط به «ناهور» تنظیم شـد؛ بعـد به دست والی غزنی سپرده شـد، والی که خود طراح این پرونده بود، پرونده مذکور را به مجلسـی که خود شـخصا ریاست آن را دارا بود، فرسـتاد و بدون اینکه از مدعی و مدعی علیه خبری باشـد، حکم را صـادر نمود، مبنی بر اینکه مردم مربوط نـاهور، مبلغ یـک و نیم میلیون افغانی را به خزانه دولت به عنوان جریمه بپردازنـد. همین والی دسـتور احضـار موسـفیدان را جهت تحویـل جریمه داد، مردم بـدون اینکه از علت جریمه بـا خـبر باشند، این مبلغ را پرداخت کردند. (۳)

در دوره حاکمان پیشـین افغانستان، رسمیت دادن به مذهب جعفری در محدوده قضایی و اجرایی مربوط به شیعیان افغانستان را به جز دکتر نجیب الله، در دیگر دوره ها سـراغ نداریم. گرچه رسمیت دادن مذهب جعفری درحوزه قضایی و احکام مربوط به شیعیان از سیاست های او بود، این کار دکتر نجیب هشدار دهنده به نیروها و حکومت های پس از

۱- (۱) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲- (۲) . سید محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۳- (۳) . همان، ص ۲۴۹.

خودش بود که به افق وسیع تری بیندیشند. (۱) نتایج حاصل از عملکرد مراکز اداری و قضایی وابسته به حکومت های مستبد که منحصرا به شیعه های هزاره جات مربوط می شود عبارت بودند از: بی گناه را به گناه متهم ساختن؛ جزای جسمی، تعذیب روحی؛ تاراج دارایی ها و ثروت منقول و غیر منقول آنان؛ داشتن انگیزه سیاسی مجازات.

انگیزه سیاسی انواع مجازات و انطباق کامل آن بر مردم شیعه، بدون شایبه از خصومت باطنی رژیم ها و ایادی آنها، پرده برمی داشت؛ مخصوصا وقتی که رژیم حس می کرد فردی استعداد جنبش در برابر ستم ایادی رژیم را دارد، سازمان اطلاعات، وی را به جرم جنایی به حبس و شکنجه وادار می ساخت. گاهی فعالیت های ضد خیانت دولتی را در ردیف جرایم جنایی؛ مانند: قتل، زنا، دزدی و... قرار می دادند، تا بتوانند ذهنیت طرف را تضعیف کنند، تا دیگر کسی جرئت مخالفت با دولت را نداشته باشد. (۲) رسوایی دستگاه قضایی، پولیسی و ثارنوالی و اداره تحقیقات حاکمان وقت به درجه نهایی رسید و هر صاحب نظر را به تامل وا می داشت که برای نمونه به این ماجرا توجه کنید:

«یک نفر دیوانه در قریه غندک (از توابع بامیان) خودکشی کرده بود. آقای خوگیانی و همدستانش عریضه جعلی به نام عبدالسلام، پدر مقتول ترتیب و چند نفر بی گناهان را به جرم قتل مورد لت و کوب قرار دادند و حبس نمودند. که عبدالسلام مذکور، موضوع را به صدارت عظمی عرض و تذکر داده که پسرم را کسی به قتل نرسانده، بلکه خودکشی کرده است... چون مسئولیت، متوجه والی و همدستانش گردید بناء دوسیه (پرونده) جعلی اش حفظ و مبلغ گزافی را از نزد آن بی گناهان اخذ و آنها رها نمودند.» (۳)

بدین ترتیب در دستگاه قضاوت حکومت های ضد مذهبی و ملی، پدیده ای به نام عدالت وجود نداشت و مجازات غیر مجرم شیعه را به عادت همیشگی خویش روامی دانستند.

ص:۲۱۵

۱- (۱) . بیانیه نجیب، به مناسبت تدویر اولین جرگه سراسری ملیت هزاره، ۲۹ / ۶/ ۱۳۶۶ در کابل.

۲- (۲) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۴۶۱ و ۴۶۲.

۳- (۳) . همان، ص ۴۶۲.

ب) نظام داوری محلی

این نظام که به صورت ابتدایی و به سادگی تاسیس و اداره می شد، عمدتا مبتنی بر اعمال مصالحه بود. در نظام قضایی محلی، نظام داوری طبق عرفی و عنعنوی مردمی است که هرگاه نزاع بین دو نفر در یک محل رخ می دهد، ارباب، بزرگان و موسفیدان آن محل جمع می شوند، جهت حل اختلافات و دعاوی و مخاصمات به پیروی از سنت حسنه مصالحه اقدام می کنند و در این گونه حل دعاوی شخصی که مقصر شناخته شود، چندین مرحله را طی می کند.

جریمه مالی، دعوت و مهمانی، حل دعوا به دست موسفیدان.

البته در تمام موارد اختلافات، اصل عمده عذرخواهی است، فرد مقصر طبق فیصله علما و موسفیدان محل پیش طرف مخاصمه می رود از وی عذرخواهی و اظهار پشیمانی می کند و هدایایی نیز همراه می برد؛ در واقع، این سنت پسندیده عاطفی عامل نابودی خصومت ها به شمار می آید؛ زیرا حس انتقامجویی را از بین می برد. در نظام قضایی مردمی و عرفی برای مجازات مجرمان و مجرمان غیر جنگی چندین مجازات مرسوم است:

مجازات اخلاقی و روانی (سرزنش)؛

مجازات مالی و اقتصادی (جریمه و دیه).

شدیدترین مجازات، طبق سنت مردمی، به کسی اعمال می شود که یکی از این اعمال را مرتکب شده باشد.

در این اواخر، نظام داوری شیعیان کمی تغییر یافت و در بسیاری از مناطق شیعه نشین مرسوم شد و آن این بود که مردم به علما و مراجع ذی صلاح مراجعه می کنند تا آنها به اختلافات مردم رسیدگی کنند، و اجرای شریعت اسلامی و برمبانی فقه جعفری بود. مهم ترین حوزه فعالیت این دستگاه، رسیدگی به دعاوی حقوقی و شکایت مردم؛ از قبیل: جنگ های میان - تباری (قبیله ای)، قتل، زنا، دعاوی اراضی، ارث و میراث و... بود. در مناطقی که دولت مرکزی تسلط نداشت به این گونه پرونده ها بسیار سریع رسیدگی می شد و بدون تشریفات و مستندات قانونی، خاتمه می یافت. آقای فرهنگ در این باره می نویسد:

«برای رفع نزاع ها و کدورت ها معمولا سادات و علما را ماموریت می دهند و به اصطلاح «قاضی» قرار می دهند. نزاع هایشان را براساس مذهب (اثنی عشری) فیصله می دهند و به آن اصطلاحا «حکم شریعت» می گویند.» (1) بیشتر علما در افغانستان به دعاوی و اختلافات مردم به صورت مصالحه پایان می بخشند.

علما با برداشت ها و بررسی پرونده و گوش دادن به گفته های مدعی و مدعی علیه و شاهدان، حکم نهایی را با مشورت دیگر عالمان صادر می کنند؛ گرچه در ابتدا هر دو (مدعی و مدعی علیه) به مصالحه دعوت می کردند و چنانچه آنها حاضر به مصالحه نشدند به اجرای حکم شریعت می پردازند، در این گونه نظام قضایی بیشتر مردم به علما و شخصیت هایی مراجعه می کنند که در این زمینه تخصص دارند و در نهایت هر حکمی که از سوی آنها صادر شود، مورد پذیرش (مدعی و مدعی علیه) طرفین است. این نظام، در دروه های حکومت های افغانستان بسیار کمرنگ بود، ولی پس از آزادی مناطق شیعه نشین به دست علما آنها مراجعان بسیار دارند، مردم خوشحال هستند که طبق شریعت و فقه جعفری به حل و فصل دعاوی شان می پردازند؛ اما پس از روی کار آمدن احزاب سیاسی شیعه، در مناطق تحت قلمرو آنها هر حزب و جریانی کمیته ویژه ای به نام «کمیته قضا» ایجاد کردند که متصدی آن، علما و طلاب شیعی عهده دار قضاوت و تنظیم نظام قضایی بودند. (2) با توجه به اصل عمده قضا و داوری و تخصص و تبحر علماء، در این زمینه و تطبیق عملی فقه جعفری، این کار برای مردم شیعه دلگرم کننده بوده است؛ با اینکه این سیستم و فیصله ها و حل اختلافات تا زمانی نافذ و با ارزش بود، که آن حزب بر منطقه مسلط بود و بر حیطه قلمرو خویش نفوذ داشت. با تغییر حاکمیت و تصرف و نفوذ در حاکمیت توسط گروه دیگر، این فیصله ها نیز در صورت طرح مجدد دعاوی از سوی مدعیان، توسط گروه جدید و حاکم آن، قابل نقض و تغییر بود. این روند، خود به آشفتگی زندگی سنتی و اجتماعی محلی میان مدعیان و

۱- (۱) . سید محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۳۹۲.

۲- (۲) . حمزه واعظی، افغانستان و سازه های ناقص هویت ملی، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

طرفین دعوا منجر می گردید. (1) کسانی که مرتکب نوعی عمل ناپسند اخلاقی، چون مشاجره و مجادله می شوند طبق ضوابط، مجازات می گردند که بیشتر مصالحه میان دو طرف خصم برقرار می کنند. (2) اما در خصوص کسانی که مرتکب چنین اعمالی (کفر گویی و بدعت، زنا، قتل نفس و دزدی) شوند حد جاری می شود.

۳- اقتصاد و درآمد شیعیان

اشاره

فعالیت های اقتصادی شیعیان افغانستان در قرن دهم هجری و پس از آن، بسیار پایین بوده است. زندگی بیشتر آنها به زمین وابسته بود و مردم به کشاورزی و کشت و دامداری مشغول بودند. جز عده ای از آنها «قزلباش ها» که در شهرها می زیستند و به مشاغل دیوانی (دفتری) و در بعضی موارد به تجارت می پرداختند. دیگر شیعه ها در روستاها ساکن بودند، ولی امروزه از بعضی جنبه ها تفاوت هایی در نحوه زندگی آنان به وجود آمده است. پس از انقلاب اسلامی افغانستان، شرایط سیاسی و اجتماعی کشور اندکی به منافع ملی مردم افغانستان، از جمله شیعیان این کشور تغییر کرده است. از سوی دیگر، مهاجرت های داخلی و خارجی پدید آمد که بسیاری از شیعه ها با زندگی شهری و مشاغل حرفه ای آشنایی پیدا کردند و پس از آن، به شهرها روی آوردند. در این قسمت به اقتصاد و درآمد شیعیان اشاره خواهد شد که عبارت اند از:

الف) کشاورزی (زراعت)

هزاره های شیعه مذهب، از دوران قدیم به کشاورزی و زراعت می پرداختند و کشاورزی را به عنوان نخستین پیشه خویش قرار داده بودند. مشاغل دیگر نیز از قدیم در میان آنها وجود داشت، ولی از گذشته های بسیار دور، زراعت به منزله درآمد اصلی آنها مطرح بود؛ زیرا در سرزمین های حاصل خیز زندگی می کردند. آنها اغلب در بخش هایی از قندهار، هلمند و ارزگان و دیگر مناطق بودند که جزو

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۴۶۳- ۴۶۵.

حاصل خیزترین مناطق کشور به شمار می آیند؛ از این رو، کار بر روی زمین، پر درآمدترین و سودمندترین شغل آنها بود. (۱) در آن روزگار که شیعیان سرزمین های حاصلخیزی داشتند، بسیاری از محصولات کشاورزی را به دست می آوردند. «زراعت (مخصوصا کشت برنج) با کار پر زحمت همراه بود، قطعات کوچک زمین که در بین سنگ ها قرار داشتند، توسط «هزاره های» فعال و زحمت کش برای زراعت مساعد ساخته می شدند.» (۲) شیعه ها اغلب به مناطقی رانده شدند که دارای آب و هوای معتدل و سردسیری هستند. کشاورزان شیعه در این مناطق نیز محصولات متناسب با همین آب و هوا را تولید می کنند. برخی از مناطق مرکزی؛ مانند: قسمت های از بهسود، ناهور، پنجاب و لعل و سر جنگل، به شدت سرد است؛ بسیاری از درختان میوه در این مناطق رشد نمی کنند. در مجموع، کشاورزان مناطق شیعه نشین محصولات زیرا را تولید می کنند.

یک) محصولات درختی: مهم ترین محصولات درختی شیعیان افغانستان چنین است: آلبالو، آلو، انار، انجیر، انگور، بادام، به، پسته، توت، زردآلو و قیسی، سنجد، سیب، گردو (چارمغز)، گلابی (ناک)، گیلاس و هلو (شفتالو). (۳)

دو) محصولات غیر درختی: این محصولات در مناطق شیعه نشین نیز از این قرار است: ارزن، اسفناج (پالک)، آفتابگردان، بادنجان سیاه، بامیه، برنج، پنبه (پخته)، پیاز، تربچه (ملی)، تره (گندنه)، جو، چغندر، خربزه، خیار، خیار چنبر (تره)، ذرت، سرشم، سیب زمینی (کچالو)، سیر، شلغم، عدس، فلفل قرمز (مرج سرخ)، کدو، کنجد، گوجه فرنگی (بادنجان رومی)، لوبیا، ماش، نخود، هندوانه و هویج. این محصولات در مناطق مرکزی، شمال و غرب افغانستان کاشت و برداشت می شوند، ولی تنها در برخی از مناطق همه آنها کاشته می شود. گندم از آن جمله است که در همه مناطق کاشته می شود و بیشترین حجم محصولات مردم این مناطق را تشکیل می دهد. (۴) مردم

۱- (۱) . تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص۷۸ و ۷۷.

۲- (۲) . همان، ص۷۸.

۳- (۳) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۱۳۱.

۴- (۴) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص۱۹۲ و ۱۹۳ و محمد عزیز

شیعه این مناطق، زمین اندک در اختیار دارند و همین طور آب و خاک و هوای مناسب برای کشاورزی ندارند. بنابراین، تلاش های فراوان و محصول بسیار ناچیزی در پی دارند.

ب) دامداری (مالداری)

در گذشته های بسیار دور، دامداری یکی از مشاغل عمده این مردم به شمار می رفت. البته پس از کشاورزی، در جایگاه دوم قرار داشته است. پس از کشاورزی به تربیت دام و حیوانات اهلی می پرداختند. در مناطق شیعی از حیواناتی؛ مانند: گاو، گوسفند، بز، الاغ، اسب، قاطر و مرغ نگهداری می شد. در گذشته، شتر نیز در هزاره جات نگهداری می شد. تیمور خانوف در این باره می نویسد:

«از جمله حیوانات اهلی، ملت هزاره بیشتر به تربیت گوسفند توجه می نمودند، بز، گاو، اسب، خر، شتر و قاطر نیز در اختیار داشتند. تربیت شترها تنها به خاطر پشم آن صورت می گرفت اسپان هزارگی... معروف هستند، ولی از لحاظ توانایی، قدرت تحمل و سرعت متوسط، بسیار مناسب و حتی عالی بودند. اسپان هزارگی برای مناطق کوهستانی بسیار مفیدند و با محیط سخت آنجا توافق دارند.» (۱)

امروزه در مناطق شیعه نشین «شتر» پرورش داده نمی شود، ولی این حیوان را بیشتر پشتون های کوچی نگه داری می کنند. گوسفندان در این مناطق جثه های کوچک دارند، اما شیر، پشم و گوشت مرغوبی دارند. هزاره جات از قدیم، بخش عمده گوشت و روغن کشور را تامین می کرده است. محصولات این مناطق فراوان و مرغوب بود. تیمور خانوف در این باره می نویسد: «دوغ، چکه، مسکه، (کره) و روغن زرد هزاره جات در تمام افغانستان شهرت دارد.» (۲) به سبب فراوانی و مرغوب بودن محصولات دامی هزاره جات، حاکمان ستمگر، مالیات سنگینی برای این منطقه وضع می کرده اند و آن را به صورت گوشت و روغن می گرفته اند.

۱- (۱) . تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص ۸۰.

۲- (۲) . همان، ص ۸۱.

محصولات دامی

دام، دومین منبع درآمد بیشتر شیعیان مناطق مرکزی است که محصولات متنوع و گوناگونی دارد. بخش عمده محصولات دامی را تولید کنندگان، خود به مصرف می رسانند، و بخشی از آن را خرده تاجران، پس از انتقال به بازارهای محلی، مرکز و دیگر ولایات، می فروشند. مهم ترین محصولات دامی چنین است:

یک) پشم: از پشم گوسفند و موی بز بهره های فراوانی برده می شود. تنوع آن، از انواع پوشاک تا گونه های گوناگونی از فرش را در بر می گیرد. زنان هزاره (شیعه)، پشم گوسفند و موی بز را ریسیده، از آن نخ های پشمی ظریفی می سازند و در بافتن محصولات گوناگون استفاده می کنند. بعضی محصولات پشمی عبارت اند از:

۱. برک (۱): برک نوعی پارچهْ دست بافت است که با آن، کت، شلوار گرم زمستانی، چپن (عبای افغانستانی) و اسکت (جلیقه) می دوزند.

۲. انواع بافتنی: زنان شیعه با نخ هایی که از پشم به دست می آید، ژاکت، جوراب، دستکش، کلاه و شال گردن می بافند.

۳. لویی یا پتوی پشمی: لویی نوعی پتوی (کمپل) پشمی است که زنان می بافند و پس از مالش با آب داغ، آن را به پتویی ضخیم، گرم و زیبا تبدیل می کنند.

۴. انواع فرش: در افغانستان از پشم، فرش هایی مانند: نمد، گلیم و قالین (قالی) می بافند. نمد نوعی فرش است که از پشم تهیه می شود. بدین ترتیب که پشم را بر روی سطح صافی پهن می کنند و با پشم رنگ های متفاوت روی آن ترسیم می کنند، سپس آن را با آب داغ چنان مالش می دهند که به فرشی زیبا تبدیل می شود. (۲)

گلیم نیز، فرش معروف و شناخته شده ای است که از تار و پود به صورت ساده بافته می شود. گلیم در مناطق هزاره جات به صورت خط دار و در مناطق شمالی افغانستان با نقش هایی مثلثی شکل و قدری ظریف تر بافته می شود. فرش بسیاری از خانه های شیعیان مرکزی افغانستان، گلیم است.

۱- (۱) . Barak.

۲- (۲) . حسین علی یزدانی(حاج کاظم)، تاریخ تشیع افغانستان، ص ۶۷ و ۶۸ و تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص۸۳ و ۸۴.

قالین (قالی) در مناطق شمالی افغانستان رواج بیشتری دارد. در سال های اخیر، قالین بافی در کابل و دیگر ولایات شیعه نشین نیز رواج یافته است. (۱)

دو) لبنیات: همه خانه های روستایی، شماری بز، گوسفند و گاو شیرده دارند و نیازهای لبنی خود را با آنها برآورده می سازند. محصولات لبنی آنان؛ شامل: شیر، ماست، دوغ، چکه (کشک)، قروت (کشک خشک)، پنیر، مسکه (کره) و روغن زرد (روغنحیوانی) است. در قدیم، هزاره رمه های بزرگ و محصولات لبنی فراوانی داشته است. به همین دلیل، حکام افغانستان بخش زیادی از مالیات غیر عادلانه خود را روغن زرد می گرفتند. (۲)

سه) گوشت: از مهم ترین دستاوردهای دامی، گوشت است. دام و طیوری که برای تامین گوشت ذبح می شوند، عبارت اند از: گاو، گوسفند، بز، مرغ و خروس.شیعیان مرکز افغانستان، زمانی بخش عمده گوشت کشور را تامین می کردند، ولی به دلایل متعددی که ابعاد سیاسی و تا حدودی طبیعی داشته،مدت هاست که صدور حیوانات گوشتی به شدت کاهش یافته است. در این کشور، گوشت به صورت تازه و خشک مصرف می شود. روستاییان برای مصرف زمستانی خویش در فصل پاییز یک یا چند گوسفند چاق را ذبح می کنند، و پس از قطعه قطعه کردن، آنها را به سیخ های چوبی می کشند و در جای امنی نگهداری می کنند تا به خوبی خشک شود. در تمام فصل زمستان از این گوشت استفاده می شود. این نوع نگهداری گوشت در مناطق مختلف، «قدید» یا «لاندی» نامگذاری می گردد. (۳)

چهار) پوست: پوست حیوانات در جهان اهمیت فراوانی دارد. چرم که از روزگاران قدیم برای تهیه بسیاری از ابزار و لوازم زندگی انسان ها به کار گرفته می شد، امروزه نیز در تمام جهان ماده ای جایگزین آن یافت نمی شود، که برای ساختن کت، کفش، دستکش، کمربند، و بسیاری از اشیای مدرن یا ضروری دیگر

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۱۳۶ و ۱۳۷.

۲- (۲) . تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص۸۱.

۳- (۳) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۱۳۹-۱۳۸.

مناسب باشد. به طور کلی در افغانستان، چرم را برای ساخت کفش، زین اسب به کار می برند. در شمال کشور، نوعی گوسفند به نام «قره قل» نگه داری و تربیت می شود که پشم مجعد (پیچ در پیچ) و بسیار زیبایی دارد؛ بره این نوع گوسفند را پس از تولد ذبح می کنند و از پوست آن برای نوعی کلاه بهره می گیرند که به همین نام یاد می شود. (1)

کشاورزی و دامداری مردم به میزان بارندگی بستگی دارد. چند سال گذشته، خشک سالی پیاپی در بیشتر مناطق شیعه نشین افغانستان رخ داده است و مردم نیازمند یاری بیشتر دولت و موسسات خارجی هستند که در این راستا در افغانستان نمایندگی دارند.

ج) تجارت

بین شیعیان افغانستان، در روزگار گذشته مبادله محصولات به صورت پولی مرسوم نبود و پول بسیار کمی در میان آنها رواج داشت. در مبادلات تجارتی، غالبا آنها با مناطق شیعه نشین مشارکت داشتند که در مسیر کاروان ها قرار گرفته بودند، یا در سرحدات «هزاره جات مستقل» می زیستند. در مناطق داخلی هزاره جات مناسبات تجاری بسیار ضعیف بود و مراکز تجار اصلا موجود نبودند. تیمور خانوف در این باره می نویسد: «مهم ترین منطقه تجارتی طایفه شیخ علی قریه (تاله) بود، اما مرکز تجارتی طایفه دایزینیات در (قلعه نو) قرار داشت که بازار آن دارای یک صد دکان بود.» (2)

مبادله جنس به جنس (مبادله کالا به کالا) در مناطق شیعه نشین مرسوم و رایج بود. یکی از مهم ترین عوامل، در عدم رشد مبادله پولی، قرار گرفتن منطقه کوهستانی هزاره جات در انزوا بود و آن انزوا سبب شد که مناسبات تولیدی، بسیار کم انکشاف یابد. هزاره های مالدار و دهقان، محصولات عمده خویش را به مصرف شخصی می رساند و مقداری از آن را به بازار می بردند تا مایحتاج خویش

۱- (۱) . تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ترجمه: عزیز طغیان، ص۸۳.

۲- (۲) . همان، ص۸۸.

را بـدین وسـیله به دست آورنـد؛ تولیـد محصولاـت به منظور مبادله بسـیار کم صورت می گرفت که خود، نتیجه عـدم احتیاج تولید اضافی بود. [(۱)] تا اواخر قرن نوزدهم درمناطق مرکزی افغانسـتان، پول چندان رایج نبود و بیشتر داد و ستدها کالا به کالا صـورت مـی گرفت. گذشـته از معاملاـت انـدک مردم محلی بـا یکـدیگر، معاملاـت عمـده مردم برای تهیه کالاهـای وارداتی، معمولا در دوره خاصی از سال انجام می شد. در فصلی که مردم محصولات خود را برداشت کرده بودند، تاجران دوره گرد – معمولاـ تـاجران و فروشـندگانی که از ایران، آسـیای مرکزی، هندوسـتان و افغانسـتان به صورت ترانزیتی در قلمرو هزاره جات عبور می کردند – بیشتر از دیگر اجناس، نخ، سوزن و لوازم آرایشی و زیور آلات زنانه و... را به هزاره جات می آوردند.

محصولاتی که از هزاره جات در بازارهای غزنی، هرات، کابل، قندهار، بلخ، قندوز، مزارشـریف و شـهرهای دیگر افغانستان به فروش می رسـید، از این قرار بـوده است: انواع پـارچه، شـال، گلیم، قـالی، برک و... در قسـمت دامی، شـیعه هـا معمولاـ گـاو، گاومیش، گوسـفند و نیز محصولات حیوانات را برای فروش عرضه می کردند؛ از قبیل روغن حیوانی (زرد) مناطق مرکزی که مشـهور بوده است و گـاهی این محصولاـت را به خراسـان (قاین و بیرجنـد) و جنوب آسـیای مرکزی نیز می بردنـد، در عوض فروش این گونه محصولات، برنج درجه یک، پنبه (پخته)، چای، شکر (بوره)، محصولات کاغذی و مواد ابریشمی دریافت می کردند. [(۲)]

پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ش شـیعه ها در امر تجارت نقش چشـمگیری نداشـتند و پس از آن، حضور بسـیار کمرنگی در تجارت خارجی کشور داشـتند. در این میان، ترکمنی ها در تجارت وسایل نقلیه دست دوم نقش مهمی داشتند. آنها ماشین های دست دوم را از خـارج بـا قیمت نـازل می خریدنـد، سپس وارد کشور می کردنـد. قسـمتی از آن وسایل را تعمیر و قسـمتی دیگر را اوراق می کردند و به صورت لوازم یدکی به

۱- (۱) . همان، ص ۸۸ و ۸۹.

۲- (۲) . همان، ص ۹۰ و ۹۱.

فروش می رساندند. آنها در این کار حضور فعالی داشتند و از این راه سرمایه های مناسبی به دست آوردند که پس از پیروزی مجاهـدین بر کابـل و جنگ های داخلی به کار و سـرمایه های آنها صـدمه های جـدی وارد شـد. (۱) بنابراین، شـیعیان در امر تجارت توفیق چندانی نیافتند و فقط در بعضی اقلام صادراتی، مانند فرش (قالی و گلیم) موفق بودند.

۱- (۱) . سید عسکر موسوی، هزاره های افغانستان، ۲۲۷ و ۲۲۸.

۶-هنر و معماری شیعیان

اشاره

در آغاز این بخش، شاهکارهای هنری شیعیان و نقش بارز آن ها در بعضی رشته های هنری را بیان می کنیم پس از آن، ساخت و سازهای اماکن دینی و نقش آنها را در عمران و آبادانی افغانستان بررسی می کنیم.

۱- هنر

اشاره

آفرینش های هنری به دو دسته کلی تقسیم پذیرند: هنرهایی که صورت محسوسی ندارد؛ مثل: شعر، موسیقی و آوازه خوانی و...هنرهایی که شکل محسوس دارد؛ مثل: نقاشی، مجسمه سازی، کنده کاری، نمایش، خط، سنگ تراشی و... (۱)

شیعیان افغانستان، از دورترین دوره های تاریخی پیش از قرن دهم هجری قمری و پس از آن، تاکنون شکل های گوناگون؛ مانند: تزیین لباس، ظروف، وسایل و ابزار جنگی، ابزار کشاورزی و غیره را به صورت دست ساز با جلوه های هنری زیبا آفریده اند. دکور منزل، تزیین اتاق های رهایشی، ظروف سفالین، آثاری مانند: خط، خوشنویسی، مرقع و در زمینه نساجی و بافندگی، فرش ها و گلیم های دستباف، نشان دهنده ذوق هنری و انعکاس باورها و فرهنگ غنی آنهاست. شیعیان افغانستان نیز همانند گروه های انسانی دیگر، صنایع دستی ویژه ای دارند. در این قسمت، در زمینه های موسیقی، هنرهای تجسمی و تزیینی و صنعت، مطالبی را به طور مختصر بیان می کنیم.

۱- (۱) . جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۲۹۸.

الف) موسیقی و آهنگ سازی

موسیقی افغانستان ریشه در رسوم و فرهنگ عامیانه آن سرزمین دارد؛ این هنر در قلب مردم زنده است. موسیقی، قسمت اساسی از زندگی آنها را تشکیل می دهد و بیانگر خلق و خوی ملی آنها به الحان گوناگون است. پیشینه سازهایی که امروز برای نواختن موسیقی سنتی به کار می روند به چهار هزار سال پیش، یعنی به دوران سلطنت باستانی «آریانا» باز می گردد. (۱) این هنر در میان شیعیان خیزش و افق روشن داشته است، اما به دلیل کمبود امکانات و عدم تشویق، مسیر این هنر به سوی مجاری مثبت و القائات مذهبی چندان چشمگیر نبوده و در مجاری ناسالم رشد یافته است. با وجود این همه عوامل و مشکلات هنر موسیقی، آهنگ سازی در مسیر رشد و بالندگی، خود را همچنان نگه داشته و احیا کرده است؛ به طوری که یک فرد در بیابان با ابتدایی ترین نوع این هنر سروکار دارد؛ «توله» نوعی نی است که هنوز در موسیقی سنتی استفاده می شود، این ابزار موسیقی را با رنگ های گوناگون تزیین می کند؛ نواختن آن شبیه به نواختن «قره نی» است و هنگام نواختن، آن را رو به پایین می گیرند. آقای لعلی، ابزار موسیقی مرسوم میان مردم هزاره جات را چنین نام می برد: «دمبوره، توله (سرنا)، غیچک، دهل، طبله، صفحه و ساز دهنی.» (۲)

برخی هنرمندان این هنر عبارت اند از:

- کمال الدین شیرعلی بنایی هروی(۹۱۱ه- ق): از آهنگ سازان مشهور قرن دهم هجری به شمار می آمد. او به هنر موسیقی از دیدگاه علمی می نگریست و نیز رساله موسیقی دارد که در آن اصطلاحات این رشته را گنجانده است.

- محب علی هروی (۹۷۳ه- ق): یکی دیگر از آهنگ سازان قرن دهم هجری که در این هنر معروف بوده و در دوره صفویان خدمت می کرد. (۳)

- سید خلیل حسینی حیدر زاده (۱۳۶۶ش): در دوره معاصر در هنر موسیقی کلاسیک شهرت دارد. او مدتی در تلویزیون ملی افغانستان با نواختن هارمونیه و

۱- (۱) . لورل کورنا، افغانستان، ص۸۳.

۲- (۲) . علیداد، لعلی، سیری در هزاره جات، ص۲۹۸.

۳- (۳) . نصرالله سلجوقی، موسیقی و تئاتر در هرات، ص ۴۸.

تانپور همکاری داشت. (۱) در این هنر، هنرمندان نامی ای در عرصه موسیقی درخشیده اند، مشهورترین آنها که حتی آوازه شان در رادیو و تلویزیون طنین انداز است، عبارت اند از: صفدر توکلی (مشهور)، سرور سرخوش، دلارام آغی، چمن سلطانی، سید عوض، همایون و...» (۲) از هنرمندان جدید هنر موسیقی، در میان جامعه شیعه افغانستان، می توان به «داوود سرخوش» اشاره کرد. وی، افزون بر موسیقی سنتی افغانستان، سازها و الگوهای موسیقی غربی را که امروزه تاثیر عمیقی بر موسیقی افغانستان دارد، نیز تجربه کرده است. با وجود این، آهنگ ساز معمولاـ به جای کنار گذاشتن الگوهای موسیقی سنتی، با استفاده از گیتارهای برقی، سینتی سایزر، ارگ و سایر آلات موسیقی غربی، آن را امروزی می کند و با به کارگیری آخرین فناوری به تنظیم موسیقی خود می پردازد. (۳)

آهنگ سازان شیعه افغانستان، عمدتا در برنامه های موسیقی محلی، هنر و ظرافت خویش را به کار می اندازند و بیشتر، محور چرخش هنرشان موضوعات تفننی و تفریحی است و به صورت اندک، هنر موسیقی و آهنگ سازی خود را درباره تحولات جامعه به کار برده اند. بنابراین، استعداد سرشاری در وجود هنرمندان نامی شیعیان نهفته است که اگر در راه درست سوق داده شود، سبب تحول فرهنگی این جامعه می شود. آهنگ سازان جامعه شیعه افغانستان می توانند از این هنر در راه های خوبی بهره گیرند و باید از بعضی موضوعات سطحی دوری کنند.

ب) هنرهای تجسمی

در این هنر، تشیع افغانستان نقش بارزی دارد و از دوره گذشته تا به امروز در این رشته خوب درخشیده است. هنرهای تجسمی عبارت اند از:

یک) نقاشی و مینیاتوری: برخی هنرمندان این هنر که نقش برجسته ای در شکوفایی تمدن اسلامی داشته اند عبارت اند از:

۱- (۱) . همان، ص ۱۵۴.

۲- (۲) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۲۸۹.

۳- (۳) . لورل کورنا، افغانستان، ص۸۵.

- کمال الدین بهزاد: مشهورترین نقاش و مینیاتوریست که شهرت فنی او به سرزمین های دیگر نیز رسیده بود: «برجسته ترین نقاش هرات در اواخر قرن پانزدهم (میلادی) بهزاد بود. هیچ نقاشی در عالم اسلام، مانند کمال الدین بهزاد هروی تحسین همگان را برنیانگیخته است.» (۱)

بهزاد از شاگردان سید روح الله میرک نقاش بود. استاد میرک، توام با نقاشی به تذهیب و خطاطی هم می پرداخت و بیشتر کتاب های عمارت هرات به خط و هنرمندی اوست؛ کتیبه ها و تزیینات مسجد جامع هرات و نیز در زمان سلطان حسین، ریاست کتابخانه هرات را بر عهده داشته است. او در دوره سلطان حسین، رئیس دارالکتب و دارالصناعه شهر هرات بود. در دوره صفویه، هرات را تصرف کرد و آن را دومین شهر امپراتوری خویش قرار داد. از لحاظ سنت های هنری، آن شهر را که به «آتن» ایران ملقب شده بود به ارث برد. شاه اسماعیل، بهزاد را به پایتخت آن زمانش، «تبریز» برد و بهزاد در آنجا سرپرستی گروهی از هنرمندان را به عهده گرفت که قبلا از هرات به آنجا آمده بودند. او که مکتب تبریز را در هنر نقاشی و مینیاتوری پایه گذاری کرد، یکی از هنرمندان معروف در آن دوره بوده است. وی افزون بر تصویرگری، در تذهیب کتاب، نقاشی و مینیاتوری نیز مشهور و معروف بوده است. (۲) مکتب نقاشی هرات با نام بهزاد مطرح شد.

ویژگی های سبک بهزاد:

«درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر»، «نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص به وسیله ترکیب انواع رنگ ها»، «حرکت و مفهوم بودن اشارات تصاویر»، «ظرافت در کشیدن درخت ها، گل ها و دورنماها و نمایش اشعه خورشید و ابر» و «شماره رنگ های گوناگون و توافق آنها با یکدیگر». در کار بهزاد به رنگ های «سرد» مانند سرمه ای، سبز سیر، فیروزه ای، سبز روشن، رنگ زیتون، زرد و قهوه ای بیشتر توجه شده است. (۳) او در رنگ آمیزی و دانستن خواص و ترکیبات رنگ ها و در تعبیر حالات نفسانی در کشیدن

۱- (۱) . دونالد و یلبر، لیزا گلمبک، معماری تیموری در ایران و توران، ص ۷۱.

۲- (۲) . راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۶ و ۷.

۳- (۳) . دکتر ج. کریستی و یلسن، تاریخ ایران، ص ۱۷۱.

تصاویر، اشکال ابنیه و مناظر، مهارت عالی داشت. (۱) از شاگردان بهزاد، می توان به قاسم علی اشاره کرد؛ او که از معروف ترین نقاشان مکتب بهزاد است، در موضوعات، اسلوب و روشی که در نقاشی داشت، همچنین در وسایلی که در تزیینات تابلوهای خویش به کار می برد، همگی به پیروی از بهزاد بود. (۲)

- پرفسور اکبر: از هنرمندان معاصر که در سمت استاد نقاشی، اکنون در یکی از کشوری های آسیای میانه مشغول تدریس در رشته نقاشی است.

دو) خطاطی و خوشنویسی: خوش نویسان معروف و مشهوری در افغانستان می زیستند؛ در این نوشتار، برخی از برجستگان آنها نام برده می شوند:

- محمدمحسن هروی: از خوش نویسان قرن دهم هجری است؛ آثار خطی وی در دانشگاه استانبول نگهداری می شود.

- کمال الدین هروی: یکی دیگر از خطاطان این قرن، که از آثار به جا مانده وی، کتیبه او در مسجد جامع اصفهان است.

- محمد شفیع هروی حسینی: از خوش نویسان قرن یازدهم هجری، که از او آثار خطی بسیار زیبایی در کتابخانه ملی تهران مشاهده شده است. (۳)

- حسن خان شاملو(۱۰۵۰ق): او از دولت مردان دربار صفوی بوده است، که در هنر خط نستعلیق مشهور بوده است. (۴)

- میرزا محمد ابراهیم گوهری(جوهری) هروی(۱۲۵۶ق): یکی دیگر از هنرمندان خوشنویس که در هنر خوشنویسی برجسته بوده است. (۵)

- میرزا اسماعیل مجد الادبا هروی(۱۳۰۰ق): در هنر خط و خوشنویسی استاد بود؛ نیز در امور اداری و دفتری مهارت داشت. او در دستگاه «قاجاریه» مشغول خدمت شد؛ سپس به دریافت لقب «مجد الادبا» مفتخر گشت. (۶)

۱- (۱) . دکتر محمد حسن زکی، صنایع ایران بعد از اسلام، ص ۱۰۴.

۲- (۲) . محمد حسن زکی، صنایع ایران در عهد تیموریان و توران، ص ۱۱۶.

۳- (۳) . عبداللطیف نظری، خوشنویسان افغانستان، ص ۱۲۳- ۱۲۶.

۴- (۴) . حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ج۳، ص۳۳۳.

۵- (۵) . همان، ص۸۴۳.

۶- (۶) . عبدالمجید ناصری داوودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج۲، ص۲۴۶.

- استاد محمد علی عطار هروی (۱۲۹۳-۱۳۷۱ش): در هنر خط و خطاطی به مقام استادی رسیده بود. وی با تلاش در این هنر توانست نبوغ خود را کشف کند. استاد عطار هروی، در سال ۱۳۴۰ش سرپرست موزه شهر باستانی هرات شد. در این سال، نخستین اثر ایشان تحت عنوان «گنجینه خطوط در افغانستان» در کابل به چاپ رسید.

آثار استاد هروی متنوع و متعددند؛ آثار دیگر وی بدین شرح است:

۱. بناها: خطوط مسجد جامع هرات و خطوط داخل گنبد ملک غیاث الدین به خط ثلث، نستعلیق، کوفی، طغر، خطوط ایوان خواجه مودود چشتی و گلدسته های آن به خط ثلث، خطوط داخل و خارج مسجد جامع لشکرگاه به خط ثلث و نستعلیق، خطوط مسجد حاجی یعقوب در کابل به خط ثلث جلی، خطوط مسجد خرقه شریف در هرات، سمت قبله و داخل خانه فوقانی به خط ثلث، خطوط مسجد کنار دارالمعلمین، مقابل جمهوری در هرات و کتیبه های دارالمعلمین هرات، خطوط ایوان مسجد زیارت مولانا عبدالرحمن جامی، خطوط مسجد پارک ولایت هرات، خطوط ایوان زیارت شاهزاده ابوالقاسم، خطوط مسجد اسکندر خان «شهر قدیم»، مسجد بکر آباد «بیرون درب خوش»، خطوط مسجد جامع گوهرشاد مشهد «به خط ثلث مقابل ایوان مقصوره»، خط بعضی از مساجد و تکایای هرات، خطوط چندین سنگ مزار مشایخ، علما، سادات و حکما در هرات و کابل، خطوط گازگاه و محل دفن «خواجه عبدالله انصاری هروی»، خطوط مسجد «قبا» در تربت جام، خطوط مسجد «هامبورگ آلمان به طول ۴۰ متر».

۲. مرقعات و دیگر آثار: «گنجینه خطوط در افغانستان» (۱۳۴۵ش) کابل و تجدید چاپ در ایران، «الهی نامه خواجه عبدالله انصاری هروی» چاپ افغانستان، «قرآن محلی» چاپ ایران، «قطعاتی برای دکتر ذاکر حسین، رئیس جمهور پیشین هند»، مجموعه مرقعات و آثاری که قبلاً در موزهٔ هرات نگهداری می شد، مرقع قرآنی، مرقع چهارده معصوم علیه السلام ، مرقع شهدا، تعداد تابلوهای گوناگون، محفوظ در بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی و یا نزد خانواده آن مرحوم است. (۱)

۱- (۱) . محمد علی هروی، گنجنیه خطوط در افغانستان، نقل از: هفته نامه وحدت (حسن فضائلی)، ۱۱سنبله، ۱۳۷۲، شماره ۱۱۳.

استاد هروی در این هنر بسیار خوب درخشید و در میان دیگر ساکنان افغانستان، از پیشگامان این رشته است.

ج) هنرهای تزیینی

یکی از ویژگی های هنرمندان افغانستان، استفاده از هر نوع ماده خام یا فن آوری های گوناگون و دسترس پذیر است. وسایل زینتی و بافته های گوناگون، بسیار مورد توجهند. از آنجایی که افغانستان کشوری فقیر است در آثار هنری آن، از مواد گران قیمت، مثل طلا ـ و سنگ های قیمتی معمولا چندان استفاده نمی شود؛ در عوض، بر آن گونه زیبایی ای تاکید می شود که مهارت دست ها و چشم ها می تواند به مواد خام ساده بدهد.

آقای لورل کورنا نویسنده خارجی درباره صنایع دستی مردم افغانستان چنین می نویسد: «افغانستان به دلیل کیفیت منسوجات سوزن دوزی ها، جواهرات و سایر هنرهای تزیینی اش قرن ها پر آوازه بوده است.» (۱)

هنرهای تزیینی در افغانستان به دو گروه عمده تقسیم می شود:

یک) نساجی و بافندگی: از زمان های گذشته، شیعیان افغانستان، به ویژه در هزاره جات به بافتن انواع گلیم، قالیچه، شال، خورجین، جوال، دسترخان (سفره)، تایچه و همین طور کش بافی؛ از قبیل: انواع ژاکت، شال گردن، جوراب، دستکش، کلای کش و غیره گرایش داشتند. به تازگی بافت نوعی فرش معروف به «پتیخان» به ابتکار زنان هزاره رواج یافته که از نظر دوام، زیبایی و کارآمد بودن بسیار عالی است؛ قیمت آن از قالی ارزان تر تمام می شود و خریداران زیادی دارد. مشتریان تا مدت ها گمان می کردند که این فرش, بافت کشورهای اروپایی و ژاپن است. این فرش را بیشتر, زنان شیعه در کابل و کویته می بافند. امروزه یک قلم مهم از صادرات افغانستان را صنایع دستی؛ از جمله: انواع قالین و قالیچه، برگ، گلیم، و بافتنی های دیگر تشکیل می دهند که حاصل دست رنج زنان می باشند. کارخانه ای در کابل برای تولید برگ هزاره گی تاسیس شد که در آن، زنان هزاره کار می کردند. (۲)

ص:۲۳۳

۱- (۱) . لورل کورنا، افغانستان، ص۸۶.

۲- (۲) . حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، تاریخ تشیع افغانستان، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ و تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص ۸۲ و ۸۴.

دو) سبک و طراحی کار: روش کار در میان گروه های قومی و مناطق گوناگون کشور متفاوت است. بعضی از طرح ها چنان اختصاصی اند که حتی می توان از روی سبک کار، محل تولید آن را شناخت. در افغانستان نیز، مثل سایر کشورهای اسلامی، طرح ها براساس الگوهای هندسی شکل می گیرند؛ از چهار گوش مشخص با رنگ های روشن برای تزیین یک روانداز گرفته تا مروارید دوزی ظریف لبه دامن. معمولا برای تزیین لباس هایی که در مراسم خاص، مثل جشن عروسی استفاده می شود، چند ماه کار لازم است که در آن از روش های گوناگون رنگ ریزی، مروارید دوزی، خیاطی، خامک دوزی، نوار دوزی، اضافه کردن منگوله، سوزن دوزی و تکه دوزی استفاده می شود. در یک دست لباس، تمام این روش ها به کار می رود؛ با این حال، تزیین لباس ها معمولا برای زیبایی لباس های روزمره صورت می گیرد. این گونه طراحی ها در تمام نقاط افغانستان، نیز در میان شیعیان، متفاوت است. این هنر را به دختران جوان آموزش می دهند کیفیت سوزن دوزی و سایر کارهای دستی ظریف، قابلیت ازدواج آنها را تعیین می کنند، حتی دختران در سنین بسیار پایین می توانند کارهایی با کیفیت خوب و حرفه ای تولید کنند. آقای لورل کورنا درباره این هنر و صادرات آن می نویسد: «پوستین هایی گلدوزی شده از پوست گوسفند و پتوهای بافته از صادرات ارزشمند این کشور به حساب می آمد؛ اما قیمتی ترین بافته ها قالی و قالیچه است که نقش واضح و رنگ های روشن طبیعی در آنها به کار رفته است، این قالیچه ها منبع درآمد بسیاری از آنهاست.» (۱)

بنابراین، شیعیان در هنرهای تجسمی؛ مانند: نقاشی، تذهیب، میناتور و خط در میان دیگر فرقه ها جایگاه خاصی دارند و مشهور هستند. و همین طور در زمینه هنرهای تزیینی، مثل بافندگی و ریسندگی منسوجات در بسیاری از نواحی کشور افغانستان خودکفا بوده اند؛ افزون بر آن، مقادیری از اقلام صادرات کشور از این مناطق تامین می شود. در زمینه های گلدوزی، سوزن دوزی و... این مردم، نقش بسزایی در میان دیگران دارند.

یادآوری: گلیم ها در مناطق مختلف شیعه نشین از لحاظ طراحی گوناگونند؛ برای نمونه، گلیم دست بافت شمال کشور (سرپل و جوزجان) از رنگ های شاد و با

۱- (۱) . لورل کورنا، افغانستان، ص۸۷.

شکل های مثلث است و از این طرح و روش در مناطق مرکزی چون دایکندی و... بهره می گیرند؛ یعنی گلیم ها را با رنگ های متفاوت و با اشکال مثلث و سیاه و سفید می بافند؛ ولی در مناطق غزنی، رنگ های به کار رفته در گلیم به صورت یک خط در میان است، چنانچه خط اول با رنگ سبز آغاز شود خط بعدی، قرمز خواهد بود.

برای مستند ساختن بافندگی و نساجی شیعیان افغانستان، جدولی از سوی گزارشگران خارجی درباره بازار گلیم های بافته شده روستای سرپل آورده می شود.

جدول شماره (۲۳) بافت و عرضه گلیم در سال ۱۹۷۶م

در هر نوبت تشکیل بازار که دو بار در هفته شکل می گرفت تعداد ۱۵۰ پارچه یا گلیم جفت (در پاییز ۱۹۷۶) به بازار عرضه می شد. (۱)

۱- (۱) . کارل رات جنز، افغانستان مروری بر نشست ما نهایم (مجموعه مقالات)، ش. ص۹۷.

د) صنعت

صنعت فلزکاری، از قدیم در میان شیعیان نسبتاً پیشرفته بوده است. تیمور خانوف در این باره می نویسد:

هزاره ها در قرن نوزده با روش های بسیار ساده و ابتدایی بسیاری از معادن ذخیره شده در هزارستان را استخراج و تولید می کردند، چون مس و گوگرد و سرب را می توانستند تولید کنند. بزرگان هزاره هنگامی که در معرض تهدید دیگران قرار می گرفتند منابع و استخراج معادن با ارزش را از انظار خارجیان پوشیده نگه می داشتند تا رهبران ممالک همسایه را تشویق به حمله در مناطق نکرده باشند و مشکلاتی برای آنها فراهم نیایند، چنانچه، «خان قندوز- مراد بیک» طرح را ریخت که منطقه دایزنگی را به تصرف درآورده و از معادن آن بهره برداری نماید. (۱)

الف) آهنگری و فلزکاری: صنعت آهنگری از قدیم در میان شیعیان افغانستان نسبتاً پیشرفته بوده است. در مناطق هزارستان روش ابتدایی ذوب و استخراج آهن معمول بود، فلزکاران و اسلحه سازان از آهن و یا فولاد استخراج شده، اسلحه های مرغوب و با جنس عالی تولید می کردند، هم در زمینه تولید اسلحه های سرد چون: شمشیر، خنجر، نیزه، سپر، چاقو و... و همچنین در زمینه تولید اسلحه گرم چون: تفنگ و تفنگچه (کلت) و تفنگ فتیله دار، بسیار با مهارت بالا تولید می کردند و این اسلحه ها دارای نقاشی و کنده کاری های زیبایی بودند. (۲) و نیز در زمینه تعمیر و اصلاح تفنگ ها و مسلسل های ثقیل و خفیف (سنگین و سبک) و در ساخت قطعات یدکی تسلیحات مردم شیعه دست به ابتکارات نو و تازه ای زده بودند از جمله مونتاژ و اکمال وسایل نقلیه و ماشین آلات و ساختن دستگاه های پرتاب (راکت) ریا کتیف (mesaels) در شهرهای چون سنگ ماشه، انگوری، سیاه خاک، بامیان و ترکمن و سایر مناطق این امر به سهولت صورت می پذیرفت و حتی با استاندارد کارخانه جات اصلی سازنده مطابقت می کرد. (۳) همچنان ابزار آلات کشاورزی هم تولید می کردند از

۱- (۱) . تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص۸۵.

۲- (۲) . همان، ص۸۶.

۳- (۳) . علیداد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۲۳۶-۲۳۴.

قبیل (بیل، چکش، گاوآهن، داس، تبر و...) در زمینه و ابزار آلات و اثاثیه منزل (دیگ، ظروف آشپزخانه و کاسه، ملاقه، کارد، کیلاس، قاب و...) در زمینه ابزار آلات ساختمانی وسایل در و پنجره، گیره ها، زنجیره ها و... از بخش زرگری، تهیه و ترمیم وسایل زینتی چون طلا کاری، نقره، انگشتر، گوشواره، النگو و... تیمور خانوف درباره زرگری این مردم می نویسد:

«صنعتگران (زرگران)... از اسلحه های سرد و گرم، تا آلات تولیدی و زیورآلات زیبای زنانه می ساختند.» (۱)

ب) کاشی و سفال سازی: از کندوکاوهایی که در خرابه های باقی مانده از یادگارهای کهن بدست آمده است، ظروف و قطعات کاشی مزین و ملون به نقاشی ها کشف گردیده است و أکثراً دارای لعاب و جلای درخشنده ای می باشد که با گذشت قرن ها تا هنوز دارای تازگی اولیه است، در پهنه ها، پشته ها که دارای قدمت تاریخی یا بنای تاریخی بوده اند، نشان دهنده این مطلب است که گذشتگان این جامعه دست بالایی در کاشی سازی و سفال سازی داشتند. (۲) در قسمتی دیگر، آقای لعلی درباره ظروف سفالی و این هنر در جامعه هزاره و شیعه چنین می نویسد:

«در تمام قریه جات و دهات مناطق مرکزی، وسایل ضروری خانه را از گل درست می کردند و چه بهتر مفید و مقاوم بود. صنع و ساز ظروف گلی و سفالی روی ضرورت های اجتناب ناپذیر عمدتا توسط زنان طرح داده می شد و بعد با انواع مهارت ها و ظرافت ها در کوره پزخانه داده می شد تا به پختگی و استحکام پیدا کند، رواج چنین فنی غالبا توسط خود مردم و برای خود مردم هزاره (شیعه) مروج بود... مهارت و دقت بیش از حد به کار می رفت، بدین ترتیب در هزاره جات ظروفی چون: کوزه، کاسه، جام، چمچه (ملاقه) و... از گل ساخته می شدند.» (۳)

سه) صنایع چوبی: چوب و صنایع آن نقش برجسته ای در زندگی مردم افغانستان دارد. چوب مصارف متنوعی دارد که برخی از آنها عبارت اند از: در، پنجره (کلکین)، کمد (الماری) میز و صندلی (چوبی)، ظروف و وسایل آشپزخانه و وسایل و ابزارهای

۱- (۱) . همان، ص۲۳۴.

۲- (۲) . تیمور خانوف، تاریخ ملی هزاره، ص۸۷.

۳- (۳) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۲۴۶ و ۲۴۷.

کشاورزی. گرچه ظرافت هنری صنایع چوبی شهرها و روستاها تفاوت زیاد دارد، در برخی از مناطق روستایی، نجاری بسیار پیشرفته تر از مناطق شهری است؛ برای نمونه، نجاران محلی در جاغوری در و پنجره هایی می تراشند که در کابل به ندرت یافت می شود. به همین دلیل، در و پنجره از جاغوری به کابل برده می شود. به سبب در دسترس و ارزان بودن چوب، تمام درها و پنجره های منازل از چوب ساخته می شود. درباره صنایع چوبی شیعیان باید گفت که نجاران و درود گران نتوانسته اند خود را با وسایل و ابزارهای مدرن و پیشرفته صنایع چوبی مجهز سازند، آنها به جای ساخت کارگاه های مجهز به وسایل پیشرفته نجاری، همچنان در کارگاه های کوچک و سنتی کار می کنند. (۱)

۲- معماری

اشاره

مردم افغانستان، به ویژه مردم شیعه، از زمان های دور به دلیل موقعیت دشوار جغرافیایی در اندیشه سرپناه بوده اند و پس از ایجاد منازل مسکونی و ارزیابی موقعیت منازل و قلاع، در طرح راه های مواصلاتی و... در امر سد سازی و پل و پلچک با ابتدایی ترین وسایل و بند و حفر کانال و... نیز کوشیده اند. شیعیان افغانستان، افزون بر آنکه در عمران و آبادی مناطق خویش سعی کرده اند، در امر بناهای تاریخی و مذهبی، همچنین در بازسازی و مرمت بسیاری از زیارتگاه ها، اماکن متبرکه و مرقدهای بزرگان تلاش کرده اند، نیز نقش روشنی در زمینه ایجاد مدارس علمی، حسینیه ها، مساجد و... داشته اند.

الف) بناهای مسکونی

درگذشته، روشی جز این وجود نداشت که بر حسب ضرورت، عمارتی روی تهداب بنا می کردند. معمولا از روی اجبار، سرپناهی می ساختند تا خانواده در محلی امن ساکن شود؛ وضعیت جغرافیایی و دیگر جوانب و شرایط حاکم بر آن نیز بررسی می شد؛ ولی شیعیان که در شهرها بنا ایجاد می کنند به اسلوب شهری و شهروندی بسیار پای بندند. اما در مناطق کوهستانی شرایط حاکم بر وضعیت رو بنایی و زیربنایی اصول عمران و آبادی این مردم را بر آن داشت که فقط از مواد اولیه استفاده کلاسیک کنند و از مواد

۱- (۱) . همان.

بی نهایت ابتـدایی، این بهره را ببرنـد و از سیسـتم های معماری در ایران که به صورت گنبـدی و مخروطی شـکل که در قدیم رایج بود اسـتفاده نکنند، به دلیل اینکه این امر با شرایط اقلیمی مناطق کوهستان سازگاری نداشت و یا احیانا مردم از چنین فنی اسـتفاده نمی کردند و تنها روش قدیمی اعمار عمارت و پوشش افقی (چوب پوش) در کلیه نقاط افغانستان مرسوم بوده است. (۱) با گذشت زمان، شـیعیان دریافتند که چگونه از اسـتعداد طبیعی و خویش برای رسـیدن به آسایش استفاده کنند؛ همین امر سبب شده است که مردم خلاق شـیعه، زمینه های مطلوب ساخت عمارت های مناسب و شایسته را برای خود و آیندگان فراهم سازنـد. معمولاـ مشـتقات منـازل مسـکونی کنونی که در تمـام منـاطق هزاره جـات گسترش یافته، نتیجه یک رشـته اصـلاحات تدریجی و به کارگیری تجارب در این زمینه است.

تصویر شماره (۱۱) قلعه - دایکندی

یک) ارزیابی موقعیت منازل: شـرایط مساعد برای بنای منازل، از آزمون های گذشته برگرفته می شود و شرایط زیر برای ایجاد منازل مسکونی در هزاره جات رعایت شده است:

- بر فراز بلندی ها و ارتفاعات ساخته شده اند.

ص:۲۳۹

۱- (۱) . همان، ص۲۰۸ و محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۸۳.

- از مسیر سیلاب و طوفان به دورند.

- در کنار نهر، رودخانه و چشمه سار قرار دارند.

- در موقعیت مناسب آب و هوایی و در حاشیه زمین های کشاورزی موفقیت دارند.

به کارگیری مواد خاکی، سنگی و چوب و... برای تعمیر و بنایی منازل مسکونی استفاده های وسیع داشته و در نتیجه نتایج مطلوب به دست آمده است. (۱)

دو) سیری در سبک معماری: شرایط دشوار زندگی در کلبه های دود زده گلی و سنگی قرن ها مردم را در اعماق تاریکی و نمناکی پوشانده بود. تنها این مردم سخت کوش در پیچ و خم حوادث، موانع را بتدریج پشت سر نهادند و اینک راه های هموار زندگی را در راستای تجدید و بازسازی آبادی ها و ساختمان های نسبتا مناسب و معقول می پیمایند. بدون تردید تحولات محسوسی در ساختار و سبک معماری در هزاره جات و با نوآوری و محاسبه شرایط، پدیده آمده است که برای شیعیان، فواید سازنده از جهاتی چون: رعایت نکات بهداشتی، مصونیت و مرغوبیت و کم ساختن مصارف سوخت و... در برداشته است. (۲) مشخصات کنونی منازل مسکونی:

اتاق رهایش زمستانی (تاوخانه (۳))؛ اتاق رهایش تابستانی (بالا خانه)؛ حمام؛ آشپزخانه و انبار و... (۴)

در واقع این گونه بناها ناقص اند و جواب گویی نیازمندی ها نیستند و اگر این مسئله به صورت کامل تر و مدرن تر رواج یابد، مسلما کمبود احساس نخواهد شد؛ لذا باز هم سبک معماری قدیم (چوب پوش)، (ساختمان های گلی) و... دنبال می شود. یکی از موارد نقص سبک معماری چوب پوش سقف به صورت افقی این است که با وضعیت اقلیمی سرد و برف گیر مناطق هزاره جات سازگار نیست، چون در این صورت پس از چند مدت چوب ها در اثر رطوبت و سنگینی خاک و گل و برف، استاتیک خود را می بازند و دچار خمیدگی

۱- (۱) . همان، ص۲۱۴.

۲- (۲) . همان، ص۲۱۵.

۳- (۳) . تاوخانه: اتاقی است که در زمستان و در اثر آتش کردن آن را گرم می کنند و منبع آتش در میان دیوارهای اتاق راه دارد. در تابستان هم به طور طبیعی از آن استفاده می شود.

۴- (۴) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص ۲۱۵.

می شونـد و بایـد تعویض صورت گیرد؛ امـا نظریـات علمی و مهندسـی خاصـی در این بخش و بخش های دیگر تئوری هایی دارد که شایان اهمیت است و آن اینکه اگر بناها طوری طراحی شوند که سقف (بام) آن مایل و دارای زاویه پوشانده یا چوب پوش شود، بهتر خواهـد بود؛ زیرا در این حـالت فشـار مسـتقیما روی تیرهای چوب وارد نمی آیـد و برحسب زاویه کاسـته می شود و در نتیجه ساختمان عمر بیشتری می کند. (۱)

شیعیـان در مناطق شـهری از اصول معماری شـهری پیروی می کننـد؛ اما در روسـتاها آنها در امور ساختمانی و عمران از روش های قدیمی که محصول تجارب و اندوخته های علمی اسـتاد کاران ماهر است اغلب اسـتفاده از سنگ و محل سنگی و صخره ای را توصـیه می کننـد تـا بنـا دوام بیشتری داشـته باشـد. یکی از روش هـای مثبت و فنی این مردم، بهره گیری از گل به جای خشت خام است، گل مورد استفاده را به شکل ساده آماده می کنند، وقتی آب و خاک را مخلوط کردند برای چند ساعت آن را هم می زدنـد تا آب و خاک مخلوط شود، چسـپندگی و دوام این گل بسـیار است و ساختمان هایی از این نوع، تاریـخ چند صد ساله دارد، که به حالت اولیه باقیمانده است.

سه) سـد و پـل سـازی و...: در گام نخست برای رودخانه های کوچک «پلچک» و برای رودخانه های بزرگ «پل» می سازنـد. سبک ساخت پل در هزاره جات ابتـدایی است، ولی از نظر اسـتاتیک و دوام، با کیفیت است. برای اینکه در فصل بهار از وقوع حوادث نـاگوار جلوگیری کننـد کنـار رودخـانه ها و مسـیر سـیلاب ها را بنـدها و سـیل بنـدها و ذخیره گاه های آب به منظور آبیاری بهتر ایجاد می کنند؛ شـیوه به کارگیری از مواد سـخت و مقاوم، همچنان محاسبه موقعیت، بنای بند است. حفر کانال به خاطر انشـعاب و امتداد رودخانه یکی از کارها و فعالیت های شیعه های هزاره جات است که در امور زراعتی و آبیاری به کار می رود. (۲)

سـد کجکی: یکی از مهـم تریـن سـدهای افغانسـتان کـه برای ذخیره آب و آبیـاری مزارع اطراف آن اسـتفاده فراوان دارد، با مدیریت یعقوب علی لعلی- مهندس راه و ساختمان- ساخته شده است. (۳)

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان، ص۲۳۸ و ۲۳۹.

۳- (۳) . عبدالمجید ناصری داوودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج۱، ص۱۶۸ و ۱۶۹.

ب) بناهای تاریخی و مذهبی شیعیان

اشاره

شیعیان در ایجاد بناهای تاریخی و مذهبی، نقش بسیاری داشتند و برای برپا ماندن این بناها تلاش های بسیاری انجام دادند، تا نماد مذهب و شکوفایی خویش را در سایه این اماکن متبرکه حفظ کنند. در این بخش، ابتدا درباره بناهای زیارتی مطالبی آورده می شود و پس از آن نیز، در شرح مناره جام که یکی از تاریخی ترین مناره های آجری در جهان است؛ سپس آثار و بناهای برجای مانده گوهرشاد بررسی می شود، سرانجام نیز به بنای مدارس علمی وحسینیه ها و مساجد و... می پردازد.

یک) زیارتگاه ها

زیاتگاه های شیعیان در افغانستان بسیارند، ولی مشهورترین آنها که زائران و مشتاقان بسیاری از نقاط مختلف کشور برای زیارت به آنجا می شتاب اند عبارت اند از:

۱. زیارتگاه حضرت یحیی علیه السلام : یحیی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام مردی مبارز بود که پدر شهیدش، در برابر دستگاه اموی به مخالفت برخاست.

تصویر شماره(۱۲) مرقد حضرت یحیی علیه السلام - سرپل

او به خراسان آمد. و سرانجام در شمال افغانستان امروزی به شهادت رسید. (۱) این مقبره، زیارتگاه شیعیان افغانستان است، و مردم از راه های دور و نزدیک به زیارت آن می روند.

۱- (۱) . جریرطبری، تاریخ الامم و الملوک، ج۴، ص۲۳۲-۲۳۴.

۲. زیارتگاه شاهزاده قاسم بن جعفر صادق علیه السلام : در قرن دوم هجری قمری، به هرات مهاجرت کرد. در آنجا به خاک سپرده شده است. (۱)

تصویر شماره(۱۳) مرقد شاهزاده قاسم - هرات

۳. زیارتگاه شاهزاده عبدالله بن معاویه: عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، با خوراج سیستان درگیر شد و به سوی هرات آمد، نزد حاکم آن، ابو نصر خزاعی رفت و گفت: به من گزارش رسیده که شما مردم را به الرضی من آل محمد دعوت می کنید؛ از این رو به اینجا آمدم. ابومسلم از جریان باخبر شد، دستور قتل عبدالله را صادر کرد، سرانجام در سال ۱۲۹ هجری قمری در هرات به شهادت رسید و در مصرخ هرات به خاک سپرده شد.

ص:۲۴۳

۱- (۱) . آرامگاه های خاندان پاک پیامبر، ص ۳۵۶.

تصویر شماره(۱۴) مرقد شاهزاده عبدالله - مصرخ هرات (۱)

۴. زیارتگاه حضرت علی علیه السلام مزارشریف: در مزارشریف مقبره ای است که منسوب به امام علی علیه السلام ساخته شده، مردم عوام (شیعه و سنی) از راه های دور و نزدیک به زیارت آن می روند و آن را به نام سخی (امام علی) زیارت می کنند. درباره مرقد معروف به روضه حضرت علی علیه السلام در بلخ، ابن فندق در کتاب لباب الانساب و الاعقاب چنین می نویسد:

«نقیب بلخ در قرن پنجم، برادر زاده ای به نام السید ابوالحسن علی بن ابی طالب داشت که نه تنها با نقییب بلخ مرتبط بود، بلکه نزد عمویش دانش می آموخت؛ چنان که شیخ ابو عامر جرجانی تصریح کرده است که علی بن ابی طالب را دیدم که نزد عمویش، ابوالحسن محمد بن عبیدالله، شعر می خواند. او در ادامه، اشعار یاد شده را نقل کرده است. این خاندان، فرزندان از خود برجای گذاشتند که برخی در نیشابور و تعدادی در سمرقند اقامت گزیدند؛ ولی عمدتا در بلخ بودند. از علی بن ابی طالب دو پسر به جای ماند. سید تاج الدین حسین و ابو محمد الحسن بن علی ابی طالب، که به شرف الدین ملقب بود. صاحب روضه مزارشریف، بنا به گفته ابن فندق؛ موی، نعل،

۱- (۱) . ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص۳۷۲.

کاسه و عصای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد وی بود و فرزندش، علی و نوه اش، قاسم نام داشت.

وی در ادامه، دیگر سادات وابسته به صاحب روضه مزارشریف را می شمارد که در بلخ مقیم بوده اند و از نسل حسین اصغر بن زین العابدین علیه السلام بودند.» (۱)

در مورد صاحب روضه چنین آمده است:

السید الفاضل ابوالحسن البلخی علی بن ابی طالب الحسن النقیب ببلخ ابن ابی علی عبید الله بن ابی الحسن محمد الزاهد بن ابی عبید الله ابو القاسم علی بن الحسن ابی محمد بن الحسین (الاصغر). (۲)

بدین ترتیب، صاحب مزارشریف با هفت واسطه به امام زین العابدین علیه السلام می رسد. چنان که اشاره شد، او فرزند نقیب بود و پدرش، حسن با کنیه ابوطالب، مدتی در بلخ نقیب شد. پس از او برادرش (عموی صاحب روضه مزارشریف) نقیب بلخ و اطراف آن بوده است.

شباهت این سید از لحاظ نام (علی)، کنیه (ابوالحسن) و کنیه پدرش (ابوطالب) سبب تردید برخی شیفتگان خاندان اهل بیت علیهم السلام در قرن ششم شد و زمینه را برای پنداشت های نادرست فراهم کرد. کافی بود یکی از درویش ها در این باره خوابی ببیند و ادعای معروف را درباره مرقد وی مطرح کند که متعلق به امام علی بن ابی طالب علیه السلام است. در قرن ششم هجری قمری، حاکم وقت قبر را شکافت و سنگ نوشته آن را ملاحظه کرد که به قبر علی بن ابی طالب نسبت می داده است؛ به ویژه که در سنگ قبر در قرن ششم یا قرن های بعد، عبارت: «اسدالله الغالب» افزوده شده بود؛ از این رو این احتمال تقویت شد که قبر، به امیر المومنین امام علی علیه السلام ، تعلق دارد و سرانجام این قبر به آن حضرت معروف و منسوب شد.

شهر مزارشریف به مناسبت بازشناسی مرقد منسوب به امیرالمومنین به نام آن ساخته شد و عنوان مزارشریف از آن مرقد گرفته شده است. این بارگاه به علی تعلق ندارد؛ ولی یکی از مکان های زیارتی معروف شمال افغانستان، بلکه کل کشور است و

۱- (۱) . ابن فندق، لباب الالباب والانساب و الاعقاب، ص ۵۷۱ و ۵۷۲.

۲- (۲) . جمال الدین بن عنبه، الفصول الفخریه، ص ۱۸۰ و ۱۸۱.

در طول حیات بیش از هشت قرن خود، توانسته نقش مهمی در توجه مردم آن سامان به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ایفا کند. (۱)

تصویر شماره(۱۵) روضه سخی - مزارشریف - میله گل سرخ

۵. زیارتگاه سخی در کابل: در دامنه کوه علی آباد (کارته سخی) در غرب کابل زیارتگاهی وجود دارد که به نام امام علی (سخی) ساخته شده است و مردم همه روزه به زیارت می روند. بر روی دیوار این زیارتگاه کتیبه ای به چشم می خورد که خلاصه آن چنین است: «احمد شاه درانی در سال ۱۱۸۰ه- ق خرقه مبارك پیغمبر اکرم را از فیض آباد مرکز ولایت بدخشان به طرف قندهار انتقال داد. زمانی که به کابل رسید، خرقه مبارك را برای زیارت اهالی کابل به مدت هشت ماه در همین محل گذاشت. حاملان خرقه مبارك سه شب متوالی خواب دیدند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و شمشیر خود را بالای سنگی که پشت زیارتگاه قرار دارد گذاشت، و سپس با جمعی از مؤمنان نماز خواند و به آنان توصیه کرد که در اینجا به نام من بقعه ای بسازید.

ص:۲۴۶

۱- (۱) . عبد المجید ناصری، تاریخ تشیع در افغانستان (از آغاز تاقرن هفتم) ص ۲۱۲.

تصویر شماره(۱۶) روضه سخی - کابل

روز بعد حاملان خرقه ی مبارک دیدند که همان سنگ از عظمت و هیبت ذوالفقار مولای متقیان شکافته است. این سنگ اکنون به نام سنگ ذوالفقار خوانده می شود. نخستین عمارت آن به دست احمد شاه درانی ساخته شد که اکنون به نام زیارت سخی شاه اولیا معروف است.» (۱)

دو) مناره ها

در قدیم مناره ها کاربردهای زیادی داشتند؛ از جمله، نمادی برای راهنمایی کاروان ها و محلی برای موذن بودند.

۱. مناره جام: یکی از تماشایی ترین بناهای تاریخی افغانستان که پس از قطب منار در دهلی نو بلندترین مناره جهان است. باستان شناسان عقیده دارند که قطب منار به

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص ۳۸۰.

الهام از مناره جام در اوایل سده سیزدهم ساخته شده است که ارتفاع آن، هفتاد و سه متر اندازه گیری شده است. درباره به ارتفاع مناره جام در مطبوعات کشور و اسناد مربوط به سازمان ملل متحد، رقم یگانه ای ذکر نشده است.

تصویر شماره (۱۷) مناره جام – غور

ارتفاع آن را گاهی ۶۳ متر و گاهی نیز ۶۵ متر نوشته اند؛ غیر از این در بعضی اسناد دیگر آن ۶۳ متر قید شده است. قطر قاعده مناره، هشت متر اندازه شده است که به بلندای تقریبا دو متر از سطح زمین دروازه کوچک ورود به داخل مناره دیده می شود. مناره جام در میان سلسله کوه های ولایت غور در خم دره ای در ساحل جنوب هریرود بنا شده است. این منطقه از سطح دریا ۱۹۰۰متر بلندی دارد. دهکده جام در شصت و دو کیلومتری شمال شرق ولسوالی شهرک موقعیت دارد. (۱) در اسناد یونسکو آمده است که قدمت تاریخی این مناره به دوره سلطان غیاث الدین محمد غوری که در سال ۵۵۸ ه-.ق به حکومت رسید، نسبت داده شده است، این مناره یکی از بناهای معروف است

۱- (۱) . www.jam-eqhor.com.

که به فرمان حاکم غوری ساخته شده است که از لحاظ هنر معماری، آجرکاری و کاشی کاری، یکی از مهم ترین شاهکارهای دوران اسلامی قلمداد شده است. (۱) اما تا هنوز معلوم نیست که تکمیل مناره چند سال را در برگرفته است. در شماره ششم کتیبه نشریه انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان - سپک - نام سازنده مناره را علی ذکر کرده که در دو جای مناره حک شده است.

و در پای مناره نیز نام غیاث الدین شاه به چشم می خورد. در میان برخی آموزش دیدگان ولایت غور باورهایی این گونه وجود دارد که سلطان غیاث الدین، علی را برای ساختن چنین یادگاری از ثمرقند فرا خوانده، ساکنان محل باور دارند که آجرهای به کار رفته در مناره در دهکده «شیرجه» تهیه شده است؛ و باز هم به روایت مردم، علی دست کم هفت سال مشتاقانه کار کرد تا چنین یادگار بزرگی را در آن دره ای بنا کند که امروز خاموش و آرام به نظر می رسد. در شماره ششم کتیبه، همچنان درباره ساختمان درونی و نمای بیرونی مناره جام چنین تصویری ارائه شده است: «از پای تا سر مناره، زینه (پله) پیچاپیچی در دو کناره داخلی آن بالا- رفته و به دالان بالا-یی می رسد، نمای بیرونی مناره با خشت های برجسته فیروزه ای درخشان بر زمینه گلابی و نوار نوشته، سوره نوزدهم قرآن مجید آراسته شده است.» (۲) در گزارش کتیبه آمده است که پژوهشگران در این باره که آیا مناره جام بخشی از مسجد و یا نمادی از پیروزی غوری ها بوده است هنوز به تحقیقات خویش ادامه می دهند. این در حالی است که تاکنون در اطراف مناره هیچ نشانه ای از مسجد و مدرسه مذهبی کشف نشده است. در ظاهر، گمان می رود که بنایی به این شکوه و بزرگی می بایست در شهر بزرگی بنا می شد؛ نه در چنین دره تنگی. از کشف مناره جام، پنجاه سال می گذرد. چنان که باستان شناسان، هیجدهم ۱۹۵۷ م را روز کشف مناره جام نامیده اند. در همین روز، گروهی از باستان شناسان غربی با راهنمایی باستان شناس افغانستانی، احمد علی کهزاد به دهکده جام رسیدند؛ ناگهان با تجسم زیبایی روبه رو شدند. تماشای مناره، باستان شناس فرانسه ای را « Andre Marieq » چنان شگفت زده ساخت که برای لحظه ای احساس کرد با برج جادویی روبه رو شده است. باستان شناسان بر این باورند که اهمیت مناره جام، تنها در زیبایی آن نیست؛ بلکه این مناره می تواند کلیدی باشد در جهت گشودن رازهای

ص:۲۴۹

۱- (۱) . منهاج سراج جوزجانی، طبقات ناصری، ج ۱، ص۳۳۵.

۲- (۲) . به نقل از، سایت جام غور، کتیبهء نشریه انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان«سپک»، شماره ششم.

دوره غوریان در افغانستان. پس از آن، دانشمند ایتالیایی، اندریه برنو از مناره جام دیدن کرد و در نتیجه چنین دیدارهایی بود که مناره جام از گم نامی رهایی یافت و مدت چهل سال گذشته مسائل و موضوعات زیادی درباره چگونگی ایجاد این مناره، اهمیت تاریخی و خطراتی که متوجه آن بوده در مطبوعات افغانستان و اسناد سازمان ملل متحد مطرح شده است. پس از این، تاریخ باستان شناسی افغانستان، روز بیست و هفتم جون ۲۰۰۲ میلادی را روزی مهم و پر افتخار به حافظه خواهد داشت. افغانستان محل تلاقی چندین تمدن بزرگ جهانی است و این کشور دارای یکی از ارزشمندترین گنجینه های باستان شناسی جهان است. (۱)یونسکو در همین روز «مناره جام» را از نشستی که در شهر بوداپست، مرکز مجارستان برگزار شده بود در فهرست آثار مهم جهان ثبت کرد. براین اساس افغانستان در سال ۱۹۸۲ میلادی از یونسکو خواسته بود تا مناره جام در غور، تندیس های بودا در بامیان، حوزه باستانی آی خانم در تخار و ساحه باستانی شهر هرات را در فهرست آثار فرهنگی جهان جای دهد. از آن جمله، مناره جام، نخستین اثر فرهنگی افغانستان است که آن را به صورت یک اثر فرهنگی جهانی پذیرفته اند.

تصویر شماره (۱۸) مناره جام در کنار هریرود

ص:۲۵۰

۱- (۱) . سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد.

مسئله مناره جام در سال ۲۰۰۲ میلادی در سازمان جهانی یونسکو به گونه ای مطرح شد که اخیرا «فرانچسکو باندراین» مدیر مرکز حفظ میراث های فرهنگی جهان، وابسته به سازمان ملل متحد از کمیته ثبت آثار فرهنگی جهان خواست تا به سرعت به درخواست افغانستان برای ثبت مناره آجری جام رسیدگی کند. به گفته فرانچسکو باندراین از شمار چهار اثر و ساحه باستانی پیشنهاد شده، مناره جام ویژگی های دارد که ثبت آن را در فهرست آثار مهم باستانی جهان، بیشتر موجه جلوه می دهد. کارشناسان عرصه باستان شناسی در یونسکو، مناره جام را یکی از سازه های خارق العاده معماری و کهن سال ترین برج آجری باقی مانده در جهان می دانند. افزون بر این، مناره جام، سنت معماری کهن و سبک هنری قدیم در منطقه را در آخرین حد کمال و زیبایی آن، نمایندگی می کند.

بدون تردید ثبت مناره جام در فهرست آثار فرهنگی جهان به دست یونسکو برای جامعه فرهنگی افغانستان خبر بسیار خوبی است؛ با وجود این، خبر ناخوش آیند قرار دادن مناره جام در فردای همان روز در فهرست آثار فرهنگی در معرض خطر بود. این امر بدین مفهوم است که خطر سقوط، مناره جام را تهدید می کند. بر اساس گزارش های رسمی یونسکو، هم اکنون از شمار آثار ثبت شده در فهرست آثار فرهنگی جهان، سی و سه اثر با خطر فروپاشی رو به رو است. گرچه یونسکو در چنین مواردی رشته برنامه های اضطراری ای دارد تا از فروپاشی و نابودی این گونه آثار جلوگیری کند؛ عمدتا این حکومت ها و کشورها هستند که می توانند اجرای موفقانه چنین برنامه هایی را تضمین کنند. (۱)

سه) ایجاد و توسعه بناهای تاریخی گوهرشاد

پیش از اینکه وارد بحث آثار به جای مانده از این بانوی هنر پرور بشویم لازم است درباره دوره تیموریان، نحوه تعامل آنها با شیعیان و نقش آنان در اعتلای فرهنگ و تمدن شیعی بررسی کنیم. دوره تیموریان (۷۸۲-۹۱۱) یکی از اعضای زرین فلات ایران بود که در آن دوره، خراسان از میان خون و خاکستر با صلابت سر برآورد، قامت راست نمود و به سرعت به سوی تمدن و شکوفایی حرکت کرد؛ ملت شیعه در سایه آزادی های به وجود آمده و تساهل مذهبی اعمال شده، توانست قدم های بزرگ و اساسی به جلو بردارد و از

۱- (۱) . www.jame-qhor.com

سیاه چال های تقیه بر سر حکومت و فرمانروایی جهش کند. رشد معارف شیعی و کثرت روز افزون شخصیت های علمی، سیاسی و فرهنگی شیعه در قرن هشتم و نهم هجری چنان گسترش یافت که بیشتری شاهان مغول و تیموری نیز مذهب شعیه را اختیار کردند.

گزارش مورخان عصر تیموری نشان می دهد، میرزا شاهرخ به رغم گرایش آشکار به تشیع و خدماتی که خود و همسرش گوهرشاد در رونق مشهد مقدس و بارگاه علی بن موسی الرضا علیه السلام انجام داده اند. دستوری بزرگ مبنی بر این که نام ائمه اطهار در خطبه ها ذکر شود این مسئله باعث شد که مردم فکر کنند که آنها تغییر مذهب داده که با واکنش منفی مردم هرات و قتل خطیب جمعه روبه رو شده است. (۱) مهد علیا، گوهرشاد آغا (۲) (گوهرشاد بیگم) از اشراف زنان خراسان، زنی بسیار باوقار، خردمند، ثروتمند (۳) و با احتیاط بود. او به مهربانی و بخشندگی و خیرات و مبرات موصوف بود و در حسن تدبیر و سیاست و حیا، مقامی والا داشت. (۴) به گفته مرحوم حاج ملا هاشم خراسانی: مخدره گوهرشاد آغا مسلما شیعه بوده و در کمال اخلاص و حسن عقیده، مسجدی را در مشهد مقدس بنا نهاد. (۵) گوهرشاد بیگم و شوهرش میرزا شاهرخ هر دو شیعه بوده، لکن تقیه می کردند. (۶) وی به سال ۷۸۰ ه- ق دیده به جهان گشود و در نهم رمضان سال ۸۶۱ ه- ق در سن هشتاد و یک سالگی (۷) بر اثر وسوسه جمعی به فرمان میرزا سلطان ابو سعید بن سلطان محمد بن میرانشاه بن امیر تیمور - برادرزاده ی شاهرخ - در هرات به قتل رسید. پیکر او در مدرسه ای که خود، آن را ساخته بود در کنار مزار شوهرش به خاک سپردند.

ص:۲۵۲

۱- (۱) . ترکمان اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، ص ۳۴۳.

۲- (۲) . «آغه»، یک واژه مغولی که به زن محترمه و اشرافی می گویند و در هزاره جات به زنان خوانین «آغه» گفته می شود که در منابع تاریخی آن را به صورت «آغا» ضبط کردند. باید توجه داشت با لفظ «آقا» اشتباه نشود.

۳- (۳) . خواندمیر، ماثر الملوك، ص ۱۶۷.

۴- (۴) . محمد حسن خان صنیع الدوله مطلع الشمس، ج ۲، ص ۱۳۹.

۵- (۵) . از حاج کاظم یزدانی، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج ۱، ص ۸۱؛ کلاویخو سفیر اسپانیا که در سال ۱۴۰۴ م. از مشهد عبور کرده این مطلب را نقل کرده است؛ ایران و قضیه ایران، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۶- (۶) . حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج ۲، ص ۹۶۶.

۷- (۷) . تا خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افرادالبشر، ج ۴، ص ۶۸.

گوهرشاد آغا به هنر و دانش پروری مشهور بود، پیوسته گروهی از ماهرترین معماران (مهندسین) عصر و مشهورترین خطاطان و تذهیب کاران را به خدمت می گرفت. (۱) از جمله آثاری که به همت گوهرشاد آغا ساخته شده است عبارت اند از:

تصویر شماره(۱۹) مقبره گوهرشاد آغه

یک) مسجد جامع هرات

مسجد جامع هرات گرچه به فرمان غیاث الدین محمد غوری پایه گذاری گردید، پس از او برادرش معزالدین غوری ساختمان آن را به پایان رسانید. هرچند قدمت تاریخی این بنا به دوره ورود اسلام به این سرزمین می رسید که پیش از ورود اسلام محل این مسجد، آتشکده بوده است که با پذیرش آیین اسلام تبدیل به مسجد شد؛ در هر صورت تاریخ نویسان بنای این مسجد را به غیاث الدین محمد غوری نسبت می دهند: او برای امام فخررازی که امام

۱- (۱) . خلیل الله خلیلی، هرات: تاریخ ها، آثارها، رجال ها، ج ۱، ص ۵۶؛ برای اطلاع بیشتر در مورد بناهایی که به دست گوهرشاد آغا ساخته شده اند. رک: دونالد و یلبر و لیزا گلمبک، معماری تیموری در ایران و توران، شماره های ۹۰،۷۰، ۶۹. [وقف،میراث جاویدان]

شافعی بود ساخته است. مسجد توسط سربازان چنگیزخان تخریب شد و در سال ۱۳۰۶ م غیاث الدین کرت، آن را بازسازی کرد و به سبب خرابی هایی که داشت، بازسازی مجدد آن به فرمان گوهرشاد آغاز به کار کرد، مدت ها بعد در دوره حکومت سلطان بایقرا و وزارت امیر علی شیر نوایی مجددا مورد بازسازی قرار گرفت. تزیینات روی دیوار و کاشی کاری آن پنج سال را در بر گرفت. این بنا از بهترین آثار باستانی افغانستان به شمار می رود و یکی از جالب ترین نمونه های هنر معماری در دوره خودش محسوب می گردد. (۱)

تصویر شماره (۲۰) مسجدجامع هرات

دو) مصلای هرات

مجموعه مصلی هرات عبارت اند از: مدرسه گوهرشاد، مسجد جامع گوهرشاد، مدرسه سلطان حسین بایقرا، خانقاه سلطان حسین بایقرا، مسجد جامع امیر علی شیر نوایی، دارالحفاظ، دارالشفا، خانقاه اخلاصیه و مدرسه اخلاصیه که از همه این عمارات در مجموع به نام مصلی یاد شده است. پروژه اعمار این مجموعه را برای اولین بار در سال ۱۴۱۷ میلادی گوهر شاد بیگم همسر شاهرخ میرزا از شاهان مقتدر تیموری آغاز کرد.

۱- (۱) . مهدی روشن ضمیر، تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

مناره های مصلی بازمانده در هرات جز یک یا چند مدرسه نبود که جزو یک شهرک فرهنگی به شمار می رفت. این مناره ها که امروز در قسمت شمال شهر جدید فعلی هرات قرار دارد تقریبا نزدیک به دامنه کوه سعید مختار در منطقه ای موقعیت داشته است که از قدیم آن را به نام خیابان یاد کرده بود. چند قریه شامل این حوزه یعنی خیابان می شد. مناره ها یادگار عصر تیموریان است در قرن نهم هجری در حدود ۵۰۰ سال قبل از امروز در اینجا شهرک فرهنگی بود. (۱)

یکی از ساختمان های باشکوه در این منطقه، به نام مدرسه گوهرشاد دارای چهار مناره بود که در چهار گوشه مدرسه قرار داشت و ایوان بلندی برای نماز در مغرب مدرسه و دو ایوانچه در چپ و راست ایوان بزرگ ساخته شده بود، به گونه ای که ایوان مقصوره در وسط و رواق های کوچک در سمت چپ و راست آن بود و اکنون از همه آن ساختمان، یک نیم مناره باقی مانده است.

تصویر شماره (۲۱) مصلای هرات (ترکیب درهم آمیخته شعر، نثر، آیات قرآن، نقوش هندسی و انتزاعی)

ص:۲۵۵

۱- (۱) . فکری سلجوقی، خیابان، ص ۶ و ۱۴.

از مدرسه و مسجد جامع گوهر شاد بیگم فقط یک و نیم پایه مناره موجود است، یک پایه مناره جزو مسجد گوهر شاد بود که امروز در کنار خیابان قرار دارد و بیشتر از ۲ درجه انحراف پیدا کرده است و خطر سقوط آن، حتمی است و نیم مناره دیگر، از مدرسه گوهر شاد بیگم بود که در قسمت غربی قرار داشت؛ این نیم مناره در جنگ ها توپ خورد و شکست و فقط پیکر تحتانی آن باقی مانده است. در کنار مناره مسجد جامع گوهر شاد گنبدی است که از آن با نام گنبد سبز یا گنبد کلاه درویش یاد می شود و آثار دیگر کاملا از بین رفته است. در کنار یک و نیم مناره مربوط به مسجد جامع گوهر شاد چهار مناره دیگر هم تا کنون به جا مانده که مربوط به مدرسه سلطان حسین بایقرا، آخرین سلطان مقتدر سلسله تیموریان است. چهار مناره بلند پایه دیگری نیز در چهار گوشه مدرسه سلطان حسین بایقرا قرار داشت که به همین شکل باقی ماند. همچنین تپه خاکی در سال ۱۳۵۹ حفر شد و پایه های باقی مانده مدرسه سلطان حسین بایقرا به دست آمد که مزین به کاشی کاری های نفیس قرن ۹ بود و همه آسیب دید؛ زیرا حفاظت نشد. فرهنگ مناره سازی به پیش تر از عصر تیموری ها باز می گردد، مناره جام در ولایت غور حدود دو صد سال قبل از مناره های هرات ساخته شده بود؛ حتی مناره چکری که در نزدیکی کابل ساخته شده نیز، قدیمی تر از مناره های هرات است؛ زیرا ساختن مناره ها به دلایل گوناگون صورت می گرفت؛ از جمله به جای مصلی برای نماز ساخته می شد؛ یعنی جای اذان بود و در مواردی نیز برای راهنمایی کاروان ها و مسافران در یک منطقه کوهستانی یا ساحه که بدون آبادی بود و از مفقود شدن مسافر جلوگیری می کرد.

مناره ها در هرات به ده عدد می رسیدند که از زمان امیر عبدالرحمان خان به تحریک انگلیس ها در آن زمان، ساختمان های منطقه خیابان از بین برده شد. (۱) به مرور ایام، این مناره ها هم فرو ریخت که از آن جمله، پنج مناره باقی مانده است که آنها نیز در معرض

۱- (۱) . همان؛ که در دوره امیرعبدالرحمان خان، ساختمان مصلای هرات و مجموعه های فرهنگی ای نابود شد که از گذشته به یادگار مانده بود.

خطر سقوط قرار دارند. در جریان سال های اخیر خسارات زیادی به مناره های هرات رسید که قسمت های زیاد آنها تخریب شد؛ به خصوص مناره پنجم که تا حدودی نیز منحرف گردید. هشت یا نه سال پیش، پروژه ای بازسازی انجام دادند که بعضی از قسمت های مدرسه سلطان حسین بایقرا ترمیم شد.

تصویر شماره (۲۲) مناره های باستانی در هرات

متاسفانه بودجه کافی نبود و کار نیمه تمام ماند. مناره های مصلی یکی از آبدات عمده تاریخی افغانستان به شمار می رود؛ این آبدات بیانگر عصر رنسانس خراسان آن زمان است که در هرات تجلی پیدا نموده بود. با آنکه بیشتر ساختمان های مرتبط به این مناره ها از بین رفته است، حفظ این مناره ها می تواند گوشه ای از عظمت فرهنگی آن زمان هرات را نشان دهد. (۱)
مسجد جامع گوهرشاد بیگم «در هرات که در غایت

۱- (۱) . مناره های هرات در حال نابودی، شنبه ۲۰ عقرب ۱۳۸۵؛ nawaaye-afqhanistan.net.

نزاهت و تکلف و نهایت عظمت و لطافت است و هر جمعه در آن مقام لازم الاحترام جمعیت تمام دست می دهد و به رفعت و وسعت مزین و محلی است.» مدرسه و خانقاه مهد علیا گوهرشاد آغا در هرات که «به حلیه تکلف و به انواع زیب و زینت محلی و آراسته و به وفور فسحت و کثرت متانت از اکثر بقاع این بلده جنت صفات ممتاز و مستثنی است و در این اوقات چهار نفر از علمای پسندیده صفات در آن بقعه فایض البرکات به درس و افاده قیام و اقدام می نمایند و از موقوفاتش به حظی وافر محظوظ و بهره ور می گردند. (۱) کار ساخت این مدرسه کم نظیر، سال ۸۲۰ ه- ق شروع شد و در سال ۸۴۱ یا ۸۳۶ ه- ق بنای آن به اتمام رسید و در کنار آن، کتابخانه و بیمارستان و مهمانسرا نیز احداث شده بود. این مجموعه فرهنگی توسط گروهی از معماران برجسته به ریاست استاد قوام الدین شیرازی معمار ساخته شده و جعفر جلال هروی خطوط کتیبه های آن را نوشته و استاد میرک هروی کتیبه ها را تذهیب و تزیین نموده است. (۲)

در گوشه شمالی شهر، پنج مناره قامت راست کرده اند. این مناره ها باقی مانده منطقه باستانی است که در گذشته با نام خیابان از آن یاد می شد و مرکز آموزش علم و هنر و فرهنگ آن زمان بود. این منطقه در زمان حکمرانی شاهان تیموری در اواسط قرن هشتم الی دهم هجری آباد شده که بنا بر گزارش مورخان عهد رنسانس هرات در این آوان بوده است. بر اساس مآخذ تاریخی، پادشاهان تیموری توجه خاصی به بنا کردن عمارات زیبا و معماری هنری داشته اند. عمارات بناهای گوناگون دوره تیموری هرات که در میان همه انواع هنرهای آن زمان برجستگی خود را دارند بیشتر مورد توجه و پژوهش و شناسایی قرار گرفته اند و زوایای مختلف آنها در عصر حاضر بیش از پیش روشن شده است. در میان آبدات تاریخی و بناهای هنری آن زمان می توان از مجموعه مصلی هرات نام برد که به گونه ای نمایانگر هنر معماری آن دوره است.

۱- (۱) . اصیل الدین هروی، رساله مزارات هرات، ص ۱۸۲.

۲- (۲) . همان.

تصویر شماره (۲۳) مناره های باستانی در هرات

سه) مسجد جامع گوهرشاد در مشهد مقدس رضوی علیه السلام که یکی از مهم ترین بناهای دوران شاهرخ به شمار می آید و در جنوب حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام واقع شده است. گوهرشاد آغا در سال ۸۱۲ ه- ق ساخت این مسجد را آغاز کرد و به دلیل تاریخی که در کتیبه ایوان مقصوره و با خط پسرش بایسنقر میرزا نوشته شده است، این بنای باشکوه در سال ۸۲۱ ه-.ق به پایان رسید. اما گویا چند سال پس از این نیز، کار ساختمان ادامه داشت. این مسجد در زمینی به مساحت ۸,۷۹۸ متر مربع ساخته شده که ۶,۰۴۸ متر مربع آن زیربنا و ۲,۷۵۰ متر مربع دیگر، مساحت صحن مسجد است، و چهار ایوان، دو گلدسته و یک گنبد دارد. ایوان طرف قبله مسجد، معروف به ایوان مقصوره است که بزرگ ترین ایوان این مسجد است با ارتفاع ۲۵ ذرع با مقرنس کاری و کاشی معرق براق تزیین شده، اطراف محراب کتیبه ای از کاشی معرق به خط ثلث دارد. ارتفاع گنبد ۴۱ ذرع و ارتفاع هر یک از گلدسته ها نیز ۴۱ ذرع است. بر پیشانی ایوان مقصوره، کتیبه ای به خط ثلث جلی از بایسنقر پسر گوهرشاد آغاست که از شاهکاری های هنر خطاطی به شمار می رود. دیگر کتیبه ها به خط محمدرضا امامی است. اغلب کاشی کاری ها و تزیینات این مسجد در سال های ۱۰۵۳ و ۱۰۸۷ و ۱۱۱۱ ه-.ق و پس از آن صورت پذیرفته است. (۱)گوهرشاد، پس از اتمام بنای مسجد در تاریخ نیمه رجب سال ۸۲۹ ه-.ق، وی تولیت این

۱- (۱) . محمدحسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۲، ص۱۳۸و۱۳۹.

موقوفات را با اولاد خود و در صورت انقراض اولاد واقفه با اولاد علی حمیدی علوی مشهدی رضوی، و در صورت انقراض اولاد ذکور و اناث علوی، تولیت را با یکی از صلحای سادات عظام مشهد قرار داده شده است. (۱)

تصویر شماره (۲۴) مسجدگوهرشاد - مشهد

امیرزاده شاهرخ بن امیر تیمور گورکانی همسر گوهرشاد بود. وی در روز پنج شنبه چهاردهم ربیع الثانی سال ۷۷۹ ه-.ق متولد شد و در سال ۸۵۰ ه-.ق در شهر ری درگذشت. جنازه اش به هرات حمل و در مدرسه گوهرشاد آغا دفن شد. دوران سلطنت شاهرخ چهل و سه سال داشت. (۲)گوهرشاد دو پسر داشت. یکی میرزا ابراهیم یا ابراهیم سلطان که در ماه شوال سال ۷۹۶ ه-.ق متولد شد و در ماه شوال سال ۸۳۷ ه-.ق درگذشت. دیگری بایسنقر میرزا که در سال ۸۰۲ ه ق متولد شد و در سال ۸۳۷ه ق درگذشت. (۳) این دو برادر به حسن خط و سایر کمالات ممتاز بودند. بایسنقر میرزا،

۱- (۱) . محمود یزدی مطلق (فاضل)، مسجد گوشاد، بنیانگذار و موقوفات آن، فصل نامه فرهنگ خراسان، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۰.

۲- (۲) . حبیب السیر، ج ۳، ص ۵۴۱.

۳- (۳) . حبیب الله فضائلی، اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی، ص ۳۲۹.

خوش طبع، هنرمند و هنرپرور بود، در خط ثلث، سرآمد خطاطان محسوب می شد. در کتابخانه اش پیوسته چهل نفر از خوشنویسان و تذهیب کاران و نگارگران مشغول کتابت، تذهیب و تصویر بودند. کتیبه ای پیش تاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث از همین بایسنقر میرزا پسر اوست که در بیست سالگی آن را نوشته و از قدرت و قوت قلم، معجزه ای به یادگار گذاشته است. (۱)

چهار) ایجاد باغستان

علی مردان خان از مردم شیعه افغانستان و یکی از صوبداران کابل، از سال (۱۰۶۲– ۱۰۵۰ق) بوده است. از نظر عمران و آبادی کشور آثار زیادی از او به جا مانده است؛ همچنین آثار زیبایی معماری در هندوستان به یادگار مانده است؛ «تاج محل» حس هر مشاهده کننده را بر می انگیزد و از آن جمله، چهار چته کابل، باغ علی مردان، چهل زینه قندهار، چهار باغ قندهار، باغ یغمان، اورته باغ، تخت بابر، مسجد شور بازار، باغ شهناز، بالاحصار کابل، جلال آباد و... از بناهایی است که در دوره حکومت بابریان ایجاد شده است. (۲)

پنج) ایجاد مدارس علوم دینی

مدارس علوم دینی در افغانستان مدرسه نامیده می شود. علمای دین برای تعلیم و تربیت طلاب، این مدارس را تاسیس و اداره می کنند. مدارس علوم دینی پیشینه کهن در سرزمین شیعه ها (هزاره ها) داشته است و بنابر شواهد تاریخی در زمان سلطنت آل شنسب فعالیت هایی در زمینه تاسیس آموزشگاه ها در غور و غرجستان و غزنین جریان داشت. کارکرد آن، همین نقش مدارس علوم دینی امروزه را شامل بوده است. جوزجانی می نویسد: در شهر افشین غرجستان، مدرسه ای وجود داشت که شاگردان بسیاری را به خودش جلب می کرد و استادی این مدرسه را «امام صدر الدین علی هیصم نیشابوری» به عهده داشت. (۳) مدرسه دیگری که در

۱- (۱) . احمد گلچین معانی، راهنمای گنجینه ی قرآن، ص ۱۲۹.

۲- (۲) . بایزید بیات، تذکره همایون و اکبر، چاپ هند، ص ۴۳؛ نقل از: حسین علی یزدانی (حاج کاظم)، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، ج۲، ص۴۷.

۳- (۳) . قاضی منهاج جوزجانی، طبقات ناصری، ج۱، ص۳۶۲.

توابع غرجستان تاسیس شده بود مدرسه «شاه مشهد» گزارش شده است، آبده این مدرسه تاکنون هم در جوند موجود است. (۱)در گذشته، مدارس علمیه، عالی ترین موسسات علمی به شمار می رفتند. ولی امروزه که موسسات آموزش عالی، وظیفه آموزش بسیاری از علوم را بر عهده دارند، مدارس علمیه فقط در جایگاه موسسات عالی علوم دینی مطرح اند. در افغانستان دو دسته مدرسه علمیه وجود دارد: مدارس علمیه محلی و مدارس علمیه شهری. در روستاها از قدیم علمای دینی مدارسی بنا کردند، که برای تربیت طلاب دینی از آنها بهره برداری می کردند. این مدارس کوچک، چند اتاق را در خود جای داده اند. در این گونه مدارس، حدود ۱۰-۵۰ طلبه درس می خوانند و به صورت بسیار ساده و فقیرانه در آنجا به سر می برند.

آقای دولت آبادی تعداد مدارس علمیه هزاره جات را ۱۵۷ باب ذکر نموده است. (۲) آقای لعلی حدود۱۰۰ باب، مدرسه علمیه را می داند. (۳) در این اواخر، آمار مدارس ۳۰۰ باب مدرسه علمیه در سراسر افغانستان گزارش شده است و این مسئله می تواند مشکلات زیادی را همراه داشته باشد، در قدیم که مدارس در مراکز شهرها و یا ولسوالی ها بودند، رسیدگی از سوی مردم بیشتر بود، ولی اکنون این همه مدارس در سطح افغانستان آن هم در میان شیعیان که بیشترشان از فقر رنج می برند، (۴) می تواند مشکلات زیادی را فراهم آورد. سطح درس به سطح علمی مدرس یا مدرسان آنها بستگی دارد و ممکن است از ادبیات عرب تا شرح لمعه و گاه رسایل و مکاسب هم تدریس شود. مدارس علمیه شیعیان در شهرها قدمت زیادی ندارد، در اواخر حکومت محمد ظاهر شاه رشد و گسترش یافته است. در این دوره، آزادی های سیاسی و مذهبی بیشتر در کشور به وجود آمد و علمای شیعی به ایجاد بناهای مدارس علمیه در شهرهای مهم پرداختند. مهم ترین مدارس علمیه در شهر کابل عبارت اند از: مدرسه محمدیه، مدرسه مدینه العلم، مدرسه جامعه الاسلام، مدرسه مهدویه و مدرسه رسالت و... مدارس علمیه در شهر مزارشریف نیز شامل: مدرسه سلطانیه، مدرسه جعفریه و مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام . مدارس علمیه شهر هرات، شامل: مدرسه صادقیه،

۱- (۱) . مجله جنگ غرجستان، ش۱۲، ص۳۸-۳۷.

۲- (۲) . بصیر احمد دولت آبادی، شناسنامه افغانستان، ص۴۶۷.

۳- (۳) . علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۳۴۴.

۴- (۴) . عبدالعلی محمدی، جریان های فکری فرهنگی افغانستان، سخنرانی در نشستی تبلیغ، ۳۱ /۱۳۸۸/۲.

مدرسه جعفریه، مدرسه امام حسن علیه السلام ، مدرسه امام حسین علیه السلام ، مدرسه خاتم الانبیا مدرسه بقیه الله و مدرسه عرتیه، مدرسه عالی خاتم النبیین کابل، مدرسه شهر قندهار و مدرسه آیت الله محسنی قندهاری است. (۱)

مهم ترین مدارس علمیه شیعیان در شهرهای افغانستان

مدارس شیعیان براساس قدمت تاریخی بررسی می شود، که عبارت از:

یک) مدرسه سلطانیه: این مدرسه را شیخ سلطان محمد ترکستانی، در سال ۱۳۴۳ش در شهر مزارشریف ساخت. مدرسه سلطانیه، در زمین وسیعی (حدود پنج جریب) بنا شده، دارای ۲۶ اتاق، کتابخانه، مسجد و سالن جلسات قرآن کریم است. کتابخانه این مدرسه، پیش از جنگ کتاب های فراوان داشت، ولی پس از نبردهای پیاپی و نیز در دوره طالبان بسیاری از کتاب های آن به یغما برده شده است و یا در مخفی گاه ها نابود گردیده است. (۲)

دو) مدرسه محمدیه: این بنا را آیت الله سید سرور واعظ ایجاد کرد، مدرسه بسیار زیبا و کتابخانه و نیز مسجد بزرگ، دارای نقشه بسیار عالی و با مناره های بلند سبز رنگ در طی دو طبقه، که ظرفیت آن در حدود هشت هزار نفر است و در کنار این بنا مدرسه علمیه، در طی دو طبقه ساخته شده و دارای ۳۲ اتاق و سه مدرس و کتابخانه مجهز است، که به مجموع این ساختمان «مدرسه علمیه محمدیه» گفته شود، واقع در تپه سلام در نزدیکی زیارتگاه سخی در کابل موقعیت دارد. (۳)

سه) مدرسه مدینه العلم: این مدرسه در قلعه شاده- در غرب کابل است، که در سال ۱۳۴۵ش با مساحت یک جریب زمین به دست آیت الله تقدسی بنیان نهاده شد. ساختمان این مدرسه دارای ۲۶ اتاق و یک مسجد است. (۴)

چهار) مدرسه صادقیه: این مدرسه در سال ۱۳۴۵ش در شهر هرات تاسیس شده است. بازسازی آن در سال ۱۳۶۹ش آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. ساختمان جدید مدرسه در چهار طبقه و زمینی به مساحت ۳۱۰۰ متر مربع با ۱۲۰۰۰ متر مربع زیر بنا

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۴۵-۲۴۶ و محمد اسحاق اخلاقی، هزاره ها در جریان تاریخ.

۲- (۲) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۴۷-۲۴۸.

۳- (۳) . حسین شفایی، زندانیان روحانیت تشیع افغانستان، ص۳۵.

۴- (۴) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۲۴۷.

به شکلی بسیار مجلل و مجهز ساخته شده است. این مدرسه دارای ۱۲۰ اتاق، یک سالن بزرگ، مدرس، کتابخانه، سالن غذا خوری و حمام است. (۱)

پنج) مدرسه جعفریه: این مدرسه در شهر هرات در سال ۱۳۴۹ش در زمینی به مساحت یک جریب زمین بنا شده، دارای ۲۲ اتاق مسکونی برای طلاب است و نیز دارای مسجد و با وجود امکانات اندک، طلاب فراوانی را تحت پوشش قرار داده است. (۲)

شش) مدرسه جامعه الاسلام: حضرت آیت الله محقق کابلی این مدرسه را که در پل سوخته در غرب کابل موقعیت دارد، در سال ۱۳۵۱ش. با مساحت سه هزار متر مربع بنا کرده است.

تصویر شماره (۲۵) مدرسه علمیه جامعه الاسلام- کابل

ساختمان این مدرسه در دو طبقه ساخته شده و دارای ۲۵ اتاق برای طلاب، کتابخانه، سالن پذیرایی از مهمانان و یک مسجد است. (۳) بسیاری از طلاب کابل و دیگر تحت اشراف این مدرسه هستند.

۱- (۱) . همان، ص۲۵۸.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . عبدالمجید ناصری داوودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج۱، ص۱۷۱.

هفت) مـدرسه علمیه و دانشـگاه خـاتم النـبیین: این مـدرسه در سـال ۱۳۸۲ به مـدیریت آیت الله شـیخ محمـد آصف محسـنی، تاسیس شد، موقعیت آن در غرب شهر کابل و در نزدیکی ساختمان پارلمان این کشور قرار دارد. با زیربنای ۳۸ هزار متر مربع زمین، ساخته شـده و از نظر معمـاری و سـاخت در افغانسـتان بیماننـد است. مـدرسه خـاتم النبیین با ۶۰۰ اتاق درسـی و اتاق خواب، خوابگـاهی دارد که می توانـد ۱۵۰۰ دانشـجو (محصـل) را در خود جـای دهـد. افزون بر این، یـک تالار کنفرانس که گنجایش ۲۰۰۰ نفر را دارد، یک مسجد بزرگ با ظرفیت ۲۴۰۰ نفر و یک کتابخانه که قرار است ۳۶۰۰۰۰ جلد کتاب در آن گرد آوری شود، از ملحقات دیگر این مدرسه است.

تصویر شماره (۲۶) مدرسه علمیه ودانشگاه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

مسئولان مـدرسه خاتم النبیین، در نظر دارنـد این کتابخانه را مجهز به شـبکه اینترنت کنند؛ افزون بر این، سالن های مطالعه نیز آخرین امکانات دیجیتالی را در اختیار دارنـد و کاربران می توانند از طریق اینترنت از سایر کتابخانه های معتبر دنیا نیز اسـتفاده کنند. (۱)

۱- (۱) . برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی خاتم النبیین؛ www.mohsni.org.ir

مـدرسه خاتم النبیین، در رشـته های: معارف اسـلامی، فقه، کلام و فلسـفه، دانش پژوه دارد، همه رشـته های تحصـیلی براساس یک نظام آموزشـی مدرن تدوین شده است. برای نخستین بار در افغانسـتان برادران اهل سـنت با برادران تشـیع در این مدرسـه دینی مشـغول به تحصـیل می شونـد. در گذشـته مدارسـی دینی هر مـذهب از هم جـدا بوده است، در این نهاد جدید، فرزندان شیعه و سـنی بـا هم درس می خواننـد، ولی در مواردی متون درسـی آنهـا متفاوتنـد. در داخـل ساختمـان مـدرسه خاتم النبیین؛ مـدرسه ام المؤمنین حضـرت خـدیجه کبری علیهـا السـلام ، واقع شـده که جهت تحصـیل خواهران طلبه اختصـاص یافته است. همچنین در افغانستان این نخستین باری است که دختران مشغول آموزش علوم دینی در سطوح عالی می شوند. (۱)

مدارس دینی شـیعیان در شهر کابل فعال شده است و هر کدام برای خودش برنامه های مختلفی دارند. مدارسی که در گذشته محـدود بود در حـال توسـعه هسـتند؛ از همه مهم تر پروژه خاتم الانبیاست، زمینی که قبلا در دشت برچی در کنار جاده شـهید مزاری برای ساخت مدرسه، مسـجد، کلینک اختصاص داده شده بود، در زمان حیات شـهید مزاری سنگ تهداب این مجموعه گذاشـته شد، ولی بر اثر جنگ های داخلی این پروژه ناتمام ماند یا اصـلا شـروع به کار نکرد. پس از به وجود آمدن حکومت در افغانسـتان و حضور آیت الله محقق کابلی در کابل، سنگ بنای این مجموعه دوباره با اشتراک زعمای سیاسی شیعه گذاشته شـد و تولیت این مجموعه هم به حضـرت الله محقق سپرده شد، ولی کار ساخت و ساز چنانچه پیش بینی می شد پیش نرفت و کار ساخت مجموعه خاتم الانبیا بلاتکلیف است، ولی در پهلوی مجموعه خاتم الانبیا یک مسجد بزرگ در حال ساختن است که کارهایش در حال اتمام است. (۲)

شش) مساجد و تکایا

مهم ترین مساجد و تکیه خانه هایی که شیعیان در شهر کابل بنا کرده اند عبارتنداند از:

یک) مسـجد و تکیه خانه عمومی چنـداول که به همت آیت الله حجت بنا شـده است، نیز مساجـد و حسـینیه هایی که در دوره عبدالرحمان خان و نادر شاه و... متروک و به

ص:۲۶۶

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . نبی قانع زاده، کابل که من دیدم.

کاروانسرا و... تبدیل شده بودند، تعمیر و بازسازی کرد؛ از جمله آنها حسینیه مراد خانی، حسینیه قاضی شهاب، باغ علی مردان، کارته سخی و... است، وی پس از ترمیم و تعمیر آنها خود به هر یک از اماکن مقدسه رفت و مراسم مذهبی علنی برپا کرد:

«در کارته سخی ضمن تعمیر زیارتگاه معروف (سخی شاه مردان)، مسجد بزرگ و با شکوه حضرت را به صورت مستحکم و بنیادی آباد می کند و در علنی کردن مذهب شیعه به حدی از خود سرعت و جدیت نشان می دهد.» (۱)

بعد از اینکه زیارتگاه سخی را ترمیم و آباد کرد، مردم بسیاری از زمین های اطراف زیارتگاه را وقف این زیارتگاه کردند، البته به ابتکار آقای حجت، نام منطقه «علی آباد» و «شفاخانه علی آباد» به همین نام گذاشته شد و احداث گردید و اسم شفاخانه را «شفاخانه علی آباد» گذاشت. که این امر حکایت از علو فرهنگ مردم و احترام به شخصیت والای حضرت علی علیه السلام است. با بازسازی مجدد این بنا که قبلا دو گنبد کوچک داشت و در قسمت شرقی زیارت در دامنه کوه حدود پانصد متر دورتر از زیارت اتاق هایی برای زائرین احداث نمود، در سمت جنوبی زیارت، هم حدود پانصد متر دورتر از زیارت دروازه بزرگ و رودی و در سمت دروازه اتاق های برای زائرین و یک غسال خانه در سمت غربی زیارتگاه با فاصله پانصد متر و مسجد بزرگ بنام «حضرت علی علیه السلام » با محوطه بزرگ و مجهز به وضوخانه و...به سفارش آقای حجت احداث گردید و سرک (خیابان) ۱۲ متری از قسمت ورودی زیارتگاه به سرک ۳ کارته سخی متصل گردید و یکی دیگر از بناهای مقدس که توسط آقای حجت ایجاد گردید، «مسجد جامع» کارته سخی است که در نبش سرک ۳، کارته سخی قرار گرفته است. (۲)

دو) مسجد جامع جعفریه را که در چنداول قرار دارد، حجت الاسلام محمد باقر شیخ زاده اداره می کند.

سه) آقای تقدسی اداره مسجد آل البیت را برعهده دارد که در غرب کابل و قلعه شاده برپاست.

ص:۲۶۷

۱- (۱) . سید عبدالله المهدی، هفته نامه و حدت، ش۱۳۸، سال چهارم، پنجشنبه ۹ سرطان ۱۳۷۳، ص۹.

۲- (۲) . محمد سرور رجاء، احیاگر شیعه در افغانستان،ص ۱۴۰- ۱۴۳.

چهار) مسجد امام زمان علیه السلام را که در شمال کابل و در منطقه خیرخانه موقعیت دارد جمعی از شیعیان اداره می کنند.

پنج) مسجد امام خمینی«ره» که به همت آیت الله محقق کابلی بنا شده، در غرب کابل در منطقه برچی قرار گرفته است. این مسجد، محل اجتماع مومنان است و مراسم های بزرگ در آن برگزار می شود.

تکیه خانه: در واقع همان مکانی است که در ایران حسینیه خوانده می شود. بعضی کارکردهای مسجد از طریق تکیه خانه برآورده می شود، ولی کارکردهای اصلی تکیه خانه برگزاری مراسم عزاداری در ایام سوگواری، نیز برگزاری سخنرانی های مذهبی در روزهای جمعه و دیگر مناسبت های مذهبی است. تکایا بیشتر در شهرها مرسومند؛ اما در کوهستان ها و روستاها فقط مساجد وجود دارد. البته در بسیاری از مناطق روستایی به دلیل اهمیت منبر، مسجد را «منبر» می گویند، و به این ترتیب نام جزء را بر کل اطلاق می کنند. برخی از مهم ترین تکیه خانه های شهر کابل عبارت اند از: تکیه خانه عمومی چنداول، تکیه خانه فتح الله و تکیه خانه افشار. (۱)

شش) مسجد خاتم النبیین: آیت الله محسنی این بنا توسط آیت الله محسنی ساخته است.

تصویر شماره (۲۷) مسجد خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

ص:۲۶۸

۱- (۱) . محمد عزیز بختیاری، شیعیان افغانستان، ص۳۸۴-۳۸۵؛علی داد لعلی، سیری در هزاره جات، ص۳۴۳.

تصویر شماره (۲۸) مسجد سیدآباد قندوز

ص:۲۶۹

کتابنامه

الف) فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، انتشارات مدرسه امیرالمومنین علیه السلام .

۲. آقا نجفی قوچانی، محمدحسن، برگی از تاریخ معاصر، حیاه الاسلام فی احوال آیه الملک العلام، تصحیح: رمضان علی شاکری، تهران، هفت، ۱۳۷۸.

۳. آذرنوش آذرتاش، آداب و رسوم ملی ایران، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.

۴. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، تصحیح: مهیار خلیلی، تهران، علمی، بی تا.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ترجمه، حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، ترجمه پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، چاپ چهارم.

۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵.

۸. اخلاقی، محمداسحاق، هزاره ها در جریان تاریخ، قم، شرایع، ۱۳۸۰.

۹. اخوان، صفا، تاریخ شفاهی افغانستان، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، چاپ اول.

۱۰. ارزگانی، ملا افضل، مختصر المنقول در تاریخ هزاره مغول، به اهتمام رمضان علی محقق، قم، فرا نشر، بی تا.

۱۱. استرآبادی، محمدمهدی، جهانگشای نادری، تهران، بی نا، ۱۳۴۰.

۱۲. اسعدی، مرتضی، جهان اسلام، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

۱۳. اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، به اهتمام محمد کاظم امامی،تهران، دانشگاه تهران، بی تا.

۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، تحقیق: کاظم مظفر، قم، دار الکتاب للطباعه و النشر، ۱۳۸۵.

۱۵. اصفهانی، راغب، مفردات، قم، ذوی القربی،۱۴۲۳، چاپ دوم.

۱۶. افشار یزدی، محمود، افغان نامه، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار یزدی، ۱۳۵۹، ۱۹۸۰.

۱۷. امین، حسن، دایره المعارف الاسلامیه و الشیعیه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲، ۲۰۰۲، چاپ اول.

۱۸. امینی، محمدهادی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، تهران؛ ۱۴۱۳ق.

۱۹. انصاری، فاروق، اوضاع سیاسی اجتماعی جغرافیایی تاریخی قندهار، قم، مجلسی، ۱۳۸۰.

۲۰. انوشه، حسن و شریعتی، حفیظ الله، «سحر» افغانستان در غربت، تهران، نسیم بخارا، ۱۳۸۲، چاپ اول.

۲۱. انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی در افغانستان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، چاپ اول.

۲۲. باقی، عمیدالدین، کاوشی درباره روحانیت، قم، ۱۳۶۴، چاپ اول.

۲۳. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، زوّار، ۱۳۷۱.

۲۴. بخارایی، عبدالکریم، تاریخ و حکایات حکمرانان افغانی و بخارا، اسلامبول، ۱۲۴۶.

۲۵. بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، با راهنمایی محمود تقی زاده داوری، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۲۶. بخش فرهنگی جامعه روحانیت، مرجعیت، رمز بقای شیعه، قم، جامعه روحانیت،۱۴۷۴.

۲۷. برنال، جان، علم در تاریخ، ترجمه اسد پور و پیرانفر، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۴، چاپ اول.

۲۸. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر، تاریخ مذاهب اسلام، ترجمه محمد جواد مشکور، شاه آباد، شرقی، بی تا، چاپ سوم.

۲۹. بلبل، سید محمدکاظم، مرثیه سرایان افغانستان، به اهتمام: ع، عرفانی، تهران، موسسه تحقیقاتی، انتشاراتی و آموزشی انقلاب اسلامی افغانستان، ۱۳۷۵.

۳۰. بلخی، سید اسماعیل، دیوان بلخی، تهران، سید جمال الدین حسینی، ۱۳۶۸.

۳۱. پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، تهران، پیام امروز، ۱۳۷۸.

۳۲. تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، به اهتمام، محمد معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.

۳۳. ترکمان، اسکندربیگ، عالم آرای عباسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۰.

۳۴. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، بی تا.

۳۵. -، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد، دار المرتضی للنشر، ۱۳۶۴.

۳۶. تیمورخانوف، تاریخ ملی هزاره ها، ترجمه: عزیز طغیان، قم، اسماعیلیان،۱۳۷۲.

۳۷. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیه السلام ، قم، امام خمینی، ۱۳۸۲.

۳۸. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، قم، انصاریان، ۱۳۸۰.

۳۹. جمعی از نویسندگان، نجف کانون تشیع، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.

۴۰. جمعی از نویسندگان، جریان پرشتاب طالبان، مرکز مطالعات فرهنگی و بین المللی، نشرالمهدی، ۱۳۷۸.

۴۱. جمعی از نویسندگان، شورای ائتلاف، قم، ثقلین، چاپ امیر، ۱۳۷۸، چاپ اول.

۴۲. جوزجانی، قاضی منهاج سراج، طبقات ناصری (تاریخ اسلام و ایران)، به تصحیح و مقابله و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

۴۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغه، بیروت، دار العلم للملایین، الطبعه الرابعه، ۱۹۸۷.

۴۴. حبیب آبادی، میرزا محمدعلی، مکارم الآثار، اصفهان، اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲، ج۳.

۴۵. حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، افسون، ۱۳۸۰.

۴۶. –، تاریخ مختصر افغانستان، کابل، انجمن ادب و تاریخ، ۱۳۴۹.

۴۷. حداد عادل، غلام علی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.

۴۸. حدود العالم من المشرق الی المغرب، تصحیح: سید جلال الدین تهرانی، تهران، مطبعه مجلس،۱۳۵۲.

۴۹. حسینی، منشی محمود، تاریخ احمدشاهی، چاپ عکسی مسکو،۱۹۷۴م.

۵۰. حق جو، میرآقا، افغانستان و مداخلات خارجی، قم، مجلسی، ۱۳۸۰، چاپ اول.

۵۱. حکیمی، محمد رضا، هویت صنفی روحانیت، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.

۵۲. خسروشاهی، هادی، نهضت های اسلامی افغانستان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰.

۵۳. خوارزمی، ابی عبدالله محمد بن احمد، مفاتح العلوم، بی جا، بی نا، بی تا.

۵۴. دایره المعارف آریانا، کابل، انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۳۴.

۵۵. دایره المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، امیر کبیر، کتاب های حبیبی، ۱۳۸۰.

۵۶. دایره المعارف تشیع، زیر نظر جمعی از نویسندگان، تهران، شهید سعید مجتبی (۱۳۷۵-۱۳۷۲).

۵۷. لغتنامه، دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، گلشن،۱۳۴۱.

۵۸. دورانت، ویل، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهمی، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۱۶.

۵۹. دولت آبادی، بصیراحمد، شناسنامه افغانستان، قم، عرفان، ۱۳۸۲، چاپ دوم.

ص:۲۷۳

۶۰. –، شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان، قم، مولف، ۱۳۷۱.

۶۱. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۷۱.

۶۲. دیوان بیگی شیرازی، سیداحمد،حدیقه الشعرا، تحقیق: عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۴.

۶۳. رات جنز، کارل، افغانستان مروری بر نشست ما نهایم (مجموعه مقالات) ترجمه، سید محسن محسنیان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، چاپ اول.

۶۴. رازی، فریده، فرهنگ واژه های فارسی سده، تهران، مرکز، ۱۳۶۶، چاپ اول.

۶۵. رالنیتون، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرانگلیس، ۱۳۳۷.

۶۶. رجاء، محمد سرور، احیاگر شیعه در افغانستان، قم، افق فردا، ۱۳۸۲.

۶۷. رضوی غزنوی، علی، نثر دری افغانستان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.

۶۸. روآ، الیور و بریگو، آندره، جنگ افغانستان(دخالت شوروی و نهضت مقاومت)، ترجمه، ابوالحسن سرو قدمقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

۶۹. روآ، الیور، افغانستان، اسلام نوگرایی سیاسی، ترجمه ابوالحسن سرو قدم مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

۷۰. روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، تصحیح: دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، بی نا، ۱۳۵۷.

۷۱. ریاضی هدی، محمد حسن، گنجینه مرثیه سرایان افغانستان، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی،۱۳۷۵.

۷۲. ریاضی، محمد یوسف، عین الوقایع، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۹، چاپ اول.

۷۳. روشن، ضمیر، تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

۷۴. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان،۱۳۷۰، چاپ اول.

۷۵. سجادی، سیدعبدالقیوم، جامعه شناسی سیاسی افغانستان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

۷۶. سلجوقی، نصرالله، موسیقی و تئاتر در هرات، تهران، توس، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها،۱۳۸۳.

۷۷. سمیعی، کیوان، زندگانی سردار کابلی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۹.

۷۸. سیستانی، ملک شاه حسین، احیاء اللملوک، تصحیح: دکتر منوچهر، تهران، بی نا، ۱۳۴۴.

۷۹. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، سحر،۱۳۶۳.

۸۰. شرف الدین، سید حسین، تبیین جامعه شناختی مهریه، قم، امام خمینی، ۱۳۸۰.

۸۱. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، تهران، تنظیم نشر آثار، ۱۳۷۲.

۸۲. شفایی، حسین، زندانیان روحانیت تشیع افغانستان، قم، مولف، ۱۳۶۸.

۸۳. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۶.

۸۴. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوس۱۳۷۱.

۸۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷، چاپ دهم.

۸۶. طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، تصحیح: محمد علی کوشا، قم، روایان، ۱۳۷۹.

۸۷. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر،۱۳۶۲.

۸۸. ــ، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷.

۸۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۰۶، ۱۹۸۵م. ۱۳۶۴.

۹۰. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، اختیار المعرفه الرجل المعروف برجال کشی، تحقیق و تصحیح: محمدتقی فاضل مبیدی و سید ابوالفضل موسویان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

۹۱. عبدالرحمن خان، تاج التواریخ، کابل، میوند، بی تا.

۹۲. عبیدالله ابی القاسم معروف به ابن خردادبه، المسالک و الممالک، بی جا، بی نا، بی تا.

۹۳. عرفانی، ع. مرثیه سرایان افغانستان، تهران، سازمان انقلاب اسلامی افغانستان،۱۳۷۳، چاپ اول.

۹۴. علی آبادی، علی رضا، افغانستان، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

۹۵. عمری، علی بن ابی الغنائم، المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق: احمد المهدوی، قم، مکتبه آیه العظمی المرعشی و النجفی،۱۴۰۹.

۹۶. فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ هیجدهم، ۱۳۶۲.

۹۷. غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، تهران، مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری، ۱۳۶۶.

۹۸. غرجستانی، محمد عیسی، تاریخ نوین هزاره جات، پاکستان- کویته، شورای فرهنگی اسلامی افغانستان، ۱۳۶۶.

۹۹. فرخ، سید مهدی، تاریخ سیاسی افغانستان، نقد و تصحیح: کمیسون فرهنگی حزب وحدت اسلامی افغانستان، قم، احسانی، ۱۳۷۱.

۱۰۰. فرهنگ، سید محمد حسین، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، قم، امام خمینی، ۱۳۸۰.

۱۰۱. فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، محمد وفایی، ۱۳۷۴.

۱۰۲. فضایی، یوسف، بنیان های اجتماعی دین، تهران، چاپار، ۱۳۵۶، چاپ اول.

۱۰۳. فضل الله، رشیدالدین، جامع التواریخ، تصحیح: بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲.

۱۰۴. فوکوتساویوکیچی، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، ۱۳۷۹، چاپ دوم.

۱۰۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، الطبعه الاولی، ۱۹۹۱.

۱۰۶. قانون اساسی افغانستان «مسوده» افغانستان، کابل، ۱۳۸۲.

۱۰۷. قدسی، فضل الله، مشرق گل های فروزان، به اهتمام: قنبر علی تابش، کتابخانه تخصصی ادبیات، وابسته به دفتر آیت الله سیستانی، تابستان ۱۳۷۸، چاپ اول.

۱۰۸. قندهاری، طالب حسین، نگاهی به دیروز و امروز افغانستان، ایران، پیوند، ۱۳۶۳، چاپ اول.

۱۰۹. قیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵، چاپ اول.

۱۱۰. کاتب هزاره، ملا فیض محمد، نژادنامه افغان، به اهتمام عزیزالله رحیمی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۲.

۱۱۱. ــ، سراج التواریخ، ج۱ و ۲، تهران، بلخ، ۱۳۷۲.

۱۱۲. ــ، سراج التواریخ، ج۳، قم، نمونه، ۱۳۷۰.

۱۱۳. کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۱۴. کتاب آگاه، مجموعه مقالات درباره ایران و خاورمیانه، تهران، آگاه، ۱۳۶۳، چاپ اول.

۱۱۵. کمونه، حسین، سید عبدالرزاق، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله ، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

۱۱۶. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت،۱۳۸۲، چاپ اول.

۱۱۷. کورنا، لورل، افغانستان، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.

۱۱۸. کولمن، سایمون، واتسون، هلن، درآمدی بر انسان شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر سیمرغ، ۱۳۷۲.

۱۱۹. گرجی، ابوالقاسم، دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یار شاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۱۲۰. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار گردیزی، تصحیح: عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۴۷.

۱۲۱. گروه پژوهش سینا، افغانستان در سه دهه اخیر، قم، ثقلین، ۱۳۸۱.

۱۲۲. گلیفورد، مری لوئیس، سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

۱۲۳. لارنس، لاکهارت، انقراض سلسله صفویه استیلاـ افاغنه، ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۴۴.

۱۲۴. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، چاپ دوم.

۱۲۵. لعلی، علی داد، سیری در هزاره جات، قم؛ احسانی، ۱۳۷۲.

۱۲۶. محسنی، محمدآصف، شیعیان افغانستان چه می خواهند؟، پیشاور، ۱۳۶۱.

۱۲۷. محقق خراسانی، محمدعیسی، المؤلفون الافغانیون المعاصرون، نجف، نعمان، ۱۳۹۰.

ص:۲۷۶

۱۲۸. مدرس، میرزا عبدالرحمان،تاریخ علمای خراسان، مقدمه، تحشیه و تصحیح: محمد باقر ساعدی خراسانی، مشهد، دیانت، ۱۳۴۱.

۱۲۹. مدرس، میرزا محمدعلی، ریحانه الادب، تهران، خیام، ۱۳۷۴.

۱۳۰. مروی، محمدکاظم، تاریخ عالم آرای نادری، تصحیح: دکتر محمد امین ریاحی، بی جا،بی نا، ۱۳۶۴.

۱۳۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت، دارلاحیاء الثراث العربی، ۱۴۲۲،۲۰۰۲.

۱۳۲. فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱، چاپ هشتم.

۱۳۳. مغنیه، محمدجواد، شیعه فی المیزان، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹، چاپ چهارم.

۱۳۴. مفتخری، حسین، تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، تهران، سمت، ۱۳۸۰.

۱۳۵. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات،بیروت، دار المفید الطبعه الثانیه، ۱۹۹۳.

۱۳۶. مقدم، محمد، چهارشنبه سوری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۳۷. مقصودی، عبدالحسین، هزاره جات سرزمین محرومان، پاکستان - کویته، ۱۳۶۸.

۱۳۸. منزوی، احمد، فهرست کتب خطی کتابخانه گنج بخش تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

۱۳۹. موسسه رها، بررسی وضعیت اجتماعی زنان، کابل، ۱۳۸۳.

۱۴۰. موسوی، سیدعسکر، هزاره های افغانستان در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست، ترجمه اسدالله شفایی، تهران، نقش سیمرغ، ۱۳۷۹.

۱۴۱. موسوی(علیزاده)، سیدمهدی، افغانستان ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، قم، کیش مهر، ۱۳۸۱.

۱۴۲. میرخواند، روضه الصفا، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۳۹.

۱۴۳. میسن، چارلز، میر یزدان بخش، ترجمه محمد اکرم گیزابی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۲.

۱۴۴. ناصری داودی، عبدالمجید، تاریخ تشیع در افغانستان (از آغاز تا قرن هفتم)، قم، انتشارات بین المللی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، ۱۳۷۸، چاپ اول.

۱۴۵. –، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، امام خمینی، ۱۳۷۹، چاپ اول، ج۱.

۱۴۶. –، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، امام خمینی، ۱۳۸۰، چاپ اول، ج ۲.

۱۴۷. –، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۱، چاپ اول، ج ۳.

۱۴۸. نایل، حسین، سرزمین و رجال هزاره جات، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان،۱۳۷۹.

۱۴۹. –، یاد نامه کاتب، کابل، مطبعه دولتی، ۱۳۶۵.

۱۵۰. نظری، عبداللطیف، خوشنویسان افغانستان، قم، آرمان، ۱۳۷۸، چاپ اول.

۱۵۱. نفسیی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران، فروغی، ۱۳۶۳.

۱۵۲. –، در پیرامون تاریخ بیهقی (آثار گمشده ابوالفضل بیهقی و تاریخ غزنویان) تهران، فروغی، ۱۳۵۲.

۱۵۳. نهرو، جواهرلعل، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱.

۱۵۴. نیکلاس و دیگران، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، خش، ۱۳۷۰، چاپ دوم.

۱۵۵. نجفی، علی، روایت افتخار(تاریخچه مبارزات ابراهیم خان گاوسوار)، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۷.

۱۵۶. هروی، سیف بن محمد بن یعقوب، تاریخنامه هرات، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، اساطیر،۱۳۸۳، چاپ اول.

۱۵۷. هیل، استفن و دیگران، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویایی، تهران، خش، ۱۳۶۷، چاپ اول.

۱۵۸. هیمن، آنتی، افغانستان در زیر سلطه شوروی، ترجمه اسدالله طاهری، شباویز،چاپ صنوبر، ۱۳۶۴، چاپ اول.

۱۵۹. واصل، محمدنبی، مرثیه سرایان افغانستان، به اهتمام ع، عرفانی، تهران، موسسه تحقیقاتی، انتشاراتی، آموزشی فرهنگ انقلاب اسلامی افغانستان، ۱۳۷۵.

۱۶۰. واعظی، حمزه، افغانستان و سازه های ناقص هویت ملی، تهران، عرفان، ۱۳۸۱، چاپ اول.

۱۶۱. وامبری، آرمینیوس، سیاحت درویشی دورغین، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۱۶۲. یزدانی، حسین علی (حاج کاظم) پژوهشی در تاریخ هزاره ها،قم، مولف، ۱۳۷۲، ج ۱.

۱۶۳. ـ، پژوهشی در تاریخ هزاره ها، قم، مولف، ۱۳۷۳، ج ۲.

۱۶۴. ـ، دفاع هزاره ها از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، قم، احسانی، بی تا.

۱۶۵. ـ، تاریخ تشیع در افغانستان، مشهد، مولف، ۱۳۷۰.

۱۶۶. الیوت، تی. اس.، درباره فرهنگ، مترجم: حمید شاهرخ، تهران، مرکز، ۱۳۶۹، چاپ اول.

ب) روزنامه ها و مجلات

۱. روزنامه انیس، شماره ۴۳، کابل، مطبعه دولتی، ثور ۱۳۶۹.

۲. روزنامه کیهان، تهران، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۷۰.

۳. روزنامه هیواد، شماره ۱۳۱۴، کابل، مطبعه دولتی، ۳ قوس ۱۳۶۴.

۴. ماهنامه حبل الله، شماره۹۱، تهران، ارگان نشراتی سید جمال الدین.

۵. مجله آریانا، سال ۲۷ شماره ششم، کابل، ۱۳۶۰.

۶. مجله تاریخ اسلام، شماره های (۱۴۱- ۱۳۹) تهران، ۱۳۳۱.

۷. مجله خراسان، سال دوم، شماره دوم، حمل و جوزای ۱۳۶۱.

۸. مجله سراج،شماره (۲۷-۲۴-۱۹-۱۷-۱۶-۱۵-۵)، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۸۶ -۱۳۸۴-۱۳۸۱- ۱۳۷۷-۱۳۷۴).

ص:۲۷۸

۹. مجله جنگ غرجستان، شماره اول، کویته: ۱۳۶۱.

۱۰. مجله عرفان، شماره پنجم، کابل، ۱۳۴۷.

۱۱. هفته نامه و حدت، شماره های (۱۳۸- ۱۱۶-۱۱۳-۱۰۴)قم، حزب وحدت اسلامی افغانستان (۱۳۷۳- ۱۳۷۲).

۱۲. هفته نامه اقتدار ملی، سال سوم، شماره ۶۳، کابل، حزب اقتدار ملی،۱۳۸۳.

۱۳. فصلنامه فرهنگ خراسان، شماره ۴ و ۳، پاییزوزمستان، مشهد، ۱۳۸۰.

ج) منابع انگلیسی و پایگاه های اطلاع رسانی

۱. Richard F. Nyrop and Donald M. Seekins, Afghanistan a Country, Study Foreign Area Studies Of the American University,۱۹۸۵, Population (diqital Version), Op. Cit.

۲. Britannica Encyslopedia Deluxe ۲۰۰۳ CD.

۳. Britannica Encyslopedia ۲۰۰۲editin, CD.

۴. http://www.Countryreport.org.

۵. http://www.parliament.af.

۶. http://www.afqhan national assembly.af.

۷. http://www.qoftaman.com.

۸. http://www.hazaristan.org.

۹. http://www.nawaye-afqhanistan.net.

۱۰. http://www.motaleataf.org.

۱۱. http://www.armans.org.

۱۲. http://www.kabulnath.de.

۱۳. http://www.hawaz.net.

.۱۴ http://www.ariananet.com.

.۱۵ http://www.junbesh.net.

.۱۶ http://www.jame-qhor.com.

.۱۷ http://www.afqhan-wireless.com.

.۱۸ http://www.afqhanpaper.com.

.۱۹ http://www.fa.wikipedia.org.

.۲۰ http://www.mohsni.org.ir.

.۲۱ http://www.kabul press.org

.۲۲ http://www.shiaonline.net

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹